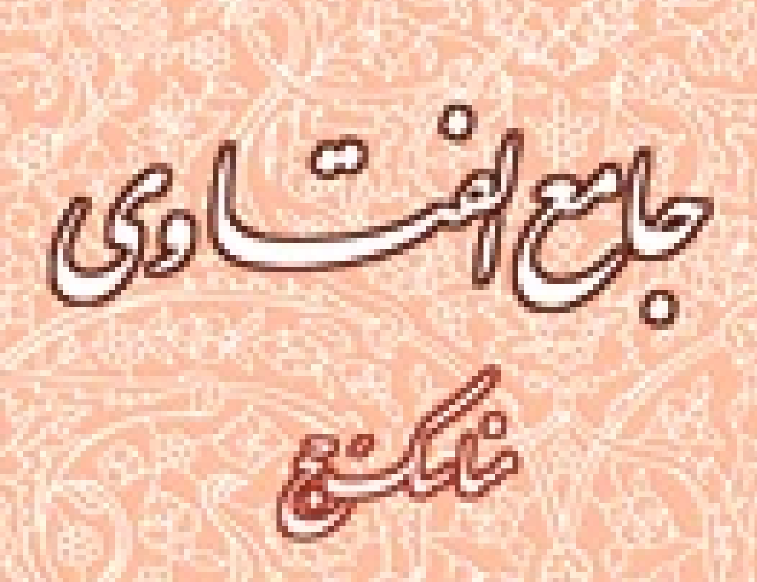




جامع الفتاوی

مناسک حج

مطابق با فتاوای دوازده تن از مراجع عظام تقلید

با تجدید نظر و اضافات

تنظیم


بسم الله الرحمن الرحیم

جامع الفتاوی مناسک حج

نویسنده:

مرتضی موسوی شاهرودی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جامع الفتاوی مناسک حج با روشی جدید مطابق بافتاوای ده تن از مراجع عظام تقلید

مشخصات کتاب

سرشناسه : موسوی شاهرودی مرتضی عنوان و نام پدیدآور : جامع الفتاوی مناسك حج با روشی جدید مطابق بافتاوای ده تن از مراجع عظام تقلید/ تهیه و تنظیم مرتضی موسوی شاهرودی مشخصات نشر : تهران : مشعر، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۲۳۶ ص نمونه شابك : ۹۶۴-۷۶۳۵-۹۶-۶۱۵۰۰۰ ریال :

یادداشت : فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا

عنوان دیگر : مناسك حج با روشی جدید مطابق با فتاوای ده تن از مراجع عظام تقلید

موضوع : حج موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/م۸۸۳ج۲ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : م۸۴-۳۳۵۳۳

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۰

ص: ۱۱

ص: ۱۲

پیشگفتار

ص: ۱۳

الحمد للّهو صلی اللّه تعالی علی محمد و آله الطاهرین لا سیما مولانا بقیهٔ اللّه عجل اللّه تعالی فرجه الشریف و ارواحنا له الفداه مناسک و احکام حج، در مقایسه با احکام سایر واجبات، ویژگی‌هایی دارد؛ از آن جمله، کثرت مسائل و پیدایش مسائل جدید آن است. ویژگی دیگرش آن است که بر هر انسان مکلّفی، تنها یک مرتبه در طول عمر واجب می‌شود و این خود به حساسیت این فریضه می‌افزاید. و از این‌رو است که معمولًا انگیزه و جوش و خروش زیادی برای فراگیری آن، در زمان نزدیک شدن حج، برای همه محسوس است.

بنابراین، حساس بودن خودِ مناسک حج و شرایط جنبی آن از سویی و اختلاف فتاوی از سوی دیگر و متعدد بودن مراجع تقلید از دیگر سوی، به مشکلات کار می‌افزود و باید اعتراف کرد که پاسخگویی مسائل به زائران توسط روحانیون محترم، بسیار مشکل بود؛ زیرا به دست آوردن فتاوای مراجع به جهت اختلاف آراء آنها، کاری دشوار می‌نمود، لیکن چاره‌ای جز این نبود و باید آن را تحمّل می‌کردند. این آرزوی همه عزیزان روحانی بود که این اشکالات به گونه‌ای رفع شود تا بهتر بتوانند پاسخگوی مردم باشند و آنان را، از سردرگمی که عمدتاً به خاطر نقل اختلاف فتاوی بود، برهانند. گرچه تهیه و تنظیم مناسک محشّای مراجع بزرگوار تقلید، منتشر شده توسط بعثه مقام معظم رهبری، گامی بزرگ در جهت آگاهی و آموزش فتاوای مراجع بزرگوار محسوب می‌گردد و لازم است در اینجا از همه آن عزیزان تقدیر و تشکر نمایم، لیکن با این همه، خود شاهد پاورقی‌های فراوان آن هستید!

ص: ۱۴

به هر حال، حل این مشکل آرزویی بود که سالها در ذهن خود می‌پروراندم تا اینکه راههای مختلفی به ذهنم رسید که شاید بیشتر یا همه آن راه‌ها به ذهن همه عزیزان روحانی نیز رسیده باشد ولی پیداست که باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد که از نظر فتاوای مراجع نیز به مشکل برخورد نکند.

با مطالعه دقیق مناسک حج سرانجام به این نتیجه رسیدم که اگر بتوانیم احتیاطات را از مناسک جدا کنیم و تنها فتاوی را در اختیار قرار دهیم، که با این کار شاید بیش از نیمی از راه را پیموده باشیم. فلذا این شیوه را با بعضی از بزرگواران آشنا به مسائل و اهل فن، مطرح نمودم که آنها نیز معتقد بودند از نظر عملی کار مشکلی است و پیگیری لازم دارد، ولی اگر به نتیجه برسد، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

با استعانت از خداوند، چند نفر از فضلا را دعوت به همکاری نمودم، آنها نیز با داشتن مشاغل زیاد درسی، بذل محبّت کرده، آماده همکاری شدند که بدین وسیله با ذکر نام آنها از همه این عزیزان تقدیر و تشکر می‌نمایم:

حجج‌اسلام آقایان مسیح اللَّه‌آصفی، قدیر علی شمس، محمد عسکری و رضا محققیان.

جزوه حاضر که با تلاش فراوان این عزیزان به انجام رسید، دارای ویژگی‌های زیر است. امیدوارم مورد توجّه و عنایت امام زمان قرار گیرد.

؟؟؟ صلی الله علیه و آله و سلم روف الفب الحمد لله؟؟؟ ۱- مطابق است با فتاوای ده نفر از مراجع بزرگوار تقلید که عبارتند از: مرحوم امام خمینی قدس سره، مرحوم حضرت آیهٔ‌اللَّه العظمی خوئی و مرحوم آیهٔ اللَّه العظمی گلپایگانی (قدس اللَّه اسرارهم) و حضرات آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی، خامنه‌ای و مکارم شیرازی (متع اللَّه المسلمین بطول بقائهم الشریف).

۲- در این جزوه احتیاط واجب با توجّه به اینکه قابل رجوع به فتوای فالأعلم است، جمع آوری شده و فتوای مشهور بین این ده مرجع ذکر شده است؛ زیرا یا فتوا در مسأله دارند یا احتیاطی که قابل رجوع به فتوی است. بنابراین، مقلدین مراجع فوق‌الذکر می‌توانند به متن این جزوه با ملاحظه پاورقی عمل نمایند یا از جهت اینکه فتوای مرجع

ص: ۱۵

تقلید آنان است و یا از این جهت که مرجع تقلید آنان در مسأله فتوا ندارد و احتیاط کرده.

و متن موجود فتوای مرجعی است که مقلّد آنان می‌تواند به آن عمل نماید.

۳- عبارت متن مطابق است با فتوای اکثر مراجع فوق و چنانچه هرکدام از این بزرگواران فتوا به خلاف داشته باشند در پاورقی آمده است.

۴- در مواردی اندک، احتیاط در مسأله ذکر شده و این به خاطر آن است که فتوا در مسأله نبوده و همه احتیاط فرموده‌اند.

۵- اگر در مسأله‌ای دو فتوای مختلف بوده و بعضی نیز احتیاط کرده‌اند، فتوای اکثر با ارجاع احتیاط به آن در متن و تنها فتوای دیگر در پاورقی آورده شده، جز آنکه اختلاف میان اقلیّت و اکثریت کم باشد، که در این صورت فتوای مطابق احتیاط در متن آورده شده است.

۶- مسائلی که در بخش مسائل متفرقه و استفتاءات مناسک منتشر شده، از سوی بعثه مقام معظم رهبری آمده، در اینجا به جای مناسب خود و استفتاءات جزئی به صورت مسائل کلّی به هر قسمتی منتقل شده است.

۷- در مواردی که بعضی از مراجع عظام متعرّض فرعی شده‌اند و دیگران متعرّض نبوده‌اند، آن فرع از دیگران نیز استفتا شده و نظر آنان هم منعکس گردیده که این خود باعث تکمیل جزوه و تقلیل بعضی پاورقی‌ها شده است.

۸- در فهرست و ترتیب محرمات احرام تغییراتی داده شده؛ مثلًا مسائل صید که کمتر مورد ابتلا است، در آخر و مسائل مربوط به روابط زن و مرد، به جهت برخی ملاحظات، در ابتدای محرمات آورده نشده است.

در پایان از سرورانی که با راهنمایی‌های خود، در هرچه بهتر شدن این مجموعه ما را یاری نمودند خصوصاً از جناب مستطاب عماد الاخیار آقای حاج سیّداحمد موسوی که در به ثمر رسیدن این اثر سهم بسزائی داشتند کمال تشکر و قدردانی را دارم و امیدوارم بخشی از مشکلات، با مراجعه به این جزوه حل گردد.

در خاتمه ثمره همه این تلاش‌ها را به پیشگاه باعظمت قطب عالم امکان امام زمان (عج) تقدیم نموده، عرض می‌کنیم أیّها العزیز مسّنا واهلنا الضر وجئنا ببضاعة

ص: ۱۶

مزجاة فاوف لنا الکیل وتصدّق علینا ان اللّه یجزی المتصدّقین وآخر دعوانا ان الحمد للّه‌رب العالمین.

و السلام علیکم و رحمهٔ اللّه وبرکاته

سیّد مرتضی موسوی شاهرودی

نیمه شعبان المعظّم ۱۴۲۶ هجری قمری

مقدمه چاپ دوّم

ص: ۱۷

با سپاس فراوان از درگاه ایزد منان برای توفیق تدوین رساله بدیع «جامع الفتاوی»، که به اذعان اهل پژوهش، گامی بلند در دستیابی آسان به احکام و مناسک حج و زیارت به شمار می‌آید، دیگر بار بر آن شدیم تا با مداقه‌ای بیشتر به تکمیل آن بپردازیم.

ضمن بازنگری مجدد و مطابقت با فتاوای جدید مراجع عظام تقلید، نظر عزیزانِ اهل دقت و تحقیق را به ویژگی چاپ جدید معطوف می‌داریم:

* در مسائلی که بعضی مراجع عظام فتوی داده‌اند و بعضی احتیاط نموده‌اند، ولی فتوی به خلاف آن وجود ندارد، این نوع احتیاطات در متن کتاب به فتوای مشهور ارجاع داده شده و دیگر نامی از آن برده نشده است.

* در مسائلی که دو فتوای مخالف یکدیگر وجود دارد و بعضی از مراجع عظام، احتیاط کرده‌اند و شیوه کتاب بر آن بوده که فتوای مشهور در متن و فتوای به خلاف، در حاشیه آمده و احتیاطات در متن ارجاع داده شده و دیگر نامی از آن برده نشده بود، در پژوهش جدید این گونه موارد احتیاطات نیز به‌صورت «*» علامتگذاری و در آخر کتاب آورده شده است تا کسانی که می‌خواهند بدانند مرجع تقلیدشان فتوی دارد یا احتیاط، با شناخت احتیاط مرجع تقلیدشان، به فالأعلم مورد نظر خود مراجعه نمایند.

ص: ۱۸

در پایان بار دیگر از تمامی همکاران و کسانی که مشوق ما بوده‌اند و در مقدمه نخست از آنها یاد کردیم اکنون نیز برای قبول زحمت مکررشان تقدیر و تشکر می‌کنیم.

والسلام علیکم و علی من اتبع الهدی

مقدّمه

ص: ۱۹

حجّ از واجبات مهمّ دین مبین اسلام است بلکه از ضروریات آن است و ترک آن از گناهان کبیره است.

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعالَمِينَ. (۱)

ترجمه: برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند. آنهائی که توانائی رفتن سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزید (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده) خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.

و همچنین مرحوم شیخ کلینی در روایت معتبری از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرموده است هر کس از دنیا برود و حجهٔ الاسلام بجا نیاورد بدون این که او را حاجتی ضروری باشد یا بجهت بیمار شدن از آن باز بماند یا آنکه پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید چنین کسی در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت.

نظر به این که این مناسک برای فارسی زبانان می‌باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است به بیان احکام آنها اکتفا شده است.

این کتاب در سه بخش و چند فصل تنظیم گردیده است و قبل از بیان واجبات و مناسک، مسائلی‌مربوط به وجوب حج و برخی مسائل نیابت و وصیت به حج، ذکر می گردد.

۱- ۱. آل عمران ۹۷.

ص: ۲۰

بخش اوّل: وجوب حج

فصل اوّل: «شرائط وجوب حجهٔ الاسلام»

اشاره

ص: ۲۱

بخش اوّل: وجوب حجّ

ص: ۲۲

ص: ۲۳

مسأله ۱- حج در شریعت اسلام در تمام عمر بیش از یک مرتبه بر شخص مستطیع واجب نمی گردد و به این حج حجهٔ الاسلام می گویند.

مسأله ۲- وجوب حج بر شخص مستطیع فوری (۱) است، یعنی واجب است در سال اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست (۲) و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین ...

فصل اوّل: «شرائط وجوب حجهٔ الاسلام»

با چند شرط حج واجب می‌شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست:

اول و دوم: بلوغ و عقل، پس بر کودك و کسی که وقت انجام اعمال حج دیوانه است، حج واجب نیست.

۱- ۱ آیهٔ اللّه سیستانی: عقلًا و از باب احتیاط تا منجر به ترك واجب نگردد و لذا اگر مطمئن نیست که‌بعداً می‌تواند بیاورد و حج را تأخیر انداخت و موفق به انجام آن شد تجرّی نموده و اگر موفق نشد مرتکب گناه بزرگی شده است.

۲- ۲. بلکه بنا بر فتوای جماعتی از مراجع عظام از گناهان کبیره است.

ص: ۲۴

مسأله ۳- اگر غیر بالغ حج بجا آورد صحیح است هر چند از حجهٔ الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسأله ۴- اگر کودک نابالغ قبل از محرم شدن در میقات بالغ شود چنانچه از همانجا مستطیع باشد باید حج بجا آورد و حج او حجهٔ الاسلام است.

مسأله ۵- اگر کودک ممیز برای حج محرم شود و در وقت درک مشعر الحرام (۱) بالغ باشد. از حجهٔ الاسلام کفایت می‌کند (۲) و همچنین اگر مجنون قبل از درک مشعرالحرام عاقل شود. (۳)*

مسأله ۶- کسی که گمان کرده بالغ نشده و لکن به قصد انجام حجی که فعلًا خداوند متعال از او خواسته حج بجا آورد حج او از حجهٔ الاسلام کفایت می‌کند هر چند تصور نموده که این حج استحبابی است.

مسأله ۷- اگر شخصی بعد از احرام عمره تمتع یا حج دیوانه شود لازم نیست که همراهان او به‌نحوی اعمال باقی مانده او را تکمیل کنند و آن شخص در احرام باقی می‌ماند. (۴)

«حجّ کودک»

مسأله ۸- بر ولیّ واجب نیست کودکی را که همراه خود به مکه می‌برد برای حج یا

۱- ۱ آیهٔ اللَّه بهجت: کفایت ادراک آنچه با آن حج ادراک می‌شود اگر چه اضطراری مشعر باشد با انجام‌واجب از اضطراری عرفه، خالی از وجه نیست.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه بهجت: با وجود سایر شرایط و استطاعت از زمان بلوغ بمقدار انجام باقی واجبات حج.

آیات عظام گلپایگانی، صافی، خوئی و تبریزی: از حجهٔ الاسلام کفایت نمی‌کند در مناسک آیهٔ اللَّه خوئی و آیهٔ اللَّه تبریزی تفصیلی است که برای اطلاع به مناسک آنها مراجعه شود.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر مجنون قبل از فوت زمان عمره تمتع عاقل شود، بر فرض استطاعت محرم شده و اعمال را انجام می‌دهد و در غیر این فرض اتمام حج بر او واجب نیست.

۴- ۴ آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: احرام و حج او باطل است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر احتمال بهبودی و درک وقوفین در او نیست، نیازی به نیابت نیست، و حج و احرام او باطل است.

ص: ۲۵

عمره محرم کنـد، ولیّ اگر او را محرم کرد بایـد وظائف و اعمال را مطابق آنچه در مناسک ذکر شـده انجام دهد. وگرنه در بعضـی صور، طفل در احرام باقی می‌ماند و تا تدارک نکند نمی‌تواند ازدواج نماید.

مسأله ۹- انجام حـج برای کودک ممیّز مستحب وصحیح است اگر چه ولیّ او اذن ندهـد. (۱)* البته برای تصرف در اموالش اذن ولیّ لازم است.

مسأله ۱۰- مستحب‌است ولیّ کودک غیرممیّز اورامحرم کنـدبه این صورت که لباس احرام به او بپوشانـد و نیت کند که این طفل را محرم می کنم برای حـج، یـا این طفـل را معتمر میکنم به عمره تمتع و اگر می‌شود تلبیه را به او تلقین کنـد و الّـا خودش به عوض او بگوید.

مسأله ۱۱- قـدر متیقن از ولیّ در این امر نسبت به کودک غیر ممیز ولیّ شـرعی است ماننـد پـدر یا جدّ و مادر نیز در اینجا ملحق به ولیّ شرعی است. (۲)

مسأله ۱۲- بعـد از آنکه کودک محرم شـد یـا او را محرم کردنـد بایـد ولیّ، او را از محرمات احرام باز دارد و اگر ممیز نیست خود ولیّ او را از محرمات حفظ کند. (۳)

مسأله ۱۳- بعـد از این که کودک محرم شـد، اگر محرمـات احرام را به جـا آورد یا ولیّ، او را از آنها باز نـداشت کفّاره نـدارد (۴) مگر در صید که کفّاره بر ولیّ است. (۵)*

مسأله ۱۴- گوسفند قربانی کودک (۶) بر عهده ولیّ اوست. (۷)

۱- ۱. آیهٔ اللَّه سیستانی: بعید نیست که در صحت آن اذن ولی معتبر باشد.

۲- ۲. در غیر ولیّ شرعی و همچنین غیر ما در نظر مراجع عظام مختلف است.

۳- ۳. آیات عظام خوئی، سیستانی، بهجت: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: این حکم در مورد احجاج صبی است.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه بهجت: فداء صید مولیّ علیه بر ولیّ است که با مباشرت او عمل مولی علیه صحیح است و کفاره موجب هدی بر ولی است در آنچه عمد و خطا کفاره دارد بلکه در آنچه عمد فقط کفاره دارد و کودک عمداً مرتکب شد ثبوت کفاره بر ولی که سبب است خالی از وجه نیست.

۵- ۵. آیات‌عظام خوئی، سیستانی، بهجت: ثبوت کفّاره در صید مختص‌به‌احجاج کودک غیر ممیز است.

۶- ۶. آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی، بهجت: غیر ممیز.

۷- ۷. در فرض عدم تمکن ولیّ از قربانی برخی از مراجع عظام تفصیلی دارند که برای اطلاع به مناسک آنها مراجعه شود.

ص: ۲۶

مسأله ۱۵- بر ولیّ کودک لازم است او را وادار کند تا تمام اعمال حج و عمره را بجا آورد. (۱)

سوم: حرّیت که به دلیل عدم ابتلاء غالب مردم از توضیح آن صرف نظر شد.

چهارم: استطاعت از جهت مال و صحت بدن و توانائی و باز بودن راه، آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن.

«استطاعت مالی»

مسأله ۱۶- استطاعت از جهت مال یعنی داشتن هزینه‌های سفر از جمله هزینه رفت و برگشت (۲) تا جائی که قصد بازگشتن به آنجا را دارد و کافی است مالی داشته باشد که بتواند با آن هزینه‌های مذکور را تأمین کند.

مسأله ۱۷- شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، داشتن ضروریات زندگی (۳) و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد، مثل خانه مسکونی خواه ملکی باشد یا اجاره‌ای که با شؤون او سازگار باشد و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن، در حدی که مناسب با شأن او باشد. (۴) و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها

۱- ۱. آیهٔ اللَّه بهجت: و در تمام افعال آنچه در غیر نیّت می‌تواند انجام دهد، ولیّ متصدّی نیّت می‌شود.

۲- ۲. آیـهٔ اللَّه بهجت: هرگاه کسـی هزینه حج را در اختیار نداشـته باشد، ولی وضع او بگونه‌ای است که دربین راه یا مثلًا خود مکه معظمه با شغلی که در شأن اوست، می‌تواند آن را تهیه نماید بنابر اظهر، حج بر او واجب می‌شود، و همچنین است اگر از کسی‌طلبی دارد که در راه یا در مقصد، وصول می‌شود.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، خوئی: داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلّف قصد بازگشت به وطن خود یا جائی که دورتر از وطن نباشد را داشته باشد ولی اگر قصد رفتن بجائی دورتر از وطن خود را داشته باشد، داشتن هزینه برگشت به وطن کافی است البته مقصود جایی است که از نرفتن به آنجا به حرج نمی‌افتد.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه بهجت: ضرورت شخصیه یا شأنیه.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه سیستانی و آیهٔ اللَّه صافی: ... و نداشتن آن موجب حرج باشد.

ص: ۲۷

را تهیه کند، داشته باشد.

مسأله ۱۸- کسی که استطاعت مالی ندارد اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج‌صرف کند از حجهًْالاسلام کفایت نمی‌کند. (۱)

مسأله ۱۹- اگر ترک ازدواج موجب مشقّت (۲) یا ناراحتی در زنـدگی وی (۳) شود در صورتی شخص مستطیع است که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد. (۴)

مسأله ۲۰- کسی که از دیگری طلب دارد و بقیه شرائط استطاعت را نیز دارا است در موارد ذیل مستطیع است و باید به حج برود:

۱) اگر وقت‌طلب او رسیده یاحالّ است ومی‌تواند بدون‌واقع‌شدن درحرج‌و مشقت از راه مشروعی طلب خود را وصول کند در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

۲) اگر وقت طلب او نرسیده ولی مدیون خود می‌خواهد بدهی اش را بپردازد یا با مطالبه حاضر به پرداخت می‌شود و در مطالبه محذوری ندارد. (۵)

۱- ۱. آیهًْ اللَّه خوئی: به پاورقی مسأله بعد مراجعه شود.

۲- ۲. آیهًْ اللَّه خامنه‌ای: اگر ترک ازدواج موجب مشقت غیر قابل تحمل یا موجب حرام و یا وهن او باشد.

آیهًْ اللَّه گلپایگانی و آیهًْ اللَّه صافی: اگر مستلزم حرج باشد، بنحوی که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

۳- ۳. امام خمینی، آیهًْ اللَّه مکارم: کافی است به ازدواج نیاز داشته باشد و مطابق شأن او باشد.

۴- ۴. آیـهًْ اللَّه بهجت: اگر در ترک نکاح مشقت غیر قابل تحمّل به حسب عادت بود یا خوف مرض یا خوف وقوع در حرام بود، اظهر جواز صرف در نکاح است و همچنین اگر قبل از رسیدن وقت سیر کاروان حج، صرف در نکاح کند. اما بعد از رسیدن وقت سیر نمی‌تواند صرف در نکاح نماید، به نحوی که متمکّن از حج در آن سال نمی‌شود نه در صورت تمکن از جمع بین آن دو. کتاب حج، ص ۱۲.

آیهًْ اللَّه خوئی: بلی اگر قصد داشته باشد که آن مال را در نیاز خود صرف نکند حج بر او واجب می‌شود.

۵- ۵. امام خمینی، آیـهًْ اللَّه سیستانی، آیـهًْ اللَّه خامنه‌ای: اگر خود نمی‌خواهد بپردازد مطالبه در این فرض لازم نیست و شخص مستطیع نمی‌باشد آیهًْ اللَّه سیستانی اضافه فرمودند: اگر مهلت داشتن قرض به نفع بدهکار باشد چنانکه معمولًا چنین است.

ص: ۲۸

۳) هر گاه بتواند طلب خود را به دیگران بفروشد، بمقداری که پول آن ولو با ضمیمه سایر اموالش وافی به حج باشد و در این کار مشقتی (۱) بر او نیست.

مسأله ۲۱- استطاعت به قرض حاصل نمی‌شود (۲) مگر آنکه (۳) قدرت پرداخت آن را بدون مشقت بعد از حج داشته باشد.

مسأله ۲۲- بدهی مدت‌داری که اطمینان از ادای آن در وقتش هست مانع استطاعت نیست و نیز دَینی که وقت اداء آن رسیده لکن طلبکار راضی به تأخیر آنست و در غیر این دو صورت حج واجب نیست. (۴)

مسأله ۲۳- داشتن پول قربانی در تحقق استطاعت شرط نیست (۵) بنابراین کسی که سایر مخارج حج را دارد مستطیع می‌باشد و بجای قربانی روزه می‌گیرد.

مسأله ۲۴- کسی که خمس و زکات بر مالش یا بر ذمه‌اش تعلّق گرفته است (۶) در

۱- ۱. آیهٔ اللَّه سیستانی: اجحافی در حق او نباشد.

آیهٔ اللَّه فاضل: یا ضرری.

۲- ۲. امام خمینی، آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه مکارم: هر چند بتواند بعداً بسهولت پرداخت کند.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه بهجت: مگر آنکه در وقت قرض گرفتن مالی داشته باشد که بتواند با فروش آن قرض خود را ادا نماید.

آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر آنکه وقت پرداخت قرض آنقدر دور باشد که اصلًا عقلًا به آن توجه نکنند.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه خوئی: بلی اگر دین خود را ادا نکند حج بر او واجب است و به هر حال اگر چنین فردی حج بجا آورد مجزی از حجهٔ‌الاسلام می‌باشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر بدهی به مقداری باشد که اگر مقدار قرض برداشته شود باقی‌مانده آن وافی به هزینه حج نباشد حج واجب نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: یعنی مخیر است بین انجام حج و اداء دین و در صورت انجام حج کفایت از حجهٔ الاسلام می‌کند.

۵- ۵. آیات عظام خوئی، فاضل، گلپایگانی، صافی: شرط می‌باشد.

۶- ۶. آیهٔ اللَّه بهجت: یا کفاره یا نذر.

ص: ۲۹

صورتی مستطیع است که علاوه بر آن مقدار مخارج حج را نیز داشته باشد. (۱)

مسأله ۲۵- تحصیل مقدماتی که سفر حج متوقف بر آنهاست مانند تهیه گذرنامه، ویزا، ودیعه و مانند اینها واجب است و هزینه این امور جزء استطاعت می‌باشد بنابراین اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست.

مسأله ۲۶- بالا- بودن هزینه‌های سفر حج مانند اجرت ماشین و هواپیما و قیمت اجناس در سال استطاعت دلیل بر جواز تأخیر حج نمی‌شود (۲) و باید در همان سال استطاعت به حج برود مگر (۳) آنکه به قدری بالا باشد که موجب حرج و مشقت در زندگانی شود. (۴)

مسأله ۲۷- اگر شخصی زاید بر ضروریات زندگی و نیازهای معیشت، مالی دارد که می‌تواند با فروش آن مصارف حج را تأمین کند مستطیع است و باید حج برود هر چند که بواسطه‌ی نداشتن مشتری به کمتر از قیمت معمولی بفروشد مگر این که فروش به این نحو موجب حرج و مشقت (۵) برای او شود (۶).

مسأله ۲۸- اگر شک کند مالی که دارد به اندازه استطاعت است یا نه واجب است که تحقیق کند و فرقی نیست در وجوب تحقیق، میان آن‌که مقدار مال خود یا مقدار مخارج

۱- ۱. آیات عظام گلپایگانی، خوئی، تبریزی، صافی: حکم سایر دیون را دارد، الا این که عین مال متعلق خمس و زکات باشد که مقدم بر سایر دیون است.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه بهجت: اگر به حدّ غیر عقلائی نرسد.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه گلپایگانی: مگر آنکه ضرر به نحوی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه مکارم: به طوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

۵- ۵. آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه تبریزی: یا موجب ضرر عمده‌ای شود.

آیات عظام سیستانی، گلپایگانی، صافی: یا اجحاف در حق او باشد. آیهٔ اللَّه صافی و آیهٔ اللَّه گلپایگانی اضافه فرمودند: اجحاف و ضرر بحدّی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

آیهٔ اللَّه بهجت: یا ضرر.

۶- ۶. آیهٔ اللَّه مکارم: بطوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

ص: ۳۰

حج را نداند. (۱)

مسأله ۲۹- اگر اعتقاد دارد که مستطیع نیست و به قصد انجام وظیفه‌ای که فعلًا دارد حج بجا آورد و بعد از اعمال یا در اثنای آن معلوم شود مستطیع بوده حج او صحیح و کفایت از حجهٔ الاسلام می‌کند هر چند تصور می‌کرده حجش استحبابی است.

مسأله ۳۰- کسی که در راه حج برای خدمت اجیر شود، به اجرتی که با آن مستطیع میشود حج بر او واجب می‌شود هر چند اجیر شدن بر او واجب نبوده، ولی بعد از آن مستطیع می‌شود و باید حج بجا آورد.

مسأله ۳۱- کسی که برای حج نیابی اجیر شد و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرد، سه صورت دارد:

اول: برای همان سال اجیر شده و استطاعت به سبب اجاره حاصل شده باشد که در این صورت باید حج نیابی را بجا آورد و چنانچه استطاعت او باقی ماند حج خودش را در سال بعد انجام دهد. لکن اگر برای خودش حج به جا آورد حج او صحیح است ولی به خاطر مخالفت با اجاره معصیت کرده است.

دوم: برای همان سال اجیر شده و استطاعت از راه دیگری حاصل شده. (۲) در این صورت اجاره باطل است. (۳) و باید برای خودش حج انجام دهد.

سوم: اجاره مقید به سال معینی نبوده و بعد از آن استطاعت مالی پیدا کرد که باید حج خود را مقدم بدارد. (۴) حتی اگر استطاعت به سبب مال الاجاره حاصل شده باشد. (۵)

۱- ۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: لازم نیست فحص و تحقیق کند.

۲- ۲. آیات عظام امام خمینی، فاضل، مکارم، بهجت: حکم صورت قبل اول را دارد.

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این که وثوق داشته باشد که در سال آینده می‌تواند برای خود حج بجا بیاورد که در این صورت اجاره صحیح است و باید به مقتضای آن عمل نماید.

۴- ۴. آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این که اطمینان داشته باشد که می‌تواند در سالهای آینده حج خود را انجام دهد که در این‌صورت واجب نیست حج خود را مقدم بدارد.

۵- ۵. آیهٔ اللّه تبریزی: اگر بر او محرز باشد که می‌تواند حج نیابتی را در سالهای بعد انجام دهد و الا باید حج نیابی را مقدم بدارد.

ص: ۳۱

مسأله ۳۲- شرط است در استطاعت که مخارج عائله‌اش را تا برگشت از حج، داشته باشد هر چند عائله واجب‌النفقه او نباشند. (۱)*

مسأله ۳۳- کسی که واجد شرائط حج باشد و فرزند و نوه‌ای دارد که نیاز به همسر دارد که اگر ازدواج نکند به حرام می‌افتد حج خودش مقدم است مگر این که ازدواج‌شان از مخارج عرفی (۲) او محسوب شود و ترک تزویج آنها برای این شخص حرجی باشد. (۳) و با صرف مال نتواند هم برای او همسر بگیرد و هم حج برود در این صورت حج بر او واجب نیست.

مسأله ۳۴- با وجوه شرعیه، مثل سهم امام علیه السلام و سهم سادات و منافع آنها شخص مستطیع می‌شود (۴) واگر حج بجا آورد کفایت از حجهٔ الاسلام می کند.

مسأله ۳۵- شرط است در استطاعت، رجوع به کفایت یعنی به واسطه رفتن به حج فقیر یا فقیرتر از قبل نگردد بنابراین اگر وضع زندگی او بواسطه رفتن به حج تفاوتی نکند حج بر او واجب می‌شود. (۵)

۱- ۱. آیات عظام تبریزی، خوئی، سیستانی: داشتن مخارج عائله غیر واجب النفقه شرعی شرط نیست مگر این که با ترک انفاق بر آنها خودش به حرج بیفتد.

آیهٔ اللَّه صافی و آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و عرفاً ملتزم به پرداخت نفقه آنها شده باشد، مثل خواهر و برادر.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: ایشان قید مخارج عرفی را ندارند.

۳- ۳. آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه‌ای، مکارم: قید حرج را ذکر نکرده‌اند.

۴- ۴. امام خمینی: با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سادات مستطیع نمی‌شود ولی با منافع آن مستطیع می‌شود.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: در صورتی که بعد از حج زندگی او ولو از وجوه شرعیه اداره شود مستطیع است.

آیهٔ اللَّه فاضل: چنانچه به عنوان شهریه یا از روی استحقاق و خدمات دینی از طریق حاکم شرع به او داده شده، مالک می‌شود و اگر به مقدار حج باشد مستطیع است و باید حجهٔالاسلام بجا آورد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر سهم امام از سوی حاکم شرع به او تملیک شده باشد.

۵- ۵. آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای: بلکه پس از بازگشت برای زندگی به شدت و حرج نیفتد ولو این که قدرت بر کسب و کاری داشته باشد که لایق شأنش باشد. امام خمینی قدس سره اضافه فرمودند: و تأمین زندگی از وجوه شرعیه مثل خمس و زکات کافی نیست و در این جهت فرقی نیست که تمام زندگی از وجوه شرعیه باشد یا بعض آن.

ص: ۳۲

مسأله ۳۶- زن اگر شوهرش از دنیا رفته است، نمی‌تواند مخارج حج را از اموال اطفال صغیر خود بردارد و در صورتی که سهم ارث خودش برای حج کافی بوده و سایر شرائط را دارد مستطیع است و باید حج بجاآورد.

مسأله ۳۷- اگر چند نفر در مالی شریک باشند در صورتی که سهم هر کدام وافی به هزینه‌های حج باشد او مستطیع است با داشتن سایر شرائط استطاعت مانند پدری که با فرزندانش درآمدشان را یکجا ریخته و خرجشان را از آن بر می‌دارند بنابراین اگر مجموع سهام وافی به حج بعض شرکاء باشد هیچکدام مستطیع نیستند.

مسأله ۳۸- کسی که سرمایه یا ابزار کاری دارد که اگر مقداری از آن را که وافی به هزینه‌های حج است بفروشد می‌تواند با باقیمانده آن بدون زحمت زندگی کند از نظر مالی مستطیع است. (۱)

مسأله ۳۹- کسی که ملکی دارد که قیمت آن وافی به هزینه‌های حج است و الآن ملك درآمد ندارد لکن صاحب آن اطمینان دارد که وقتی ملك درآمد پیدا کند او هم از کار افتاده شده و باید از درآمد آن امرار معاش کند و به غیر از آن درآمد دیگری نخواهد داشت مستطیع نیست.

مسأله ۴۰- اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزانتر بخرد و با تفاوت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زاید بر شؤون او نباشد (۲) لازم نیست آن را بفروشد (۳) و با این فرض مستطیع نیست و اگر زائد بر شؤون او باشد، با وجود سایر شرائط، مستطیع است. (۴)

۱- ۱. آیهٔ اللّه مکارم: در صورتی که فروختن آن مخالف شؤون او نباشد.

۲- ۲. آیهٔ اللّه بهجت: یا مورد ضرورت شخصیه او باشد.

۳- ۳. آیهٔاللّه خوئی، آیهٔاللّه سیستانی: اگر فروش خانه سبب حرج ومشقت او نیست‌حج براوواجب است.

۴- ۴. آیهٔ اللّه بهجت: ولی اگر تبدیل کردن حرجی یا ضرری باشد مستطیع نیست.

ص: ۳۳

مسأله ۴۱- اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد و قصدش این باشد که منزل مسکونی تهیه کند در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمی‌شود هر چند (۱) پولی که بدست آورده برای مخارج حج کافی باشد.

مسأله ۴۲- هر گاه زنی با کسب می‌تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت می‌افتد، اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حرج برای زن نباشد (۲) مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر مانع استطاعت زن نمی‌شود.

مسأله ۴۳- کسی که در محل خودش مستطیع نیست، واجب نیست به حج برود هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر از جمله رجوع به کفایت (۳) به معنائی که گذشت را داشت مستطیع می‌شود و کفایت از حجهٔ الاسلام می‌کند.

مسأله ۴۴- خدمه و روحانیون کاروانهای حج که همراه کاروان به سفر حج می‌روند اگر سایر شرائط استطاعت را دارند و انجام حج تفاوتی در زندگی آنان ایجاد نمی‌کند.

مستطیع هستند و باید حجهٔ الاسلام بجا آورند (۴) و در غیر این صورت حج آنان استحبابی

۱- ۱. آیات عظام بهجت، خوئی، سیستانی: در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی ومشقت در زندگی وی شود حج بر او واجب نمی‌شود و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می‌شود.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر در نزد عرف، داشتن خانه ملکی از شؤون عرفی او باشد یا سکونت در غیر خانه ملکی برای او باعث مشقت و ناراحتی شود و یا موجب تحقیر او گردد، مستطیع نمی‌شود.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه سیستانی: به حدّی که تحمّلش برای او مشکل باشد.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: به نحوی که زندگی او مختل شود.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه مکارم: اگر چنانچه انجام حج در این شرایط تأثیر چندانی در وضع و حال او نداشته باشدحج او صحیح است و رجوع به کفایت شرط نیست.

۴- ۴ امام خمینی: در صورتی که بعد از بازگشت، زندگی آنها به نحوی مناسب از غیر وجوه شرعیه تأمین‌شود.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر زندگی آنان بعد از مراجعت تأمین باشد ولو از طریق وجوه شرعیه

آیهٔ اللَّه مکارم: چنانچه زندگی خانواده آنها در همان مدت تأمین باشد و تأمین زندگی آنها بعد از بازگشت شرط نیست ..

ص: ۳۴

است و چنانچه بعداً مستطیع شدند باید حج بجا آورند.

مسأله ۴۵- زنی که مهریه‌اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه نداردو مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده‌ای ندارد، با فرض این که شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می‌دهد لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد مثل این که ممکن است مطالبه به نزاع(۱)

و طلاق منجر شود که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است.

مسأله ۴۶- کسی که برای حج نیابی اجیر شد و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرد سه صورت دارد: اول: برای همان سال اجیر شده و استطاعت به سبب اجاره حاصل شده باشد که در این صورت باید حج نیابی را به جا آورد و چنانچه استطاعت او باقی ماند حج خودش را در سال بعد انجام دهد. لکن اگر برای خودش حج به جا آورد حج او صحیح است ولی به خاطر مخالفت با اجاره معصیت کرده است. دوّم: برای همان

۱- ۱. آیـةاللَّه بهجت: ولی اگر مطالبه مهر موجب دردسر و ناراحتی برای وی شود و یا مراجعه به حاکم‌باعث منقصت شأن او گردد مطالبه لازم نیست.

آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر مطالبه مهریه موجب ناراحتی‌هایی شود که زن در زندگی‌اش به حرج و مشقت بیافتدحج بر او واجب نیست

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر به حدی باشد که برای زن تحملش مشکل باشد.

آیهٔ اللَّه خوئی: یعنی مطالبه بر او حرجی یا در آن خوف ضرر باشد حج بر او واجب نیست.

آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: مجرد طلاق باعث عـدم وجوب حج نیست، بله اگر صـرف مهریه در حج موجب شود که زندگی او مختل شود حج بر او واجب نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: حتی اگر منجر به طلاق نشود ولی مشکلات مهمی در زندگی او حاصل گردد حج لازم نیست.

ص: ۳۵

سال اجیر شده و استطاعت از راه دیگری حاصل شده (۱) در این صورت اجاره باطل است (۲) و باید برای خودش حج انجام دهد.

سوّم: اجاره مقیّد به سال معینی نبوده و بعد از آن استطاعت مالی پیدا کرد که باید حج خود را مقدّم بدارد (۳) حتی اگر استطاعت به سبب مال الاجاره حاصل شده باشد. (۴)

مسأله ۴۷- مسلمین بعضی کشورهای غیراسلامی که برای تشرّف به حج باید مبلغ زیادی به حکومت بپردازند، این پول جزء هزینه سفر حج آنان می‌باشد (۵) و با داشتن آن و سایر شرائط مستطیع می‌شوند (۶) اگرچه این پول صرف در تقویت حکومت غیراسلامی گردد (۷) و بنابراین حج برایشان واجب و مجزی از حجهٔالاسلام می‌باشد.

مسأله ۴۸- اگر برای اموری مانند زیارت مشاهد مقدسه سوریه و امثال آن ثبت نام کرد و بعد از آن استطاعت مالی برای حج پیدا کرد در صورتی که واجد شرایط باشد واجب است به حج برود.

«استطاعت بذلی»

۱- ۱. آیات عظام: امام خمینی، فاضل، مکارم، بهجت: حکم صورت قبل را دارد.

۲- ۲. آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این که وثوق داشته باشد که در سال آینده می‌تواند برای خود حج به جاآورد که در این صورت اجاره صحیح است و باید به مقتضای آن عمل نماید.

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این که اطمینان داشته باشد که می‌تواند در سالهای آینده حج خود راانجام دهد که در این صورت واجب نیست حج خود را مقدم بدارد.

۴- ۴. آیهٔ اللّه تبریزی: اگر برای او محرز باشد که می‌تواند حج نیابی را در سالهای بعد انجام دهد و الّا باید حج نیابی را مقدم بدارد.

۵- ۵. آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: اگر بذل این مال امری متعارف باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر نسبت به حال این شخص ضرر زیادی نداشته باشد.

۶- ۶. آیهٔ اللّه بهجت: اگر ضرر مالی مجحف و موجب عسر باشد مانع از استطاعت شرعیه است.

۷- ۷. آیهٔ اللّه خوئی: اگر موجب فساد بر مسلمین باشد جایز نیست.

آیهٔاللّه صافی: اگر موجب تقویت کفر در برابر اسلام محسوب شود که عرفاً آن بر ضرر اسلام و خلاف مصلحت مسلمین شمرده شود استطاعت حاصل نیست ولی اگر پول را پرداخت و استرداد آن ممکن نبود پس از پرداخت، اگر چه معصیت کرده، استطاعت حاصل می‌شود و باید به حج برود.

ص: ۳۶

مسأله ۴۹- اگر به شخصی که هزینه‌های حج را ندارد گفته شود حج بجا آور و مخارج تو و عائله‌ات (۱) بر عهده من حج بر او واجب می‌شود به شرط (۲) این که اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل داشته باشد و این حج را بذلی می گویند و در آن رجوع به کفایت شرط نیست بلی اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگی او شود (۳) واجب نمی‌شود.

مسأله ۵۰- اگر مقداری از مصارف حج را داشته باشد و بقیه را به او بذل کنند استطاعت او استطاعت مالی است (۴) و شرائط استطاعت مالی مثل رجوع به کفایت در او شرط است.

مسأله ۵۱- اگر مالی که وافی به مصارف حج است به او ببخشند سه صورت دارد:

اول: مال را به او می‌بخشند برای این که حج به جا آورد که در این صورت باید قبول کند و حج بجا آورد. (۵)

دوم: به او اختیار دهند که مال را در حج یا در غیر آن صرف کند که در این صورت نیز قبول واجب است.

سوم: مال را به او ببخشند و هیچ نامی از حج نبرند که در این صورت قبول

۱- ۱. آیهٔ اللّه فاضل: تعهد نسبت به نفقه عائله شرط نیست.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خوئی: اگر چه حج برود و چه حج نرود نمی‌تواند نفقه عائله را تأمین کند بذل نفقه عائله شرط وجوب حج نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: اضافه فرمودند: و همچنین اگر نفقه عائله‌اش را تا زمان برگشت داشته باشد.

۲- ۲. آیهٔ اللّه فاضل: اطمینان به وفا و عدم رجوع شرط نیست. آیهٔ اللّه خوئی و آیهٔ اللّه تبریزی اضافه فرمودند: ولی اگر وثوق و اطمینان به رجوع و عدم وفاء باذل دارد حج واجب نمی‌شود.

۳- ۳. آیهٔ اللّه مکارم: یا مستلزم منّت و هتک او باشد.

۴- ۴. آیهٔاللّه مکارم: استطاعت او بذلی است.

۵- ۵. آیهٔ اللّه بهجت: واجب نیست قبول کند ولی اگر قبول کرد استطاعت بذلیه است کما این که در دو صورت بعدی اگر قبول کرد استطاعت مالیه محقق است.

ص: ۳۷

واجب نیست. (۱)

مسأله ۵۲- باذل می‌تواند از بذلش رجوع کند ولی اگر در بین راه باشد باید نفقه بازگشت را بدهد (۲) و اگر بعد از احرام رجوع کند (۳) باید نفقه اتمام حج را نیز بدهد. (۴)*

مسأله ۵۳- پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است (۵) پس اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمی‌شود (۶) مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت.

مسأله ۵۴- در حج بذلی کفارات بر عهده باذل نیست. (۷)*

مسأله ۵۵- در مواردی که نهاد یا ارگانی شخصی را به حج بفرستد بدون این که او

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه مکارم: بلکه قبول واجب است به شرط این که هنگام بازگشت زندگی او تأمین باشد

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خوئی، آیهٔ اللّٰه سیستانی: در دو صورت اخیر قبول واجب نیست.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه بهجت: بنابر اظهر نفقه بازگشت از محل اعلام رجوع که زاید بر نفقه وطن است بر باذل است.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: باذل ضامن نفقه برگشتن او نیست همان طور که در صورت رجوع بعد از احرام نفقه اتمام حج را هم ضامن نمی‌باشد گر چه اتمام بر او واجب است مطلقاً.

۳- ۳. آیهٔ اللّٰه بهجت: اظهر عدم جواز رجوع است.

۴- ۴. آیهٔ اللّٰه خوئی: در صورتی که اتمام آن بر مبذول‌له واجب باشد و آن در جایی است که آنچه تاکنون به او بذل شده و او صرف نموده، با ضمیمه به اموال خود موجب استطاعت او باشد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر بعد از احرام باذل رجوع کند، مبذول‌له باید حج را تمام بکند، اگر بر او حرجی نباشد هر چند فعلًا مستطیع نباشد و باذل ضامن مصرف اتمام حج او و بازگشتش می‌باشد.

۵- ۵. آیهٔ‌اللّٰه گلپایگانی و آیهٔ‌اللّٰه صافی: اگر مبذول‌له از کسانی باشد که به‌لحاظ داشتن تمکن مالی، هدی بر آنها واجب است، پول قربانی برعهده باذل است والّا تبدیل به صوم می‌شود.

۶- ۶. آیهٔ اللّٰه تبریزی: مگر در صورتی که بتواند بدون حرج بدل قربانی روزه بگیرد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: در وجوب حج بر گیرنده، در این صورت اشکال است، مگر این که بتواند قربانی را از مال خود بخرد و در پرداخت قیمت قربانی حرج و مشقت نباشد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: حج واجب است ولی پول قربانی بر باذل است.

۷- ۷. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی و آیهٔ اللّٰه صافی: در صورتی که از روی عمد باشد و اما اگر از روی فراموشی یا جهل یا اضطرار و ناچاری باشد چنانچه مبذول له متمکن از اداء کفاره باشد و کفاره یافت شود پول آن بر عهده باذل است و الا مبذول له باید به وظیفه غیر متمکن از کفاره عمل نماید.

ص: ۳۸

را ملزم به کاری نماید با فرض مشروعیت، حج او حج بذلی است.

مسأله ۵۶- کسی که استطاعت مالی ندارد و توانایی انجام حج را نیز حتی در آینده ندارد چنان چه مخارج حج به او بذل شود واجب نیست قبول نماید و برای حج نائب بگیرد.

«استطاعت بدنی»

مسأله ۵۷- در وجوب حج علاوه بر استطاعت مالی استطاعت بدنی نیز شرط است بنابراین بر شخص مسن یا مریضی که قدرت انجام حج را ندارد یا بر او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست حج بجا آورد ولی اگر امید به بهبودی و تمکن از حج ندارد واجب است نایب بگیرد هر چند حج بر او مستقر نشده باشد (۱) و وجوب آن فوری است.

مسأله ۵۸- اگر مستطیع در اثنای راه قبل از احرام یا بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج مریض شود بطوری که نتواند مناسک عمره و حج را، حتی به نحو اضطراری انجام دهد حج بر او واجب نیست و حکم نایب گرفتن در فرض یأس از بهبودی در مسأله قبل گذشت.

«استطاعت از جهت راه»

مسأله ۵۹- یکی از شرایط وجوب حج باز بودن راه است، بنابراین بر کسی که راه برای او باز نیست حج واجب نیست.

مسأله ۶۰- کسی که بتواند بر اساس ضوابط شرعی ارث، از نوبت حج متوفی استفاده کرده و برای خودش حج بجا آورد چنانچه سایر شرایط استطاعت را داراست واجب است برای خودش حج بجا آورد و در موارد لزوم نیابت، برای متوفی نایب بگیرد. (که در مسائل مربوط به نیابت خواهد آمد)

۱- ۱. آیات عظام امام خمینی، فاضل، خامنه‌ای، مکارم: اگر از قبل مستقر نشده باشد استنابه واجب نیست.

ص: ۳۹

مسأله ۶۱- هر گاه کسی وصیت به حج بلدی را پذیرفته و اکنون خود از هر جهت استطاعت پیدا کرده جز استطاعت طریقی، و راهی برای سفر حج ندارد جز، استفاده از فیش وصیت‌کننده باید حج از طرف میت را انجام دهد. (۱)

مسأله ۶۲- هرگاه پدری ثبت‌نام کرده و فوت نموده و به یکی از فرزندان که مستطیع است وصیت کرده باشد که از طرف او حج به جا آورد اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او راه برایش باز شده باید برای پدرش حج به جا آورد، (۲) مگر این که تبرعاً و بدون اجاره به نیابت پدر آمده باشد که در این صورت مستطیع شده و باید برای خودش حج به جا آورد. (۳)

«نام‌نویسی برای حج»

مسأله ۶۳- با اعلام نام‌نویسی برای حج از طرف دولت برای چند سال، در فرض حصول سایر شرایط استطاعت شرکت در نام نویسی لازم است. (۴) مگر این که بتواند از راه مشروع دیگری به حج برود و اگر مسامحه نمود و ثبت نام نکرد حج بر او مستقر می‌شود که مسایل آن خواهد آمد.

مسأله ۶۴- کسی که با وجود استطاعت مالی سعی در رفتن به حج داشته و در نام نویسی برای حج شرکت کرده ولی از جهت این که قرعه به نامش اصابت نکرده و راه مشروع دیگری نیز برای رفتن به حج نبوده، نتوانسته به حج برود مستطیع نشده و حج بر او

۱- ۱. آیهٔ اللَّه تبریزی: در فرض مزبور برای خود حج بجاآورد و برای حج بلدی میت نایب بگیرد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: با فرض استطاعت در میقات نیابت صحیح نیست.

۲- ۲. آیات عظام: تبریزی، صافی، گلپایگانی: باید برای خود حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: در این صورت نیز برای پدرش حج به جا آورد.

۴- ۴. آیات عظام: امام خمینی، فاضل، بهجت: اگر احتمال بدهد که در همان سال او را به حج ببرند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در صورتی که عروض مانع دیگری در سالی که او را به حج می‌برند متوقع باشد نام نویسی لازم نیست.

آیهٔاللَّه مکارم: اگر یقین داشته در سال اول، قرعه به‌نامش اصابت می‌کند، حج مستقر می‌شود.

ص: ۴۰

واجب نیست.

مسأله ۶۵- کسی که حج بر او مستقر نشده چنانچه بعد از حصول استطاعت برای حج ثبت نام کرد ولی بعد از آن احتیاج به پول سپرده شده پیدا کرد می‌تواند پول خود را پس بگیرد. (۱) و مستطیع نیست اگر چه در همان سال یا سالهای بعد قرعه به نام او اصابت نماید.

مسأله ۶۶- کسی که برای حج ثبت نام کرده اگر سایر شرایط استطاعت را دارد نمی‌تواند نوبتش را به شخص دیگری مانند همسرش واگذار نماید ولی اگر نوبتش را به دیگری داد حج دیگری صحیح است.

«تصرف در مال و از بین بردن استطاعت»

مسأله ۶۷- در صورتی که استطاعت محقق شده باشد چنانچه رفتن به حج متوقف بر حفظ مال و صرف آن برای حج باشد تصرف در آن مال به نحوی که نتواند حج بجا آورد جایز نیست هر چند موسم حج نرسیده باشد (۲) و چنانچه تصرف کند حج بر او مستقر می‌شود و در این حکم فرقی نیست که مال را در کارهای خیر و عام المنفعه صرف کند یا در سایر مسائل.

مسأله ۶۸- اگر از نظر مالی استطاعت دارد و لی از جهت توانایی بدنی یا بازبودن راه استطاعت برای او در سالهای آینده حاصل می‌شود نمی‌تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند. (۳)

مسأله ۶۹- کسی که از جهت مالی مستطیع است ولی از جهت بسته بودن راه یا عدم

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر در سال اول قرعه به نام او اصابت کند نمی‌تواند پول را بگیرد مگر این که درحرج بیفتد. آیهٔ اللّٰه سیستانی و آیهٔ اللّٰه خویی: اگر نفقه لازم باشد یا از ترک انفاق به حرج بیفتد.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه بهجت: می‌تواند قبل از وقت حرکت قافله مال را در مصارف خود خرج کند ولو دیگر نتواند به‌حج برود

۳- ۳. آیات عظام امام خمینی، فاضل، بهجت، مکارم: تصرف و خارج کردن خود از استطاعت جایز است.

ص: ۴۱

توانایی بـدنی امیـدی نـدارد حـج را ولو در سالهای آینـده بجا آورد باید نایب بگیرد (۱) و وجوب آن فوری است و چنـانچه نـایب گرفتن متوقف بر حفظ آن مال باشد حفظ آن لازم است.

مسأله ۷۰- اگر از نظر مالی اسـتطاعت دارد ولی هنوز از طرف دولت وقتی برای ثبت نام اعلام نشـده و راه مشـروع دیگری نیز ندارد چنانچه بداند که در همین سال ثبت نام خواهد شد (۲) حق ندارد در مال تصرف نموده و خود را از استطاعت بیندازد و در غیر این صورت مستطیع نیست و نگهداری آن مال لازم نیست. (۳)

«مزاحمت سایر تکالیف با حج»

مسأله ۷۱- اگر رفتن حـج موجب ترک واجب یـا فعـل حرامی می‌شود (۴) بایـد ملاـحظه اهمیت حـج با حرام و واجب را کرد، اگر اهمیتش بیشتر است بایـد برود و الّا نباید برود (۵) لکن اگر رفت و حرامی بجـا آورد یا واجبی را ترک کرد معصـیت کار است ولی حج او صحیح است.

۱- ۱. آیات عظام: امام خمینی، آیهٔ اللَّه مکارم، آیهٔ اللَّه فاضل: لزومی ندارد و می‌تواند در مال تصرف کند.

۲- ۲. آیهٔاللَّه تبریزی: و اطمینان دارد که با ثبت‌نام می‌تواند در همین سال به حج برود.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه خوئی: بهرحال باید آن را تا زمان ثبت‌نام حفظ کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر احراز کند که در سال بعد واجد شرائط خواهد شد لازم است پول را نگه دارد.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و یا موجب از بین رفتن مال معتد به قابل توجه بدون عوض‌شود.

۵- ۵. آیـهٔ اللَّه تبریزی: اگر فقط احتمال اهمیت در حـج باشـد حج مقدم است وگرنه باید حرامی را که حج‌بر آن توقف دارد ترک کنـد و چنانچه ارتکاب حرام بعـد از شـروع در حـج باشد مجزی از حجهٔ الاسـلام نیست و اگر حج متوقف بر ترک واجب باشد نظر ایشان موافق نظر آیهٔ الله خویی است.

آیـهٔاللَّه خویی: در فرض تسـاوی و یـا احتمـال اهمیت در هر یـک مخیر بین آن‌هاست و اگر در یکی از آن‌ها احتمال اهمیت می‌دهد آن مقدم است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در صورت تساوی مخیر است.

ص: ۴۲

مسأله ۷۲- اگر شخصی نذر کند که در روز عرفه کربلای معلّی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند چنانچه مستطیع بوده یا در همان سال نذر مستطیع شود نذرش (۱) منحل است و عمل به آن واجب نیست و مخالفتش کفاره ندارد بلکه باید به حج برود.

«مسائل متفرقه استطاعت»

مسأله ۷۳- شخص معتادی که مستطیع است و شرائط وجوب حج را دارد ولی طبق مقررات کشوری نمی‌تواند به سفر حج برود اگر بتواند با ترک اعتیاد یا از راه مشروع دیگری به حج برود رفتن به حج بر او واجب است و الّا باید نائب بگیرد. (۲)

مسأله ۷۴- اگر مرد در موقع ازدواج به همسرش وعده سفر حج بدهد در صورتی که مهر او قرار داده یا شرط در ضمن عقد کرده باشد عمل به آن واجب است.

مسأله ۷۵- اگر شخص وصیت به حج را قبول کند بدون آن‌که اجیر شود و بعد مستطیع شود واجب است برای خود حج بجاآورد، (۳) و قبول وصیت مانع از استطاعت نیست و فرض اجیر شدن و حکم آن گذشت.

مسأله ۷۶- در صورتی که زن مستطیع شود اذن شوهر شرط نیست و حتی اگر اذن ندهد زن باید به حج برود و شوهر نیز نمی‌تواند زن را از انجام حج واجب منع نماید.

مسأله ۷۷- اگر کسی به تصور این که مستطیع است به قصد عمره تمتع محرم شد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد مستطیع نبوده است فعلًا محرم نیست و هرگاه مستطیع شد باید حجة الاسلام انجام دهد.

مسأله ۷۸- مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت

۱- ۱ امام خمینی، آیهٔ اللّه فاضل: نذر مانع از حج نمی‌شود و اگر نرفت حج بر او مستقر می‌شود و باید به‌نذر عمل کند و اگر حج رفت تخلف از نذر موجب کفاره نمی‌شود ولی اگر هر دو را ترک کرد کفاره نذر را باید بدهد

۲- ۲ آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه‌ای، مکارم: اگر از قبل مستقر نشده باشد استنابه واجب نیست.

۳- ۳ آیهٔ اللّه مکارم: بلکه لازم است به وصیت عمل کند و مستطیع نیست.

ص: ۴۳

نمی‌کند مگر در مورد مریض یا پیر به شرحی که گذشت.

مسأله ۷۹- کسی که مستطیع است نباید از طرف دیگری برای حج نایب شود و یا حج استحبابی بجا آورد ولی اگر حج نیابی و استحبابی بجا آورد صحیح است. (۱)*

استقرار حج

مسأله ۸۰- اگر با وجود شرایط استطاعت حج را ترک کند حج بر او مستقر می‌شود (۲) و باید بعداً به هر نحوی که می‌تواند به حج برود. (۳)

مسأله ۸۱- اگر بعد از حصول استطاعت و وجوب حج در تهیه اسباب و مقدمات آن کوتاهی کرد و به حج در آن سال نرسید حج بر او مستقر می‌شود.

مسأله ۸۲- کسی که حج بر او مستقر شد و بجا نیاورد تا فوت شد، باید از ترکه او برایش حج بدهند و حج میقاتی کفایت می‌کند و تا حج او را ندهند، ورثه نمی‌توانند در ترکه تصرف نمایند (۴) و لازم است در همان سال فوت حج را ادا نمایند و تأخیر از آن جایز

۱- ۱. امام خمینی، آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: باطل است.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم: حج استحبابی او حجهٔ الاسلام محسوب می‌شود. آیهٔ اللَّه تبریزی اضافه فرمودند: بله در صورت علم به استطاعت خود و عدم صحت حج استحبابی حج او باطل است. نسبت به بطلان اجاره در بعض کتب مناسک تفصیلی است مراجعه شود.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه فاضل: به شرط اینکه تا پایان اعمال شرایط استطاعت باقی باشد.

آیات عظام: سیستانی، خویی، تبریزی: مگر در صورت جهل یا غفلت عذری.

۳- ۳. آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، خویی: مگر این که حرجی باشد و در این صورت واجب نیست و در این حال از خودش ساقط است لکن باید از ترکه او ولو از میقات نایب بگیرند یا شخصی تبرعاً حج او را انجام دهد.

۴- ۴ آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه مکارم: مگر آن‌که قصد بر ادای حج او داشته باشند.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: مگر آنکه ترکه خیلی زیاد باشد و ورثه ملتزم بر ادای حج شوند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: تصرفی که منافی با قضای حج میت از میراث باشد.

آیهٔ اللَّه فاضل: بلی اگر ترکه بیشتر از مخارج حج باشد بهتر است تصرف نکنند.

ص: ۴۴

نیست، و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بَلَد لازم است (۱) از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می‌شود (۲) و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادتر از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیاندازند (۳) و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامن‌اند بلی اگر میت ترکه نداشته باشد بر وارث حج او واجب نمی‌شود.

مسأله ۸۳- کسی که در حال حیات همه شرائط استطاعت را داشته باشد و به حج نرفته تا از دنیا رفته است هزینه حج او از اصل ترکه خارج می‌شود هر چند معاش زن و فرزندان او از درآمد همین ترکه تأمین شود و در ورثه صغار باشد و چنانچه وصیت نکرده باشد هزینه حج میقاتی از اصل ترکه خارج می گردد.

مسأله ۸۴- کسی که بعد از حصول استطاعت و وجوب حج از دنیا رفته اگر سال اول استطاعت او بوده حج از عهده او ساقط است و ورثه نیز تکلیفی ندارند. (۴) و اگر حج قبلًا بر اومستقر شده‌چنانچه بعداز احرام‌ودخول حرم‌از دنیارفته‌از حجهٔ‌الاسلام کفایت می‌نماید و در غیر این صورت باید از اصل ترکه او برایش نائب بگیرند و حج میقاتی کافی است. (۵)

فصل دوّم: نیابت

اشاره

۱- ۱ آیهٔ اللَّه سیستانی: ولی در این صورت مازاد بر اجرت حج از میقات را از سهم صغار ورثه بحساب‌نیاورند.

۲- ۲ آیات عظام: سیستانی، خامنه‌ای، مکارم: مگر این که وصیت کرده باشد که از ثلث خارج شود و ثلث‌کافی باشد و الا مازاد آن از اصل ترکه تکمیل گردد.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه بهجت: دین مقدم است حتی بر وصیت ولی در زاید بر اجرت متعارف باید با اجازه ورثه‌باشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: ولی مازاد بر اجرت متعارف را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

۴- ۴ آیهٔ اللَّه خوئی: اگر قبل از احرام یا دخول حرم بمیرد ظاهراً قضا از او واجب شود.

۵- ۵. آیهٔ اللَّه مکارم: اگر بعد از احرام فوت شود حج از او ساقط است خواه بعد از دخول حرم و یا قبل از دخول حرم باشد.

ص: ۴۵

مسأله ۸۵- در نائب اموری شرط است:

۱- بلوغ در حج واجب

۲- عقل

۳- ایمان (یعنی‌اعتقاد به‌امامت دوازده‌امام علیهم السلام)

۴- معرفت نائب به افعال و احکام حج ولو با ارشاد کسی در حال عمل.

۵- ذمه نائب، مشغول به حج واجبی (۱) در آن سال نباشد. (۲)

۶- در ترک بعض افعال (۳) حج معذور نباشد، البته اگر بعداً عذری پیدا شد که با انجام وظیفه معذور حج صحیح است نیابت او نیز صحیح می‌باشد. (۴) هرچند عذر قبل از احرام عارض شده باشد.

---

۱ - ۱. آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، بهجت: واجب منجّزی در آن سال نباشد و این شرط صحت اجاره است بنابراین اگر غافل از استطاعت بوده اجاره او هم صحیح است.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه مکارم: اگر ذمه او مشغول باشد نیابت او صحیح است هرچند گناه کرده است.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه صافی: در خصوص کارهایی که ترک عمدی آنها موجب بطلان حج است‌لذا معذور بودن بیتوته در منی ضرری به نیابت نمی‌زند.

۴- ۴ امام خمینی: در این فرض نیز نیابت صحیح نیست.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: در صورتی که عذر منجرّ به نقص در اعمال شود نیابت صحیح نیست.

ص: ۴۶

مسأله ۸۶- ایمان نائب در نیابت در اجزاء معتبر است و فقط در ذبح تفصیلی است که خواهد آمد.

مسأله ۸۷- لازم است اطمینان حاصل شود که نائب عمل را انجام می‌دهد، (۱) و در صورت شک در صحت، حکم به صحت می‌شود و نائب گرفتن صحیح است هرچند شک او قبل از عمل باشد.

مسأله ۸۸- در منوب عنه اموری شرط است:

اول: اسلام (۲)

دوّم: در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد و یا اگر زنده است خودش از جهت عذری نتواند حج برود (۳) که تفصیل آن در مسائل گذشته بیان شده است.

مسأله ۸۹- در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست. (۴)*

مسأله ۹۰- نیابت زن از مرد و بالعکس صحیح است.

مسأله ۹۱- کسی که تاکنون به حج نرفته و مستطیع نیست می‌تواند از طرف دیگری نائب شود.

«نیابت معذور»

مسأله ۹۲- کسانی که مجازند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارند می‌توانند نائب شوند و نیابتشان صحیح است.

مسأله ۹۳- خانمها که مجازند در شب عید قربان بعد از درک وقوف اضطراری مشعر به منی بروند می‌توانند از دیگری نیابت در حج نمایند امّا نیابت ضعفاء مثل پیرمرد

۱- ۱ آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر نائب مورد اطمینان باشد خبرش کافی است.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه فاضل: در منوب عنه، اسلام و ایمان شرط است پس حج به نیابت کافر و مخالف صحیح نیست.

۳- ۳. آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم: و حج بر او مستقر شده باشد.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه فاضل: شرط هست ولی اگر حج قبل از جنون بر او مستقر شده عقل شرط نیست. و در صورت یأس از بهبودی یا بعد از فوت او باید از مالش ولو از میقات برای او استنابه کنند.

ص: ۴۷

صحیح نمی‌باشد. (۱)

مسأله ۹۴- کسانی که مانند خدمه کاروانها باید نیمه شب از مشعرالحرام برای انجام کارهای لازم یا همراه ضعفاء به منی بروند با توجه به این که از معذورین هستند نیابت آنان صحیح نیست، (۲) مگر این که بتوانند برای درک مسمّی وقوف اختیاری به مشعر برگردند یا عذر آنان طاری باشد. (۳)

مسأله ۹۵- کسی که در وقت اجاره از معذورین نبوده و در شب عید با غفلت از لزوم وقوف اختیاری بعنوان راهنما با زنها و مریضها وقوف اضطراری نموده و به منی رفته است، (۴) حج نیابی او صحیح است.

مسأله ۹۶- افرادی که شب‌دهم باید با زنها و ضعفاء همراهی کنند و به منی بروند اگر با جهل‌به مسأله شرعی‌نائب شوند نیابت آنهاصحیح‌نیست وازمنوب‌عنه‌کفایت نمی‌کند. (۵)

مسأله ۹۷- منظور از معذوری که نمی‌تواند در حج نائب شود کسی است که نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد. (۶)

۱- ۱. آیهٔاللّٰه خوئی، آیهٔاللّٰه تبریزی: نیابت ضعفا که می‌توانند به وقوف شب در مشعر اکتفا کنند صحیح می‌باشد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه مکارم: همچنین سایر ذوی الاعذار چون وقوف رکنی را درک کرده‌اند نیابت آنان صحیح است.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه مکارم، آیهٔ اللّٰه سیستانی: نیابت آنان صحیح است.

۳- ۳. امام خمینی: فرقی بین عذر طاری و غیرطاری نیست به هر حال اگر نتواند برگردد به مشعر برای مسمّی وقوف رکنی نیابت صحیح نیست.

۴- ۴. آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای: عمل مزبور مجزی از حج نیابتی استیجاری نیست.

۵- ۵. آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه مکارم: در فرض مسأله، نیابت صحیح است.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر در وقت دانستن مسأله امکان برگشتش به مشعر و درک وقوف نبود حج نیابی آنها صحیح است.

۶- ۶. آیهٔ اللّٰه سیستانی: در خصوص اعمالی که در صحت حج مدخلیت دارند ولی اگر در صحت حج دخالت ندارند مانند طواف نساء و بیتوته در منی معذور بودن در آنها مضرّ به نیابت نیست و همین طور اگر در وقوف بیش از مقدار رکن معذور باشد نیابت او صحیح است.

ص: ۴۸

مسأله ۹۸- کسی که قرائت نمازش صحیح نیست و نمی‌تواند آن را تصحیح نماید از معذورین است و نباید نائب شود و چنانچه به نیابت از غیرمحرم شود نیابت او باطل است (۱) ولی باید عمل را تمام نماید، و اگر می‌تواند قرائتش را تصحیح کند نیابتش صحیح است و باید قرائت خود را تصحیح نماید. (۲)

مسأله ۹۹- نیابت شخص معذور صحیح نیست و کفایت از منوب عنه نمی‌کند خواه مستنیب و منوب‌عنه در هنگام نیابت بدانند که او معذور است یا ندانند.

مسأله ۱۰۰- کسی که به ناچار باید در بین عمره و حج تمتع از مکه خارج گردد از معذورین نیست و می‌تواند از غیر نیابت نماید.

مسأله ۱۰۱- نائب گرفتن کسی که به جهت ضیق وقت قادر بر انجام حج تمتع نیست و وظیفه او عدول به افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست ولی اگر در سعه وقت او را به نیابت گرفت و بعد وقت ضیق شد نائب به حج افراد عدول می‌کند و این حج از منوب عنه مجزی است.

مسأله ۱۰۲- کسی که زمان کافی برای حج تمتع را دارد ولی احتمال قوی می‌دهد که بعداً نتواند اعمال را بنحو عادی انجام دهد و ممکن است حج تمتع را مبدّل به افراد کند می‌تواند نائب شود و اگر وظیفه او عدول به افراد شد و حج افراد بجاآورد از منوبٌ‌عنه کفایت می‌کند. (۳)*

«فوت نائب»

۱- ۱ آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه‌ای: نیابت و احرام او باطل است.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر احتیاطاً در موارد عذر نائب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد، نیابتش صحیح است هرچند از اول نمی‌توانسته نائب شود.

۲- ۲. آیهٔ اللّه فاضل: گرچه به تلقین شخص دیگری باشد که آن بخواند و نائب هم با او بخواند.

۳- ۳. آیهٔ اللّه صافی: اگر وضع به طوری است که نایب عند العرف استطاعت حج تمتع را دارد از حج منوب‌عنه مجزی است و الّا در صورت عدول، مجزی از منوب عنه نیست.

ص: ۴۹

مسأله ۱۰۳- ذمه منوب عنه فارغ نمی‌شود مگر به این که نائب عمل را صحیحاً انجام دهد بلی اگر نائب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد (۱) مجزی از منوب عنه است. (۲)* و در این حکم بین حجهْالاسلام و غیر آن و نیز بین نیابت تبرعی و اجاره فرقی نیست.

«وظائف نائب»

مسأله ۱۰۴- نائب در حج بلدی لازم نیست به شهر منوب عنه برگردد مگر آن که در عقد اجاره شرط شده باشد.

مسأله ۱۰۵- نائب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین نماید (۳) ولو اجمالًا و شرط نیست اسم او را ذکر کند گرچه مستحب است.

مسأله ۱۰۶- لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی براجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

مسأله ۱۰۷- نائب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استحبابی آن است که به قصد ما فی الذمه بجاآورد.

مسأله ۱۰۸- نائب در حج و عمره مفرده اگر طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی‌شود و بر منوب عنه چیزی نیست.

مسأله ۱۰۹- نائب باید اعمال حج و عمره را مطابق فتاوی مرجع تقلید خود انجام دهد (۴)* و اگر اجیر شده که به کیفیت خاصی عمل کند باید طوری عمل نماید که مراعات

۱- ۱ آیهْ اللَّه فاضل: در حرم بمیرد.

۲- ۲. آیهْ اللَّه خوئی، آیهْ اللَّه تبریزی: و همچنین اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد.

۳- ۳ آیهْ اللَّه بهجت: با تعدّد نیابت و در صورت اتّحاد کافی است قصد نیابت واجبه مثلًا.

۴- ۴ آیهْ اللَّه خوئی، آیهْ اللَّه تبریزی: اگر منوب عنه زنده باشد و یا وصیت کرده باشد که حج برای اوبجاآورند باید مراعات تقلید او شود و در غیر این دو صورت مراعات تقلید او لازم نیست.

آیهْ اللَّه سیستانی: باید طبق تقلید خودش عمل کند ولی اگر اجیر شده باشد که طبق نظر منوب عنه یا مستأجر عمل کند، چه با صراحت ذکر شده باشد و چه اطلاق منصرف به آن باشد، باید به همان نحو عمل کند مگر در صورت یقین به فساد عمل.

ص: ۵۰

وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده بشود.

مسأله ۱۱۰- کسی که اجیر شده برای حج تمتع، می‌تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده بعد از عمل حج، چنانچه می‌تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به‌جا آورد.

«نائب گرفتن»

مسأله ۱۱۱- در دو مورد نائب گرفتن واجب است:

اوّل: کسی که از دنیا رفته و حج واجب خود را انجام نداده در این صورت بر ورثه واجب است برای او نائب بگیرند اگر که ترکه وافی باشد مگر این که یکی از ورثه یا شخص دیگری حج میت را انجام دهد ولو تبرعاً.

دوّم: این که کسی قبلًا حج بر او مستقر شده باشد یا فعلًا مستطیع است و به جهت عذری نمی‌تواند حتی در آینده خودش به حج برود که باید فوراً نائب بگیرد (۱) و نائب گرفتن دیگری کفایت نمی‌کند. مگر از او وکالت داشته باشد. (۲) و در هر دو مورد فوق حج میقاتی کفایت می‌کند.

مسأله ۱۱۲- هرگاه مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقوفین را درک کند و بقیه اعمال را نائب بگیرد جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نائب قرار دهد.

۱- ۱ آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، مکارم، فاضل: اگر حج بر او مستقر نشده نائب گرفتن واجب‌نیست.

۲- ۲ آیـهٔ اللّه بهجت: چنانچه احراز رضایت شود و شاهد حال هم بر رضایت بود به طوری که اگر او بفهمدراضی است نیابت صحیح است با مراعات سایر جهات.

ص: ۵۱

مسأله ۱۱۳- کسی که در نائب گرفتن از طرف دیگری اختیار دارد می‌تواند برای او نائب بگیرد خواه اختیار او در خصوص مورد نیابت باشد و یا به نحو مطلق که شامل نائب گرفتن نیز بشود اما اگر در خصوص اموال اختیار تام دارد کفایت نمی‌کند. (۱)

مسأله ۱۱۴- کسی که حج بر او مستقر شده لکن قبل از احرام و شروع در اعمال دیوانه شده تا زنده است نمی‌شود برای او نائب گرفت و یا تبرعاً برای او حج به جا آورد.

و اگر عاقل نشد تا از دنیا رفت باید از ترکه او برایش نائب بگیرند.

«احکام نیابت»

مسأله ۱۱۵- در یک سال حجهٔالاسلام برای بیش از یک نفر واقع نمی‌شود بنابراین نمی‌توان حجهٔالاسلام را به نیابت از طرف دو نفر و یا برای خود و دیگری بجاآورد اما انجام حج استحبابی و عمره مستحب به نیابت از چند نفر مانعی ندارد. همانگونه که انجام یک حج یا عمره مستحبی به نیت خود و دیگران صحیح است.

مسأله ۱۱۶- عمره مفرده استحبابی و طواف مستحب را می‌توان به نیابت از چند نفر انجام داد و باید اعمال آن از جمله طواف نساء را به نیت همه انجام دهد.

مسأله ۱۱۷- کسی که برای حج نیابی به میقات آمده و از نیابت غافل شده و مُحرم شده است اگر ارتکازاً قصد منوب‌عنه را داشته به طوری که اگر کسی می‌پرسید جواب می‌داد برای منوب عنه حج بجا می‌آورم کفایت می‌کند و حج نیابی او صحیح است و اگر به کلی غافل باشد که اگر از او پرسیده شود جواب می‌دهد برای خود احرام می‌بندم باید حج را به نیت خود تمام کند مگر این که احرام او باطل باشد مثل این که حج بر او واجب

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت: با احراز رضایت او اشکال ندارد و تبرّع از حیّ در حج واجب با عدم قدرت او اظهر جواز آن است و با اذن باشد احوط است در تفریغ ذمه.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: اجیر گرفتن از مال او بدون اطلاع او صحیح نیست بلی در صورتی که مبلغ اجاره را از مال خود تبرعاً بپردازد در فرضی که او عاجز از انجام حج است مانعی ندارد و مجزی از حجهٔالاسلام اوست.

ص: ۵۲

نبوده و نیت حجةالاسلام کرده باشد. (۱)

مسأله ۱۱۸- بعد از این که شخص بر احرام صحیحی محرم شد باید عملش را به همان نیت تمام کند و نمی‌تواند نیت خود را عوض کند یا دوباره با نیت دیگر محرم شود هرچند به نیت حج یا عمره استحبابی محرم شده باشد مثلًا اگر برای خود محرم شد نمی‌تواند نیت خود را به نیت نیابی عوض کند یا دوباره برای دیگری محرم شود.

مسأله ۱۱۹- در نیت، خطور لازم نیست پس اگر نائب بعد از احرام شک کند که نیت نیابت کرده یا نه، اگر انگیزه او در حال احرام، نیابت بوده عمل را به نیابت انجام دهد، و اگر در داعی و انگیزه هم شک دارد باید اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) تمام کند (۲) و در نیابت به آن اکتفا نمی‌شود. (۳)

مسأله ۱۲۰- کسی که خود در حال بجاآوردن حج و یا عمره است می‌تواند در برخی اعمال مانند طواف و سعی از دیگران نائب شود.

مسأله ۱۲۱- اگر نائب بعد از عمره تمتع از انجام حج عاجز شد نمی‌تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید.

مسأله ۱۲۲- در اجاره بر اعمال حج لازم نیست اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلّد چه کسی هستند و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می‌کند. (۴)*

۱- ۱. آیةُ اللَّه سیستانی، آیةُ اللَّه مکارم: در این مثال احرام او صحیح است.

۲- ۲. آیةُ اللَّه خوئی، آیةُ اللَّه تبریزی: اگر احتمال بدهد که نه قصد خود و نه قصد دیگری را کرده احرام او باطل است مگر این که در حال طواف مثلًا نیت معینی دارد که به همان نیت اعمال را تمام می‌کند.

۳- ۳. آیةُ اللَّه سیستانی: اگر احتمال می‌دهد در میقات به کلی از ذهنش نیت نیابت از غیر پاک شده بوده بنا می‌گذارد که احرامش برای خودش بوده و اگر این احتمال را نمی‌دهد همان طور که متعارف است در کسی که عازم بر نیابت بوده است بنا می‌گذارد که احرامش برای غیر بوده است.

آیةُ اللَّه بهجت: در صورتی که قصد انجام وظیفه داشته، مخلّ به نیابت نیست و عمل مجزی است.

۴- ۴. آیةُ اللَّه خوئی: اگر اجیر بتواند اعمال را به نحوی انجام دهد که بداند مطابق تقلید منوب عنه واقع می‌شود. و در صورتی که عمل طبق فتوای مقَلَّد منوب عنه به نظر نایب باطل باشد باید عمل به احتیاط کند.

ص: ۵۳

مسأله ۱۲۳- پدری که از دنیا رفته و یکی از فرزندان خود را برای نیابت حج از خود معین نموده چنانچه آن فرزند مستطیع شد هرچند با ارث پدر باید حج خود را بجاآورد و باید برای پدر نایب بگیرد یا بعداً برای پدر حج بجاآورد. (۱)

مسأله ۱۲۴- بعد از آن که نائب عمل را به جا آورد، حج از معذور ساقط می‌شود و لازم نیست خودش حج کند اگرچه عذرش برطرف شود (۲)، و امّا اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد چه قبل از احرام یا بعد، باید خودش حج برود. (۳)

مسأله ۱۲۵- کسی که حج بر او مستقر شده است ولی به هیچ وجه نمی‌تواند حج برود و امید برطرف شدن مانع نیز وجود ندارد باید برای حج نائب بگیرد.

مسأله ۱۲۶- نیابت از طرف شخص زنده‌ای که حج از قبل بر او مستقر شده و اکنون بجهت عدم توانایی مالی نمی‌تواند به حج برود صحیح نیست هرچند نیابت تبرعی باشد.

مسأله ۱۲۷- حج به نیابت حضرت ولی‌عصر سلام اللّٰه علیه وارواحنا له الفداء جایز است. (۴)

مسأله ۱۲۸- مستحب است از طرف ائمه معصومین علیهم السلام و همچنین از طرف خویشاوندان یا غیر آنها تبرعاً حج به جا آورد چه زنده باشند و چه مرده و نیز طواف از

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه سیستانی: مگر این که وصیت شده باشد که حج را همان سال استطاعت انجام دهد در این صورت اگر مطمئن باشد که سال بعد می‌تواند حج خود را انجام دهد به وصیت عمل کند وگرنه در آن سال حج خود را انجام دهد و حج از جانب پدر را سال بعد انجام دهد.

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر حج واجب بر عهده پدر بوده در همان سال نایب بگیرد تا تأخیر در انجام وصیت نشود.

آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر میت شرط مباشرت کرده نمی‌تواند نایب بگیرد.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه صافی: در صورتی که حج بر او مستقر بوده با تمکن باید خودش حج بجاآورد، و همچنین‌اگر مستقر نبوده ولی استطاعتش باقی باشد باید حج بجاآورد.

۳- ۳. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: مگر این که در اثناء عمل بعد از احرام عذر برطرف شود ولی منوب عنه تمکن از انجام عمل کامل نداشته باشد که در این صورت حج نائب مجزی است.

۴- ۴. آیهٔ اللّٰه مکارم: برجاء مطلوبیت.

ص: ۵۴

طرف آنها و غیر آنها مستحب است به شرط آنکه در مکه نباشند یا معذور باشند.

مسأله ۱۲۹- کسی که برای حج اجیر می‌شود نمی‌تواند شرط کند برای طواف نساء (۱) یا عمل دیگری که نیابت بر دار است نائب می‌گیرم مگر برای ذبح که اشکال ندارد.

فصل سوّم: حج استحبابی

اشاره

۱- ۱ آیهٔ اللّه سیستانی: در عملی مانند طواف نساء که صحت حج بر آن متوقف نیست، اگر از ابتداء هم‌عذر او معلوم باشد نیابت صحیح است.

ص: ۵۵

مسأله ۱۳۰- انجام حج برای کسی که شرائط وجوب حج مثل بلوغ و استطاعت و مانند آن را ندارد و یا حج واجبش را انجام داده استحباب دارد بلکه مستحب است تکرار حج در هر سال و مکروه است ۵ سال متوالی آن را ترک کند و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیت برگشتن نماید و مکروه است قصد برنگشتن داشته باشد. (۱)

مسأله ۱۳۱- کسی که استطاعت مالی ندارد مستحب است قرض کند و به حج برود در صورتی که می‌تواند قرض را ادا کند.

مسأله ۱۳۲- در وقت شروع به حج استحبابی یا بعد از انجام آن می‌تواند ثواب آن را به دیگران هدیه کند.

مسأله ۱۳۳- کسی که مال ندارد تا با آن حج به جا آورد مستحب است ولو با اجاره دادن خودش و نیابت از دیگری به حج برود.

«استیجار در حج»

مسأله ۱۳۴- اگر در وسعت وقت اجیر شود که حج تمتع به جا آورد بعداً اتفاقاً وقت

۱- ۱. آیهٔ اللّه مکارم: ولی اگر انجام حج‌های مستحبی پی‌درپی سبب محرومیت انجام‌دهندگان حج واجب شود بهتر است مجال را به آنها بدهند.

ص: ۵۶

ضیق شد و حج خود را مبدّل به افراد کرد چنانچه اجاره بر انجام عمره و حج تمتع باشد استحقاق اجرت را نخواهد داشت و اگر اجاره بر تفریغ ذمه منوب‌عنه بوده (۱) اجرت را مستحق خواهد بود.

مسأله ۱۳۵- اگر اجیر بعد از احرام و داخل شدن در حرم (۲) بمیرد چنانچه اجاره بر تفریغ ذمه منوب عنه باشد. (۳) مستحق تمام اجرت می‌باشد و اگر برای انجام اعمال حج اجیر شده فقط نسبت به اعمالی که انجام داده استحقاق اجرت دارد مگر این که اعمال را به نحوی انجام دهد که در عرف گفته شود عمره و حج را انجام داده در این صورت مستحق تمام اجرت است اگرچه بعض اعمال را که مضرّ به صحّت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترک کرده باشد. (۴)*

مسأله ۱۳۶- اگر اجیر قبل از احرام و یا دخول حرم بمیرد چنانچه اجاره بر تفریغ ذمه (۵) منوب‌عنه باشد مستحق چیزی نخواهد بود (۶) و اگر برای انجام اعمال اجیر شده مستحق اجرت آنچه از اعمال حج انجام داده می‌باشد و اگر مقدمات هم جزء اجاره باشد اجرت مقدماتی را هم که انجام داده مستحق است. (۷)

مسأله ۱۳۷- شخصی که در وقت اجیر شدن برای حج یا عمره از معذورین نبوده و بعداً عذری برای او پیش آمد و طبق وظیفه معذور عمل نمود عمل نیابی او صحیح و

۱- ۱ آیات عظام: خامنه‌ای، مکارم، بهجت: که ظاهر در اجاره هم همین است.

۲- ۲ آیهٔ اللّه فاضل: اگر در حرم بمیرد.

۳- ۳ آیات عظام: مکارم، بهجت، خامنه‌ای: که ظاهر در اجاره همین است.

۴- ۴. آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه سیستانی: در این صورت هم فقط به مقدار اعمالی که انجام داده مستحق اجرت است.

۵- ۵ آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، مکارم: که ظاهر اجاره همین است.

۶- ۶ آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه تبریزی: اگر بعد از احرام بمیرد مستحق تمام اجرت است.

۷- ۷. آیهٔ اللّه بهجت: اگر قبل از احرام مرده بعید نیست اجرت مقدار راهی که پیموده مستحق باشد.

ص: ۵۷

مستحق تمام اجرت خواهد بود. (۱)

مسأله ۱۳۸- اگر شخص برای حج بلدی نائب شد و قصد داشت که حج را از شهر خاصی بجاآورد چنانچه با غفلت از نیابت از آن شهر حرکت کند لازم است برگردد. (۲) و سفر حج را از آن شهر شروع کند ولی اگر بر نگشت حج نیابی او صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد. (۳)

فصل چهارم: اقسام حج

اشاره

۱- ۱. امام خمینی، آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: نیابت صحیح نیست و از جهت اجرت باید به اجیرگیرنده مراجعه نماید و یا در صورتی که اجاره موقت به زمان مخصوصی که منقضی شده نباشد دوباره عمل نیابتی صحیح بجاآورد.

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه صافی: در اجرت با اجیرکننده تراضی کنند.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه بهجت: لازم نیست برگردد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: مگر این که نیت در اعماق ذهنش وجود داشته باشد.

۳- ۳. آیهٔ اللّٰه سیستانی: حج او صحیح است مطلقاً، ولی اگر اجاره بر حج بلدی به نحو تقیید باشد مستحق اجرت نیست و اگر شروع از بلد منوب عنه جزو عمل مورد اجاره باشد مستحق اجرت می‌باشد ولی مستأجر می‌تواند اجرت المثل آن قسمت را که به جا نیاورده از او بگیرد و می‌تواند اجاره را فسخ کند ولی باید اجرت‌المثل حج او را بدهد، و اگر شروع از بلد از باب شرط ضمن عقد باشد مستأجر فقط می‌تواند اجاره را فسخ کند و در این صورت اجرت المثل او را باید بدهد.

ص: ۵۸

حج سه قسم است: تمتع، قران (۱)، افراد

مسأله ۱۳۹- کسی که می‌خواهد حجهٔالاسلام انجام دهد چنانچه فاصله محل زندگی او با مکه (۲) ۴۸ میل- ۱۶ فرسخ (۳)- یا بیشتر باشد باید حج تمتع بجاآورد (مگر در بعض فروض که وظیفه او بدل به افراد می‌شود که تفصیل آن خواهد آمد)

و در غیر این صورت باید حج افراد یا قران بجاآورد امّا در غیر حجهٔالاسلام بین اقسام سه‌گانه حجّ مخیّر است.

«حج افراد»

برای انجام حج افراد باید در میقات به نیت حج افراد محرم شود و مثل سائر حجاج وقوف در عرفات و مشعر نموده اعمال منی و مکه و بیتوته در منی و اعمال ایام تشریق را انجام دهد ولی قربانی بر او واجب نیست.

مسأله ۱۴۰- کیفیت افعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منی و اعمال مکّه

۱- ۱. با توجه به این که حج قران و مسائل مربوط به آن مورد ابتلا نیست از ذکر آن خودداری می‌شود.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه تبریزی: با مسجدالحرام.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی حدود ۸۶ کیلومتر.

ص: ۵۹

مانند حج تمتع است.

«حج تمتع»

حج تمتع از دو عمل تشکیل شده است یکی عمره تمتع و دیگری حج آن و عمره تمتع مقدّم بر حج است.

اعمال عمره تمتع:

۱- احرام ۲- طواف خانه خدا ۳- نماز طواف ۴- سعی بین صفا و مروه ۵- تقصیر

«اعمال حج تمتع:»

۱- احرام

۲- وقوف در عرفات

۳- وقوف در مشعر

۴- رمی جمره عقبه

۵- قربانی

۶- حلق یا تقصیر

۷- طواف زیارت

۸- نماز طواف

۹- سعی بین صفا و مروه

۱۰- طواف نساء

۱۱- نماز طواف نساء

۱۲- ماندن در منی شبهای یازدهم و دوازدهم و نیز شب سیزدهم برای بعض اشخاص.

۱۳- رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم و نیز رمی روز سیزدهم برای کسی که شب سیزدهم در منی بماند.

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است که تفصیل آنها خواهد آمد.

ص: ۶۰

مسأله ۱۴۱- دانستن این اعمال ولو بطور اجمالی قبل از شروع در عمره و حج لازم نیست بلکه کافی است که نیّت کند عمره تمتع را، یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده و همین‌طور حج تمتع را به نحوی که واجب است بر او و کیفیت و تفصیل هریک را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، ولی یادگرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

مسأله ۱۴۲- در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست.

مسأله ۱۴۳- اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع، شک کند که عمره تمتع را بجاآورده یا نه، یا شک کند که صحیح بجاآورده یا نه، اعتنا نکند و عملش صحیح است.

مسأله ۱۴۴- اگر در هر یک از اعمال عمره یا حج شک کند بعد از آن که وارد عملی که مترتب بر آن است شده به شک خود اعتنا نکند چه شک او در انجام دادن عمل باشد و چه در صحت آن.

مسأله ۱۴۵- عمره تمتع و حج تمتع باید در یک سال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره تمتع بجا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی‌باشد.

مسأله ۱۴۶- باید عمره تمتع و حج تمتع، هر دو در ماه‌های حج واقع شود و ماه‌های حج: شوال و ذی‌قعده و ذی‌حجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی‌قعده عمره تمتع بجاآورد و در موقع حج، حج تمتع بجاآورد صحیح است. و اگر قبل از شوال بخواهد عمره تمتع بجاآورد صحیح نیست، اگرچه بعضی اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماه‌های حج.

بخش دوّم: اعمال عمره تمتع

فصل اوّل: میقات

اشاره

ص: ۶۱

بخش دوّم: اعمال عمره تمتع

ص: ۶۲

ص: ۶۳

۱- احرام: احرام عمره تمتع باید در محل خاصی که (میقات) نامیده می‌شود انجام شود.

فصل اوّل: میقات

برای احرام عمره تمتع پنج میقات وجود دارد.

۱- مسجد شجره که آن را ذوالحلیفه می‌نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند.

مسأله ۱۴۷- تأخیر احرام از این میقات تا جحفه در صورت ضرورت جایز است مانند بیماری.

مسأله ۱۴۸- احرام بستن از داخل مسجد شجره لازم نیست بلکه از بیرون مسجد به طوری که از محاذی آن از طرف راست یا چپ باشد کافی است (۱) هرچند از داخل مسجد

۱- ۱ آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔ اللّه بهجت: احرام بستن از خارج مسجد کفایت نمی‌کند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: و همینطور احرام بستن از پشت دیوار مسجد صحیح است.

آیهٔ اللّه خوئی: احرام در منطقه ذوالحلیفه صحیح است.

ص: ۶۴

مستحب است و در داخل مسجد فرقی بین قسمت قدیمی و قسمتهای توسعه یافته نیست.*

مسأله ۱۴۹- جنب و حائض می‌توانند در خارج مسجد به تفصیلی که در مسأله قبل گذشت (۱) محرم شوند و چنانچه بخواهند در داخل مسجد محرم شوند باید در حال عبور باشد (به این صورت که از دری وارد و از درب دیگر خارج شوند) و اگر توقف کنند معصیت کرده‌اند هرچند احرام آنها صحیح است.

۲- جحفه

مسأله ۱۵۰- کسانی که فعلًا از راه جده به مکه می‌روند می‌توانند از این میقات محرم شوند.

مسأله ۱۵۱- میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای آن می‌توان محرم شد.

۳- وادی عقیق: که اوائل آن را مسلخ و اواسط آن را غمره و اواخر آن را ذات عرق می‌گویند که محل احرام عامه است و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به

۱- ۱ آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: برای حایض و نفساء احرام بستن در خارج مسجد هر چند درمحاذی آن صحیح است آقای آیهٔ اللَّه مکارم حکم جنب را نیز همین دانسته‌اند.

تذکر: براساس فتوای آیهٔاللَّه بهجت و آیهٔاللَّه خامنه‌ای و احتیاط امام و آیهٔاللَّه فاضل و آیهٔاللَّه سیستانی مبنی بر لزوم احرام از درون مسجد اگر جنب نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و از انجام غسل معذور باشد و نتواند تا رفع عذر صبر نماید، باید تیمم نموده و داخل مسجد احرام ببندد و همین‌طور حائض و نفسائی که پاک شده و غسل نکرده‌اند.

و اما حائض و نفسائی که هنوز پاک نشده‌اند اگر نمی‌توانند در حال عبور محرم شوند باید صبر کنند تا پاک شوند و از داخل مسجد به تفصیلی که گذشت محرم شوند و در غیر این‌صورت از نزدیک مسجد محرم شوند و در محاذی مسجد جحفه نیز تجدید احرام نمایند.

آیهٔاللَّه فاضل: تجدید احرام لازم نیست

آیهٔاللَّه خامنه‌ای: باید از جحفه یا محاذی آن محرم شوند

ص: ۶۵

مکه می‌روند.

۴- قرن المنازل: و آن میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می‌روند.

۵- یلملم: که نام کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن به مکه می‌روند.

«احکام مواقیت»

مسأله ۱۵۲- کسی که می‌خواهد از میقات احرام ببندد باید یقین یا اطمینان به رسیدن میقات پیدا نماید و یا حجت شرعیه داشته باشد. (۱) و گفته راهنما یا حمله‌دار کافی نیست مگر از گفته او اطمینان حاصل شود. (۲)

مسأله ۱۵۳- کسانی که با هواپیما برای حج یا عمره به جدّه می‌روند و نیز شاغلین (۳) ایرانی و غیرایرانی در جده، نمی‌توانند از جدّه یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه (۴) بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین عمره تمتع یا مفرده نیست. (۵)

۱- ۱ آیهٔ اللّه تبریزی: گفته کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند حجت شرعیه محسوب می‌شود.

امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: اگر علم و بیّنه ممکن نشد می‌تواند به ظن حاصل از گفته کسانی که اهل اطلاع به آن مکانها هستند اکتفا کند.

۲- ۲. آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: یا این که آنها ثقه باشند و مستندشان اخبار عرف محل باشد.

۳- ۳ آیهٔ اللّه خوئی: اگر حدود سه سال در جدّه می‌ماند که صدق مقر و منزل بر آن بکند می‌تواند از جده‌محرم شود.

۴- ۴ آیهٔ اللّه بهجت: یا محاذات آن

آیهٔ اللّه سیستانی: از جدّه با نذر محرم شود زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است. ولی در صحت احرام به نذر برای کسی که می‌داند مجبور به تظلیل می‌شود اشکال است.

۵- ۵. آیات عظام: صافی، گلپایگانی، فاضل، بهجت: در عمره مفرده احرام از ادنی الحل کفایت می‌کند اگر چه عبور از میقات بدون احرام گناه است.

آیهٔ اللّه مکارم: در عمره مفرده باید در حدیبیه یا یکی از مواقیت پنج گانه محرم شود و احرام در مواقیت پنج‌گانه افضل است.

ص: ۶۶

مسأله ۱۵۴- شخصی که در مکه است اگر بخواهد عمره تمتع بجاآورد باید به یکی از میقات‌های پنجگانه برود و چنانچه به عللی از رفتن به میقات معذور باشد لازم است به خارج حرم برود (۱)* و از آنجا محرم شود و احرام از ادنی الحل کافی است.

مسأله ۱۵۵- کسی که وظیفه‌اش احرام در میقات‌های معروفه است اگر در جای دیگری مانند جدّه محرم شود احرام او صحیح نیست و محرمات احرام بر او حرام نمی‌شود و در این حکم فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست.

مسأله ۱۵۶- احرام در مواقیت یا ادنی الحل لازم نیست در مساجد این اماکن واقع شود بجز مسجد شجره به تفصیلی که گذشت.

مسأله ۱۵۷- کسی که در یکی از میقات‌ها محرم شد می‌تواند برخلاف جهت مکه از میقات فاصله بگیرد و سپس با همان احرام از میقات یا محاذی آن عبور کند مثل این که از مسجد شجره به مدینه برگردد و پس از یک یا چند روز از همان راه یا راه دیگر به مکه برگردد.

مسأله ۱۵۸- کسی که در یکی از ماه‌های قمری عمره مفرده انجام داده در ماه دیگر نمی‌تواند بدون احرام از میقات عبور کند.

مسأله ۱۵۹- کسی که قبل از رسیدن به میقات دیوانه شد واجب نیست او را محرم کنند و ورود او بدون احرام به مکه مانعی ندارد.

مسأله ۱۶۰- کسی که برای احرام عمره تمتع به میقات رفته اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته یا نیت نکرده یا به جهت دیگر احرامش درست نبوده و بازگشت به میقات برای او ممکن نیست مگر این که به مکه بیاید، باید برای دخول مکه از ادنی الحل به نیت عمره مفرده محرم شود و عمره مفرده انجام دهد و برای احرام عمره تمتع باید به یکی از مواقیت پنجگانه برود.

«احرام قبل از میقات»

۱- ۱. آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: هر قدر می‌تواند به طرف میقات برود محرم شود.

ص: ۶۷

مسأله ۱۶۱- احرام بستن پیش از رسیدن به میقات جایز نیست و اگر احرام بست احرام او صحیح نمی‌باشد مگر با نذر که مسائل آن خواهد آمد.

«احرام از محاذی میقات»

مسأله ۱۶۲- هرگاه از راهی برود که از هیچ یک میقاتها عبور نکند باید از محاذاهٔ میقات احرام ببندد هر چند در مسیر خود به محاذی میقات دیگری نیز برخورد کند. بلکه اگر میقات دیگری در پیش داشته باشد نیز تأخیر احرام تا آن میقات جایز نیست. (۱)

مسأله ۱۶۳- مراد از محاذات آن است که کسی که به طرف مکه می‌رود، به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل پشت او شود.

مسأله ۱۶۴- رسیدن به محاذات مانند رسیدن به میقات باید برای مکلّف به یکی از راه‌هایی که در مسأله ۱۵۲ گذشت (۲) اثبات گردد.

مسأله ۱۶۵- اگر ثابت نشود که رابغ محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست. (۳)

«تأخیر احرام از میقات»

۱- ۱. آیهٔاللَّه سیستانی: در هردو فرض مخیر است از هرکدام محرم شود گرچه احتیاط مستحب احرام از محاذی اولی است. آیهٔاللَّه فاضل: در فرض اخیر تأخیر احرام تا میقاتی که در پیش دارد جایز است اگرچه احتیاط مستحب احرام از محاذی اول است. آیهٔاللَّه بهجت: اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذوالحلیفهٔ برای احرام از جحفه اختیاراً.

۲- ۲. آیـات عظـام: امام خمینی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، بهجت: در اثبات محاذات قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کنند اگر موجب گمان باشد ظاهراً کافی است.

۳- ۳. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: نظر به این که رابغ قبل از جحفه است احرام با نذر از آنجا صحیح است.

ص: ۶۸

مسأله ۱۶۶- اگر مستطیع از روی علم و عمد احرام را از میقات تأخیر بیندازد و بواسطه عذری نتواند به میقات برگردد و میقات دیگری در پیش نداشته باشد حج او باطل است و باید سال دیگر حج بجاآورد. (۱)

مسأله ۱۶۷- کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله یا عذر دیگر بدون احرام یا با احرام باطل از میقات عبور کند چهار فرض دارد:

۱- این که بتواند به میقات برگردد به طوری که به اعمال عمره برسد در این فرض باید به میقات برود و در میقات محرم شود هرچند داخل حرم شده باشد. (۲)

۲- این که نتواند به میقات برگردد و هنوز داخل حرم نشده است در این فرض از همانجا محرم می‌شود و احتیاط مستحب این است که هرقدر می‌تواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود. (۳)

۳- اگر داخل حرم شده و امکان بازگشت به میقات را ندارد ولی می‌تواند از حرم خارج شود باید از حرم خارج شود و محرم شود.

۴- این که داخل حرم شده و امکان بازگشت به خارج حرم را نیز ندارد در این فرض باید از داخل حرم محرم شود و احتیاط مستحب این است که هرقدر می‌تواند به طرف

---

۱ - ۱. فتوای آیهٔالله خوئی در این مسأله این است که اگر بر طبق آنچه در مسأله آینده در معذور خواهد آمد عمل کند حج او صحیح است.

آیهٔ الله سیستانی: اگر از میقات ذوالحلیفه عبور کرده و می‌تواند به جحفه برود باید در جحفه محرم شود و حج او صحیح است.

۲- ۲. آیهٔالله سیستانی: این حکم در غیر مسجد شجره است پس کسی که از آن عبور کند هرچند عمدی باشد می‌تواند از جحفه محرم شود هرچند گناه کرده.

آیهٔ الله مکارم: بازگشت به میقات لازم نیست و می‌تواند در خارج حرم محرم شود.

۳- ۳. آیات عظام گلپایگانی، صافی: اگر از میقات دیگری عبور می‌کند از میقات بعدی محرم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نیست به مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچ‌یک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود.

ص: ۶۹

خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود.

مسأله ۱۶۸- گرانی بیش از حدّ کرایه برای بازگشت به میقات عذر محسوب نمی‌شود مگر موجب حرج باشد.

مسأله ۱۶۹- زن حائض اگر به مسأله آگاه نبود و عقیده داشت که نباید از میقات محرم شود و احرام نبست حکمش همان است که در مسأله قبل گذشت. (۱)

مسأله ۱۷۰- اگر بدون احرام (۲) از میقات عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود هرچند میقات دیگری هم در پیش داشته باشد. (۳)

مسأله ۱۷۱- کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند باید به یکی از مواقیت معروفه بروند و نمی‌توانند بدون احرام از میقات عبور کنند و در صورت عبور (۴) واجب است به میقات برگردند و از آنجا محرم شوند و اگر نمی‌توانند در خارج از حرم محرم شوند.

«احرام با نذر»

مسأله ۱۷۲- اگر نذر کند که از محلی پیش از میقات احرام ببندد جایز است و باید از همان جا محرم شود مثلًا اگر نذر کرد از شهر خود یا در مدینه منوره محرم شود باید به نذر خود عمل کند و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند و در این حکم فرقی بین حج یا عمره واجب و یا مستحب نیست. خواه از طرف خود باشد یا به نیابت از دیگری.

۱- ۱. آیهٔ اللَّه مکارم: این زن اگر می‌تواند باید به میقات برگردد.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه فاضل: بدون عذر

آیهٔ اللَّه بهجت: در حال اختیار

۳- ۳. آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد که بنابر اظهر کافی است از جحفه احرام ببندد هر چند گناه کرده است.

آیهٔ اللَّه مکارم: در این فرض می‌تواند از میقات دوم محرم شود.

۴- ۴ آیات عظام: فاضل، بهجت، صافی، گلپایگانی: احرام از ادنی الحل کفایت می کند

ص: ۷۰

مسأله ۱۷۳- نـذر برای احرام مثل سایر نذرها باید با صـیغه شـرعیه انجام شود مثلًا در احرام عمره تمتع بگوید: للّه‌علیّ أن احرم لعمرة التمتع من المدينة الطيبة و یا ترجمه آن را به زبان دیگر بگوید مانند این که به فارسی بگوید: برای خدا بر من است که از مدینه طیبه محرم شوم برای عمره تمتع.

مسأله ۱۷۴- نذر زن برای احرام باید به اذن شوهر باشد مگر این که با حق او منافات نداشته باشد. (۱) بنابراین اگر بدون اذن شوهر نـذر کرد و قبـل از میقات محرم شـد و با این حال از میقات گـذشت احرامش باطل است. و حکم کسـی را دارد که بـدون احرام از میقات عبور کرده است.*

فصل دوّم: واجبات احرام

«نیّت»

۱- ۱ آیات عظام: امام خمینی، فاضل، گلپایگانی، صافی: اذن شوهر مطلقاً معتبر است.

آیات عظام: خویی، سیستانی، تبریزی: یا این که صحت حج بر آن متوقف باشد.

ص: ۷۱

فصل دوّم: واجبات احرام

مسأله ۱۷۵- واجبات در وقت احرام سه چیز است:

۱- نیت ۲- تلبیه ۳- پوشیدن جامه احرام

«نیّت»

در نیت چهار امر معتبر است:

اوّل: قصد قربت.

دوّم: همزمان بودن نیت با شروع در احرام.

سوّم: تعیین عملی که برای آن محرم می‌شود که حج است یا عمره و نوع آنها و قصد نیابت اگر احرامش نیابی است.

چهارم: باید قصد انجام چیزی که احرام را باطل می‌کند نداشته باشد. (۱)

مسأله ۱۷۶- لازم نیست نیت احرام را بر زبان جاری کند یا در ذهن خود بگذراند.

مسأله ۱۷۷- عمره و حج و تمام اجزای آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای خداوند تعالی بجاآورد.

مسأله ۱۷۸- اگر حج را به نیت خالص به جا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند باید

۱- ۱. آیات عظام گلپایگانی، بهجت، مکارم، صافی: بلکه قصد ترک جمیع محرمات احرام لازم است.

ص: ۷۲

سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

مسأله ۱۷۹- اگر بعضـی از ارکان عمره یا حـج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کنـد و نتواند آن را جبران کند، پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حـج حکم بطلان حـج را، ولی اگر محـل جبران باقی است و جبران کرد، عملش صـحیح می‌شود، گرچه معصیت‌کار است.

مسأله ۱۸۰- اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر، به جای نیت عمره تمتع، حـج تمتع را قصـد کرد، پس اگر در نظرش آن است که همین عمـل را که همه بجا می‌آورنـد او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حـج، اسـمش، حـج تمتع اسـت ظاهراً عمل او صحیح است و عمره او تمتع است و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

مسأله ۱۸۱- اگر بواسطه ندانستن مسأله یا عـذر دیگر گمان کند که حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند با این قصد که بعد از احرام به عرفات و مشعر برود و اعمال حج را انجام دهد و بعد از آن عمره انجام دهد احرامش باطل است و باید در میقات تجدید احرام کند و اگر از میقات گذشته بر اساس آنچه در مسأله ۱۶۶ و ۱۶۷ گذشت عمل کند.

مسأله ۱۸۲- کسـی که با وجود اسـتطاعت خیال می‌کرده مسـتطیع نیست و به نیت اسـتحباب محرم شـده چنانچه قصدش امتثال امری بوده که فعلًا متوجه به اوست، احرامش صحیح و برای حجهٔ‌الاسلام واقع می‌شود. (۱)

مسأله ۱۸۳- غیرمسـتطیع اگر به تصوّر این که مستطیع است به نیت انجام حجهٔ‌الاسلام محرم شود احرامش صحیح نیست مگر این که قصدش امتثال امری باشد که فعلًا متوجّه اوست که در این صورت احرام او برای حج استحبابی واقع می‌شود.

مسأله ۱۸۴- کسـی که وظیفه‌اش عمره تمتع بوده و ندانسـته به نیت عمره مفرده محرم شده چنانچه قصد انجام وظیفه فعلی را داشته و اشتباهاً آن را بر عمره مفرده تطبیق کرده احرامش برای عمره تمتع واقع می‌شود و الا احرام عمره مفرده محسوب می‌شود.

۱- ۱. آیهٔ‌اللّه سیستانی: بلکه مطلقاً حج او از حجّهٔ‌الاسلام کفایت می‌کند.

ص: ۷۳

مسأله ۱۸۵- کسی که قبلًا حج واجب خود را انجام داده یا بدلیل نداشتن شرائط استطاعت حج بر او واجب نیست و می‌خواهد حج استحبابی انجام دهد اگر از روی ناآگاهی یا فراموشی در نیت احرام عمره، احرام عمره تمتع از حجهٔالاسلام را نیت نماید احرامش صحیح است و برای حج مستحبی واقع می‌شود.

مسأله ۱۸۶- کسی که احتمال می‌دهد حجی که در سالهای قبل انجام داده صحیح نبوده یا مستطیع نبوده و فعلًا شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند می‌تواند قصد امتثال مطلق امر متوجه به خود را کند و یا قصد حجهٔ الاسلام احتیاطی نماید.

مسأله ۱۸۷- خدمه‌ای که بواسطه وظائفی که دارند نمی‌توانند در عرفات و منی در حالت احرام باشند می‌توانند برای ورود به مکه عمره مفرده انجام دهند و برای حج محرم نشوند ولی کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند و باید عمره و حج تمتع بجاآورد.

مسأله ۱۸۸- پس از این که شخص به طور صحیح برای حج یا عمره محرم شد نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و اگر لباس احرام را هم از تن درآورد و قصد بیرون آمدن از احرام را نیز بکند باز در احرام خود باقی است و محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود و اگر کاری که موجب کفاره است انجام دهد باید کفاره بدهد.

مسأله ۱۸۹- قصد ابطال عمره یا حج یا بعض اجزاء آن مبطل نمی‌باشد.

«تلبیه»

مسأله ۱۹۰- دوم تلبیه: یعنی لبیک گفتن به این صورت که بگوید:

«لَبَّیْکَ، اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ» با گفتن این جملات شخص محرم می‌شود و مستحب است پس از آن بگوید: «انَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَهَٔ لَکَ وَ الْمُلْکَ، لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ» بلکه موافق احتیاط است و نیز مستحب است بعد از آن بگوید: «لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ داعیاً إلی دارِ السَّلامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ غَفّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أهْلَ التَّلْبِیَهِٔ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا الجَلالِ وَ الْاکْرام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَ الْمَعادُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَسْتَغنِی ویُفْتَقَرُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ إلهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ،

ص: ۷۴

لَبَّیکَ ذَا النَّعْماءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ کَشَّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدَیکَ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ یا کَرِیمُ لَبَّیکَ».

مسأله ۱۹۱- واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می‌تواند و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته شد تکرار کند بلکه کافی است بگوید «لبّیک اللّهمّ لبّیک» یا تکرار کند «لبیک» را فقط.

مسأله ۱۹۲- واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیرة الاحرام در نماز واجب است.

مسأله ۱۹۳- اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد و یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه‌کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید.

مسأله ۱۹۴- کسی که لال است باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد (۱) و بهتر است نائب هم بگیرد.

مسأله ۱۹۵- کسی که به هر دلیلی نمی‌تواند تلبیه را صحیح بگوید اگرچه با تلقین باید به هر نحوی که می‌تواند بگوید و کفایت می‌کند اگر عرفاً تلبیه بر آن صدق کند، و الّا بنابر احتیاط علاوه بر آنچه می‌تواند، ترجمه تلبیه را بگوید و اگر اصلًا نمی‌تواند بگوید اکتفا به ترجمه، خالی از وجه نیست.

مسأله ۱۹۶- اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نداشته باشد و با تلقین هم نتواند

۱- ۱. آیة اللّه سیستانی: اگر در اثر عارضه‌ای لال شده و الفاظ تلبیه را می‌داند. به مقداری که می‌تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطار نماید و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می‌کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند.

آیة اللّه صافی، آیة اللّه گلپایگانی: اگرچه به گفتن ترجمه آن باشد و نائب هم بگیرد رجاءً که ازطرف او به‌طور صحیح بگوید.

ص: ۷۵

بگوید حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۱۹۷- تأخیر تلبیه واجب از میقات جایز نیست و اگر تأخیر انداخت محرم نشده که حکم آن در مسأله ۱۶۶ و ۱۶۷ گذشت.

مسأله ۱۹۸- اگر کسی لبیک واجب را نگفت، چه به واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی‌شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود به جا آورد کفّاره ندارد و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

مسأله ۱۹۹- اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، شک کند که نیّت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید شک کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است. (۱)

مسأله ۲۰۰- ترجمه تلبیه واجب این است که بگوید: «اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا. خدایا! اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را» و اگر کلمه «دعوت» را هم نگوید کفایت می‌کند درمواردی که باید ترجمه را بگوید.

«قطع تلبیه»

مسأله ۲۰۱- کسی که برای عمره تمتع محرم شده باید وقتی که خانه‌های مکه پیدا می‌شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید و مراد از خانه‌های مکه خانه‌هایی است که در زمانی که عمره به جا می‌آورد جزو مکه باشد هرچند مکه بزرگ شود (۲) و کسی که احرام حج بسته لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

۱- ۱. آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: در هر دو صورت اگر داخل در عمل مترتب مثل طواف عمره تمتع یا وقوف به عرفات شده، حکم به صحت می‌شود و در غیر این صورت باید اعاده نماید.

۲- ۲ آیات عظام: بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: بلکه مراد خانه‌های مکه قدیم است.

ص: ۷۶

مسأله ۲۰۲- کسی که برای عمره مفرده محرم شده اگر از خارج مکه به سوی آن می‌آید هنگام داخل شدن به حرم لبیک را قطع نماید و اگر از مکه برای احرام به خارج حرم رفته است هنگام مشاهده کعبه لبیک را قطع کند.

«پوشیدن جامه احرام»

مسأله ۲۰۳- سوّم پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را بر دوش بیندازد و لازم است که این دو جامه را قبل از نیّت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط مستحب آن است که لبیک را دوباره بگوید.

مسأله ۲۰۴- لنگ باید به اندازه‌ای باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند و رداء نیز باید به قدری باشد که شانه‌ها را بپوشاند به گونه‌ای که رداء صدق نماید.

مسأله ۲۰۵- در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب معتبر نیست همانطور که کیفیت خاصی نیز معتبر نمی‌باشد بلی باید یکی را بهر کیفیتی که می‌خواهد لنگ قرار دهد و دیگری را به هر کیفیتی که می‌خواهد رداء قرار دهد.

مسأله ۲۰۶- لباس احرام باید دو جامه جدا باشد و در حال اختیار نمی‌توان به یک جامه بلند که مقداری از آن لنگ و مقداری رداء قرار داده شده اکتفا نمود.

مسأله ۲۰۷- پوشیدن‌جامه احرام، عملی عبادی است و در آن نیت و قصد قربت لازم است واحتیاطمستحب آن‌است که‌در کندن‌جامه دوخته‌هم‌نیت و قصد قربت داشته باشد.

مسأله ۲۰۸- شرائط لباس نمازگزار در دو جامه احرام معتبر است بنابراین جامه حریر و جامه نجس به نجاستی که در نماز از آن عفو نشده کفایت نمی‌کند.

مسأله ۲۰۹- جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نباید به قدری نازک باشد که بدن‌نما باشد ولی در رداء این شرط معتبر نیست. گرچه موافق احتیاط است.

مسأله ۲۱۰- در حال احرام هرگاه این دو جامه نجس شود باید آن را تطهیر یا تبدیل کند (۱) ولی اگر تطهیر و تبدیل ننماید ضرر به احرامش نمی‌زند و کفاره هم ندارد. امّا تطهیر

۱- ۱ آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط مستحب

ص: ۷۷

بدن لازم نیست مگر برای نماز و طواف.

مسأله ۲۱۱- لباس احرام می‌تواند از غیر منسوج مانند پوست یا نمد باشد اگر عرفاً به آن جامه گفته شود.

مسأله ۲۱۲- لازم نیست جامه احرام را همیشه در بر داشته باشد بلکه می‌تواند آن را عوض کند و برای شستن، استحمام و مانند آن بیرون آورد ولی اگر جامه را عوض کرد افضل آن است که برای طواف همان جامه‌ای را که در آن محرم شده بپوشد.

مسأله ۲۱۳- شخص محرم می‌تواند برای حفظ از سرما و یا غرض دیگر بیش از دو جامه احرام بپوشد (۱) مثل دو یا سه رداء و دو یا سه لنگ.

مسأله ۲۱۴- محرم می‌تواند برای آشکار نشدن عورت یا اغراض دیگر قطعه‌ای پارچه زیر لنگ بسته آن را از میان دو پا عبور دهد.

مسأله ۲۱۵- وصل نمودن قسمتی از لباس احرام به قسمت دیگر با سنجاق و گیره و مانند آن جایز است (۲)* و نیز گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولیکن نباید آنچه را لنگ قرار داده به گردن گره بزنند ولی اگر از روی جهل یا فراموشی گره زد باید بنابر احتیاط فوراً آن را باز نماید ولی اگر باز نکرد یا از ابتداء عمداً گره زد به احرامش ضرر نمی‌زند و چیزی بر او نیست.

«لباس احرام بانوان»

مسأله ۲۱۶- دو جامه ذکر شده که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است ولی زن می‌تواند در لباس‌های عادی خود به هر نحو که هست محرم شود چه دوخته باشد و چه

۱- ۱. آیهٔ اللَّه فاضل: ولی همه آنها باید شرائط لباس احرام را داشته باشد.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ گذاشتن بین دوطرف حوله به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن درآید جایز نیست و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آن‌که آن را سنگین کرده و رداء را حفظ نماید مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: مادامی که از صدق رداء و لنگ خارج نشود.

ص: ۷۸

نباشد بلی شرائط ذکر شده در دو جامه احرام در آن معتبر است حتی از حریر خالص نیز نباشد.

«تعلّق خمس به لباس احرام»

مسأله ۲۱۷- پوشیدن لباس احرام غصبی جایز نیست و همین طور است لباسی که
متعلّق خمس باشد یا با عین پولی که متعلّق خمس است آن را بخرد.
مسأله ۲۱۸- اگر شک داشته باشد که لباس احرام او متعلق خمس شده یا نه، یا شک دارد پولی که با آن لباس احرام را خریده متعلّق خمس بوده یا نه، تخمیس آن واجب نیست و پوشیدن آن برای احرام جایز و طواف و نماز در آن صحیح است.

«احکام احرام»

مسأله ۲۱۹- برای احرام بستن طهارت از حدث اصغر و اکبر لازم نیست.
مسأله ۲۲۰- اگر بعد از آن که محرم شده است پیراهن بپوشد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از طرف پائین بیرون آورد ولی اگر در پیراهن محرم شود لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد و در هر دو صورت احرامش صحیح است.
مسأله ۲۲۱- اگر در هنگام احرام بستن لباس احرام را عمداً یا از روی عذر نپوشد یا لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد احرامش صحیح است هرچند در صورت عمد معصیت کرده است و همین طور است احرام در جامه‌ای که شرائط لازم را ندارد.
مسأله ۲۲۲- اگر بواسطه عذری، مثل مرض، نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد، باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لبیک بگوید و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند و اگر لباس احرام نپوشیده، بپوشد. و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته یک گوسفند قربانی کند.
مسأله ۲۲۳- اگر از روی علم و عمد اعمال عمره تمتع را بدون احرام صحیح انجام

ص: ۷۹

دهـد آن اعمال باطل است و در صورتی که امکان تـدارک آنها با احرام صـحیح نباشد نمی‌تواند حج تمتع بجاآورد و اگر وظیفه او حجهٔالاسلام بوده حج بر او مستقرّ می‌شود.

مسأله ۲۲۴- اگر از روی فراموشـی یـا ندانسـتن مسـأله احرام نبست یـا احرامش را باطل انجام داد و با این وجود اعمال عمره تمتع را بجاآورد چنانچه امکان تدارک آن اعمال را با احرام صـحیح دارد باید با رعایت آنچه در مسأله ۱۶۷ گذشت محرم شود و اعمال را تـدارک نماید و اگر امکان تدارک وجود ندارد عمره او صـحیح است خواه بعد از عمره (۱)* متوجه شود یا در اثناء حـج یا بعد از آن.

مسأله ۲۲۵- اگر تلبیه احرام عمره تمتع را غلط بگوید حکم دو مسأله قبل را دارد.

«مستحبات احرام»

مسأله ۲۲۶- مستحبات احرام چند چیز است: (۲)

۱- بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد، و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲- کسـی که قصـد حـج دارد از اول ماه ذی‌القعـده و شخصـی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سـر و ریش را رها کند.

۳- پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حایض و نفساء نیز صحیح است (۳) و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب

۱- ۱ آیهٔ اللَّه فاضل: در این صورت نیز عمره او باطل است و باید حج افراد انجام دهد و این حج ازحجهٔالاسلام کفایت می‌کند. آیهٔاللَّه خامنه‌ای: نظر معظم‌له در صحت عمره به‌دست نیامد.

۲- ۲. آیـهٔ اللَّه سیسـتانی، آیـهٔ اللَّه مکارم: پاره‌ای از مسـتحبات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است پس باید رعایت آن به قصد رجاء باشد نه ورود.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه بهجت: این غسل با خوابیدن باطل نمی‌شود ولی اعاده آن شبیه به مستحب در مستحب‌است.

ص: ۸۰

است غسل را اعاده نماید و بعد از این غسل، اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴- آن که دو جامه احرام از پنبه باشد.

۵- لباس احرام سفید باشد.

۶- احرام را به ترتیب ذیل ببندد:

در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر. (۱) و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید: «أللَّهُمَّ إِنِّی أسْأَ لُکَ أنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِکَ، وَ اتَّبَعَ أمْرَکَ، فَانِّی عَبْدُکَ، وَ فی قَبْضَتِکَ، لا اوْقی إلَّا ما وَقیتَ، وَ لا آخُذُ إلَّا ما أعْطَیْتَ، وَقَدْ ذَکَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَلُکَ أنْ تَعْزِمَ لِی عَلَیْهِ عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِه، وَتُقَوِّیَنِی عَلی ما ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِی مَناسِکی فی یُسْرٍ مِنْکَ وَ عافِیَةٍ، وَ اجْعَلْنِی مِنْ وَفْدِکَ الّذی رَضِیتَ وَ ارْتَضَیْتَ وَ سَمَّیْتَ وَ کَتَبْتَ. أللَّهُمَّ إنِّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ، وَ أنْفَقْتُ مالِی ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ. أَللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِی حَجَّتِی وَ عُمْرَتِی. أللَّهُمَّ إنّی اریْدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إلَی الْحَجِّ عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، فَانْ عَرَضَ لِی عارِضٌ یَحْبِسُنِی، فَخَلِّنِی حَیْثُ حَبَسْتَنِی بِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرْتَ عَلَیَّ. أللَّهُمَّ إنْ لَمْ تَکُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً، أحْرَمَ لَکَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ عِظامِی وَ مُخّی وَ عَصَبِی مِنَ النِّساءِ وَ الثِّیابِ وَالطِّیبِ، أبْتَغِی بِذلِکَ وَجْهَکَ وَ الدارَ الْآخِرَةَ».

۱- ۱ آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه فاضل: در صورت عدم تمکن از فریضه اداء بعد از فریضه قضا محرم شود.

ص: ۸۱

۷- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اوارِی بِهِ عَوْرَتی، وَ اؤَدِّی فِیْهِ فَرْضِی، وَ أعْبُدُ فِیْهِ رَبِّی، وَ أنْتَهِی فِیْهِ إلی ما أمَرَنِی، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِی، وَ أردْتُهُ فَأعانَنِی وَقَبِلَنِی وَ لَمْ یَقْطَعْ بِی، وَ وَجْهَهُ أرَدْتُ فَسَلَّمَنِی فَهُوَ حِصْنِی وَ کَهْفِی وَ حِرْزِی وَ ظَهْرِی وَ مَلاذِی وَ رَجائی وَ مَنْجایَ وَ ذُخْرِی وَ عُدَّتِی فی شِدَّتِی وَ رَخائِی».

۸- تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند، خصوصاً در موارد ذیل:

الف: وقت برخاستن از خواب.

ب: بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج: وقت رسیدن به سواره.

د: هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

ه: وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و: آخر شب.

ز: اوقات سحر

زن حایض و نفساء (۱) نیز این تلبیه‌ها را بگویند. و شخص متمتع، تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه‌های مکه را ببیند و امّا تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است. (۲)

«مکروهات احرام»

مکروهات احرام چند چیز است:

۱- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.

۲- خوابیدن محرم بر رختخواب و بالش زرد رنگ.

۱- ۱ آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه فاضل: ... و جنب.

۲- ۲. آیهٔ اللّه بهجت: و همچنین مستحب است بر مردان تلبیه را بلند بگویند.

ص: ۸۲

۳- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.

۴- احرام بستن در جامه راه‌راه. (۱)

۵- استعمال حنا، (۲) پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- حمام رفتن و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

فصل سوّم: محرّمات احرام

«نگاه کردن در آینه»

۱- ۱. آیة اللّه سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه‌دار و مانند آن.

۲- ۲. آیة اللّه مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگ‌های امروز نیست.

ص: ۸۳

مسأله ۲۲۷- نگاه کردن در آینه، به جهت زینت، حرام است و به غیر این جهت اشکال ندارد. (۱)* و در این حکم تفاوتی میان زن و مرد نیست.

مسأله ۲۲۸- نگاه کردن به آب صاف و اجسام صیقلی که خاصیت آینه را دارد، اشکال ندارد. (۲)*

مسأله ۲۲۹- نگاه به اشیا از پشت شیشه اتاق یا عینک (۳) و مانند آن مانعی ندارد و همچنین است نگاه در دوربین، حتی اگر در آن آینه باشد.

مسأله ۲۳۰- بودن در مکانی که در آن آینه هست و می‌داند که گاهی سهواً نگاهش به آن می‌افتد اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب است که آن را بردارد یا چیزی رویش بیندازد.

۱- ۱- آیهٔ اللّه گلپایگانی و آیهٔ اللّه صافی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست چه به قصد زینت باشد و چه نباشد.

۲- ۲- آیهٔاللّه سیستانی: نگاه به اجسام صیقلی که خاصیت آینه را دارد، مثل نگاه در آینه است.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: به‌قصد زینت جایز نیست.

۳- ۳- حکم عینک زدن، در مسائل مربوط به حرمتِ زینت خواهد آمد.

ص: ۸۴

مسأله ۲۳۱- نگاه کردن در آینه (۱) کفاره ندارد ولی مستحب است بعد از نگاه، لبیک بگوید.

«پوشیدن لباس دوخته برای مرد»

مسأله ۲۳۲- جایز نیست پوشیدن لباسهای دوخته؛ مثل پیراهن و زیرجامه و شبیه به دوخته مانند لباس‌های بافتنی و نمدی.

مسأله ۲۳۳- استفاده از فتق‌بند و کمربند و بند ساعت و دمپایی دوخته مانعی ندارد و همینطور است همیانی که در آن پول می‌گذارند.

مسأله ۲۳۴- اگر به لباس دوخته و مانند آن احتیاج پیدا کرد، جایز است بپوشد ولی باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۲۳۵- گره زدن لباس احرام و وصل کردن قسمتی از آن به قسمت دیگر با سوزن و سنجاق و سنگ گذاشتن و نخ بستن مانعی ندارد، مگر آن‌که ردا صدق نکند و همچنین نباید آنچه را لنگ قرار داده به گردن گره بزنند. (۲)

مسأله ۲۳۶- پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان، مانعی ندارد، جز دستکش که جایز نیست.

مسأله ۲۳۷- جایز است محرم هنگام خوابیدن با لحاف و پتو و مانند آن از چیزهای دوخته تن خود را، جز سر بپوشاند.

مسأله ۲۳۸- اگر با علم و عمد لباس دوخته و مانند آن بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۲۳۹- اگر چند لباس از یک نوع بپوشد، مانند چند پیراهن (۳) یا یک لباس را

۱- ۱- آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: کفاره‌اش استغفار است.

۲- ۲. تفصیل نظر مراجع عظام در مسأله ۲۱۴ گذشت.

۳- ۳- آیهٔ اللّٰه فاضل: چنانچه چند لباس از یک نوع را یک دفعه یعنی پشت سر هم و بدون فاصله‌بپوشد یک کفاره کافی است. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره یک کفاره و در احرام حج یک کفاره کافی است.

ص: ۸۵

چند بار بپوشد کفاره متعدّد می گردد.

مسأله ۲۴۰- اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد بپوشد کفاره ساقط نمی‌شود. (۱)

مسأله ۲۴۱- اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد؛ مثل پیراهن و کت، باید برای هر کدام یک کفاره بدهد حتی اگر آنها را داخل در هم کرده باشد و یکدفعه بپوشد. (۲)

«پوشاندن تمام روی پا برای مردان»

مسأله ۲۴۲- پوشیدن کفش و جوراب و مانند آن، که تمام روی پا را بپوشاند برای مرد جایز نیست اما پوشیدن دمپایی و مانند آن، که تمام روی پا را نمی‌پوشاند اشکال ندارد.

مسأله ۲۴۳- انداختن حوله احرام یا پتو روی پا؛ به طوری که پوشیدن آن به حساب نیاید اشکال ندارد.

مسأله ۲۴۴- اگر مرد از روی ناچاری چیزی بپوشد که تمام روی پا را می‌پوشاند، می‌تواند آن را بپوشد و شکاف دادن آن لازم نیست.

مسأله ۲۴۵- پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد کفاره ندارد.

«پوشانیدن سر برای مرد»

مسأله ۲۴۶- جایز نیست مرد سر خود را با چیزی بپوشاند حتی با مثل حنا و گل و غیر اینها ولی پوشانیدن با بعض بدن خود؛ مثل دست‌ها، جایز است.

مسأله ۲۴۷- احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد که سر به وسیله آن پوشیده شود؛ مثل بار برای حمل.

۱- ۱- آیهٔ اللّه مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

۲- ۲- آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: نظر ایشان در پاورقی قبل گذشت.

ص: ۸۶

مسأله ۲۴۸- در حکم سر است بعض سر، پس نباید بعض سر را نیز بپوشاند. گوشها هم از سر محسوب می‌شود اما صورت از سر نیست و پوشاندن آن عیبی ندارد.

مسأله ۲۴۹- محرم می‌تواند برای سردرد، دستمال به سرببندد و کفاره هم ندارد. (۱)*

مسأله ۲۵۰- گذاشتن سر روی بالش و مانند آن برای خوابیدن مانعی ندارد. ولی پوشاندن سر موقع خوابیدن جایز نیست و اگر بدون توجه یا از روی فراموشی پوشانید واجب است آن را فوراً بردارد.

مسأله ۲۵۱- اگر پارچه‌ای را روی چیزی بیندازد بنحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند، مانعی ندارد و همینطور رفتن در پشه بند.

مسأله ۲۵۲- اگر سر را شست نباید با پارچه و حوله آن‌را خشک کند و بعض سر در حکم همه آن است. (۲)

و اگر وقت نماز تنگ باشد و نتواند سر را برای مسح ولو با دست خشک کند احتیاط جمع بین وضو با این حال و تیمم است. (۳)

مسأله ۲۵۳- نباید محرم (۴) سر خود را زیر آب فرو برد، حتی بعض سر را (۵) بلکه جایز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن هم فروببرد و لکن زیر دوش رفتن مانعی ندارد.

مسأله ۲۵۴- اگر عمداً و با علم به مسأله سر یا بعضی (۶) از آن را بپوشاند بنحوی از انحا؛

۱- ۱- آیات عظام گلپایگانی، بهجت و صافی: کفاره دارد.

۲- ۲- آیات عظام گلپایگانی، صافی، بهجت، خامنه‌ای، مکارم: خشک کردن به نحوی که سر پوشانده نشود اشکال ندارد نظر این آقایان نسبت به بقیه مسأله همینجا معلوم شد.

آیهٔ‌اللّٰه خوئی: فتوای معظم‌له در دست نیست.

۳- ۳- آیهٔ اللّٰه سیستانی: در این فرض می‌تواند با کنار حوله به مقدار مسح، سرش را خشک کند.

۴- ۴- آیهٔ اللّٰه مکارم: و ظاهر کلام امام خمینی: این حکم مختص مردان است و شامل زنان نمی‌شود.

۵- ۵- آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: فرو بردن بعض سر را زیر آب جایز است.

۶- ۶ آیهٔ‌اللّٰه فاضل و آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای: پوشاندن بعض سر کفاره ندارد. آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای اضافه‌فرموده‌اند: مگر این‌که عرفاً صدق کند که سر را پوشانده است؛ مثل این‌که کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می‌پوشاند، بر سر بگذارد.

ص: ۸۷

کفاره آن یک گوسفند است اما پوشاندن بعض سر کفاره ندارد.

مسأله ۲۵۵- اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و دوباره سر را پوشانید باید مجدداً کفاره بدهد (۱) ولی اگر قبل از کفاره دادن چند بار سر را پوشانید کفاره متعدد نمی‌شود. (۲)*

مسأله ۲۵۶- اگر محرم سر خود را با چیز دوخته‌ای که پوشیدنش موجب کفاره است (مثل کلاه) بپوشاند، باید دو کفاره بدهد (۳) جز در صورت جهل و فراموشی.

مسأله ۲۵۷- پوشاندن سر از روی اضطرار ظاهراً کفاره دارد. (۴)

«پوشانیدن صورت برای زن»

مسأله ۲۵۸- زن نباید روی خود را با نقاب و پوشیه و مانند اینها، حتی با بادبزن بپوشاند (۵) واحتیاط واجب آن است که به چیزهای غیر متعارف مثل گل و دارو نیز نپوشاند.

مسأله ۲۵۹- بعض صورت در حکم همه آن است بنابراین نباید آن را بپوشاند اما زیر چانه از صورت محسوب نمی‌شود. (۶)

۱- ۱- امام خمینی: کفاره مجدد احتیاط مطلوبی است گرچه واجب نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بعید نیست کفایت یک کفاره.

۲- ۲- آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ اللَّه صافی: کفاره متعدد می‌شود.

۳- ۳- آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه تبریزی: ظاهراً کفاره متعدد نمی‌شود.

۴- ۴- آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی و صافی: فرض اضطرار را برای عدم لزوم کفاره استثنا نفرمودند.

آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: کفاره ندارد.

۵- ۵- آیهٔاللَّه بهجت: در غیرحال‌ضرورت؛ مانندتحفّظاز مگس ومانندآن، درحال‌خوابیدن، اشکالی ندارد.

۶- ۶- آیـهٔ اللَّه خامنه‌ای: بر زنان حرام است پوشانـدن صورت و مانند آن؛ به آنگونه که عادتاً برای حفظ حجاب انجام می‌دهند. امّا پوشاندن گوشه‌هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن؛ به طوری که پوشاندن صورت صدق نکند مانع ندارد چه در نماز یا غیر آن.

آیهٔ اللَّه مکارم: پوشیدن بعض صورت؛ به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند اشکالی ندارد.

ص: ۸۸

مسأله ۲۶۰- زن می‌تواند کمی از اطراف صورت را مقدمتاً برای پوشش واجب نماز بپوشاند، لکن بعد از فراغ از نماز باید آن‌را فوراً باز کند. (۱)

مسأله ۲۶۱- گذاردن دست بر روی صورت و همچنین گذاشتن صورت بر بالش و پوشاندن صورت هنگام خوابیدن مانعی ندارد.

مسأله ۲۶۲- خشک کردن صورت با حوله و پارچه اگر تدریجاً و به نحوی باشد که صورت پوشیده نشود مانعی ندارد. (۲)*

مسأله ۲۶۳- زن باید مواظب باشد که هنگام پوشیدن و یا درآوردن مقنعه و مانند آن صورتش پوشیده نشود (۳). لکن اگر از روی علم و عمد پوشیده نشود مانعی ندارد.

مسأله ۲۶۴- جایز است برای روی‌گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سر انداخته پایین بیندازد تا محاذی بینی بلکه چانه و بلکه در صورت احتیاج تا گردن، چیزی بر او نیست. (۴)

مسأله ۲۶۵- بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد با دست یا چیز دیگر از صورت دور نگهدارد تا به صورت نچسبد. (۵)*

مسأله ۲۶۶- در پوشاندن صورت، به هر نحو که باشد، کفاره نیست. (۶)*

«استفاده از بوی خوش»

۱- ۱- نظر آیهٔ اللَّه خامنه‌ای و آیهٔ اللَّه مکارم از پاورقی مسأله قبل روشن می‌شود.

۲- ۲- آیات عظام خوئی، تبریزی و فاضل: زن نباید صورت خود را با حوله خشک کند.

آیهٔاللَّه خامنه‌ای: اگر حوله را روی همه صورت بیندازد، اشکال دارد والا مانع ندارد.

۳- ۳- آیهٔ اللَّه مکارم: این مقدار پوشیدن مانعی ندارد.

۴- ۴- آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرض فرع اخیر نشده‌اند.

۵- ۵- آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ اللَّه صافی: باید با دست یا چیز دیگر از صورت دور نگهدارد.

۶- ۶- آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ اللَّه صافی: باید یک گوسفند کفاره بدهد.

ص: ۸۹

مسأله ۲۶۷- استعمال عطرها مانند مشک، عود، عنبر و زعفران جایز نیست. (۱) چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن به لباس و بدن و همینطور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد، گرچه قبلًا عطر به آن مالیده شده باشد.

مسأله ۲۶۸- اگر در غذا و مانند آن چیز خوش بویی مانند زعفران باشد خوردن آن جایز نیست.

مسأله ۲۶۹- بوییدن چیزهای خوش بو حرام است و چنانچه ناچار به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد گردد، باید بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسأله ۲۷۰- اجتناب از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می‌دهد لازم است مگر بعضی‌انواع صحرایی؛ مانند بومادران، درمنه و خزامی که می‌گویند خوش‌بوترین گلها است. (۲)

مسأله ۲۷۱- اجتناب از میوه‌های خوش‌بو؛ مانند سیب و به، لازم نیست و خوردن و بوییدن آنها مانع ندارد (گرچه احتیاط ترک آن است).

مسأله ۲۷۲- بر محرم لازم نیست از بوی خوشی که در کعبه است اجتناب کند.

مسأله ۲۷۳- گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی فرار کردن از آن به تند رفتن مانعی ندارد.

مسأله ۲۷۴- خرید و فروش عطرها اشکال ندارد ولی نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال نماید.

مسأله ۲۷۵- استعمال شامپو و صابون و خمیر دندان، اگر صدق بوی خوش کند،

۱- ۱- آیهٔ اللّه تبریزی: در غیر از این چهار چیز و ورس احتیاط استحبابی است از اینجا نظر ایشان درمسائل بعدی روشن می‌شود.

۲- ۲- آیهٔ اللّه مکارم: البته سبزی‌هایی مانند ریحان و نعناع اشکالی ندارد.

ص: ۹۰

جایز نیست (۱).

مسأله ۲۷۶- کفاره خوردن چیزی که در آن بوی خوش به کار رفته، در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است.

«سرمه کشیدن»

مسأله ۲۷۷- سرمه سیاه کشیدن اگر برای زینت باشد، حرام است هر چند قصد زینت نکند.

مسأله ۲۷۸- سرمه غیر سیاه کشیدن، اگر زینت حساب شود حرام است هرچند قصد زینت نکند. (۲)

مسأله ۲۷۹- اگر سرمه بکشد به چیزی که بوی خوش داشته باشد داخل در مسأله استعمال بوی خوش می‌شود که حکم آن گذشت.

مسأله ۲۸۰- در حرمت سرمه کشیدن، تفاوتی میان زن و مرد نیست.

مسأله ۲۸۱- سرمه کشیدن به چیزی که در آن بوی خوش (۳) نباشد کفاره ندارد.

مسأله ۲۸۲- سرمه کشیدن در صورتی که ناچار باشد اشکال ندارد.

«زینت کردن»

مسأله ۲۸۳- محرم باید از هر چیزی که زینت حساب می‌شود اجتناب کند، هر چند قصد (۴) او زینت نباشد.

مسأله ۲۸۴- انگشتر به دست کردن به جهت زینت جایز نیست اما برای استحباب یا غرض دیگر مانعی ندارد. (۵)*

۱- ۱- آیهٔ اللّه تبریزی: بلکه جایز است.

۲- ۲- آیات عظام: خوئی، تبریزی، بهجت: اگر قصد زینت نکند جایز است.

۳- ۳- آیهٔاللّه فاضل: یا بوی خوش آن هنگام سرمه کشیدن قابل استشمام نباشد.

۴- ۴- آیهٔ اللّه فاضل: اگر قصد زینت آنها را نداشته باشد مانعی ندارد.

۵- ۵- آیهٔ اللّه مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

ص: ۹۱

مسأله ۲۸۵- حنا بستن در حال احرام، اگر زینت حساب شود، جایز نیست ولو قصد زینت نداشته باشد و در غیر این صورت مانعی ندارد و همینطور حنا بستن قبل از احرام مانع ندارد هر چند به قصد زینت باشد و اثرش تا زمان احرام باقی بماند.

مسأله ۲۸۶- عینک زدن اگر (۱) زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست. (۲)

مسأله ۲۸۷- پوشیدن زیور برای زن محرم به جهت زینت حرام است بلکه اگر زینت باشد حرمت آن بدون قصد زینت نیز خالی از قوت نیست. (۳)

مسأله ۲۸۸- زیورهایی را که زن عادت به پوشیدن آن قبل از احرام داشته، لازم نیست‌برای احرام بیرون بیاورد (۴). ولی (۵) نباید آنها را به مرد (۶) نشان دهد حتی به شوهر خود.

«روغن مالیدن»

مسأله ۲۸۹- مالیدن روغن و پماد چرب (۷) حرام است، اگر چه بوی خوش نداشته باشد.

مسأله ۲۹۰- اگر در روغن بوی خوش باشد، چنانچه بوی خوش آن تا وقت احرام باقی بماند قبل از احرام نیز نباید استعمال کند.

مسأله ۲۹۱- روغن مالیدن به جهت ضرورت و احتیاج عیبی ندارد. (۸)

۱- ۱ آیۀاللَّه بهجت: اگر به‌قصد زینت نباشد، بنابر اقوی عیبی ندارد.

۲- ۲. آیۀاللَّه فاضل: در صورتی که به‌قصد زینت استفاده کند.

۳- ۳- آیۀ اللَّه فاضل: بدون قصد زینت احتیاط مستحب در ترک است.

۴- ۴- آیۀ اللَّه فاضل: اگر قصد زینت آنها را نداشته باشد.

۵- ۵- آیۀ اللَّه مکارم: باید آنها را بپوشاند.

۶- ۶- آیۀ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط مستحب آنها را برای مَحرَم خود هم ظاهر نسازد.

۷- ۷- آیۀ اللَّه مکارم: بلکه مطلقاً حرام است ولو چرب نباشد.

۸- ۸- آیۀ اللَّه سیستانی: محرم می‌تواند روغنی که بوی خوش ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوش‌بو است یا بوی خوش در آن است.

ص: ۹۲

مسأله ۲۹۲- خوردن روغنی که در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد مانعی ندارد.

مسأله ۲۹۳- اگر در روغن بوی خوش نباشد مالیدن آن کفاره ندارد و اگر در آن بوی خوش باشد (۱) کفاره‌اش یک گوسفند است هر چند از روی اضطرار باشد. (۲)

«گرفتن ناخن»

مسأله ۲۹۴- جایز نیست محرم ناخن دست یا پای خود را بگیرد حتی بعض آن را و فرقی نیست با ناخن‌گیر باشد یا هر وسیله دیگر بلکه زائل کردن ناخن با دندان یا سوهان نیز جایز نیست.

مسأله ۲۹۵- گرفتن ناخن دیگری عیبی ندارد گر چه دیگری نیز محرم باشد بنابراین محرم می‌تواند ناخن محرم دیگری را برای تقصیر بگیرد.

مسأله ۲۹۶- اگر بقای ناخن موجب اذیت و آزار باشد مثل اینکه بعض آن جدا شده و بعض دیگر مانده و موجب ناراحتی می‌شود گرفتن آن جایز است لکن باید (۳) کفاره بدهد.

مسأله ۲۹۷- برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد و همینطور است در ناخن‌های پا.

مسأله ۲۹۸- اگر تمام ناخن‌های دست‌ها و پاها را در یک مجلس بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۲۹۹- اگر تمام ناخن‌های دست را در یک یا چند مجلس بگیرد و در مجلس دیگر یا چند مجلس دیگر تمام ناخن پاها را بگیرد باید دو گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۳۰۰- اگر تمام ناخن دستها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده تا بگیرد یک

۱- ۱- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: اگر روغن را معطّر کرده باشند مانند کرمهای معطر و امثال آن بعید نیست که کفاره نداشته باشد.

۲- ۲- آیهٔ اللّٰه فاضل: در حال اضطرار کفاره ثابت نیست.

۳- ۳- آیهٔ اللّٰه فاضل: می‌تواند برای هر ناخن یک کف طعام بدهد.

ص: ۹۳

گوسفند برای ناخن دستها و برای هر یک از ناخن‌های پا یک مـد طعام بدهد و همچنین است اگر تمام ناخن پاها را بگیرد و ناخن دست‌ها را کمتر از ده ناخن بگیرد (۱).

مسأله ۳۰۱- اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و همه آنها را گرفت برای هر ناخن یک مد طعام بدهد. (۲)

«زائل کردن مو»

مسأله ۳۰۲- بر محرم حرام است زائل کردن موی خود یا دیگری هر چنـد دیگری محرم نباشد و در این حکم فرقی نیست میان موی کم و زیاد بلکه (۳) زایل کردن بعض از یک مو نیز حرام است.

مسأله ۳۰۳- در ازاله مو، فرقی میان تراشیـدن یا کنـدن یا قیچی کردن یا اسـتفاده از موبر نیست، همانطور که فرقی میان اعضای بدن نیست.

مسأله ۳۰۴- ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد جایز است مثل مویی که چشم را اذیت می کند.

مسأله ۳۰۵- اگر در وقت غسل یا وضو یا تطهیر، (۴) مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد و کفاره هم ندارد.

مسأله ۳۰۶- کفاره زایل کردن موی سر، به جهت ضرورت، دوازده (۵)(۶) مد طعام است

۱- ۱- آیهٔ اللَّه فاضل: در هر دو فرض غیر از گوسفند کفاره‌ای ثابت نیست.

۲- ۲- آیهٔ اللَّه فاضل: برای مجموع ناخن‌ها یک گوسفند کفاره بدهد.

آیهٔاللَّه خوئی متعرض این فرع نشده‌اند.

۳- ۳- آیهٔ اللَّه مکارم: این مقدار حرام نیست.

۴- ۴ آیـهٔاللَّه خامنه‌ای، آیـهٔاللَّه سیسـتانی: یا تیمم آیهٔاللَّه سیسـتانی اضافه فرموده‌اند: یا ازاله مانع ازرسیـدن آب وضو و غسل و مانند آن.

۵- ۵- آیـهٔ اللَّه بهجت و آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: اطعام ده مسـکین به هر کـدام یک مـد داده شود. آیـهٔاللَّهبهجت اضافه فرموده‌اند: بنابر احتیاط به هرکـدام به مقـداری که سیر شونـد بدهـد، اگرچه بیش از یک مد طعام داده شود. احتیاط در رعایت اکثر از مد و اشـباع است.

۶- ۵- آیـهٔ اللَّه بهجت و آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: اطعام ده مسـکین به هر کـدام یک مـد داده شود. آیـهٔاللَّهبهجت اضافه فرموده‌اند: بنابر احتیاط به هرکـدام به مقـداری که سیر شونـد بدهـد، اگرچه بیش از یک مد طعام داده شود. احتیاط در رعایت اکثر از مد و اشـباع است.

ص: ۹۴

که باید به شش مسکین بدهد یا سه روز روزه بگیرد یا یک گوسفند قربانی کند و یک مد تقریباً ده سیر است.

مسأله ۳۰۷- کفاره زایل کردن موی سر، بدون ضرورت، یک گوسفند است. (۱)

مسأله ۳۰۸- کفاره ازاله موی زیر هر دو بغل یا یک بغل یک گوسفند است. (۲)

مسأله ۳۰۹- ازاله مو از دیگری، محرم باشد یا غیر محرم، حرام است لکن کفاره ندارد. (۳)

مسأله ۳۱۰- اگر عمداً به سر یا ریش خود دست کشید و یک مو یا بیشتر افتاد، باید یک کف طعام صدقه بدهد. (۴) هر چند التفات به افتادن مو نداشته باشد و حکم جدا شدن مو در موقع وضو و مانند آن گذشت.

«سایه قرار دادن (برای مردان)»

مسأله ۳۱۱- سایه قرار دادن بر سر، برای مردان جایز نیست ولی برای زنان و کودکان اشکالی ندارد.

مسأله ۳۱۲- حرمت سایه قرار دادن بالای سر، مختص به زمان طی مسافت است.

پس در حالیکه در محلی منزل کرده در منا باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن و با چتر و مانند آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد. بنابراین، مانعی ندارد در منا از چادر تا محلی که رمی جمرات را انجام می‌دهد با چتر برود و نیز جایز است. بعد از آنکه محرم به منزل رسید ولو در محله‌های جدید مکه برای رفت و آمد به مسجد الحرام در ماشین‌های سقف‌دار سوار شود یا زیر سایه برود.

۱- ۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: حکم آن مانند مسأله قبل است.

۲- ۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: کفاره ازاله موی یک بغل آن است که سه مسکین را اطعام دهد.

۳- ۳- امام خمینی: ظاهر کلام ایشان این است که فرقی میان ازاله مو از خود یا دیگری، در لزوم کفاره نیست.

۴- ۴- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: این کفاره گر چه مطابق احتیاط است و لکن وجوبش معلوم نیست.

ص: ۹۵

مسأله ۳۱۳- قرار گرفتن در سایه چیزی که بالای سر نباشد؛ مانند دیواره اتومبیل، مانعی ندارد. (۱)*

مسأله ۳۱۴- در حرمت زیر سقف رفتن، تفاوتی میان سواره و پیاده نیست.

مسأله ۳۱۵- حکم مزبور اختصاص دارد به سایه متحرکی که با انسان حرکت می‌کند؛ مثل چتر و سقف ماشین و مانند آن و شامل سایه‌های ثابت مانند پلها (۲) و تونلها و پمپ بنزین نمی‌شود لذا عبور از زیر آنها اشکال ندارد.

مسأله ۳۱۶- نشستن در زیر سقف، در حال طی منزل در شب و بین الطلوعین اشکال ندارد. (۳)* بنابراین جایز است نشستن محرم در ماشینی که سقف دارد و شب حرکت می‌کند.

مسأله ۳۱۷- نظر به این که مسجد تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، کسی که از مسجد تنعیم برای عمره محرم شده است. می‌تواند سوار ماشین سقف دار شود یا زیر سایه دیگری برود.

مسأله ۳۱۸- کسانی که در مسجدالحرام برای حج محرم می‌شوند تا عرفاً در منزل و

۱- ۱- آیهٔ اللّه خوئی: اظهر حرمت است.

۲- ۲- آیات عظام امام خمینی و صافی: زیر سایه ثابت رفتن هم جایز نیست ولی اگر ماشین از زیر پل‌یا تونل عبور کند و بناچار محرمین از زیر پلها عبور کنند. و یا درمحل پمپ بنزین متوقف شوند اشکال ندارد.

۳- ۳- آیهٔ اللّه مکارم: مگر در شب‌های بارانی که باید کفاره بدهد.

آیهٔ اللّه خوئی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد است پس اگر هیچ یک از آنها نباشد به طوری که وجود و عدم سایبان یکسان باشد اشکال ندارد و در این حکم فرقی بین شب و روز نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: در شبهای بارانی باید کفاره بدهد.

ص: ۹۶

مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می‌توانند استظلال کنند. (۱)

مسأله ۳۱۹- سایه قرار دادن به غیر سر، مانند شانه و دیگر اعضای بدن مانعی ندارد.

مسأله ۳۲۰- محرم به محض رسیدن به مکه می‌تواند استظلال نماید هر چند هنوز به محل سکونت نرسیده باشد.

مسأله ۳۲۱- سایه قرار دادن برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی اشکالی ندارد ولی کفاره ساقط نمی‌شود.

مسأله ۳۲۲- اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد و یک گوسفند است در احرام حج هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد.

مسأله ۳۲۳- کفاره سایه قرار دادن در حالِ طی منزل، یک گوسفند است؛ چه با عذر سایه قرار داده یا بدون عذر.

مسأله ۳۲۴- اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله، سوار اتومبیل سقف‌دار شد و بعد از توقف اتومبیل و پیاده شدن متوجه شد کفاره ندارد ولی اگر در حال حرکت متوجه شد برای مقداری که تا زمان ایستادن اتومبیل بناچار زیر سقف قرار دارد باید کفاره بدهد. (۲)

«عقد کردن»

مسأله ۳۲۵- ازدواج در حال احرام جایز نیست؛ خواه خودش صیغه عقد را بخواند یا به دیگری وکالت دهد، خواه عقد دائم باشد یا موقت و در این حال اگر عقد بخواند عقد او باطل است. همچنین است اگر محرم برای دیگری صیغه عقد بخواند گرچه او محرم نباشد.

مسأله ۳۲۶- اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند، با علم به محرم بودن، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود.

۱- ۱- آیهٔ اللّٰه مکارم: در مکه مانعی ندارد هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشند.

۲- ۲- آیهٔ اللّٰه مکارم: در این صورت هم کفاره ندارد.

ص: ۹۷

مسأله ۳۲۷- اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و محرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم و موضوع باشند بر هر یک از آنها یک شتر کفاره است. و اگر دخول نکند کفاره نیست، و در این حکم فرقی نیست بین آن که زن و عاقد محلّ باشند یا محرم و اگر بعضی از آنها عالم باشند و بعضی جاهل بر عالم کفاره است.

مسأله ۳۲۸- جایز نیست محرم در مجلس عقد ازدواج برای شاهد بودن حضور پیدا کند ولی جایز است (۱)* برای انجام عقد ازدواج شهادت دهد.

مسأله ۳۲۹- اگر زنی احرام بسته باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود درآورد، این عقد باطل است و چنانچه زن عالم بوده، موجب حرمت ابدی نیز می‌شود.

مسأله ۳۳۰- خواستگاری در حال احرام جایز است، گرچه احتیاط استحبابی در ترک آن است.

مسأله ۳۳۱- رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانعی ندارد.

«نگاه کردن به همسر از روی شهوت»

مسأله ۳۳۲- جایز نیست محرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند. (۲)

مسأله ۳۳۳- اگر محرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند و منی از او خارج شود کفاره‌اش یک شتر است ولی اگر منی خارج نشود (۳) یا از روی شهوت نگاه نکند و منی بیرون بیاید کفاره ندارد.

مسأله ۳۳۴- اگر محرم به زن اجنبی نگاه کند (۴) و منی از او خارج شود کفاره‌اش یک شتر است اگر متمول باشد و اگر متوسطالحال باشد یک گاو بدهد و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد.

«لمس کردن»

۱- ۱- آیات عظام: گلپایگانی، صافی: شهادت بر عقد جایز نیست، اگرچه پیش از احرام شاهد شده باشد.

۲- ۲- آیهٔ اللّه سیستانی: در صورتی که موجب خروج منی شود.

۳- ۳- آیهٔ اللّه مکارم: اگر از روی شهوت نگاه کند یک گوسفند کفاره دارد.

۴- ۴- آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه بهجت: در صورتی که نگاه او حرام باشد.

ص: ۹۸

مسأله ۳۳۵- محرم نمی‌تواند زن خود را با شهوت لمس کند و کفاره‌اش یک گوسفند (۱)* است اگر چه منی از او خارج نشود.

مسأله ۳۳۶- اگر محرم با زن خود ملاعبه کند و منی از او خارج شود باید یک شتر کفاره بدهد.

«بوسیدن زن»

مسأله ۳۳۷- جایز نیست محرم زن خود را از روی شـهوت ببوسـد و چنانچه بوسـید لازم‌است یک‌شتر کفاره‌بدهد. (۲) واگر از روی شهوت نباشد کفاره‌اش یک گوسفند است. (۳)

مسأله ۳۳۸- شخص مُحلّ می‌تواند (۴) همسر محرم خود را ببوسد ولی اگر فرد محرم لذت ببرد نباید اجازه بدهد.

«جماع کردن»

نزدیکی با زن در حال احرام حرام است.

مسأله ۳۳۹- اگر کسـی در حال احرام عمره تمتع از روی علم و عمـد با زن، چه در قُبُل و چه در دبُر جماع کنـد (۵) عمره و حجش صحیح است و نیاز به اعاده ندارد،* ولی باید

۱- ۱- آیهٔ اللّه گلپایگانی و آیهٔ اللّه صافی: کفاره، در صورت خروج منی، یک شتر است.

۲- ۲- آیات عظام: تبریزی، فاضل، سیستانی: اگر منی خارج نشود کفاره‌اش یک گوسفند است.

۳- ۳- آیـهٔ اللّه فاضل: بوسـیدن بدون شـهوت حرام نیست و کفاره هم ندارد- آیهٔ اللّه گلپایگانی: بوسـیدن حتی بدون شـهوت یک شتر کفاره دارد.

۴- ۴- آیهٔ اللّه سیستانی: جایز نیست.

۵- ۵- آیـات عظـام گلپایگـانی، صافی، بهجت: اگر قبل از سعی باشـد عمره‌اش باطل است و لکن بایـد عمره‌را تمام کنـد و دوباره اعاده نمایـد. لزوم اتمام به نظر آیـهٔ اللّه گلپایگانی و آیـهٔ اللّه صافی احتیاطی است و اگر وقت برای اعاده تنگ باشـد حج او مبدل به افراد می‌شود و باید بعد از حج، عمره مفرده بجاآورد و احوط اعاده حج است در سال آینده.

ص: ۹۹

کفاره بپردازد و کفاره‌اش یک شتر است. (۱)*

مسأله ۳۴۰- اگر در احرام حج، قبل از وقوف در مشعرالحرام از روی علم و عمد جماع نماید باید حجش را تمام کند و در سال بعد دوباره حج بجاآورد، اگر چه حجش مستحبی بوده است و نیز باید یک شتر کفاره بدهد و در صورت عجز از شتر یک گوسفند کافی است (۲).

مسأله ۳۴۱- اگر این عمل بعد از وقوف به مشعرالحرام باشد لازم نیست دوباره حج بجا آورد لکن باید همان کفاره را بدهد. مگر این که این عمل بعد از شوط پنجم طواف نساء (۳) باشد که در این‌صورت کفاره نیز ندارد اگر چه گناه کرده است.

مسأله ۳۴۲- در احکام مذکور فرقی میان زن و مرد نیست مگر آنکه مرد زن را مجبور به جماع کرده باشد که در این‌صورت بر زن چیزی نیست و کفاره او بر مرد است.

مسأله ۳۴۳- اگر کسی از روی علم و عمد در عمره مفرده جماع نماید (۴) باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند (۵) یک گوسفند کافی است و چنانچه این عمل پیش از سعی باشد باید آن عمره را تمام کند و تا ماه قمری (۶) بعد در مکه بماند سپس به یکی از مواقیت

۱- ۱- آیهٔاللَّه تبریزی و آیهٔاللَّه فاضل: یک گوسفند کافی است.

آیهٔاللَّه خوئی: اگر متوسط الحال باشد و نتواند شتر تهیه کند یک گاو و اگر معسر باشد و نتواند گاو تهیه کند یک گوسفند کافی است.

۲- ۲- آیهٔاللَّه بهجت: در فرض عجز از شتر یک گاو و در صورت عجز از گاو یک گوسفند کافی است.

آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی برای کفاره یک شتر ذکر کرده‌اند و فرض عجز را ذکر نکرده‌اند.

۳- ۳- بعضی از فقها بعد از شوط سوم و بعضی دیگر بعد از شوط چهارم کفاره را واجب نمی‌دانند.

۴- ۴ آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، گلپایگانی، صافی متذکر این مسأله نشده‌اند.

۵- ۵- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر نمی‌تواند یک گوسفند کفاره بدهد.

آیهٔاللَّه فاضل و آیهٔاللَّه مکارم متعرض فرض عجز از شتر نشده‌اند.

۶- ۶- آیهٔ اللَّه بهجت: ماندن در مکه تا ماه قمریِ بعد را قید نفرموده‌اند.

ص: ۱۰۰

پنجگانه رفته (۱) و احرام ببندد و عمره قبل را اعاده نماید و اگر بعد از سعی باشد عمره‌اش صحیح است.

«استمنا»

مسأله ۳۴۴- استمنا با عضو تناسلی حرام و حکم آن از نظر کفاره و لزوم تکرار حج و عمره حکم جماع است.

مسأله ۳۴۵- اگر استمنا به وسیله بازی کردن یا بوسیدن یا نگاه یا لمس یا فکر و خیال چنین صحنه‌هایی باشد و مَنی خارج شود حرام است و کفاره (۲) دارد. (۳) ولی تکرار حج و عمره لازم نیست.

«کندن دندان»

مسأله ۳۴۶- کندن دندان اگر موجب خون آمدن شود جایز نیست. (۴) و بدون خونریزی مانعی ندارد (۵).*

مسأله ۳۴۷- کندن دندان دیگری گر چه موجب خون آمدن شود مانعی ندارد.

مسأله ۳۴۸- کندن دندان کفاره ندارد.

«بیرون آوردن خون از بدن خود»

---

۱ - ۱- آیهٔ اللَّه فاضل: محل احرام عمره دوم در صورتی که در عمره اول از یکی از مواقیت معروفه محرم‌شده همانجاست والّا از ادنی‌الحلّ کافی است.

آیهٔ اللَّه مکارم و آیهٔ اللَّه بهجت: و برای اعاده عمره، رفتن به ادنی الحل کفایت می‌کند.

۲- ۲- آیهٔ اللَّه سیستانی: کفاره استمنا در این فرض همان کفاره بوسیدن زن و دست زدن و ملاعبه و نگاه‌کردن است که گذشت.

۳- ۳- آیهٔ اللَّه سیستانی: با فکر و خیال و نحو آن باشد کفاره لازم نیست.

۴- ۴- آیات عظام خوئی، سیستانی و تبریزی: جایز است.

آیهٔ اللَّه مکارم: مکروه است.

۵- ۵- آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ اللَّه صافی: بر محرم حرام است دندان خود را بکند هر چند خون نیاید.

ص: ۱۰۱

مسأله ۳۴۹- بیرون آوردن خون از بـدن خود برای محرم حرام اسـت. (۱) همچنین جـایز نیست به مثـل خارانـدن بـدن و مسواک نمودن(۲)

خون بیرون آورد.

مسأله ۳۵۰- بیرون آوردن خون از بدنِ دیگری؛ مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن، حرام نیست.

مسأله ۳۵۱- خون درآوردن از بـدن در موارد ضـرورت یـا رفع ناراحتی؛ مثل حجامت برای درمان یا تزریقات یا بیرون آوردن خون دُمَل مانعی ندارد.

مسأله ۳۵۲- خون درآوردن از بدن کفاره ندارد.

«جدال: یعنی گفتن «لا واللّه» و «بلی واللّه»»

مسأله ۳۵۳- گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی و در سـایر لغـات مرادف آن مثـل «نه» و «آری» دخـالتی در جـدال نـدارد. (۳) بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است. (۴)

مسأله ۳۵۴- قسم اگر به لفظ «الله» باشـد یا مرداف آن مثل «خدا» در زبان فارسـی (۵) جـدال است. و اما قسم به غیر خدا به هر کس که باشد جدال نیست.

مسأله ۳۵۵- قسم خوردن به سایر اسماء الله مثل رحمن و رحیم جدال محرّم محسوب می‌شود. (۶)

۱- ۱- آیهٔ اللّه مکارم: مکروه است.

۲- ۲- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد گر چه بداند خون خارج می‌شود.

۳- ۳- آیهٔ اللّه فاضل: ظاهراً در جدال محرّم لفظ «لا» و «بلی» دخالت دارد.

۴- ۴. سیسـتانی: به گفته بعضـی از فقهاء جـدال با قسم راست محقق نمی‌شود مگر این‌که سه‌بار پی‌درپی باشـد و این گفته خالی از وجه نیست گرچه احتیاط ترک آن است حتی یک‌بار.

۵- ۵- آیهٔ اللّه فاضل: مرادف «اللّه» به هر زبانی که باشد جدال محرّم نمی‌باشد.

۶- ۶- آیهٔاللّه بهجت: جدال محسوب نمی‌شود.

ص: ۱۰۲

مسأله ۳۵۶- در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی قسم خوردن جایز است. (۱)

مسأله ۳۵۷- اگر مراد قسم خوردن نباشد بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد مثل اینکه بگوید (تو را به خدا زحمت نکشید) اشکال ندارد.

مسأله ۳۵۸- اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست ولی باید استغفار کند و در سه مرتبه یا بیشتر (۲) یک گوسفند کفاره بدهد مگر اینکه بعد از سه مرتبه کفاره داده باشد که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد. (۳)

مسأله ۳۵۹- اگر جدال و قسم خوردن بر دروغ باشد در همان مرتبه اول یک گوسفند کفاره بدهد و در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر بدهد. (۴)

مسأله ۳۶۰- اگر یکبار قسم دروغ خورد و کفاره داد سپس دوباره قسم دروغ خورد بعید نیست (۵) کفاره آن یک گوسفند باشد. (۶)

---

۱ - ۱- آیة اللّٰه سیستانی: از حرمت جدال استثنا می‌شود موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر مکلف باشد؛ مثلًا حق او را پایمال کنند.

۲- ۲- آیة اللّٰه بهجت، آیة اللّٰه سیستانی: اگر سه مرتبه پی در پی باشد والّا کفاره ندارد.

آیةاللّٰه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

۳- ۳- آیة اللّٰه سیستانی: اگر سه مرتبه پی در پی جدال بکند و پس از فاصله سه مرتبه دیگر یا بیشتر پی در پی جدال بکند برای هر سه مرتبه پی در پی یک گوسفند کفاره بدهد.

آیة اللّٰه خوئی: در جدال راست از مرتبه سوّم به بعد هر بار که جدال می‌کند یک گوسفند باید بدهد معتمد جلد ۴، ۱۱۷

۴- ۴- آیات عظام خوئی، تبریزی و سیستانی: در دومرتبه دو گوسفند ودر سه‌مرتبه دروغ‌یک گاو بدهد.

آیةاللّٰه بهجت: در سه مرتبه تخییر بین گاو و شتر خالی از وجه نیست.

۵- ۵- آیة اللّٰه مکارم: بعید است.

۶- ۶- آیة اللّٰه فاضل: کفاره آن یک گاو است.

نظر آیةاللّٰه گلپایگانی در این مسأله و مسأله بعد در دست نیست.

ص: ۱۰۳

مسأله ۳۶۱- اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و کفاره آن را داد و بعد یک مرتبه دیگر به دروغ جدال کرد (۱) ظاهراً یک گوسفند کافی است. (۲) و اگر بعد از ذبح کفاره دو مرتبه دیگر به دروغ جدال کرد کفاره دو مرتبه جدال کردن را دارد که گذشت. (۳)

«فسوق (دروغ گفتن و دشنام دادن و فخر نمودن)»

مسأله ۳۶۲- دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است ولی در حال احرام بخصوص نهی شده است و همچنین محرم باید از فخر کردن به دیگران اجتناب نماید. (۴)

مسأله ۳۶۳- فسوق کفاره ندارد ولی باید استغفار کند و مستحب است چیزی کفاره دهد و بهتر است گاو ذبح کند.

«کشتن جانوران و حشرات»

مسأله ۳۶۴- کشتن حشرات مانند پشه و مگس و شپش و امثال آن جایز نیست بلکه جایز نیست هیچ جنبنده‌ای را به قتل برساند. (۵)

مسأله ۳۶۵- کشتن مگس و پشه و حشرات خاکی اگر اذیت کنند مانعی ندارد.

۱- ۱- آیهٔ اللّه خوئی: در جدال دروغ از مرتبه سوّم به بعد برای هر بار یک گاو باید بدهد و فرقی نمی‌کند که‌بین آن کفاره داده باشد یا نه معتمد جلد ۴، ص ۱۱۷.

۲- ۲- آیهٔ اللّه فاضل: بعید نیست کفاره آن شتر باشد.

۳- ۳- آیهٔ اللّه فاضل: بعید نیست کفاره آن دو شتر باشد.

آیهٔ اللّه مکارم: مانند مسأله سابق است.

۴- ۴- آیات عظام سیستانی، خوئی، تبریزی، بهجت: فخر کردن در صورتی که مستلزم اهانت و تحقیر دیگران نباشد حرام نیست.

۵- ۵- امام خمینی و آیهٔ اللّه فاضل: کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران از محرمات احرام محسوب نمی‌شود.

آیهٔ اللّه مکارم: مگر اینکه مایه آزار او شوند، یا حیوانات موذی و خطرناک مثل مار و عقرب و مانند آنها باشد.

ص: ۱۰۴

مسأله ۳۶۶- انداختن شپش و کک و نقل آنها از مکانی که محفوظ است به جای دیگری از بدن که ساقط شود و بیفتد یا به محلی که در معرض افتادن است جایز نیست و اما نقل آنها به محل دیگری از بدن که در معرض افتادن نیست جایز است. (۱)*

مسأله ۳۶۷- بعید نیست در کشتن یا نقل این حشرات کفاره نباشد، ولی احتیاط آن است که یک کف از طعام صدقه بدهد، بله در قتل زنبور باید چیزی از طعام صدقه بدهد. (۲)

«شکار کردن حیوانات صحرایی»

مسأله ۳۶۸- شکار کردن حیوانی که در اصل وحشی است، هر چند فعلًا اهلی شده باشد، چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت و همینطور کشتن و مجروح ساختن بلکه هر نوع اذیت آن حرام است.

مسأله ۳۶۹- جایز نیست شکار کردن و کشتن حیوانات وحشی مگر در صورت ترس از آزار آنها.

مسأله ۳۷۰- خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر محرم.

مسأله ۳۷۱- نشان دادن شکار به شکار کننده و هر گونه کمک دیگر به او نیز از محرمات احرام است.

مسأله ۳۷۲- احکام مذکور شامل حیوان دریایی، مانند ماهی نیست.

مسأله ۳۷۳- ذبح و خوردن حیوانات اهلی، مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

۱- ۱. آیات عظام خوئی، تبریزی: به‌طور مطلق فرموده‌اند نقل آنها اشکالی ندارد.

آیات عظام گلپایگانی، صافی: نباید آنها را از محلی به محل دیگر از بدن نقل داد اگر مکان او محفوظتر باشد.

۲- ۲. کفاره قتل زنبور را فقط آیات عظام خوئی، تبریزی و سیستانی متعرض شده‌اند.

ص: ۱۰۵

مسأله ۳۷۴- پرندگان، جزو شکار صحرایی هستند و ملخ نیز در حکم شکار صحرایی است.

مسأله ۳۷۵- کشتن ملخ برای محرم جایز نیست، بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است، چنانچه می‌تواند راه خود را تغییر دهد و اگر نمی‌تواند باید مواظب باشد ملخ‌ها را پایمال ننماید ولی در صورت ناچاری و مشقت و عسر و حرج اشکال ندارد.

مسأله ۳۷۶- هر شکاری که حرام است جوجه و تخم آن نیز حرام است.

مسأله ۳۷۷- نگهداشتن صیدی که با خود آورده، حرام است، اگر چه خودش مالک آن باشد.

«سلاح در برداشتن»

مسأله ۳۷۸- دربرداشتن سلاح مثل شمشیر و تفنگ و مانند آنها، از وسایل جنگی، جایز نیست مگر برای ضرورت.

«بعضی از محرمات حرم الهی»

مسأله ۳۷۹- کندن و بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده، جایز نیست حتی برای غیر محرم، مگر درخت‌های میوه و درخت خرما (۱) و گیاه اذخر که گیاه معروفی است (حکم درخت‌ها و گیاهانی که در منزل شخصی است، نظر به این‌که مورد حاجت حجاج سایر کشورها نیست ذکر نشد).

مسأله ۳۸۰- اگر به طور متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکال ندارد.

مسأله ۳۸۱- اگر درختی را که کندنش جایز نیست از بیخ بکند کفاره‌اش قیمت همان

۱- ۱- آیهٔ اللّه فاضل: میوه‌ها و شاخه‌هایی از آن‌ها را که در کیفیت و کمیت میوه تأثیر می‌گذارد می‌تواندقطع کند اما خود آنها را نمی‌تواند قطع کند.

آیهٔ اللّه مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشند خالی از اشکال نیست.

ص: ۱۰۶

درخت است و اگر مقداری از آن را قطع کند کفاره‌اش قیمت همان مقدار است.

مسأله ۳۸۲- در قطع گیاهان کفاره نیست بجز استغفار.

مسأله ۳۸۳- شکار کردن حیوان صحرایی در حرم و کشتن آن جایز نیست و در این حکم فرقی میان محرم و غیر محرم نیست.

«ارتکاب محرمات احرام به جهت جهل یا فراموشی»

مسأله ۳۸۴- کفاره محرمات احرام در صورتی واجب است که آن حرام، با علم و عمد انجام شود ولی اگر به جهت جهل به مسأله یا فراموشی یا غفلت باشد کفاره ندارد مگر در موارد ذیل:

۱- صید که در هر صورت کفاره دارد.

۲- کسی که طواف عمره یا حج را فراموش کند و با زن نزدیکی نموده چنانچه در مسأله ۸۳۸ می‌آید.

۳- کسی که در عمره تمتع مقداری از سعی را فراموش کند و به تصوّر این که سعی او تمام شده برای تقصیر ناخن بگیرد یا جماع نماید (تفصیل این حکم و نظر آیات عظام در مسأله ۶۰۷ می‌آید)

۴- کسی که دست به سر و ریش خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد. (۱)

«مستحبات ورود به حرم»

۱- همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت ورود به حرم، غسل نماید.

۲- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق- جلّ و علا- پابرهنه شده و کفش‌های خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت ورود به حرم این دعا را بخواند:

«اللّهُمَّ إنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: وَأَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا

۱- ۱ نظر آیات عظام در محرّمات احرام، زائل کردن مو، گذشت.

ص: ۱۰۷

وَعلی کُلّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ. اللّهُمَّ إنّی ارْجُو انْ اکُونَ مِمَّنْ اجابَ دَعْوَتَک، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ وَفَجٍّ عَمیقٍ سامِعاً لِنِدائِک وَمُستَجِیباً لَکَ مُطیعاً لِأمْرِک وَکُلُّ ذلِک بِفَضْلِک عَلَیَّ وَاحْسانِکَ إلَیَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنِی لَهُ أبْتَغِیْ بِذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ وَالْقُرْبَةَ إلَیْکَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَیْکَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِی وَالتَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْها بِمَنِّک، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِی عَلَی النَّارِ وَآمِنِّی مِنْ عَذابِکَ وَعِقابِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».

۴- وقت ورود به حرم مقداری از گیاه مخصوصی به نام اذخر گرفته و بجوء.

«مستحبات ورود به مکه معظمه»

مسأله ۳۸۵- برای ورود به مکه معظمه نیز مستحب است مکلّف غسل نماید و هنگامی که وارد مکه می‌شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه می‌رود، از بالای مکه وارد شده و وقت بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید.

«آداب ورود به مسجدالحرام»

مسأله ۳۸۶- مستحب است مکلّف برای ورود به مسجدالحرام غسل نماید. (۱) و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی‌شیبه» وارد شود و گفته‌اند که باب بنی‌شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین بهتر آن است شخص از باب‌السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون‌ها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده و بگوید:

«السَّلامُ عَلَیْکَ أیُّها النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، بِسْمِ اللَّه وَبِاللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ، السَّلامُ عَلی أنْبِیاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی إبْراهِیمَ خَلِیْلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِ‌الْعالَمِینَ».

۱- ۱ آیهْ اللَّه سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست. مگر برای طواف باشد.

ص: ۱۰۸

و در روایت دیگری وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرُ الْأَسْماءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى مُحَمَّدْ بِنْ عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى أَنبياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلى خَلِيْلِ اللَّهِ الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَى الْمُرسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْنا وَعَلى عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحينَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّد وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحِمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّد كَما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى إبْراهِيمَ وَآلِ إبْراهيمَ إنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيْدٌ، أللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، أللَّهُمَّ صَلِّ عَلى إبْراهِيْمَ خَلِيلِكَ وَعَلى أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، أللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طاعَتِكَ وَمَرْضاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمانِ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَناءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُوّارِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَساجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُناجِيهِ، أللَّهُمَّ إنِّي عَبْدُكَ وَزائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلى كُلِّ مَأتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتاهُ وَزارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَأتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَأَسْأَلُكَ يا اللَّهُ يا رَحْمنُ بِأَنَّكَ أنتَ اللَّهُ لا إلهَ إلّا أَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ واحِدٌ احَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لكَ خ ل) كُفُواً أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلى أَهْلِ بَيْتِهِ يا جَوادُ يا كَرِيمُ يا ماجِدُ يا جَبّارُ يا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إيّايَ بِزِيارَتِي إيَّاكَ أَوَّلَ شَيءٍ تُعْطِيَنِي فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ».

پس سه مرتبه بگويد: «أللَّهُمَّ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ».

پس مى‌گويد: «وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَياطِيْنِ الْجِنِّ وَالْانْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

فصل چهارم: طواف و احکام آن

اشاره

ص: ۱۰۹

دوم از واجبات عمره طواف است.

کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع یا مفرده و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره.

مسأله ۳۸۷- طواف یعنی هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن، به نحوی که خواهد آمد و هر دوری را شوط می‌گویند پس طواف هفت شوط است.

مسأله ۳۸۸- طواف از ارکان عمره است بنابراین کسی که آن را در عمره تمتع از روی عمد ترک کند تا وقت آن فوت شود عمره او باطل است عالم به مسأله بوده یا جاهل باشد.

مسأله ۳۸۹- چنین کسی که عمره خود را باطل کرد (۱) احرامش نیز باطل می‌شود و باید در سال بعد حج واجب خود را اعاده نماید و لازم نیست در این سال حج افراد و عمره مفرده بجاآورد. هر چند موافق احتیاط است.*

کسی که جهلًا طواف عمره را ترک کند تا وقت آن فوت شود باید یک شتر

۱- ۱ آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه بهجت: حج او مبدّل به افراد می‌شود و در سال بعد هم باید حج را قضاکند.

ص: ۱۱۰

قربانی کند (۱).

مسأله ۳۹۰- وقت فوت طواف، وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره به جا آورد نتواند وقوف به عرفات کند. (۲)

مسأله ۳۹۱- اگر سهواً طواف را ترک نماید لازم است آن را انجام دهد هر وقت که باشد (۳) و اگر به وطن خود برگشته و نتواند به مکه بازگردد یا مشقت داشته باشد باید شخص مورد اطمینانی را نائب بگیرد و در این صورت اگر با زن نزدیکی کرده باید یک گوسفند در مکه قربانی کند.

مسأله ۳۹۲- در فرض سابق باید بعد از انجام طواف سعی را اعاده نماید (۴) مگر این که بعد از گذشتن وقت عمره متذکر شود که در این صورت اعاده سعی لازم نیست.

مسأله ۳۹۳- اگر طواف عمره را فراموش کند یا ناقص انجام دهد و بعد از وقت و در اثناء اعمال حج متوجه شود واجب نیست فوراً آن را تدارک کند بلکه می‌تواند بعد از اعمال منی آنرا تدارک کند.

مسأله ۳۹۴- اگر کسی طواف عمره تمتع را فراموش نماید و بعد از وقت آن متوجه شود (۵) می‌تواند آنرا در غیر ماه‌های حج قضا نماید.

مسأله ۳۹۵- اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف را به جا نیاورده، باید رها کند و طواف نماید و پس از آن سعی را اعاده کند.

۱- ۱. آیات عظام تبریزی، خوئی، مکارم: لازم نیست.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه بهجت: میزان در تنگی وقت ... بیم از دست رفتن وقوف اختیاری عرفات است.

آیات عظام: تبریزی، خوئی، فاضل: یعنی نتواند خود را به اندازه درک مقدار رکن از وقوف- مسمّای وقوف اختیاری- به عرفات برساند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: آخر زمان آن وقتی است که بتواند اعمال عمره را تا ظهر روز عرفه تمام کند.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خوئی: اگر قبل از فوت وقت طواف متذکر شود، باید تا وقت نگذشته قضاکند.

۴- ۴ آیهٔ اللَّه مکارم: اگر بعد از سعی متذکر شود اعاده سعی لازم نیست.

۵- ۵. آیات عظام: سیستانی، فاضل، گلپایگانی، صافی: اگر بعد از ذی الحجه متوجه شود.

ص: ۱۱۱

مسأله ۳۹۶- اگر محرم به واسطه بیماری یا پیری نتواند طواف کند و تا وقت تنگ شود توانایی پیدا نکند باید خود او را طواف دهند (۱) هرچند با به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نائب بگیرند.

مسأله ۳۹۷- شرائط و احکام طواف باید در بیمار و پیری که او را طواف می‌دهند تا جایی که ممکن است رعایت شود.

مسأله ۳۹۸- در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می‌تواند آهسته برود و می‌تواند تند برود و حتی بدود لیکن بهتر است میانه‌روی را مراعات کند.

مسأله ۳۹۹- در طواف لازم نیست پیاده طواف نماید بنابراین می‌تواند سوار بر صندلی چرخدار طواف نماید به شرط آنکه اگر معذور نیست خودش آنرا حرکت دهد.

«شرائط طواف»

«اوّل: نیت»

«شرائط طواف»

اوّل: نیت

دوم: طهارت

سوّم: مختون بودن

چهارم: ستر عورت

پنجم: شروع طواف از حجرالاسود و ختم به آن

ششم: بودن کعبه در طرف چپ طواف‌کننده.

هفتم: داخل کردن حجر اسماعیل در طواف.

هشتم: رعایت محدوده طواف

نهم: طواف نکردن روی شاذروان

دهم: موالات.

یازدهم: انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر

۱- ۱ آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی، به طوری که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود او رابه دوش گرفته یا با چیز دیگر طواف دهند و اگر ممکن نشود نائب بگیرند.

ص: ۱۱۲

«اوّل: نیت»

یعنی انجام طواف برای خداوند متعال با قصد خالص

مسأله ۴۰۰- در طواف بایـد تعیین کنـد که برای عمره است یا حـج و یا طواف مسـتحب است و قصـد نیابت کنـد اگر طوافش نیابی است.

مسأله ۴۰۱- به زبان آوردن نیت و گذرانـدن آن به قلب لازم نیست بلکه همین که بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد کفایت می‌کنـد و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر، در این جهت فرق ندارد پس همان طور که انسان با قصـد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همانطور به جا آورد با نیت به جا آورده.

مسأله ۴۰۲- اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریاء کند، یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن باشد علاوه بر معصیت طواف او و همین طور هر چه را این طور به جا آورده باطل است.

مسأله ۴۰۳- اگر در عملی که برای خدا می‌آورد، رضای دیگر را هم دخالت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

مسأله ۴۰۴- ریاء بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل نمی‌شود.

مسأله ۴۰۵- در صـحیح بودن عمل کافی است آن را برای خدا بیاورد یا اطاعت امر او یا ترس از جهنم یا رسـیدن به بهشت و ثواب. (۱)

«دوّم: طهارت»

اشاره

یعنی طهارت از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر به اینکه با وضو باشد و همین‌طور پاک بودن لباس و بدن.

مسأله ۴۰۶- در طواف واجب طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر شرط است چه

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلّل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود.

ص: ۱۱۳

طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

مسأله ۴۰۷- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست (۱)* لیکن کسی که جنب یا حایض است جایز نیست در مسجدالحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً (۲) طواف مستحب کرد صحیح است.

مسأله ۴۰۸- اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف واجب کند، باطل است چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد.

مسأله ۴۰۹- کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای هست می‌تواند برای طواف و نماز آن به همان اکتفا کند.

مسأله ۴۱۰- اگر از انجام طواف واجب با وضو یا غسل، معذور باشد باید بدل از وضو یا غسل تیمّم کند.

مسأله ۴۱۱- کسی که فعلًا از وضو یا غسل معذور است اگر بداند که عذرش برطرف می‌شود و می‌تواند طواف را با وضو یا غسل بجاآورد باید صبر کند تا عذرش برطرف شود یا از برطرف شدن آن مأیوس شود. و اگر احتمال می‌دهد عذرش تا آخر باقی باشد لازم نیست (۳)* صبر کند و می‌تواند به تیمم اکتفا نماید ولی اگر بعداً معلوم شود که می‌تواند با وضو یا غسل طواف را در وقت بجاآورد باید آن را اعاده کند.

مسأله ۴۱۲- اگر تیمم کرد بدل از غسل و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید طهارت تحصیل کند و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لیکن احتیاط

۱- ۱ آیهًاللَّه تبریزی: طهارت از مثل حدث جنابت و حیض و نفاس لازم است.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه فاضل: یا جهلًا.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه سیستانی: در این فرض نیز باید صبر کند مگر این که احتمال بدهد که اگر صبر کند از تیمم‌هم عاجز می‌شود.

آیهٔ اللَّه خوئی: اگر عذرش نبود آب است باید فحص کند به تفصیلی که در رساله عملیه آمده است.

ص: ۱۱۴

مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند. (۱)*

مسأله ۴۱۳- اگر در اثنای طواف حدثی عارض شود طواف باطل است و باید پس از تحصیل طهارت آن را اعاده نماید مگر این که حدث بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد که در این صورت طواف را قطع و پس از تحصیل طهارت از همان جا طواف را تمام کند و صحیح است. (۲)*

مسأله ۴۱۴- اگر در اثناء طواف بیهوش شود و پس از مدتی به هوش آید حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۴۱۵- اگر حدثی که عارض شده حدث اکبر باشد مانند جنابت و حیض باید فوراً از مسجد خارج شود و به تفصیلی که در مسأله قبل گفته شده عمل نماید و اگر وقت برای حایض تنگ باشد به طوری که پس از پاک شدن نتواند بقیه اعمال عمره را انجام دهد احکام خاصی دارد که در مسائل طواف حایض خواهد آمد.

مسأله ۴۱۶- اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنابر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.

مسأله ۴۱۷- اگر مُحدِث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

۱- ۱. آیهٔ اللّه تبریزی: اگر بدل از غسل جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کند و اگربرای حدث اکبر دیگر غیراز جنابت تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنابر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

آیهٔ اللّه خوئی: لازم است تیمم بدل از غسل کند.

۲- ۲ آیهٔ اللّه بهجت: و همین‌طور است اگر پس از نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم حدث از روی سهو و غفلت باشد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: و همینطور اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد و موالات بهم نخورد.

ص: ۱۱۵

مسأله ۴۱۸- اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که آن را با وضو به جا آورده یا نه یا شک کند که آن را با غسل به جا آورده (۱) یا نه، طواف او صحیح است، لیکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

مسأله ۴۱۹- در تمام صورتهایی که در شک گفته شد که «بنابر طهارت بگذارد» یا «طوافش صحیح است» بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاءاً غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می‌شود.

مسأله ۴۲۰- اگر در اثنای طواف شک کند که طهارت از حدث داشته یا نه، اگر سابقه طهارت داشته به شک خود اعتنا نکند و الّا واجب است تحصیل طهارت نموده و طواف را از سر بگیرد. (۲)*

مسأله ۴۲۱- هر گاه در اثنای طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یانفاس یا نه، اگر امکان تیمم‌باشد وتیمم‌کردن کمتر از خارج‌شدن از مسجد وقت می‌گیرد بایدتیمم کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می‌گیرد باید فوراً از مسجد خارج شود و پس از طهارت طواف را از سر بگیرد چه قبل از شوط چهارم باشد و چه بعد از آن. (۳)*

مسأله ۴۲۲- اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلًا طواف را بی‌وضو بجا آورد طوافش باطل است و همینطور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس بجا آورد.

«طهارت بدن و لباس»

مسأله ۴۲۳- لباس و بدن کسی که می‌خواهد طواف کند واجب است پاک باشد حتی از خون کمتر از درهم نیز باید اجتناب شود بلی نجس بودن چیزهایی که نمی‌تواند به

۱- ۱ آیهٔ اللّه خوئی: اگر بعد از حدث اصغر شک کند در این که قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل‌کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد.

۲- ۲. امام خمینی، آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بعد از تمامی دور چهارم باشد طواف را رها نموده تحصیل طهارت نماید و از همانجا بقیه طواف را بجاآورد.

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی، امام خمینی: اگر بعد از تمامی دور چهارم باشد طواف را رها کند و تحصیل طهارت نماید و از همان جا تتمه طواف را بجاآورد.

ص: ۱۱۶

تنهایی ساتر در نماز باشد مانند جوراب و عرقچین و انگشتر مانعی ندارد.

مسأله ۴۲۴- تطهیر از خون قروح و جروح اگر مشقت داشته باشد لازم نیست و می‌توان با آن طواف نمود ولی اگر با تأخیر در طواف بتواند بدون مشقت تطهیر نماید احتیاط واجب است که تأخیر اندازد به شرط آن که وقت تنگ نشود.

مسأله ۴۲۵- خون قروح و جروح، تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

مسأله ۴۲۶- اگر بعد از طواف آگاه شود که در حال طواف بدن یا لباسش نجس بوده است طوافش صحیح است و همین طور اگر نجاست را فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید. (۱)*

مسأله ۴۲۷- اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است، می‌تواند با آن حال طواف کند و صحیح است، چه بداند که پیش از این پاک بوده یا نداند، لیکن اگر بداند که قبلًا نجس بوده و نداند که تطهیر شده است، نمی‌تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

مسأله ۴۲۸- اگر در اثناء طواف بدن او نجس شود چنانچه تطهیر آن بدون رها کردن طواف ممکن نباشد باید آن را رها کند و پس از تطهیر، طواف را از همانجا تمام نماید و طوافش صحیح است خواه قبل از تکمیل شوط چهارم باشد یا بعد از آن (۲)* و همینطور است اگر لباس او نجس شود و تعویض و تطهیر آن همانجا ممکن نباشد.

مسأله ۴۲۹- اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده حکم مسأله قبل را دارد و همین طور است اگر در بین طواف علم پیدا کند که لباس یا بدنش نجس بوده یا نجاست را فراموش کند و در اثناء

۱- ۱. آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در فرض فراموش کردن نجاست، باید طواف اعاده شود.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف باطل است و باید بعد ازتطهیر آن را از سر بگیرد.

ص: ۱۱۷

طواف یادش بیاید. (۱)*

مسأله ۴۳۰- همراه داشتن چیز نجس در حال طواف مانع ندارد.

«سوم: مختون بودن»

مسأله ۴۳۱- طواف افراد ذکور اگر ختنه نشده باشند باطل است حتی اگر بالغ نباشند. (۲)

مسأله ۴۳۲- اگر بچه ختنه شده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

مسأله ۴۳۳- شخص مستطیع که ختنه نشده اگر بتواند ختنه کند هر چند با تأخیر حج تا سال آینده باید این کار را بکند (۳) و اگر اصلًا متمکن از ختنه نباشد یعنی برای او ضرر و مشقت دارد لازم است حج را همان سال بجا آورد لیکن احتیاط این است که در عمره و حج شخصاً طواف نموده و برای طواف نائب نیز بگیرد (۴) ولی خودش نماز طواف را بجا آورد و در صورتی که هر دو طواف با هم صورت بگیرد خودش یک نماز بخواند کافی است.

«چهارم: ستر عورت»

«طواف در لباس غصبی و غیر مخمس»

«چهارم: ستر عورت»

مسأله ۴۳۴- طواف بدون ساتر عورت باطل است.

مسأله ۴۳۵- لباس طواف‌کننده باید مباح باشد پس طواف در لباس غصبی باطل است هرچند ساتر عورت نباشد. (۵) بلکه احتیاط آن است که همه شرائط لباس نمازگزار مراعات شود.

۱- ۱. آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در صورت فراموشی نجاست باید طواف را اعاده نماید حتی اگر بعد از شوط چهارم یادش بیاید.

۲- ۲. آیهٔاللَّه سیستانی: در غیر ممیز اعتبار ختان مبنی بر احتیاط استحبابی است.

۳- ۳. آیات عظام: امام خمینی، فاضل، مکارم: اگر در سال استطاعت نتواند ختنه کند باید حج به جاآورد. فتوای آیهٔاللَّه خامنه‌ای به‌دست نیامد.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه مکارم: نائب گرفتن لازم نیست.

۵- ۵ آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: غیر ساتر اگر غصبی باشد طواف صحیح است.

ص: ۱۱۸

مسأله ۴۳۶- زن بایـد در حال طواف تمام بدن خود را به جز صورت (۱) و دسـتها تا مچ از نامحرم بپوشاند و اگر عمداً این مقدار را نپوشاند معصیت کرده لکن طواف او صحیح است.

«طواف در لباس غصبی و غیر مخمس»

مسأله ۴۳۷- کسـی که سال خمسی برای خود قرار نداده اگر از درآمد کسب، پولی دارد که معلوم نیست ربح بین سال است یا سال بر آن گذشـته است بدون تخمیس آن حکم غصب را دارد بنابراین اگر با آن پول لباس احرام یا قربانی تهیه کند، طواف و قربانی او صحیح نیست مگر آنکه همانطوریکه متعارف است بذمه خریداری کرده باشد که در این صورت طواف و قربانی او صحیح است.

مسأله ۴۳۸- اگر انجام طواف و نماز در لباسی که با عین پول غصبی یا غیرمخمس تهیه شده از روی علم و عمد نباشد طواف و نماز صحیح است مگر این که جاهل مقصر باشد که باید تدارک نماید (۲).

مسأله ۴۳۹- پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه؟ لازم نیست تخمیس شود و می‌توان آنرا در حج صرف نمود.

مسأله ۴۴۰- همراه داشتن مال غصبی مثل پول خمس نداده موجب بطلان طواف نمی‌شود (۳).

«پنجم: شروع از حجرالاسود و ختم به آن»

مسأله ۴۴۱- طواف باید از مقابل حجرالاسود شـروع شود و از هر جای حجرالاسود که شـروع کند به طوری که در عرف گفته شود از حجرالاسود شروع کرده کافی

۱- ۱. آیهٔ اللَّه مکارم: و صورتش را با نقاب نپوشاند.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده باشد.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: در صورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود.

ص: ۱۱۹

است. (۱) چه از ابتداء آن شروع کند چه از وسط یا آخرش ولی از هرکجا شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند.

مسأله ۴۴۲- برای شروع از حجرالاسود می‌تواند قبل از رسیدن به حجرالاسود قصد کند که طواف را از مقابل حجرالاسود شروع می‌کنم و زاید بر آن مقدمه علمیه است و همچنین در دور آخر می‌تواند قدری از حجرالاسود بگذرد با این قصد که زیادی مقدمه علمیه باشد.

مسأله ۴۴۳- در طواف همان‌طوری که مسلمین طواف می کنند از محاذات حجرالاسود بدون دقت‌های صاحبان و سوسه شروع کند و در دورهای دیگر لازم نیست مقابل حجر الاسود توقف نماید و تجدید نیت کند. بلکه می‌تواند بدون توقف دور بزند تا هفت شوط تمام شود.

مسأله ۴۴۴- کاری که بعضی افراد نادان انجام می‌دهند که مقابل حجر الاسود می‌ایستند وبرای رعایت محاذات عقب وجلو می‌روند موجب‌اشکال و گاهی‌حرام است.

مسأله ۴۴۵- اگر اشتباهاً طواف را از غیر حجر الاسود مانند رکن یمانی شروع کند طوافش باطل است هر چند دور آخر را به حجر الاسود ختم نماید (۲) و همینطور اگر دورهای طواف را از حجر الاسود شروع کند ولی به موضعی قبل از حجر الاسود مانند رکن یمانی ختم نماید.

«ششم: قرار دادن کعبه درطرف چپ»

۱- ۱ آیهٔ اللّه گلپایگانی و آیهٔ‌اللّه صافی: طواف باید از اول جزء حجرالاسود شروع شود و چون تحقق آن‌معنی بر وجه حقیقت متعسّر و بلکه متعذّر است، در تحقق آن اکتفا می‌شود به این که پیش از رسیدن به حجرالاسود نیت کند و قصد کند که ابتدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زاید، از باب مقدمه علمیه باشد. و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که محاذی حجر شود و این کافی خواهد بود و با همین نیت هفت دور طواف کند.

۲- ۲ آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: اگر قصد و شروع از موضع معتبر شرعی است ولی در تطبیق‌اشتباه کرده است در صورتی که کسری دور آخر را به قصد طواف تمام کند صحیح است.

ص: ۱۲۰

مسأله ۴۴۶- در طواف باید سمت چپ طواف‌کننده به طرف کعبه باشد و اگر سمت راست یا پشت یا روبروی او به کعبه باشد و در این حال طواف کند صحیح نیست.

مسأله ۴۴۷- معیار در شرط مذکور این است که طوری طواف کند که در عرف گفته شود کعبه در طرف چپ اوست و لازم نیست در تمام حالات طواف حقیقتاً کعبه در سمت چپ او باشد بنابراین در موقع دور زدن حجر اسماعیل و گوشه‌های کعبه به نحو متعارف اگر سمت چپ او از محاذات کعبه خارج شود بلکه خانه متمایل به پشت او شود اشکالی ندارد.

مسأله ۴۴۸- اگر به هر علتی مقداری از طواف بر خلاف متعارف انجام شود مثلًا رو به کعبه یا پشت به آن یا عقب عقب طواف کرد باید برگردد و آن مقدار را جبران کند و اگر نمی‌تواند برگردد بدون قصد طواف دور بزند (۱) تا جائی که باید طواف را از آنجا تدارک کند برسد و از آنجا جبران نماید.

«هفتم: داخل نمودن حجر اسماعیل علیه السلام در طواف»

مسأله ۴۴۹- حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف‌کننده از بیرون آن طواف کند.

مسأله ۴۵۰- اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد، طوافش باطل است و باید اعاده کند پس اگر اینکار عمدی باشد حکم ابطال عمدی طواف را دارد و اگر سهوی باشد حکم ابطال سهوی را دارد که حکم آن دو خواهد آمد.

مسأله ۴۵۱- اگر در بعضی از شوطها از داخل حجر اسماعیل دور زد، باید آن شوط را اعاده کند و اعاده طواف لازم نیست.

مسأله ۴۵۲- کسی که یک شوط طواف را از درون حجر اسماعیل علیه السلام انجام داده و

۱- ۱ آیةاللَّه سیستانی و آیةاللَّه فاضل: و تا حجرالاسود برود و آن شوط را کاملًا اعاده نماید.

ص: ۱۲۱

بقیه طواف را ادامه داده باید یک شوط دیگر بجا آورد (۱) و اگر نماز و بقیه اعمال را انجام داده آنها را نیز اعاده نماید (۲).

مسأله ۴۵۳- اگر پس از داخل شدن در حجر اسماعیل متوجه مسأله شد و بجای اعاده آن شوط آنرا از آنجایی که وارد حجر شده تکمیل نموده طوافش باطل نیست و باید آن شوط را اعاده نماید.

مسأله ۴۵۴- اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام برود اعاده همان مقدار از شوط کافی است.

مسأله ۴۵۵- در حال طواف، دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند گر چه احتیاط مستحب در ترک است.

«هشتم: رعایت محدوده طواف»

مسأله ۴۵۶- بهتر است طواف بین کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام انجام شود و این مسافت که تقریباً ۵/ ۲۶ ذراع است در همه اطراف کعبه مراعات شود (۳) ولی طواف خارج

۱- ۱. آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر موالات فوت نشده و اما اگر موالات فوت شده طوافش‌باطل است و باید آنرا و اعمال مترتب بر آنرا تدارک نماید و اگر وقت تدارک گذشته حجش باطل است آیهٔ‌اللّه سیستانی اضافه فرمودند: ولی در فرض سهوونسیان اعاده یک شوط واعمال مترتبه کافی است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را به‌جا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوطهای گذشته باطل است و باید طواف را از سربگیرد و بعد از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را بجا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر را بجا آورد. آداب و احکام حج، م ۵۶۰

۲- ۲ امام خمینی، آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر به اعتقاد صحت بقیه اعمال را انجام داده اعاده آن شوط و نماز کافی است.

۳- ۳ آیات عظام امام خمینی، فاضل: واجب است طواف در محدوده مذکور انجام شود مگر در صورتیکه‌حتی در وقت خلوت نتواند در این محدوده طواف کند که در این صورت طواف خارج از این حد با مراعات الاقرب فالاقرب جایز است.

آیهٔ اللّه فاضل اضافه فرمودند: همینطور اگر ضرورت عرفی اقتضاء کند که خارج از محدوده طواف کند.

ص: ۱۲۲

این حـد تا هر کجا که (۱) طواف خانه صـدق کنـد جایز است خصوصاً در مواردی که طواف در محـدوده مـذکور ممکن نباشد یا مشقت داشته باشد.*

تـذکر: بنـابر نظر امـام خمینی و آیـهٔ اللّه فاضـل اگر شخصـی در طواف از محـدوده لازم خارج شـد بایـد آن مقـدار را اعاده کنـد و همین‌طور بنـابر نظر آیـهٔاللّه گلپایگانی و آیـهٔاللّه صافی اگر در محـدوده‌ای طواف کنـد که اتصال به جمعیت نداشـته باشـد بایـد آن مقدار را اعاده کند.

مسأله ۴۵۷- محدوده مذکور در مسأله قبل در قسـمتی که حجر اسـماعیل علیه السـلام وجود دارد از کعبه حساب می‌شود و با کاسته شدن مقدار حجر تقریباً از مطاف ۵/ ۶ ذراع باقی می‌ماند. (۲)

تذکر ۲: بنابر نظر مراجع مذکور اگر به جهت نظافت مسـجد و مانند آن از انجام طواف در محدوده ممانعت شود اگرامکان دارد که در محـدوده طواف کنـد بایـد صبر نمایـد و در محـدوده طواف کند و اگر خارج آن طواف کند صـحیح نیست آیهٔ الله فاضل اضافه فرمودنـد: اگر در چنین حالاتی ضـرورت عرفیه اقتضاء کنـد که خارج از محـدوده طواف کند و صبر کردن برای طواف در محدوده مستلزم عسر و حرج باشد در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب صحیح است.

تذکر ۳: بنابر نظر مراجع مذکور زنی که قادر به طواف کردن نیست اگر کسی حتی

۱- ۱ آیهٔ اللّه گلپایگانی و آیهٔاللّه صافی: تا جمعیت طواف‌کننده متصل به یکدیگر مشغول طوافندصحیح است.

۲- ۲ آیات عظام: گلپایگانی، صافی، فاضل: در طرف حجر اسـماعیل محدوده طواف ضیق نمی‌شود و از حجر اسماعیل به مقدار ۵/ ۲۶ ذراع محدوده طواف است.

ص: ۱۲۳

نامحرم حاضر شود او را بدوش بگیرد و در محدوده طواف دهد نمی‌تواند به طواف با تخت روان در خارج از محدوده اکتفا کند.

تذکر ۴: کسی که در محدوده طواف است اگر شک کند که از محدوده خارج شده یا نه؟ طوافش صحیح است ولی اگر در ابتدا طواف شک کند که طوافش در محدوده است یا نه؟ نمی‌تواند به آن اکتفا نماید.

تذکر ۵: یقین به این که در حال طواف او را بی‌اختیار می‌برند مجوز طواف در خارج حد نیست و باید همان مقدار را که بی‌اختیار شده تدارک کند، و همینطور یقین به برخورد با نامحرم برای طواف خارج محدوده عذر محسوب نمی‌شود.

«نهم: طواف نکردن روی شاذروان»

مسأله ۴۵۸- در اطراف دیوار خانه، یک پیش‌آمدگی است که آن را «شاذروان» می‌گویند و طواف بر روی آن صحیح نیست.

مسأله ۴۵۹- اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن روی شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است و باید آن را اعاده کند.

مسأله ۴۶۰- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن، در آن جائی که شاذروان است جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند گر چه احتیاط مستحب در ترک است.

«دهم: موالات»

مسأله ۴۶۱- مراعات موالات عرفیه در طواف لازم است (۱) یعنی باید هفت دور آن پشت سر هم آورده شود و در بین آن بقدری فاصله نشود که از صورت یک طواف خارج گردد.

تذکر: موارد استثناء این شرط در مسائل مربوط به قطع طواف خواهد آمد.

مسأله ۴۶۲- جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز

۱- ۱. آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه فاضل: این شرط در طواف مستحب لازم نیست.

ص: ۱۲۴

بکشد و بعد، از همانجا اتمام کند ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد والا طوافش باطل است و باید طواف را اعاده کند (۱).

«یازدهم: انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر»

«کم کردن دورهای طواف»

مسأله ۴۶۳- اگر طواف کننده از ابتداء عمداً قصد کند که کمتراز هفت دور طواف کند طوافش باطل است اگر چه هفت دور بزنند (۲) ولی اگر از روی جهل یا سهو یا غفلت باشد و به هفت دور تمام کند طوافش صحیح است.

مسأله ۴۶۴- اگر از روی جهل به مسأله بیش از هفت دور طواف کند طوافش باطل است (۳) و باید طواف و نماز و اعمال بعد از آن را اعاده کند. (۴)

مسأله ۴۶۵- اگر در اثنای طواف از قصد هفت دور زدن برگردد و قصد کند کمتر بیاورد آنچه با این قصد آورده باطل است (۵) و باید اعاده کند.

مسأله ۴۶۶- اگر عمداً از طواف واجب یک دور یا کمتر یا بیشتر از آن کم کند اگر پیش از فوت موالات عرفیه آنرا تکمیل نماید طوافش صحیح است (۶)* و اگر تکمیل ننماید تا موالات فوت شود حکم قطع عمدی طواف را دارد که خواهد آمد.

۱- ۱. آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: ولی اگر بعد از نصف دور چهارم باشد می‌توان به اتمام همان طواف اکتفا نمود.

۲- ۲ آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی: در فرضی که هفت دور بزنند با تحقّق قصد قربت طوافش‌صحیح است.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: مگر این که جاهل قاصر باشد که در این صورت طوافش صحیح است.

۴- ۴. امام خمینی، آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر با اعتقاد صحت بقیه اعمال را آورده اعاده طواف و نماز کافی است.

۵- ۵. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: اگر قصد قربت مختل شود طواف اشکال پیدا می‌کند.

۶- ۶. آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر بی‌دلیل قبل از تمام شدن شوط چهارم از مطاف خارج شده و مشغول کاری‌شده که عرفاً صدق کند که طوافش را قطع کرده طواف باطل است.

ص: ۱۲۵

مسأله ۴۶۷- در فرض مسأله قبل اگر طواف را تکمیل نکرد تا موالات فوت شد باید آنرا اعاده کند (۱)* و اگر آنرا اعاده نکند حکم ترک عمدی طواف را دارد که در مسائل قبل گذشت و در این مسأله و مسأله قبل فرقی بین عالم و جاهل نیست.

مسأله ۴۶۸- اگر سهواً از طواف کم کند چنانچه پیش از فوت موالات آنرا تکمیل نماید طوافش صحیح است و همینطور است اگر بعد از فوت موالات متذکر شود و مقدار فراموش شده سه شوط یا کمتر باشد و اما اگر بعد از فوت موالات متذکر شود که بیش از سه شوط کم کرده باید طواف را اعاده نماید. گر چه تکمیل طواف و اعاده آن در تمام موارد مذکور موافق احتیاط است.

مسأله ۴۶۹- اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را بجا آورد و طواف و سعیش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که اگر کمتر از چهار دور بجا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده نماید.

«زیاد کردن دورهای طواف»

مسأله ۴۷۰- اگر طواف‌کننده از ابتدا عمداً قصد کند که بیش از هفت دور طواف کند طوافش باطل است هر چند به هفت دور اکتفا کند (۲) ولی اگر از روی جهل یا سهو یا غفلت باشد و به هفت دور تمام کند طوافش صحیح است.

مسأله ۴۷۱- انجام یک دور یا بیشتر بقصد احتیاط، زیاده در طواف محسوب نمی‌شود و جبران نقص احتمالی را نیز نمی‌کند

مسأله ۴۷۲- اگر در اثناء طواف از قصد هفت دور زدن برگردد و قصد کند زیادتر

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به‌جا آورده باشد طواف را تمام‌کند و بعداً احتیاطاً اعاده نماید.

۲- ۲. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: با تحقق قصد قربت طوافش صحیح است.

ص: ۱۲۶

بیاورد آنچه با این قصد آورده باطل است و باید اعاده کند (۱) و اگر با این قصد زیادتر از هفت دور انجام دهد اصل طواف باطل است (۲)

مسأله ۴۷۳- اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

مسأله ۴۷۴- اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همانطور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم به دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است خواه آن یک دور را انجام دهد یا انجام ندهد.

مسأله ۴۷۵- اگر بعد از هفت دور طواف واجب عمداً یک شوط یا کمتر یا بیشتر به آن اضافه نماید به قصد این که زیاده جزء آن طواف باشد، طواف او باطل می‌شود و باید اعاده کند.

مسأله ۴۷۶- اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است و اگر یک دور یا زیادتر است احوط (۳) آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز طواف واجب را قبل از سعی بخواند و احتیاط مستحب آن است که بعد از سعی دو رکعت نماز برای طواف مستحب به جا آورد.

مسأله ۴۷۷- اگر قسمتی از شوط را که صحیح بوده به تصور این که باطل انجام داده اعاده نموده، طوافش صحیح است.

«قِران در طواف»

مسأله ۴۷۸- قران در طواف (یعنی دو طواف پشت سر یکدیگر بدون انجام نماز

۱- ۱ آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: اگر قصد قربت مختل شود اصل طواف باطل می‌شود.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه بهجت: آنچه با قصد زیاده آورده باطل است.

۳- ۳. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: این احتیاط مستحب است.

ص: ۱۲۷

طواف بین آن دو) در طواف واجب حرام است ولی طواف اول صحیح است (۱) مگر آن‌که از ابتداء یا در اثناء طواف اول قصد قران کرده باشد. بلی قران در طواف مستحب، مکروه است.*

مسأله ۴۷۹- اگر بعد از انجام طواف و قبل از نماز طواف یک شوط یا کمتر یا بیشتر بیاورد بقصد این که آنرا جزء طواف دیگر قرار دهد داخل در قِران بین دو طواف است که حکمش در مسأله قبل گذشت (۲).

مسأله ۴۸۰- اگر طواف واجبی را که به فتوای مجتهدش صحیح است قبل از خواندن نماز به قصد احتیاط اعاده نماید و سپس نماز طواف را بخواند عملش صحیح است هر چند به واسطه قِران (۳) معصیت کرده است.

«قطع طواف»

مسأله ۴۸۱- قطع طواف یعنی رها کردن آن به طوری که موالات عرفیه فوت شود (۴)، بدون عذر در طواف مستحب جایز و در طواف واجب مکروه است (۵).*

مسأله ۴۸۲- اگر بدون عذر طواف را قطع کند باطل است و باید آنرا اعاده نماید چه قبل از شوط چهارم باشد یا بعد از آن (۶) ولی اگر طواف را رها کند و قبل از فوت موالات

۱- ۱ آیات عظام: سیستانی، خوئی، تبریزی: طواف باطل است.

۲- ۲. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، بهجت: اگر طواف دوم را به اتمام نرساند نه قران است و نه زیاده در طواف.

۳- ۳. آیات عظام: بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: این عمل قران محسوب نمی‌شود.

۴- ۴. آیهٔ اللّٰه سیستانی: یا قبل از اتمام شوط چهارم از مطاف خارج و مشغول کاری شود که عرفاً گفته‌شود طواف را قطع کرده است.

۵- ۵. آیات عظام: صافی، گلپایگانی، خویی: در طواف واجب جائز نیست.

۶- ۶. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به‌جا آورده باشد، طواف را تمام‌کند و بعد احتیاطاً اعاده کند.

ص: ۱۲۸

برگردد و آنرا تمام نماید طوافش صحیح است. (۱)

مسأله ۴۸۳- اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم طواف را به جهت عذری مانند مرض و حیض قطع نماید و بعد از رفع عذر طواف را از همانجا که قطع کرده کامل کند صحیح است. ولی اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد آنرا اعاده نماید. (۲)

مسأله ۴۸۴- اگر شخصی به جهت عذری طواف را قطع کند و تا وقت تنگ شود از انجام طواف عاجز باشد پس اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند. تا طوافش را تکمیل نماید یا اگر قطع قبل از اتمام شوط چهارم بوده اعاده نماید و اگر ممکن نیست برایش نائب بگیرند که به تفصیل مذکور عمل نماید. (۳)

مسأله ۴۸۵- اگر در اثناء طواف به جهت برپا شدن نماز جماعت یا نظافت مسجد و مانند آن، شخص از ادامه طواف معذور شد حکم مسأله قبل را دارد

«قطع طواف جهت نماز»

مسأله ۴۸۶- اگر در اثنای طواف وقت نماز واجب تنگ شود واجب است آنرا رها کند و نماز بخواند و سپس طواف را از همانجا که قطع کرده تمام کند (۴) و صحیح است مگر این که قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد و بقدری فاصله شود که موالات عرفیه به هم بخورد. که در این صورت باید طواف را اعاده کند.

مسأله ۴۸۷- قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت یا درک وقت فضیلت نماز واجب، جایز بلکه مستحب است و بعد از نماز از همانجا که طواف را قطع کرده ادامه دهد و طوافش صحیح است گر چه احتیاط مستحب آن است که به تفصیل مسأله قبل عمل نماید.

«شک در طواف»

۱- ۱. نظر آیات عظام امام خمینی، خوئی، تبریزی، صافی، خامنه‌ای ذیل مسأله ۴۶۷ گذشت.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه سیستانی: بجز طواف مستحب که می‌تواند تکمیل نماید مطلقاً.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: بعید نیست گفته شود که نائب باید در هر صورت همه طواف را انجام دهد.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: و می‌تواند طواف را از اول شروع نماید.

ص: ۱۲۹

مسأله ۴۸۸- اگر بعد از طواف شک کند که آنرا صحیح به‌جا آورده یا نه، مثلًا احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده، اعتناء نکند، و طوافش صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی‌زیاده و نقیصه.

مسأله ۴۸۹- اگر در اثناء طواف شک کند که طواف را به نیت منوب‌عنه شروع کرده یا برای خود، نمی‌تواند به این طواف اکتفا کند و می‌تواند صبر کند تا موالات فوت شود سپس آنرا از سر بگیرد. (۱)

مسأله ۴۹۰- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که هفت دور آورده یا بیشتر به شک خود اعتناء نکند و همینطور است اگر شک کند در این که هفت دور آورده یا کمتر (۲).

مسأله ۴۹۱- اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.

مسأله ۴۹۲- اگر در طواف در عدد شوطها شک نمود و با این حال و بامید این که شک او را از بین برود طواف را ادامه داد و پس از آن یقین کرد که هفت دور را کامل کرده طوافش صحیح است.

مسأله ۴۹۳- اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است. (۳)*

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت: می‌تواند طواف را به نیت منوب‌عنه تمام کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: و باید طواف را به نیت نیابت از سر بگیرد.

۲- ۲. آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: اگر قبل از مشغول شدن به نماز چنین شکی کند باید طواف را اعاده کند.

۳- ۳. آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

ص: ۱۳۰

مسأله ۴۹۴- اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است. (۱)

مسأله ۴۹۵- در مواردی که شک در دورهای طواف موجب بطلان طواف است اگر طواف دیگری شروع کرد و در اثناء آن یقین به دورهای طواف اول برایش حاصل شد، طواف دوم صحیح است.

مسأله ۴۹۶- اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنابر اقل بگذارد و طوافش صحیح است.

مسأله ۴۹۷- کسی که در عدد دورهای طواف کثیر الشک است به شکش اعتنا نکند (۲) و بنابر اکثر بگذارد، مگر این که بنابر اکثر موجب بطلان طواف باشد که در این صورت به احتمال اکثر اعتناء نکند و احتیاط مستحب آن است که کثیر الشک کسی را وادار کند که عدد را برایش حفظ کند.

مسأله ۴۹۸- معیار در کثیر الشک (۳) در طواف این است که عرفاً بگویند در طوافش زیاد شک می‌کند.

مسأله ۴۹۹- گمان در عدد دورها اعتبار ندارد (۴) و حکم شک را دارد.

بطلان طواف یا بعض آن

مسأله ۵۰۰- اگر پس از انجام حج تمتع متوجه شود که چند شوط از طواف عمره تمتع، یا حج را سهواً باطل انجام داده مثل این که از داخل حجر اسماعیل طواف کرده

۱- ۱. آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر شک در پایان شوط بین شش و هفت باشد و بنا را بر شش گذاشت و از روی جهل به مسأله طواف را تمام کرد و متوجه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه خوئی: اگر به حد وسواس نرسیده باید به شک خود اعتنا کند.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه سیستانی: معیار این است که شکی که برای او حاصل می‌شود، نسبت به کسانی که درموجبات حواس‌پرتی مانند او هستند، به مقدار معتنا به بیشتر باشد.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه بهجت: گمان در دورهای طواف معتبر است و باید به آن عمل شود.

ص: ۱۳۱

چنانچه مقداری که باطل انجام داده سه شوط یا کمتر باشد همان مقدار را اعاده نماید با نماز طواف و اگر بیشتر باشد باید اصل طواف را اعاده نماید و در هر دو صورت اعمال عمره و حج او صحیح است و اگر از روی جهل به حکم، و در عمره تمتع بوده، عمره و حج او باطل است و باید در سال بعد آنرا اعاده نماید. (۱)* و اگر در حج بوده طواف او باطل است و احکام آن در مسائل حج خواهد آمد.

مسأله ۵۰۱- اگر در عمره تمتع بعد از تقصیر متوجه شود که طوافش را سهواً باطل انجام داده است مثل این که بدون وضو طواف کرده یا وضویش باطل بوده پس اگر قبل از گذشتن وقت یادش آمد باید طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند و تا اعمال را انجام نداده از محرمات احرام اجتناب نماید و اگر بعد از گذشتن وقت تدارک متوجه شود اعاده طواف و نماز کافی است (۲).

مسأله ۵۰۲- اگر از روی جهل به مسأله طواف عمره تمتع را باطل انجام دهد چنانچه قبل از تنگی وقت متوجه شود باید طواف و نماز آنرا اعاده نماید و اگر سعی و تقصیر کرده آنها نیز باید اعاده شود و تا اعاده ننموده در احرام باقی می‌ماند و اگر بعد از وقت تدارک متوجه شود حج او باطل است. (۳)*

۱- ۱. آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: اگر از روی جهل در عمره بوده حج او بدل به افراد شده باید عمره‌مفرده بجا آورد و در سال بعد نیز حج تمتع را انجام دهد.

آیات عظام امام خمینی، فاضل، خامنه‌ای: اگر با اعتقاد به صحت اعمال را تمام کرده عمره و حج او صحیح است و از احرام خارج شده و فقط باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

۲- ۲. آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر بعد از وقت تدارک یادش بیاید حجش باطل است.

آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، فاضل: در هر دو صورت اعاده طواف و نماز کافی است و شخص با تقصیر از احرام خارج شده است.

۳- ۳. آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: حج او مبدل به افراد می‌شود و باید احتیاطاً پس از آن عمره مفرده انجام دهد و سال بعد دوباره عمره و حج تمتع را بجا آورد.

آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه‌ای: در هر دو صورت اگر با اعتقاد به صحت اعمال را تمام کرده از احرام خارج شده و عمره و حج او صحیح است و فقط باید طواف و نماز را تدارک نماید.

ص: ۱۳۲

مسأله ۵۰۳- در فرض مذکور در مسأله قبل اگر بعد از آن حج، عمره یا حج دیگری انجام داده و در آن خللی ایجاد نکرده باشد آن عمره و حج محکوم به صحت است.

«رها کردن طواف و از سر گرفتن آن»

مسأله ۵۰۴- کسی که در اثناء طواف آنرا رها می‌کند و از سر می‌گیرد طوافش صحیح است خواه قبل از اکمال شوط چهارم آنرا رها کند یا بعد از آن (۱) و اگر طواف دوم را هم رها کند و طواف سومی را انجام دهد همین حکم را دارا است.*

«نیابت در طواف»

مسأله ۵۰۵- اگر کسی از ابتدا بداند که حتی با کمک دیگری قادر بر انجام بعضی از شوطهای طواف نیست باید برای طواف کامل نائب بگیرد و همینطور اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود، ولی اگر بعد از آن باشد می‌تواند برای بقیه نائب بگیرد. (۲)*

مسأله ۵۰۶- انجام طواف به نیابت از دیگری قبل از طواف عمره یا حج یا طواف نساء جایز است.

«طواف با لباس دوخته»

مسأله ۵۰۷- اگر محرم طواف و سعی خود را با لباس دوخته انجام دهد، طواف و

۱- ۱. امام: اگر قبل از شوط چهارم بوده باید یک طواف دیگر بجا آورد.

آیهٔ اللّٰه خوئی، آیهٔاللّٰه تبریزی: در فرض اعتقاد به جواز از سرگرفتن طواف، طواف مذبور مجزی است.

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر بعد از شوط چهارم بوده واجب است نقصان طواف قطع شده را بجا آورد و نماز آنرا نیز بخواند.

۲- ۲. آیات عظام: صافی، گلپایگانی، مکارم: در تمام صور باید برای طواف کامل نائب بگیرد.

امام خمینی، آیهٔ اللّٰه بهجت: بعضی از دورهای طواف قابل نیابت است مطلقا.

ص: ۱۳۳

سعی او صحیح است هر چند بواسطه پوشیدن لباس دوخته (در غیر موارد عذر) معصیت کرده است.

«طواف حائض و مستحاضه»

مسأله ۵۰۸- زن اگر در ایام عادت خون دیده و سپس پاک شده و مجدداً خون دیده چناچه قبل از ده روز پاک شود آن خون محکوم به حیض است (۱) و اگر در فاصله‌ای که پاک بوده طواف و نماز را انجام داده باید آنها را اعاده نماید. (۲)

مسأله ۵۰۹- زن اگر به جهتی مانند استفاده از قرص نظم عادت ماهانه‌اش بهم خورده چنانچه یقین دارد خونی که می‌بیند سه روز استمرار دارد هر چند به این نحو که پس از خروج خون تا سه روز در باطن فرج‌آلوده باشد حکم حیض را دارد وگرنه باید به وظائف مستحاضه عمل نماید. (۳)

مسأله ۵۱۰- زن اگر برای عمره تمتع محرم شده اگر به واسطه حیض نتواند طواف کند باید صبر کند و پس از پاک شدن طواف و اعمال دیگر را انجام دهد و اگر بترسد که نتواند در وقت، اعمال عمره را انجام دهد از موارد عدول به افراد است (۴) که مسائل آن خواهد آمد.

مسأله ۵۱۱- اگر زن در اثناء طواف قبل از اتمام شوط چهارم حایض شود طوافش باطل است پس اگر وقت دارد صبر می‌کند تا وقتی که پاک شد طواف و نماز و بقیه اعمال

۱- ۱. آیة اللَّه خوئی، آیة اللَّه تبریزی: اگر خون دوم به صفات حیض باشد.

۲- ۲. آیة اللَّه مکارم: اعاده طواف و نماز لازم نیست.

۳- ۳. آیات عظام: خویی، تبریزی، سیستانی: اگر به صفات حیض باشد یا در ایام عادت، احتمال استمرار کافی است و حیض محسوب می‌شود. آیةاللَّه سیستانی اضافه فرموده‌اند: اگر به صفات حیض نباشد و در ایام عادت هم نباشد باید جمع کند بین تروک حائض و اعمال مستحاضه.

۴- ۴ آیات عظام: خوئی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی: اگر بعد از احرام حایض شد مخیر است بین‌عدول و بین این که سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از حج تمتع و قبل از طواف آن قضای طواف و نماز عمره تمتع را بجا آورد.

ص: ۱۳۴

را انجام دهد و اگر وقت ندارد مورد عدول به افراد است. (۱)*

مسأله ۵۱۲- اگر زن در اثناء طواف بعد از اتمام دور چهارم (۲) حایض شد چنانچه وقت دارد صبر کند و پس از پاک شدن تحصیل طهارت کرده و بقیه طواف و سایر اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر را انجام دهد و برای حج تمتع محرم می‌شود و بعد از حج قبل از طواف آن (۳) بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را انجام می‌دهد (۴)

مسأله ۵۱۳- اگر زن پس از این که متوجه شد که طواف عمره را باطل انجام داده حایض شد و تا آخر وقت عذرش باقی است (۵) سعی و تقصیر را انجام می‌دهد (۶) و برای حج محرم می‌شود و پس از حج و برطرف شدن عذر، طواف و نماز آن را انجام می‌دهد.

مسأله ۵۱۴- زن مستحاضه چنانچه استحاضه‌اش قلیله باشد باید برای هر یک از طواف و نماز جداگانه وضو بگیرد و اگر متوسطه باشد باید علاوه بر این، یک غسل برای

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: اگر قبل از سه شوط و نیم باشد مورد عدول به افراد است و اگر بعد از آن باشد حکم مسأله بعد را دارد. آیات عظام: خوئی، بهجت، سیستانی: مخیر است بین عدول و بین اتمام عمره تمتع به این صورت که سعی و تقصیر را انجام می‌دهد و برای حج تمتع محرم می‌شود و بعد از حج و قبل از طواف آن، طواف عمره تمتع و نمازش را به‌جا می‌آورد. آیهٔ اللّٰه خوئی: فرمودند: طواف عمره را به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: بعد از سه شوط و نیم.

۳- ۳. آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، مکارم: یا بعد از آن.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: باید بعد از اعمال مکه بقیه طواف و نماز عمره را بجا آورد.

۴- ۴. آیهٔ اللّٰه خوئی: و می‌تواند عدول به افراد کند مانند مسأله قبل.

۵- ۵. آیهٔ اللّٰه سیستانی: در این فرض مخیر است بین عدول و انجام حج تمتع به نحوی که در مسأله‌قبل گذشت.

۶- ۶. امام، آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: اگر بعد از تقصیر متوجه شد که طوافش باطل است لازم نیست سعی و تقصیر را اعاده نماید.

ص: ۱۳۵

طواف و نماز انجام دهد. (۱) و اگر کثیره باشد یک غسل دیگر هم برای نماز انجام دهد. (۲) این در صورتی است که خون مستمر باشد و اگر از وقت وضو یا غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد طهارتی که برای طواف تحصیل کرده کافی است.

مسأله ۵۱۵- اگر زن در اثناء طواف مستحاضه شد، حکم حدث در اثناء طواف را دارد که در مسأله ۴۱۳ گذشت.

مسأله ۵۱۶- زن مستحاضه اگر پاک شد و وضو گرفت و غسل کرد و مشغول طواف شد و در اثناء طواف مجدداً خون دید حکم مسأله قبل را دارد ولی اگر خون مستمر است و به وظیفه‌اش عمل کرده با تحفظ از خروج آن طواف او صحیح است.

مسأله ۵۱۷- مستحاضه پس از تحصیل طهارت برای طواف و نماز آن باید مبادرت به عمل نماید و اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند باید وضو و غسل خود را نزدیک مسجد الحرام انجام دهد.

مسأله ۵۱۸- اگر مستحاضه در اثناء طواف بجهت اقامه نماز و مانند آن نتواند به طوافش ادامه دهد باید مجدداً برای طواف تحصیل طهارت نماید و طواف را اعاده نماید. (۳)*

مسأله ۵۱۹- زن غیر سیده (۴) خونی که بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری می‌بیند حکم

۱- ۱. آیهٔ اللَّه مکارم: اگر مستحاضه متوسطه و کثیره وظیفه غسل خود را برای نمازهای یومیه انجام‌دهد غسل دیگری برای طواف و نماز لازم ندارد.

۲- ۲. آیهٔاللَّه سیستانی، آیهٔاللَّه فاضل: غسل دیگر لازم نیست.

آیهٔ اللَّه خوئی: در کثیره اگر محدث به حدث اصغر نباشد احتیاجی به وضو نیست.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه تبریزی: در فرضی که نماز جماعت برگزار شده و مستحاضه نمازش را خوانده فرمودند بعید نیست تمام کردن همان طواف سابق کافی باشد و همچنین آیهٔ اللَّه سیستانی در این فرض فرمودند اگر قطع پس از پایان شوط چهارم بوده اتمام همان طواف کافی است.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه مکارم: فرقی بین سیده و غیر سیده نیست ملاک تمام شدن پنجاه سال قمری است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: یائسگی در مسأله حیض در سیّده و غیر سیّده با اتمام شصت سال قمری شروع می‌شود.

ص: ۱۳۶

استحاضه را دارد هر چند به صفات حیض باشد و تا وقتی که رسیدن به سن مذبور برای زن اثبات نشده حکم زنان غیریائسه را دارد.*

مسأله ۵۲۰- زنی که حایض شده اگر با استفاده از دار و کاری کند که خون کاملًا قطع گردد بطوری که در باطن فرج هم خون سه روز استمرار پیدا نکند آن خون حکم استحاضه را دارد و با تحصیل طهارت مستحاضه، می‌تواند طواف و نماز خود را انجام دهد.

مسأله ۵۲۱- شخصی که بعد از اعمال عمره یا حج متوجه می‌شود که غسل واجبی مانند غسل مس میت یا غسل نفاس بر عهده‌اش بوده است چنانچه پس از وجوب آن غسل، غسل واجب یا مستحبی (که استحباب آن ثابت است مانند غسل احرام یا جمعه) انجام داده کفایت می‌کند و عملش صحیح است والا حکم کسی را دارد که طواف خود را باطل انجام داده که در مسائل قبل گذشت. (۱)*

«دائم الحدث»

مسأله ۵۲۲- بیماری که حدث (بول، غائط، ریح) پی در پی از او خارج می‌شود اگر فرصتی دارد که می‌تواند در آن طواف را با وضو و طهارت بدن انجام دهد باید پس از وضو و طهارت بدن طواف را در آن وقت انجام دهد و اگر چنین فرصتی ندارد تا وقتی حدث‌متعارف از او سر نزده یک وضو برای طواف و یک وضو برای نماز کافی است. (۲)*

۱- ۱. آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، صافی: اگر غسل جنابت انجام داده کفایت می‌کند و الا کفایت نمی‌کند.
آیة‌اللّه فاضل: اگر غسل واجبی انجام داده کفایت می‌کند والّا کفایت نمی‌کند.

۲- ۲. امام خمینی: اگر مشقت ندارد باید هر بار که از او حدث سرمی‌زند تجدید وضو نماید هر چند با بردن آب همراه خود در طواف و نماز باشد، و طواف و نمازش صحیح است.
نظر آیة‌اللّه خامنه‌ای در حدث بول مانند نظر امام است و در مورد حدث غائط و ریح نظر ایشان در دست نیست.
آیة اللّه بهجت: اگر حدث بول یا ریح است خود طواف می‌کند و اگر مشقت ندارد هر بار که حدث از او سرمی‌زند وضو را تجدید کند کافی است و اگر حدث غائط است برای طواف نائب بگیرد.
آیة اللّه گلپایگانی، آیة اللّه صافی: اگر حدث بول است چنانچه می‌تواند باید برای هر بار که حدث سرمی‌زند تجدید وضو کند. آیة اللّه گلپایگانی اضافه فرمودند: و اگر این را هم نمی‌تواند، وضو بگیرد و چهار شوط آن را بجا آورد و سپس تجدید وضو نموده و بقیه طواف را بجا آورد و اگر حدث ریح یا غائط باشد برای طواف نائب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند.

ص: ۱۳۷

مسأله ۵۲۳- کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می‌شود واجب است تا آنجا که می‌تواند از سرایت نجاست به بدن و لباس خود جلوگیری کند به همان کیفیتی که در نماز انجام می‌دهد.

مسأله ۵۲۴- اگر حدث از غیر مجرای طبیعی بطور پی در پی خارج می‌شود حکم حدثی را دارد که از مجرای طبیعی بطور پی در پی خارج می‌شود که در دو مسأله قبل گذشت.

«طواف مستحب»

مسأله ۵۲۵- طواف یعنی هفت شوط کامل و انجام یک یا چند شوط استحبابش ثابت نیست. (۱)

مسأله ۵۲۶- طواف عملی است مستحب و ثواب آن برای غیرمقیم از ثواب نماز مستحبی بیشتر است و سزاوار است زائران هر چقدر می‌توانند طواف کنند اما تلاش کنند مزاحم افرادی که مشغول طواف واجب هستند نشوند.

مسأله ۵۲۷- انجام طواف مستحب برای بانوان با علم به این که نگاه آنان بی‌اختیار به نامحرم می‌افتد و در فشار جمعیت قرار می‌گیرند اشکالی ندارد ولی بهتر است در موارد ازدحام مراعات نمایند.

مسأله ۵۲۸- شرائطی که در طواف واجب ذکر شد به جز طهارت از حدث (۲) در

۱- ۱. آیةاللَّه سیستانی: یک شوط نیز از خود یا از غیر مستحب است.

۲- ۲. آیة اللَّه مکارم، آیة اللَّه فاضل: و موالات.

ص: ۱۳۸

طواف مستحب نیز معتبر است.

مسأله ۵۲۹- انجام طواف مستحب قبل از اعمال عمره تمتع و مفرده و پس از محرم شدن برای حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات و پیش از طواف حج یا طواف نساء اشکالی ندارد گر چه احتیاط مستحب در ترک آن است.

مسأله ۵۳۰- هر شوط از طواف مستحب را نمی‌توان به نیت یک نفر انجام داد ولی انجام یک طواف به نیابت از چندین نفر اشکالی ندارد. (۱)

«مسائل متفرقه طواف»

مسأله ۵۳۱- واجب نیست در حال طواف روی طواف‌کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

مسأله ۵۳۲- اگر معاذ اللّه در حال طواف معصیتی مانند تماس عمدی با بدن نامحرم انجام شود طوافش باطل نمی‌شود.

مسأله ۵۳۳- پا گذاردن روی احرامی دیگران و اشیائی که از افراد در مطاف می‌افتد مانند ساعت و غیر آن موجب بطلان طواف نمی‌شود.

مسأله ۵۳۴- اگر از قسمتی از شوط را نادرست انجام دهد و در وقتی که می‌خواهد تدارک کند محل دقیق آن مشخص نباشد، برای تدارک باید از چند قدم جلوتر شروع کند با این قصد که طواف او از همانجائی که نادرست بوده ادامه پیدا کند و بقیه مقدمه علمیه باشد.

مسأله ۵۳۵- در مواردی که احتیاط اقتضا می‌کند که طواف را تکمیل کند و نماز را بخواند سپس آنرا با نمازش اعاده کند، می‌تواند یک طواف کامل به قصد تمام و اتمام

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد.

آیهٔ اللّه مکارم: و نیز می‌تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

ص: ۱۳۹

بجا آورد (یعنی چنانچه آن مقـدار انجام شده باطل بوده تمام هفت شوط طوافش باشد و چنانچه صـحیح بوده از طواف دوم بمقدار نقصان طواف اول، طواف باشد) و بعد دو رکعت نماز بخواند این عمل کافی است. (۱)*

مسأله ۵۳۶- اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

مسأله ۵۳۷- در حال طواف تکلم کردن و خنـده نمودن و شـعر خوانـدن اشـکال نـدارد لکن کراهت دارد و مسـتحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسأله ۵۳۸- اگر در طواف بی‌اختیار او را ببرند اعاده آن مقدار لازم است (۲) و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کنـد و چنانچه ممکن نیست بایـد در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از بی‌اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی‌دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است. (۳)

مسأله ۵۳۹- هر گاه چنـد قـدم از طواف اشـکال پیـدا کنـد مثل این که بی‌اختیار انجام شود به نحوی که در مسأله قبل گـذشت اگر بتواند باید برگردد و آن مقدار را اعاده نماید وگرنه بدون نیت طواف، دور بزنند تا به محلی که طوافش اشکال پیدا کرده برسد و از آنجا طواف را ادامه دهد و اگر از حجر الاسود شروع کند اشکال دارد (۴).

۱- ۱ آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، صافی: این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خوئی: مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که سایرشرائط موجود باشد.

آیات عظام مکارم، خامنه‌ای: چون از اول نیت می‌کند که خود را در وسط جمعیت قرار دهد و طواف کند هرچند او را ببرند، اعاده لازم نیست.

۳- ۳ آیهٔاللّٰه سیستانی: بی‌اختیار شدن به این است که نه بتواند توقف کند و نه از مطاف خارج شود.

۴- ۴ آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی، آیـهٔ اللّٰه فاضل: اگر نتوانـد برگردد و جبران کنـد می‌تواند تا حجر الاسود برود و آن شوط را اعاده نماید و جایز نیست بدون قصد طواف، تا جایی که طوافش نادرست بوده برود و از آنجا ادامه دهد.

ص: ۱۴۰

مسأله ۵۴۰- اگر قسمتی از یک شوط طواف نادرست انجام شود و شخص بخواهد آنرا تدارک کند لازم نیست از همان مکانی که طواف اشکال پیدا کرده آنرا ادامه دهد بلکه می‌تواند از محاذی آن در طرف راست یا چپ آن مکان طواف را تدارک کند و همینطور است مواردی که طواف در نقطه‌ای قطع می‌شود و شخص می‌خواهد آنرا تکمیل نماید.

مسأله ۵۴۱- اگر از روی جهل به مسأله به جای تدارک آن مقدار از شوط که اشکال پیدا کرده آنرا رها کند و شوط دیگری بجا آورد طوافش صحیح است.

مسأله ۵۴۲- در مواردی که قسمتی از شوط را صحیح انجام نداده اگر جهلًا بدون تدارک آن قسمت به طواف ادامه دهد زیاده‌ای که انجام داده طواف را باطل نمی‌کند و چنانچه قبل از فوت موالات آن قسمتی که خلل پیدا کرده تدارک کند طوافش صحیح است.

مسأله ۵۴۳- در عدد دورهای طواف و سعی و عدد سنگهای رمی در صورتی می‌توان به دیگری اعتماد کرد که اطمینان به عدد حاصل شود. (۱)

مسأله ۵۴۴- نائب در طواف حج یا عمره لازم نیست محرم باشد یا لباس احرام در بر داشته باشد بلکه می‌تواند طواف نیابی را در غیر احرام و با لباس دوخته انجام دهد.

مسأله ۵۴۵- کسی که از احرام خارج شده و می‌خواهد طواف و نماز را اعاده کند لازم نیست طواف را با لباس احرام انجام دهد.

مسأله ۵۴۶- کسی که در بین طواف شخصی را از زمین بلند می‌کند یا چیزی را بر می‌دارد و در آن حال بدون توجه به طواف یک یا چند قدم به جلو بر می‌دارد چنانچه در وقت پیمودن این مسافت قصد طواف را داشته ولو اجمالًا کفایت می‌کند و اگر شک دارد چنین قصدی داشته یانه به شک خود اعتنا نکند.

۱- ۱. آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه تبریزی: یا آن شخص ثقه باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: در خصوص طواف می‌تواند به کسی که یقین به عدد دورها داشته باشد اعتماد کند.

ص: ۱۴۱

مسأله ۵۴۷- اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کرد باید همان مقدار تدارک شود و ادامه طواف بدون تدارک آن، موجب اشکال در طواف است و آوردن آن قسمت از طواف بقصد احتیاط پس از اتمام طواف اشکال را برطرف نمی‌کند.

«مستحبات طواف»

«مستحبات طواف» (۱)

مسأله ۵۴۸- در حال طواف، مستحب است بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ باسْمِکَ الَّذِی یُمْشی بِهِ عَلی طَلَلِ الْماءِ کَما یُمْشی بِهِ عَلی جُدَدِ الأَرْضِ وَأسْأَ لُکَ باسْمِکَ الّذِیْ یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ وَأسْأَ لُکَ باسْمِکَ الَّذِی تَهْتَزُّ لَهُ اقْدامُ مَلائِکَتِکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعاکَ بِهِ مُوسی مِنْ جانِبِ الطُور فاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأ لْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الّذی غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَأَخَّرَ وأتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ أنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَکَذا».

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواهد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی إلَیْکَ فَقِیْرٌ وَإنِّی خائِفٌ مُسْتَجِیْرٌ فَلا تُغَیِّرْ جِسْمِی وَلا تُبَدِّلْ إسْمِی».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد و این دعا را بخواند:

«سائِلُکَ، فَقِیْرُکَ، مِسْکِیْنُکَ ببابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّةِ، أللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ الْمُسْتَجِیرِ بِکَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتِقْنِی وَوَالِدَیَّ وَأهْلِی وَوُلْدِی وَإخْوانِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ النَّارِ یا جَوادُ یا کَرِیمُ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

۱- ۱ آیة اللّه مکارم: این مستحبّات را به قصد رجاء بجا آورد.

ص: ۱۴۲

«أللّهُمَّ أدْخِلْنِی الْجَنَّةَ وَأجِرْنِی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ وَعافِنِی مِنَ السُّقْمِ وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَالْإنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَم».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یاذَا الْجُودِ وَالْکَرَمِ إنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی إنَّکَ أ نْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست به دعا بردارد و بگوید:

«یا أللّهُ یا وَلِیَّ الْعافِیَةِ وَخالِقَ الْعافِیَةِ وَرازِقَ الْعافِیَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعافِیَةِ وَالْمَنّانُ بالعافِیَةِ والمُتَفَضِّلُ بِالْعافِیَةِ عَلَیَّ وَعَلی جَمِیعِ خَلْقِکَ یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَالآخِرَةِ وَرَحِیْمَهُما صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعافِیَةَ وَتَمامَ الْعافِیَةِ وَشُکْرَ الْعافِیَةِ فی الدُّنْیا وَالآخِرَةِ یا أرْحَمَ الرّاحِمِیْنَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ للّهِ الَّذی شَرَّفَکِ وَعَظَّمَکِ، وَالْحَمْدُ للّهِ الّذی بَعثَ مُحَمَّداً نَبِیّاً وَجَعَلَ عَلیّاً اماماً. أللّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ وَجَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنا آتِنا فی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ».

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار (۱) رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«أللّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَکانُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النّار».

۱- ۱ مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.

ص: ۱۴۳

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء اللّه تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«أللَّهُمَّ مِنْ قِبلِکَ الرَّوْحُ وَالْفَرَجُ وَالْعافِیَهُ. أللَّهُمَّ إنَّ عَمَلِی ضَعیفٌ فَضاعِفْهُ لِی وَاغْفِرْ لی مَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی وَخَفِیَ عَلی خَلْقِکَ أسْتَجِیرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«أللَّهُمَّ قَنِّعْنِی بِما رَزَقْتَنی وَبارِکْ لِی فِیما آتَیْتَنی».

و برای طواف‌کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید (۱):

«أمانَتی أدَّیْتُها وَمِیثاقی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاهِ».

فصل پنجم: نماز طواف

۱- ۱ آیهٔ اللّه مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیّت برای بسیاری از مردم غیر ممکن است، بنابراین آنچه را ممکن است انجام می‌دهد و آنچه را نمی‌توان انجام داد، هرگاه نیّت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نیّتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد.

ص: ۱۴۴

سوم از واجبات عمره تمتع نماز طواف است.

مسأله ۵۴۹- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز طواف مانند نماز صبح بخواند.

مسأله ۵۵۰- در این نماز سوره خاصی واجب نیست گر چه مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید (قل هو الله احد) و در رکعت دوم سوره کافرون قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ بخواند.

مسأله ۵۵۱- نماز طواف را می‌توان مثل نماز صبح بلند یا مثل نماز ظهر آهسته خواند.

مسأله ۵۵۲- این نماز در احکام مانند نمازهای یومیه است بنابراین شک در رکعات، آنرا باطل می‌کند و گمان در رکعات، معتبر است ولی در افعال، گمان، حکم شک را دارد. (۱)*

مسأله ۵۵۳- باید پس از طواف به نماز آن مبادرت نماید (۲) به طوری که به نظر عرف بین آن دو فاصله نشود ولی فاصله انداختن به مقدار چندین دقیقه برای استراحت و یا پیدا

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت: در افعال نیز گمان معتبر است و حکم یقین را دارد.

۲ - ۲ آیـةاللّه فاضـل: و در صورتی که عالماً عامداً اخلال به فوریت کند، ظاهراً طواف باطل می‌شود و اگر تدارک نکند و وقت بگذرد حج نیز باطل است.

ص: ۱۴۵

کردن جای مناسب اشکالی ندارد و اگر به قدری فاصله انداخت که موالات عرفیه بهم بخورد معصیت کرده ولی طواف و نمازش صحیح است. (۱)*

مسأله ۵۵۴- انجام نماز مستحبی یا عبادت دیگر بین طواف و نماز آن تا وقتی که موالات عرفیه بهم نخورده مانعی ندارد.

مسأله ۵۵۵- واجب است این نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام و در پشت آن خوانده شود بطوری که مقام بین او و خانه کعبه واقع شود و هر چه به مقام نزدیکتر باشد بهتر است ولی نه بطوری که با سائرین مزاحمت کند.

مسأله ۵۵۶- در این که نماز طواف نزد مقام و پشت مقام باشد ملاک نظر عرف است یعنی باید بطوری باشد که عرفاً بگویند نماز را نزد مقام و پشت مقام خوانده است و حد مشخصی ندارد.

مسأله ۵۵۷- اگر نتواند نماز را پشت مقام در نزد آن بخواند باید آنرا در نزدیکی مقام در طرف راست یا چپ آن بجا آورد (۲) و اگر این هم ممکن نشد نماز در پشت مقام کافی است. ولی هر چه می‌تواند به مقام نزدیکتر بایستد. و چنانچه تا بعد از فوت موالات عرفیه عذرش باقی باشد اعاده آن نماز واجب نیست هر چند بتواند آنرا در پشت مقام و نزد آن بجا آورد.*

مسأله ۵۵۸- اگر با علم و عمد نماز طواف را ترک کرد یا آنرا باطل انجام داد و سعی و تقصیر نمود باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را اعاده نماید و اگر در وقت اعاده ننمود حج تمتع او باطل است. (۳)

۱- ۱. آیهٔ اللّه خوئی: طواف باطل است و باید در وقت، طواف و نماز را اعاده نماید.

۲- ۲. آیـهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: نماز باید پشت مقام باشد و اگر نتواند نزد آن بخواند در نقطه‌دورتری پشت مقام بجا آورد و بنابر احتیاط هر چه می‌تواند به مقام نزدیکتر بایستد.

آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای: اگر نتوانـد پشـت مقـام نزد آن بخوانـد در هر نقطـه‌ای که صـدق کنـد پشت مقـام است کـافی است بلکه در این صورت در هر جای مسجد الحرام که باشد صحیح است.

۳- ۳. آیـهٔاللّه بهجت: اگر کسـی عمـداً چنین کنـد عمره و حجش باطـل نیست و وظیفه دارد که به‌دسـتور ترک سـهوی نماز طواف عمل کند.

ص: ۱۴۶

مسأله ۵۵۹- اگر نماز طواف فراموش شود باید هر وقت که یادش آمد نماز را در مسجد الحرام به همان ترتیبی که در مسائل قبل گذشت انجام دهد (۱) و اگر برگشتن به مسجد الحرام برایش مشکل باشد باید هر جا که یادش آمد بجا آورد هر چند در شهر دیگری غیر از مکه باشد و بازگشتن به حرم واجب نیست گر چه آسان باشد (۲) و اگر نماز مذکور نماز طواف نساء باشد تا وقتی آنرا انجام نداده همسرش بر او حرام است.

مسأله ۵۶۰- اگر نماز را فراموش کرد و در اثناء سعی متوجه شد باید آنرا رها کند و برگردد و نماز را انجام دهد و سپس سعی را از همانجا که رها کرده بپایان رساند (۳) و اگر بعد از سعی و تقصیر متوجه شود اعاده آنها لازم نیست.

مسأله ۵۶۱- در احکام ذکر شده جاهل به مسأله با ناسی مشترک است.

مسأله ۵۶۲- اگر کسی این نماز را بجا نیاورد و بمیرد بر پسر بزرگ او واجب است که آنرا قضا کند به همان تفصیلی که در رساله عملیه در مسائل نماز قضا ذکر شده و اگر دیگری بجا آورد کافی است.

مسأله ۵۶۳- حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز طواف باید به صورت صحیح خوانده شود و اگر مکلف نتواند بطور صحیح بخواند در صورت امکان باید آنرا یاد بگیرد.

مسأله ۵۶۴- اگر نتواند قرائت و ذکرهای واجب نماز را یاد بگیرد هر مقدار که خود می‌تواند بخواند کافی است (۴).*

۱- ۱. آیةاللّه خامنه‌ای: این در صورتی است که از مکه دور نشده باشد والا برگشتن به مسجد الحرام‌لازم نیست.

۲- ۲. آیة اللّه فاضل: اگر در منی باشد مخیر است بین خواندن نماز در منی و استنابه والا در هر جا که‌هست همانجا نماز بخواند گرچه جواز نائب گرفتن هم بعید نیست.

۳- ۳. آیة اللّه صافی، آیة اللّه گلپایگانی: در صورت تجاوز از نصف بقیه سعی را و در کمتر از نصف همه آنرامجدداً بجا آورد.

۴- ۴. آیة اللّه بهجت: اگر قرائت او صحیح نیست به شخص عادلی اقتدا کند و اگر نتواند به جماعت بخواند عمل به وظیفه نمازهای یومیه کافی است.

ص: ۱۴۷

مسأله ۵۶۵- کسی که حمد و سوره نمازش را نمی‌تواند بطور صحیح تلفظ کند اگر برای عمره تمتع یا عمره مفرده و یا حج محرم شد اگر وقت دارد و می‌تواند با تأخیر طواف، قرائت خود را تصحیح کند و در تأخیر آن عسر و حرجی نیست، لازم است طواف را تأخیر بیاندازد (۱) و قرائت را تصحیح نماید ولی چنانچه زودتر طواف نماید و قبل از فوت موالات عرفیه نتواند غلطهای خود را تصحیح نماید به هر نحوی که می‌تواند بخواند کافی است (۲) هر چند معصیت کرده است.*

مسأله ۵۶۶- نماز طواف را در همه اوقات می‌شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب، که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت نماز یومیه شود، پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

مسأله ۵۶۷- اگر نماز طواف را در غیرموضعی که باید بجا آورد انجام داد مثل این که در حجر اسماعیل علیه السلام نماز خواند و بعد از آن متوجه شد باید نماز را اعاده نماید ولی اعاده سایر اعمال لازم نیست.

مسأله ۵۶۸- اگر زن بعد از طواف و قبل از انجام نماز طواف حائض شد چنانچه وقت وسعت دارد صبر می‌کند تا پاک شود و پس از تحصیل طهارت نماز طواف و بقیه اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر می‌کند و برای حج تمتع محرم می‌شود و پیش از طواف حج، نماز طواف عمره را قضانماید.

مسأله ۵۶۹- اگر زن نماز طواف را فراموش کرد یا به جهت جهل به مسأله یا سهواً آنرا باطل انجام داد و پس از آنکه متوجه شد حایض گردید در وسعت وقت پس از پاک شدن، نماز طواف را بجا می‌آورد و در ضیق وقت قبل از طواف حج نماز طواف عمره را قضا کند. و در هر دو صورت اگر بعد از انجام سعی یا تقصیر متوجه شده که نماز را ترک کرده یا باطل انجام داده اعاده سعی و تقصیر لازم نیست.

۱- ۱. امام خمینی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: تأخیر طواف لازم نیست.

آیهٔ اللّه بهجت: یا نماز را به جماعت بخواند.

۲- ۲. آیهٔاللّه بهجت: اگر نتواند در مقام به جماعت بخواند عمل به وظیفه یومیه کافی است.

ص: ۱۴۸

مسأله ۵۷۰- انجام نماز طواف به جماعت کافی نیست (۱) ولی اگر کسی که حمد و سوره‌اش درست نیست بخواهد برای احتیاط نماز طوافش را به جماعت بخواند می‌تواند در طواف واجب به شخص عادلی که نماز طواف واجبش را می‌خواند اقتدا کند (۲) هر چند طواف امام غیر طواف مأموم باشد مثل این که در نماز طواف حج به نماز طواف نساء اقتدا کند و مانند این که کسی که نائب نیست به نائب اقتداکند.

مسأله ۵۷۱- کسی که نمی‌تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را بطور صحیح تلفظ کند جایز نیست از طرف دیگری، برای حج یا عمره نیابت کند هر چند نیابتش تبرعی باشد و اگر نائب شد احرامش باطل است (۳)* بلی کسی که می‌تواند ذکرهای واجب را تصحیح کند نیابتش جایز است (۴) و اگر نائب شد باید حمد و سوره و ذکرهای واجب را تصحیح کند و عمل نیابی را صحیح انجام دهد تا از احرام خارج شود.

مسأله ۵۷۲- اگر بعد از نماز طواف متوجه شود که حمد و سوره یا ذکر واجب را صحیح ادا نکرده است چنانچه احتمال نمی‌داده است که آنچه ادا کرده غلط بوده است

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت: کافی بلکه مستحب است.

۲- ۲. آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر امکان نداشت به نماز طواف واجب اقتدا کند می‌تواند به‌رجاء مطلوبیت به نماز یومیه اقتدا کند.

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی: احرامش صحیح است و باید حج را به نیت منوب عنه تمام کند هرچند احتیاطواجب مجزی از منوب عنه نیست.

آیهٔ‌اللّه بهجت: شخصی که قرائتش درست نبوده یا از جهت دیگری معذور بوده و بدون توجه به این مطلب از طرف دیگری محرم شده و در وسط اعمال یا بعد از عمره تمتع متوجه شده احتیاطاً در موارد عذر نائب بگیرد و خود نیز آن عمل را انجام دهد؛ در این‌صورت نیابتش صحیح است، هرچند از اول نمی‌توانسته نایب شود.

۴- ۴ آیهٔ اللّه فاضل: اگر هنگام قبول نیابت، احتمال تصحیح قرائت را می‌داده و امکان آن نیز وجودداشته باشد با تصحیح قرائت و انجام اعمال از احرام خارج می‌شود و الّا اصل احرام باطل بوده است و در صورت بطلان احرام نیابی، می‌تواند برای خودش محرم شود.

ص: ۱۴۹

نمازش صحیح است. (۱) وگرنه باید آنرا اعاده کند.

مسأله ۵۷۳- کسی که حمد و سوره و ذکرهای واجب را صحیح ادا نمی‌کند می‌تواند جهت انجام عمره یا حج برای خودش محرم شود هر چند حجش استحبابی باشد و بر او لازم است اگر می‌تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب را تصحیح و بطور صحیح ادا نماید

مسأله ۵۷۴- اگر در حال قرائت یا اداء ذکر واجب او را حرکت دادند بطوری که استقرار از بین برود باید آن مقداری را که بدون استقرار بوده مجدداً اعاده نماید و اگر در حال تکرار نیز از استقرار خارج شد باز باید آنرا اعاده کند و اما اگر حرکت به حدی نباشد که به استقرار معتبر در نماز ضرر بزند نباید آنچه در حال حرکت گفته اعاده نماید مگر به قصد احتیاط به شرط آنکه وسوسه نباشد.

مسأله ۵۷۵- در نماز طواف لازم نیست مرد جلوتر از زن بایستد یا بین آن دو فاصله‌ای باشد بلکه اگر در کنار هم نیز نماز بخوانند صحیح است (۲).

مسأله ۵۷۶- در مواردی که مکلف می‌ترسد اگر نماز طواف شروع کند در اثناء او را حرکت دهند و نمازش را قطع کنند اگر به امید این که بتواند آنرا بطور صحیح انجام دهد شروع کند و نماز را بپایان برساند نمازش صحیح است.

فصل ششم: سعی بین صفا و مروه

اشاره

۱- ۱. آیات عظام: گلپایگانی، صافی، بهجت: نماز باطل است و باید اعاده شود

آیهٔ اللّه خوئی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در اشتباه خود معذور بوده نمازش صحیح است والا اعاده نماید.

۲- ۲. آیهٔاللّه خویی، آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر بین آنان فاصله باشد ولو بمقدار یک وجب رعایت تقدم لازم نیست در غیر این صورت لازم است.

آیهٔ اللّه فاضل: باید رعایت عدم تقدم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

ص: ۱۵۰

چهارم از واجبات عمره تمتع سعی است.

مسأله ۵۷۷- بعد از انجام نماز طواف، واجب است بین صفا و مروه که دو کوه معروفند سعی کند یعنی فاصله میان این دو کوه را بپیماید.

مسأله ۵۷۸- سعی بین‌صفا ومروه باید هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط می‌گویند به‌این معنی‌که رفتن‌از صفا به مروه یک شوط و بازگشت از مروه به صفا شوط دیگر است.

مسأله ۵۷۹- واجب است سعی را از صفا شروع کند و در دور هفتم به مروه ختم نماید، پس اگر از مروه شروع کند سعیش باطل است و باید آنرا اعاده کند و اگر در اثناء متوجه شد از سر بگیرد (۱).

مسأله ۵۸۰- همه فاصله بین دو کوه باید سعی شود یعنی از اولین جزء پائین کوه صفا تا رسیدن به اولین جزء پائین کوه مروه پیموده شود و برای احراز آن می‌توان بر قسمتی از کوه صفا و کوه مروه بالا-رفت و بطور متعارف سعی نمود و باید توجه داشت که هم اکنون قسمتی از دو کوه سنگ‌فرش شده و بالا رفتن بر آن کافی است و لازم نیست به سنگهایی که از کوه باقی مانده برسد.

۱- ۱. آیهٔ اللّه مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل نماید بعید نیست کفایت کند.

ص: ۱۵۱

مسأله ۵۸۱- حرکت بر قسمتی از کوه صفا و مروه در پایان شوط و آغاز شوط بعد بصورت هلالی شکل یا مستقیم چنانچه متعارف است ضرری به سعی نمی‌زند.

مسأله ۵۸۲- رفت و برگشت بین صفا و مروه باید از راه متعارف باشد پس اگر از راه غیرمتعارف سعی کند باطل است.

مسأله ۵۸۳- سعی بین صفا و مروه را می‌توان حتی در حال اختیار سواره انجام داده ولی راه رفتن افضل است.

مسأله ۵۸۴- طهارت از حدث و خبث و ستر عورت و ختان در سعی معتبر نیست گر چه با طهارت از حدث موافق احتیاط است.

مسأله ۵۸۵- اگر زن حجاب واجب خود را در سعی مراعات نکند سعی او صحیح است هر چند بواسطه ترک حجاب معصیت نموده است.

مسأله ۵۸۶- سعی را باید پس از طواف و نماز آن انجام داد و اگر سعی را قبل از آنها بجا آورد باید پس از طواف و نماز، سعی را اعاده نماید خواه مقدم نمودن آن عمدی باشد یا بجهت فراموشی یا جهل به مسأله. بلی اگر طواف عمره تمتع را فراموش کند و پس از گذشت وقت عمره تمتع متوجه شود یا طواف حج را فراموش کند و پس از ذی الحجه متوجه شود اعاده سعی لازم نیست

مسأله ۵۸۷- نظر به این که طبقه دوم سعی بین دو کوه صفا و مروه نیست سعی در آن کفایت نمی‌کند. (۱)

مسأله ۵۸۸- اگر برای مسعی طبقه زیرزمینی درست شود و سعی در بین ریشه دو کوه واقع شود کافی است گر چه احتیاط در سعی در طبقه همکف می‌باشد.

مسأله ۵۸۹- در وقت رفتن به مروه واجب است متوجه به مروه و در بازگشت به صفا متوجه به صفا باشد پس اگر عقب عقب برود یا به پهلو حرکت کند باطل است ولی نگاه

۱- ۱. آیةُ اللَّه بهجت: سعی در طبقه دوم با توجه به این که از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می‌شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه می‌شود کفایت می‌کند.

ص: ۱۵۲

کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکالی ندارد. (۱)

مسأله ۵۹۰- اگر قسمتی از سعی را عقب عقب یا به پهلو برود بایـد آن مقدار را تدارک نماید و نباید بدون تدارک آن قسمت به سعی خود ادامه دهد.

مسأله ۵۹۱- در فرض مسأله قبل اگر به جهت عـدم توجه به مسأله بـدون تدارک آن قسمت به سعی ادامه داد و سپس متوجه شـد برگردد و از همان جا که سعیش اشکال پیدا کرده سعی را تمام کند مگر این که در شوط اول بوده و موالات فوت شده که در این صورت سعی را از سر بگیرد.

مسأله ۵۹۲- نشستن یا خوابیـدن بر صـفا یا مروه یا بین آنها برای استراحت و رفع خستگی جایز است هر چنـد عذر خاصـی نداشته باشد، ولی اگر در بین شوط اول است بنابر احتیاط نباید بقدری فاصله شود که موالات عرفیه بهم بخورد.

مسأله ۵۹۳- تأخیر سعی از طواف و نماز آن تا شب جایز است هر چنـد عـذری نداشـته باشـد ولی نمی‌تواند آنرا بدون عذری مانند بیماری تا روز بعد تأخیر اندازد و اگر به روز یا روزهای بعد تأخیر انداخت معصیت کرده (۲) ولی طواف و نمازش صحیح است.*

مسأله ۵۹۴- کسی که می‌خواهـد در شب طواف و نمـاز آن را انجام دهـد اگر بدانـد که برای انجام سعی پیش از اذان صبح وقت نـدارد می‌توانـد طواف و نماز را انجام دهـد و پس از اذان و در روز سعی نمایـد و اما اگر قبل از اذان صبح وقت برای انجام سعی داشته باشد نباید سعی را تأخیر بیندازد.

مسأله ۵۹۵- سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای خداوند متعال بجا آورد. (۳)

۱- ۱. آیـهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در صورتی که سـینه و شانه‌ها در حال رفتن به مروه به طرف مروه و در حال رفتن به صـفا رو به صفا باشد و یا در حال توقف به پشت سر برگردد.

۲- ۲. آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه تبریزی: تأخیر انداختن به روز یا روزهای بعد تکلیفاً جایز است ولی باید طواف و نماز را اعاده کند.

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی: باید برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام شود.

ص: ۱۵۳

مسأله ۵۹۶- سعی مانند طواف رکن است و حکم ترک عمدی و سهوی آن همان است که در طواف گذشت.

مسأله ۵۹۷- اگر عمداً بیش از هفت مرتبه سعی نماید سعی او باطل است به تفصیلی که در طواف گذشت.

مسأله ۵۹۸- اگر سهواً بیش از هفت دور سعی نماید سعیش صحیح است خواه مقدار زیاده یک شوط باشد یا کمتر یا بیشتر، و بهتر است زائد را رها کند گر چه بعید نیست بتواند آنرا به هفت مرتبه برساند. (۱)

«کم کردن سعی»

مسأله ۵۹۹- اگر سعی را سهواً ناقص انجام دهد سپس چنانچه یک شوط یا بیشتر آورده و بقیه را ترک کرده باید باقیمانده را هر وقت یادش آمد هر چند بعد از فراغت از اعمال حج تدارک نماید و همینطور اگر کمتر از یک شوط انجام دهد و قبل از فوت موالات متوجه شود بقیه سعی را انجام دهد کافی است و اما اگر بعد از فوت موالات متوجه شد احتیاط آن است که سعی را از سر بگیرد و در موارد مذکور اگر به وطن خود مراجعت کرده چنانچه مشقت ندارد باید برگردد و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نائب بگیرد که سعیش را تکمیل کند و اگر کمتر از یک شوط آورده یک سعی کامل برایش بجا آورد.

«شک در سعی»

مسأله ۶۰۰- اگر پس از تقصیر شک کند که سعی را انجام داده یا نه، بنا می‌گذارد که سعی کرده و همینطور اگر در روز بعد از انجام طواف و نماز شک کند که سعی کرده (۲) یا نه

۱- ۱. آیات عظام: خوئی، سیستانی، بهجت: اگر یک شوط یا بیشتر انجام داده مستحب است آن را به هفت مرتبه برساند.

۲- ۲. آیهٔ اللّه فاضل: چنان‌چه شک دارد که با عذر تأخیر انداخته یا نه، وجهی برای بناگذاری بر این‌که‌آورده شده نیست.

ص: ۱۵۴

و اما اگر قبل از این وقت و پیش از تقصیر چنین شکی نماید باید سعی را انجام دهد.*

مسأله ۶۰۱- اگر در حال سعی در عدد شوطهای آن شک کند و به امید این که شک او مبدل به یقین شود به سعی خود ادامه دهد و سپس یقین کند که هفت مرتبه سعی نموده سعیش صحیح است.

مسأله ۶۰۲- اگر پس از پایان سعی یا شوطی از آن، شک کند که آنرا درست انجام داده یا نه، به شک خود اعتنا نکند و سعیش صحیح است و همینطور اگر در اثنای یک شوط شک کند که قسمت قبلی را درست انجام داده یا نه به شک خود اعتنا نمی‌کند.

مسأله ۶۰۳- اگر در مروه شک کند هفت شوط آورده یا بیشتر به شک خود اعتنا نکند و سعیش صحیح است هر چند شک او قبل از تقصیر باشد و اما اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این شوط هفتم است یا نهم سعی باطل است و باید از سربگیرد.

مسأله ۶۰۴- اگر پس از تقصیر شک کند که هفت شوط از سعی را آورده یا کمتر به شک خود اعتنا نکند و سعی او صحیح است و اما اگر پیش از آن چنین شکی نماید سعیش باطل است خواه پس از فراغت از سعی و انصراف از آن باشد (۱) یا قبل از آن و همینطور است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد مثل یک و سه و یا دو و چهار.

احکام سعی

مسأله ۶۰۵- اگر به تصور این که مجموع رفت و برگشت یک شوط است چهارده مرتبه بین صفا و مروه سعی نمود سعی او صحیح است و اگر در اثناء متوجه شد چنانچه قبل از انجام هفت شوط باشد آنرا تا هفت شوط کامل نماید و اگر بیشتر از هفت شوط انجام داده است و سپس متوجه شده حکم زیاده سهویه را دارد که گذشت و در هر

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه مکارم: در این صورت به شک خود اعتنا نکند

امام خمینی، آیهٔ اللّه فاضل: در این صورت احتیاط آن است که آنچه را احتمال می‌دهد نیاورده انجام دهد و سعی او صحیح است بلکه در فرضی که احتمال می‌دهد که برای حاجتی عمداً سعی را ناقص گذاشته وجوب اتمام بعید نیست.

ص: ۱۵۵

صورت سعیش صحیح است.

مسأله ۶۰۶- با تمام نمودن سعی محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود.

مسأله ۶۰۷- کسی که در عمره تمتع قبل از تمام شدن سعی به تصور این که هفت شوط آن تمام شده و از احرام خارج شده جماع کرد باید علاوه بر تکمیل سعی یک گاو (۱) برای کفاره ذبح کند بلکه اگر برای تقصیر ناخن گرفته باید کفاره مذبور را بدهد هر چند جماع نکرده باشد (۲) و اما در غیر عمره تمتع کفاره واجب نیست و همینطور (۳)* در عمره تمتع اگر موی خود را چیده و جماع ننموده است.

مسأله ۶۰۸- هر گاه در اثناء سعی متوجه شود که طوافش بیش از هفت شوط بوده می‌تواند این‌گونه احتیاط کند که سعی را تمام نماید (۴) و بعد از فوت موالات بین شوط زائد طواف و مقدار باقی مانده آن تا چهارده شوط، طواف و نماز و سعی را اعاده نماید و بعد تقصیر کند.

مسأله ۶۰۹- اگر در اثناء سعی برای نوشیدن آب از مسیر خود منحرف شد باید سعی را از همان نقطه که قطع کرده یا محاذی آن ادامه دهد ولی اگر بدون قطع سعی و با نیت آن به طرف محل آب خوردن برود پس از نوشیدن آب سعی را ادامه دهد مانعی ندارد.

مسأله ۶۱۰- با توجه به این که محل سعی مسجد نیست زنان حایضی که مجبورند برای طواف نائب بگیرند سعی را باید خودشان پس از این که نائب طواف و نماز را بجا آورد انجام دهند.

مسأله ۶۱۱- در زمان حاضر که مسیر رفت و برگشت و محل ویژه حرکت چرخها از

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت: کفاره آن کفاره جماع است.

۲- ۲. امام خمینی: اگر جماع نکرده کفاره ندارد.

۳- ۳. آیهٔ اللّه خوئی: در عمره تمتع اگر به غیرناخن هم تقصیر نمود کفاره مذبور را باید بدهد.

۴- ۴. آیهٔ اللّه سیستانی: احتیاط آن است که برگردد به مسجد الحرام و شوط اضافی را تا یک طواف کامل به قصد قربت مطلقه تکمیل نماید و برای آن نماز طواف بخواند، سپس سعیش را تمام کند و احتیاط مستحب این است که آنرا اعاده نماید.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاطاً سعی را رها کند تا موالات عرفیه از بین برود پس از آن همه را اعاده کند.

ص: ۱۵۶

هم تفکیک شده اگر سعی را در محل عبور چرخها، بر خلاف جهت سائر سعی‌کنندگان سعی نماید اشکال ندارد ولی نباید مزاحم دیگران شود.

مسأله ۶۱۲- زیادی در سعی از روی جهل سعی را باطل نمی‌کند و حکم زیادی سهوی را دارد.

مسأله ۶۱۳- اگر کسی در حال سعی بعد از گذشتن از مکان هروله به گمان این که هروله لازم بوده برگردد و مقداری را که به صورت عادی سیر کرده با هروله تکرار کند سعی او صحیح است.

مسأله ۶۱۴- اگر در حال سعی به جهت کنترل همراهان و مانند آن چند قدمی به عقب برگردد و بدون توجه آن مقدار را مجدداً سعی نماید سعیش صحیح است.

مسأله ۶۱۵- شخصی که نمی‌تواند بدون استفاده از صندلی چرخدار سعی کند اگر امکان تهیه آنرا دارد هر چند با فروش بعضی از اجناسی که برای سوغاتی تهیه کرده و در این کار حرج و مشقتی نیست باید آنرا تهیه کند و خود سعی نماید و نائب گرفتن جائز نیست.

مسأله ۶۱۶- اگر کسی سعی خود را رها کرده و از ابتدا یک سعی کامل انجام داده سعی او صحیح است.

مسأله ۶۱۷- اگر پس از سعی متوجه شود که طواف را باطل انجام داده باید پس از انجام طواف و نماز آن سعی را اعاده نماید و اگر در اثناء سعی متوجه شد آنرا رها کند و پس از طواف و نماز آن سعی را اعاده نماید.

مسأله ۶۱۸- افرادی که بر روی چرخ و امثال آن سعی می‌نمایند باید در حال سعی بیدار باشند.

فصل هفتم: تقصیر

اشاره

ص: ۱۵۷

پنجم از واجبات عمره تمتع تقصیر است:

مسأله ۶۱۹- بعد از انجام سعی واجب است تقصیر کند یعنی قدری از ناخن یا موی سر یا شارب و یا ریش خود را بچیند و تراشیدن سر کافی نیست بلکه حرام است و همینطور است کوتاه کردن موی زیر بغل و مانند آن.

مسأله ۶۲۰- در تقصیر کندن مو کافی نیست بلکه باید آنرا کوتاه کند و با هر وسیله‌ای که باشد صحیح است.

مسأله ۶۲۱- تقصیر از عبادات است و بایـد آنرا با نیت خالص برای خداوند انجام بدهد و اگر در آن ریا کند تقصیرش باطل و کار حرامی انجام داده است.

مسأله ۶۲۲- اگر تقصیر را عمـداً ترک کنـد و برای حج محرم شود عمره او باطل می‌شود و حج او به افراد مبدل می‌گردد و چنانچه بر او واجب بوده بایـد پس از اتمـام حـج، عمره مفرده بجـا آورد و بنابر احتیاط واجب (۱) حـج را در سال بعـد اعاده کند و در این حکم فرقی نیست که عالم به مسأله باشد یا جاهل.

مسأله ۶۲۳- اگر عمداً تقصیر خود را باطل انجام داده مثل این که بجای کوتاه کردن مو، آنرا بکند حکم مسأله قبل را دارد.

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه مکارم: این احتیاط مستحب است.

ص: ۱۵۸

مسأله ۶۲۴- اگر تقصیر را فراموش نمود و برای حج احرام بست عمره‌اش صحیح است و مستحب است یک گوسفند فدیه بدهد بلکه مطابق احتیاط است.

مسأله ۶۲۵- پس از تقصیر همه محرمات احرام حتی نزدیکی با همسر حلال می‌گردد بلی سر تراشیدن جایز نیست (۱)

مسأله ۶۲۶- کسی که تقصیر را سهواً یا از روی جهل به مسأله باطل انجام داده و محرمات احرام غیر از صید را مرتکب شده کفاره ندارد.

مسأله ۶۲۷- اگربعد ازتقصیر شک کند که تقصیرش صحیح است یا نه. چنانچه به مسأله آگاه بوده و احتمال می‌دهد در حین انجام تقصیر التفات داشته به شک خود اعتنا نکند. (۲)

مسأله ۶۲۸- کسی که تقصیر عمره مفرده را انجام نداده یا تقصیرش باطل بوده است و برای عمره تمتع یا عمره مفرده دیگری محرم شده احرامش باطل است و باید با تقصیر از احرام عمره مفرده خارج شود و در این حکم فرقی نیست که ترک تقصیر یا باطل انجام دادن آن عمدی باشد یا سهوی.

مسأله ۶۲۹- تقصیر عمره مفرده یا تمتع را لازم نیست بلافاصله پس از سعی انجام دهد بلکه در وسعت وقت می‌تواند آنرا با تأخیر و در هر جائی که خواست انجام دهد بنابراین کسی که تقصیر عمره مفرده را فراموش کرده و در وطن یادش آمد در همانجا تقصیر کند ولی برای طواف نساء (۳) اگر نمی‌تواند برگردد یا مشقت دارد نائب بگیرد.

مسأله ۶۳۰- لازم نیست تقصیر را بدست خود انجام دهد بلکه می‌تواند توسط دیگری تقصیر کند و لازم نیست دیگری شیعه باشد.

مسأله ۶۳۱- کسی که هنوز از احرام خارج نشده می‌تواند ناخن دیگری را برای

۱- ۱ آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه فاضل: تراشیدن سر نیز جایز است.

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خوئی: اگر عمره تمتع را در ماه شوال انجام داده تراشیدن سر تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه بهجت، آیهٔ اللّٰه سیستانی: در هر صورت به شک خود اعتنا نکند.

۳- ۳ آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر طواف نساء را قبل از تقصیر بجهت ضرورت یا نسیان یا جهل مقدم داشته مجزی است.

ص: ۱۵۹

تقصیر بگیرد ولی چیدن موی او جایز نیست و از تقصیر کفایت نمی‌کند. (۱)

مسأله ۶۳۲- کسی که از روی‌فراموشی یاندانستن مسأله‌بعداز طواف و نماز آن تقصیر کرد چیزی بر او نیست ولی باید بعد از سعی تقصیر را اعاده نماید تا از احرام خارج گردد.

مسأله ۶۳۳- اگر سعی را ترک کند یا آنرا ناقص انجام دهد یا سعیش باطل باشد و با این حال تقصیر نمایدباید پس از انجام سعی یا تدارک آن تقصیر را اعاده کند و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند و حکم کفاره تقصیری که انجام داده قبلًا گذشت و در مسأله فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست. (۲)

مسأله ۶۳۴- اگر پس از تقصیر بفهمد طواف یا بعضی از دورهای آنرا باطل انجام داده باید پس از انجام طواف و نماز و سعی تقصیر را نیز اعاده کند. (۳)

«احکام خاص بین عمره تمتع و حج»

در بین عمره تمتع و حج آن باید از کارهایی اجتناب شود که عبارتند از:

۱- انجام عمره مفرده

۲- خروج از مکه

۳- تراشیدن سر، و تفصیل آنها در مسائل آتی بیان خواهد شد.

مسأله ۶۳۵- انجام عمره مفرده بعد از عمره تمتع و قبل از حج جایز نیست و صحیح

۱- ۱ امام خمینی، آیهٔ اللَّه بهجت: کفایت می‌کند.

۲- ۲ امام خمینی، آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر این کار بجهت جهل یا فراموشی بوده تقصیرش صحیح است و از احرام خارج شده.

۳- ۳ امام خمینی، آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر با اعتقاد به صحت تقصیر کرده تقصیرش صحیح است و فقط باید طواف و نماز را تدارک کند.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر بطلان طواف در اثر فراموشی بعضی از شروط یا بجهت جهل به برخی از شرائط و خصوصیات باشد تقصیرش صحیح و از احرام خارج شده است و فقط باید طواف و نماز را تدارک کند.

ص: ۱۶۰

نیز نمی‌باشد ولی اگر انجام داد عمره تمتع و حج آن باطل نمی‌شود. (۱)*

مسأله ۶۳۶- کسی که عمره تمتع بجا آورده اگر مطمئن است که با خارج شدن از مکه حج از او فوت نمی‌شود و می‌تواند به موقع برگردد و برای حج محرم شود جایز است بدون احرام از مکه خارج شود (۲)* و در غیر این صورت جایز نیست خارج شود مگر برای ضرورت یا حاجتی که در این فرض باید برای حج تمتع محرم شود و سپس خارج شود. از آنچه ذکر شد وظیفه خدمه کاروانها و کارگزاران حج که عمره تمتع انجام داده‌اند و می‌خواهند برای انجام وظائف به منی و عرفات و امثال آن بروند روشن شد.

مسأله ۶۳۷- رفتن به محله‌های جدید مکه بلکه اطراف و توابع (۳)* آن مانند غار ثور پس از انجام عمره تمتع اشکالی ندارد.

مسأله ۶۳۸- کسی که پس از عمره تمتع بدون این که برای حج محرم شود از مکه خارج شود چنانچه در همان ماهی که در آن برای عمره تمتع محرم

۱- ۱. آیهٔ اللّه تبریزی: عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع مشروع نیست مگر این که از حرم خارج شود و در ماه دیگر غیر از ماهی که محرم برای عمره تمتع شده با احرام عمره مفرده داخل مکه شود که در این صورت عمره مفرده او صحیح است و عمره تمتع او تبدیل به عمره مفرده می‌شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در بین عمره تمتع و حج، عمره مفرده بجا آورد، ظاهر این است که موجب بطلان عمره تمتع خواهد شد و لازم است که آن را اعاده نماید. ولی اگر تا روز هشتم ذی‌الحجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره مفرده‌اش تمتع به حساب می‌آید و می‌تواند برای حج محرم شود.

آیهٔ اللّه فاضل: این در صورتی است که عمره مفرده را در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده بجا آورده شود اما اگر در ماه دیگر انجام داده، عمره تمتع او باطل شده و اگر تا هشتم ذی‌الحجه در مکه بماند این‌عمره مفرده، عمره تمتع محسوب می‌شود و حج تمتع او با همین عمره صحیح خواهد بود.

۲- ۲ آیات عظام خوئی، گلپایگانی، تبریزی: خروج جایز نیست مگر آنکه برای حاجتی باشد و بیم آن‌نرود که اعمال حجش فوت گردد که در این صورت واجب است برای حج خود از مکه احرام حج را بسته و برای کاری که دارد از مکه بیرون رود.

۳- ۳ آیهٔاللّه گلپایگانی: خروج از مکه جایز نیست.

آیهٔاللّه فاضل: رفتن به اطراف شهر مکه با توجه به توسعه آن تا جایی که صدق کند از مکه است مانعی ندارد.

ص: ۱۶۱

شده (۱) بازگردد می‌توانـد (۲) بـدون احرام به مکه مراجعت نمایـد خـواه پس از خروج از مکه از میقـات عبور کرده باشـد یـا نه و همینطور است اگر در ماه بعـد بازگردد و از میقات عبور نکرده (۳) و اما اگر در ماه بعـد بازگردد و پس از خروج از مکه از میقات عبور کرده باید مجدداً از میقات برای عمره تمتع محرم شود.

مسأله ۶۳۹- تراشیدن سر بعد از تقصیر عمره تمتع جایز نیست (۴) ولی ماشین کردن آن مانعی نـدارد و اگر سر را بتراشـد کفاره ندارد.

مسأله ۶۴۰- تراشیدن صورت پس از تقصیر عمره تمتع مانند تراشیدن آن در اوقات دیگر است و حکم خاصی ندارد.

«تبدّل حج تمتع به افراد»

مسأله ۶۴۱- شخصـی که برای عمره تمتع محرم شـده اگر بواسـطه عـذری، زمـانی وارد مکه شـد که می‌دانـد یـا ترس دارد که اگر بخواهـد عمره تمتع بجا آورد وقت وقوف به عرفات می‌گـذرد بایـد به حـج افراد عـدول کنـد و چنانچه حج واجب را انجام می‌دهد پس از آن بایـد عمره مفرده بجا آورد و حـج او صـحیح و از حجـهٔ الاسـلام کفایت می‌کند و اگر حج او مستحبی است انجام عمره مفرده لازم نیست.

مسأله ۶۴۲- اگر زنی محرم به احرام عمره تمتع شود ولی به واسـطه حیض یـا نفاس نتوانـد طواف بجا آورد و اگر بخواهـد بمانـد تا پاک شود ترس آن را دارد که وقت وقوف به عرفات بگذرد باید به دستوری که در مسأله قبل گفته شد عمل نماید. (۵)

۱- ۱. آیهٔ اللّه خوئی: ماهی که در آن عمره را انجام داده.

۲- ۲. آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: باید بدون احرام به مکه مراجعت نماید.

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: در این فرض باید برای عمره تمتع محرم شود مانند فرض بعد.

۴- ۴. نظر آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، فاضل: در مسأله ۶۲۲ گذشت.

۵- ۵. آیـات عظام: خوئی، تبریزی، سیسـتانی: اگر بعـد از احرام حایض شود مخیر است بین عمل به دسـتور مسأله قبل و بین این که سعی و تقصیر را انجام داده و پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

ص: ۱۶۲

مسأله ۶۴۳- کسی که بواسطه عذری بدون احرام وارد مکه شده و وقت برای عمره تمتع ندارد حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۶۴۴- اگر زن در میقات می‌داند یا احتمال می‌دهد که بواسطه حیض یا نفاس متمکن از عمره تمتع در وقت خود نیست می‌تواند به قصد ما فی الذمه محرم شود (قصد کند محرم می‌شوم به احرامی که وظیفه من است خواه تمتع باشد یا حج افراد) پس چنانچه قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شود عمره تمتع بجا آورد و اگر پاک نشد حج افراد بجا آورده و پس از آن باید عمره مفرده انجام دهد و حج او صحیح است و از حجهٔ الاسلام کفایت می‌کند و اگر حج او استحبابی است انجام عمره مفرده لازم نیست.

مسأله ۶۴۵- اگر زن بداند بواسطه حیض یا نفاس متمکن از عمره تمتع در وقت خود نیست و با این حال برای عمره تمتع محرم شد چنانچه قصدش انجام وظیفه فعلیه بوده و خیال می‌کرده که وظیفه‌اش عمره تمتع است احرامش صحیح است و باید حج افراد انجام دهد. (۱)

مسأله ۶۴۶- اگر زن قبل از طواف خون دید و چون خیال می‌کرد حیض است و وقت برای انجام عمره تمتع ندارد عدول به حج افراد کرد و بعد در عرفات فهمید حیض نبوده اگر وقت برای عمره تمتع باقی نمانده (۲) و تأخیرش عمدی نبوده حج افراد را تمام کند و اگر حج واجب است یک عمره مفرده نیز انجام دهد. (۳)

۱- ۱. آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر بعد از احرام حایض شود مخیر است بین این که عدول کند به حج افراد و بعد از حج اگر حجش واجب است عمره مفرده بجا آورد و بین این که سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

۲- ۲ آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: اگر وقت نداشته باشد به قصد اعم از حج افراد و عمره مفرده‌اعمالش را تمام می‌کند و چنانچه استطاعتش باقی بود یا بعد از آن مستطیع شد باید در سالهای آینده حج بجا آورد.

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی: اگر وقت عمره تنگ باشد، پس اگر اعتقاد او به حیض از روی موازین شرعیه باشد، مثلًا خونی که دیده در ایام عادتش بوده، ولی قبل از سه روز قطع شود، در این‌صورت احتیاط واجب آن است که اعمال حج افراد را تمام کند و اگر حج در ذمه او مستقر بوده و یا اگر مستقر نبوده، بعداً مستطیع شود احتیاطاً باید دوباره حج نماید، ولی اگر مستقر نبوده و مستطیع هم نشود، چیزی بر او نیست و اگر اعتقاد به حیض از روی موازین شرعیه نبوده، حج و احرام او باطل است و باید اعاده نماید.

آیهٔ‌اللّه فاضل: اگر با علم به حائض شدن تأخیر نیانداخته.

ص: ۱۶۳

مسأله ۶۴۷- کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است چنانچه در وقت احرام بداند برای انجام عمره تمتع وقت ندارد می‌تواند برای حج افراد محرم شود و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و حج او صحیح است. (۱)

مسأله ۶۴۸- محرمی که حائض بوده اگر بعد از گذشتن ایام عادتش پاک شود و پس از غسل اعمال عمره تمتع را انجام دهد و احرام حج بسته به عرفات و مشعر برود و آنجا قبل از گذشتن ده روز از اول حیضش لک ببیند پس اگر بداند حیض است و تمکن از تدارک عمره تمتع ندارد باید عدول به افراد نماید ولی اگر نداند که آیا ادامه دارد تا بعد از ده روز تا این مازاد بر عادتش استحاضه باشد یا قطع می‌شود تا حیض باشد باید (۲) احتیاط کند پس اعمال بعدی را به قصد ما فی الذمه و بدون تعیین تمتع یا افراد انجام دهد و احتیاطاً در منی قربانی نموده و بعد از اعمال حج یک عمره مفرده انجام دهد و چنانچه قصد تمتع نماید و بعد از انجام بعض اعمال کشف خلاف شود اکتفا به این حج نکند مگر

۱- ۱. آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، فاضل: وظیفه‌اش مبدل به افراد نمی‌شود و اگر حج تمتع بر او مستقر شده یا استطاعتش باقی باشد باید در سال بعد حج تمتع انجام دهد بلی جایز است فعلًا برای عمره مفرده یا حج استحبابی محرم شود.

آیهٔ‌اللّٰه گلپایگانی: باید حج افراد به‌جا آورد و بعد عمره مفرده و بنابر احتیاط واجب در سال بعد حج تمتع به‌جا آورد.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خوئی: چنانچه آن لک به وصف حیض نباشد زن مذبور مستحاضه است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: چنانچه کاملًا پاک شده باشد، عمره او صحیح است و دیدن لک بعد از آن ضرری به آن نمی‌زند، زیرا طهر متخلل بنابر اقوی حکم حیض را ندارد، بنابراین منظور ازده روز، مجموع دو خون است نه با ضمیمه کردن طهر واقع در میان دو خون و اگر دیدن لک نشانه ادامه مستمر خون باشد به دستور متن عمل کند.

ص: ۱۶۴

این که قصد انجام وظیفه فعلی داشته که کافی است، بلی پس از گذشت ده روز از اول حیض وظیفه‌اش روشن می‌شود که اگر از ده روز تجاوز نکرد و خون قطع شد حج بدل به افراد شده والا استحاضه بوده و حج تمتع او صحیح است.

مسأله ۶۴۹- کسی که عمداً عمره تمتع خود را باطل کند مثل این که احرام را تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد حج او باطل است و از موارد عدول (۱) به افراد نیست.* البته می‌تواند برای عمره مفرده یا حج افراد استحبابی احرام ببندد.

مسأله ۶۵۰- کسی که حج تمتع او مبدّل به افراد شده باید بعد از حج فوراً (۲) عمره مفرده انجام دهد ولی اگر به هر دلیل عمره را تأخیر انداخت و در وقت دیگر انجام داد صحیح و مجزی است حتی اگر عمره را در سال بعد و بعد از حج و عمره دیگر انجام دهد به صحت حج و عمره ضرر نمی‌زند.

«تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع»

مسأله ۶۵۱- کسی که عمره مفرده را در ماه‌های حج بجاآورده و اتفاقاً تا وقت حج در مکه باقی مانده (۳) می‌تواند عمره مفرده خود را عمره تمتع قرار داده و حج بجاآورد و در این حکم فرقی بین واجب و مستحب نیست. (۴)*

۱- ۱. آیة اللَّه بهجت: این شخص گرچه بواسطه ابطال عمره معصیت نموده است ولی باید به حج افرادعدول کند و سپس عمره مفرده انجام دهد و احتیاطاً در سال بعد حج تمتع بجا آورد.

آیة اللَّه گلپایگانی: حج او مبدل به افراد می‌شود و در سال بعد هم باید حج را قضا کند.

۲- ۲ آیةاللَّه سیستانی: فوریت عمره مانند فوریت حج است.

۳- ۳ آیة اللَّه سیستانی: اگر تا روز هشتم ذی‌الحجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره‌اش تمتع‌محسوب می‌شود.

آیةاللَّه تبریزی: کسی که از یکی از مواقیت معروفه نه مسجد تنعیم محرم به عمره مفرده شده و اعمال آن را بجاآورد هر چند از اول قصد تبدیل داشته باشد تبدیل به عمره تمتّع می‌شود.

۴- ۴. آیات عظام گلپایگانی، صافی، مکارم: این حکم در مورد حج مستحبی است آیة اللَّه صافی و آیة اللَّه گلپایگانی اضافه فرمودند: و عمره مفرده‌ای که انجام داده بر او واجب نبوده

ص: ۱۶۵

مسأله ۶۵۲- کسی که قصد بیرون رفتن از مکه را داشت به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره مفرده محرم و وارد مکه شد و عمره مفرده را بجاآورد بعداً از خروج از مکه منصرف شد حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۶۵۳- کسی که در غیر ماه‌های حج عمره مفرده انجام داده نمی‌تواند برای حج تمتع به عمره انجام شده اکتفا نماید و باید عمره تمتع بجاآورد.

مسأله ۶۵۴- در موارد مذکوره در مسائل قبل اگر بخواهد عمره تمتع انجام دهد باید به یکی از مواقیت پنج‌گانه برود و نمی‌تواند از ادنی الحل مانند تنعیم محرم شود.

مسأله ۶۵۵- اگر قبل از خارج شدن از احرام عمره مفرده به تقصیر، برای عمره تمتع محرم شود احرامش صحیح نیست و همچنان در احرام عمره مفرده باقی می‌ماند و باید اعمال آن را تمام کند و برای احرام عمره تمتع مجدداً به میقات برود مگر این که عمره مفرده‌اش در ماه‌های حج همان سالی که می‌خواهد حج به جا آورد واقع شده باشد که در این‌صورت می‌تواند آن‌را عمره تمتع خویش قرار دهد به‌تفصیلی که گذشت و اگر اعمال عمره اتفاقاً تا وقت حج در مکّه باقی بماند که می‌تواند آن را عمره تمتع خویش قرار دهد.

و اگر اعمال عمره مفرده را انجام داده و فقط طواف نساء را ترک کرده احرام او برای عمره تمتع صحیح است و باید پس از انجام عمره تمتع یا قبل از آن طواف نساء عمره مفرده را انجام دهد.

«سایر موارد عدول»

مسأله ۶۵۶- کسی که به احرام عمره تمتع وارد مکه شد در صورتی که حج او فوت شده قصد عمره مفرده کند و به همان احرامی که بسته عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود و اگر حج بر او مستقرّ بوده یا سال دیگر شرائط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.

مسأله ۶۵۷- کسی که حج افراد بر او واجب و متعیّن بوده و به همین نیّت در یکی از مواقیت محرم شده نمی‌تواند عدول به حج تمتع یا عمره مفرده بنماید.

«پایان وقت عمره تمتع»

ص: ۱۶۶

مسأله ۶۵۸- وقت عمره تمتع که در مسائل گذشته به آن اشاره شد تا وقتی باقی است (۱) که با انجام دادن عمره تمتع خوف نرسیدن (۲) به وقوف اختیاری عرفه (که از ظهر روز نهم ذی‌الحجهٔ است تا غروب آن) نداشته باشد.

بخش سوّم: اعمال حج تمتع

فصل اوّل: احرام حج:

اشاره

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: که بتواند قبل از زوال روز عرفه اعمال عمره را تمام کند.

۲- ۲. آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: به جزء رکنی از وقوف اختیاری عرفه را نداشته باشد.

ص: ۱۶۷

بخش سوّم: اعمال حج تمتع

ص: ۱۶۸

ص: ۱۶۹

فصل اوّل: احرام حج:

اول از واجبات حج احرام بستن است.

مسأله ۶۵۹- واجب است پس از اتمام عمره تمتع برای حج تمتع احرام ببندد.

مسأله ۶۶۰- کیفیت احرام بستن برای حج تمتع و گفتن لبیک و واجبات احرام همانگونه است که در احرام عمره تمتع گذشت با این تفاوت که در احرام حج قصد می‌کند احرام حج تمتع را.

مسأله ۶۶۱- تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد در این احرام نیز حرام است و آنچه از محرمات که کفاره داشت به همان ترتیب ذکر شده کفاره دارد.

مسأله ۶۶۲- کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله برای حج محرم نشد و پس از خروج از مکه یادش آمد یا مسأله را یاد گرفت سه صورت دارد:

۱- قبل از وقوف به عرفات یادش بیاید یا مسأله را یاد بگیرد که در این صورت باید برگردد و در مکه محرم شود مگر آنکه بواسطه تنگی وقت یا عذر دیگر امکان بازگشت نداشته باشد که باید در همانجا محرم شود.

۲- بعد از وقوف به عرفات یا در اثناء اعمال قبل از حلق یا تقصیر یادش آمد یا مسأله را یاد گرفت که در این صورت (۱) باید فوراً در همانجا محرم شود

۱- ۱. آیهٔ اللّه مکارم: در عرفات یا مشعر یا منی قبل از رمی جمرات و ذبح، ولی اگر بعد از آن متوجه شود وقت احرام گذشته و حجش صحیح است.

ص: ۱۷۰

۳- بعد از حلق یا تقصیر یادش آمد یا مسأله را یاد گرفت که در این صورت عملش صحیح است و لازم نیست تلبیه بگوید.

«زمان احرام»

مسأله ۶۶۳- جایز است احرام حج تمتع را تا وقتیکه بتواند بعد از آن وقوف اختیاری عرفات را درک کند تأخیر اندازد و تأخیر بیش از این مقدار جایز نیست (۱) و مستحب است روز هشتم ذی حجه که به آن یوم ترویه گفته می‌شود محرم شود بلکه موافق احتیاط است.

مسأله ۶۶۴- کسی که می‌خواهد پس از عمره تمتع برای حاجتی از مکه خارج شود و مطمئن نیست (۲) که بتواند برای احرام حج به مکه بازگردد باید قبل از خروج برای حج تمتع محرم شود و با همان احرام اعمال حج را انجام دهد هر چند خروج او قبل از یوم الترویه باشد.

«مکان احرام حج»

مسأله ۶۶۵- محل احرام حج تمتع شهر مکه است و در تمام مناطق شهر می‌توان محرم شد مگر این که خارج حرم باشد مثل تنعیم و افضل آن است که در مسجد الحرام نزد مقام ابراهیم علیه السلام یا در حجر اسماعیل علیه السلام محرم شود.

مسأله ۶۶۶- احرام در مناطق جدید الاحداث مکه که در محدوده حرم است اگر عرفاً جزء شهر مکه است جایز می‌باشد هر چند به توسط رشته کوهها و مانند آن از سایر قسمتهای شهر جدا باشد ولی در جائی که مشکوک است که جزء مکه است یا نه نمی‌توان محرم شد.

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: برای کسی که می‌تواند وقوف اختیاری عرفه را درک کند.

۲- ۲. نظر آیات عظام خوئی، تبریزی، گلپایگانی و احتیاط آیات عظام امام و صافی ذیل مسأله ۶۳۶ گذشت.

ص: ۱۷۱

مسأله ۶۶۷- اگر احرام را از روی علم و عمد ترک کند تا وقت وقوف اختیاری عرفات فوت شود، حجش باطل است و اگر به‌مقدار رکن از وقوف را درک کند، حجش صحیح است اگرچه گناه کرده است.

مسأله ۶۶۸- اشخاص معذوری که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم می‌دارند باید این اعمال را بعد از محرم شدن برای حج انجام دهند و اگر قبل از احرام انجام دهند کفایت نمی‌کند و باید بعد از احرام حج، قبل یا بعد از وقوفین آن اعمال را اعاده نمایند.

مسأله ۶۶۹- کسی که عمره تمتع انجام داده نباید برای حج افراد محرم شود و چنانچه در احرام حج قصد حج افراد نمود پس اگر از مکه خارج شده و در میقات محرم به احرام حج افراد شده بعید نیست (۱)* صحت حج او، ولی تمتع واقع نمی‌شود ولی اگر در مکه احرام بسته حج او صحیح نیست مگر این که از باب اشتباه در تطبیق بوده باشد که حج او صحیح است و تمتع واقع می‌شود.

مسأله ۶۷۰- کسی که نمی‌دانسته باید برای احرام حج افراد به یکی از مواقیت معروفه برود و در حرم محرم شده چنانچه ممکن نیست به میقات برود و در آنجا محرم شود و به وقوف برسد در همان محلی که هست محرم شود (۲) و اعمالی که امکان تدارک آن با احرام هست تدارک کند و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده و بعد متوجه شده حج او صحیح است.

«مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات»

«مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات» (۳)

مسأله ۶۷۱- اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است و پس از این که شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرِف شود به آواز بلند تلبیه بگوید و چون متوجه منی شود بگوید:

۱- ۱. آیهٔ اللَّه سیستانی: عدول جایز نیست ولی اگر از باب اشتباه در تطبیق باشد اشکال ندارد.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: و اگر می‌تواند به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء بجا آورد.

ص: ۱۷۲

«أللّهُمَّ ایّاکَ أرْجُو وَایّاکَ أدْعُو فَبَلِّغْنی أمَلِی وَأصْلِحْ لی عَمَلی».

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«ا لْحَمْدُ للَّهِ الَّذی أقْدَمَنِیها صالِحاً فی عافِیَةٍ وَبَلَّغَنی هذا الْمَکانِ».

پس بگوید:

«أللَّهُمَّ هذِهِ مِنی وَهِیَ مِمّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَیْنا مِنَ الْمَناسِکِ فَأَسْأَ لُکَ أنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِما مَنَنْتَ عَلی أ نْبیائِکَ فَإنَّما أ نَا عَبْدُکَ وَفی قَبْضَتِکَ».

و مستحب است (۱) شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت (۲) آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسِّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح (۳) مکروه است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ الَیْکَ صَمَدْتُ وَایّاکَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَکَ أرَدْتُ أسْأَ لُکَ أنْ تُبارِکَ لِی فی رِحْلَتی وَأنْ تَقْضِیَ لِی حاجَتی وَأنْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ تُباهی بِهِ الیَوْمَ مَنْ هُوَ أفْضَلُ مِنّی».

فصل دوّم: وقوف به عرفات

اشاره

۱- ۱ آیهْ اللَّه مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در حال حاضر ممکن نیست یا مشکل است، بنابراین‌نباید اصراری بر آن داشته باشد و دردسر برای خود و دیگران ایجاد کند، هرگاه نیّتش انجام آن باشد خداوند به فضل خود به او ثواب می‌دهد.

۲- ۲ آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی: بلکه احوط.

۳- ۳ آیهْ اللَّه صافی، آیهْ اللَّه گلپایگانی: بلکه خلاف احتیاط است مگر از جهت ضرورتی مثل بیمار و یاخائف از ازدحام.

ص: ۱۷۳

دوم از واجبات حج وقوف به عرفات است.

مسأله ۶۷۲- پس از احرام بستن برای حج تمتع واجب است وقوف در سرزمین عرفات که محلی است معروف با حدود شناخته شده و این وقوف، چون سایر عبادات باید با قصد قربت و نیت خالص آورده شود.

مسأله ۶۷۳- مقصود از وقوف، بودن در آن مکان است به هر حالی که باشد خواه در حال حرکت باشد یا ساکن، سواره باشد یا پیاده، یا نشسته یا خوابیده.

مسأله ۶۷۴- اگر در تمام وقت بیهوش یا خواب باشد (۱) وقوف او باطل است ولی اگر بعد از داخل شدن وقت وقوف نیت کند و سپس بخوابد یا بیهوش شود اشکال ندارد.*

مسأله ۶۷۵- حدودی که برای عرفات و مزدلفه و منی با تابلوهای مخصوص مشخص شده اگر موجب اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است. (۲)

۱- ۱. آیهٔ اللّه تبریزی: اگر قبل از خواب قصد وقوف کرده ولو در هنگام وقوف خواب باشد مانعی ندارد

آیهٔ اللّه مکارم: هرگاه قبلًا به عرفات آمده و نیت کرده باشد صحیح است.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: ولی اگر پیش از وقت در عرفات باشد و قصد وقوف کند و به همین قصد بخوابد و اتفاقاً در تمام وقت بیدار نشود صحت وقوف او بعید نیست.

۲- ۲. آیهٔ اللّه سیستانی: اگر این حدود دست به دست از قدیم اخذ شده باشد معتبر است مادام که اطمینان در خطای آن پیدا نشود.

آیهٔ اللّه مکارم: معمولًا مورد قبول اهل محل است. بنابراین تابلوها یا علاماتی که گذارده‌اند معتبر است.

ص: ۱۷۴

مسأله ۶۷۶- جبل الرحمه جزء موقف عرفات است ولی وقوف بر آن کراهت دارد (۱) اما در غیرحال وقوف کراهت ندارد.

«وقوف اختیاری عرفه»

مسأله ۶۷۷- در حال اختیار بایـد از ظهر روز عرفه تا غروب شـرعی (۲) که وقت نمـاز مغرب است در عرفات وقوف نمایـد و از ظهر شرعی تأخیر نیندازد بلی تأخیر به مقدار خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم و مقدمات آن (۳) مانعی ندارد.

مسأله ۶۷۸- توقف در تمـام مـدت مـذکور در مسأله قبل گر چه واجب است ولکن تمام آن رکن نیست که با ترک آن حـج باطل شود بلکه آنچه رکن است مسـمای وقوف است بنابراین اگر مقـدار کمی هم در عرفات بمانـد که عرفاً گفته شود قـدری در عرفات بوده هر چنـد یک یا دو دقیقه باشـد و سـپس خارج شود یا مثلًا دقائقی پیش از غروب به عرفات بیایـد و وقوف کنـد حج او صـحیح است هر چند این کار با علم و عمد انجام شود.

مسأله ۶۷۹- اگر بـا علـم و عمد(۴) وقوف رکنی را ترک کنـد یعنی از ظهر تـا غروب هیـچ در عرفـات نباشـد حجش باطـل است و وقوف در شب عید که وقوف اضطراری عرفه است برای او کفایت نمی‌کند.

مسأله ۶۸۰- اگر پیش از غروب از عرفات کوچ کند و از محدوده آن خارج شود باید

۱- ۱. آیهٔ اللَّه سیستانی: جبل الرحمه جزء موقف است ولی افضل ایستادن در دامنه کوه از طرف چپ‌آن است.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه سیستانی: تا غروب آفتاب.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه سیستانی: و یک غسل.

آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه تبریزی: تأخیر تا یک ساعت مانعی ندارد.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه سیستانی: یاجهل تقصیری.

ص: ۱۷۵

مجدداً مراجعت نماید و تا غروب وقوف نماید هر چند خروجش از عرفات سهوی باشد.

مسأله ۶۸۱- اگر پس از آنکه خارج شد مجدداً به عرفات باز نگردد چنانچه خروجش از روی علم و عمد بوده باید یک شتر در منی (۱) روز عید قربانی کند و اگر از قربانی متمکن نباشد باید هیجده روز روزه بگیرد و لازم نیست این هیجده روز پشت سرهم باشد و اگر خروجش سهوی بوده کفاره ندارد هر چند بواسطه عدم مراجعت معصیت کرده است

«وقوف اضطراری عرفه»

مسأله ۶۸۲- اگر کسی بواسطه عذری مانند فراموشی و تنگی وقت (۲) و مانند آن (۳) از ظهر روز نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از این زمان را درک نکند کافی است که مقداری از شب عید تا طلوع فجر (۴) را هر چند اندک در عرفات باشد (۵) و این زمان را وقت وقوف اضطراری عرفه می گویند.

مسأله ۶۸۳- کسی که بواسطه عذری روز عرفه را در عرفات وقوف نکرد اگر عمداً و بدون عذر شب دهم را در عرفات وقوف نکند حج او باطل می‌شود هر چند وقوف مشعر را درک کند.

مسأله ۶۸۴- اگر بواسطه عذری مانند فراموشی یا غفلت وقوف اختیاری و اضطراری

۱- ۱. امام خمینی، آیهًاللَّه خامنه‌ای: در هر جائی می‌تواند قربانی کند مرحوم امام مقید به روز عید هم‌نکرده‌اند.
آیهًٔ اللَّه فاضل: اگر قربانی صرف فقراء مومنین نمی‌شود جایز است در وطن قربانی نماید.

۲- ۲. آیهًٔ اللَّه سیستانی: همچنین جاهل قاصر.

۳- ۳. آیهًٔ اللَّه فاضل: مثل جهل به موضوع یا حکم یا مریضی یا شدت گرما و سرما.

۴- ۴. آیهًٔ اللَّه خویی، آیهًٔ اللَّه تبریزی: تا طلوع آفتاب.

۵- ۵. آیهًٔ اللَّه سیستانی: و اگر خوف این باشد که با درک وقوف اضطراری عرفه وقوف مشعر قبل از طلوع آفتاب از او فوت بشود واجب است اکتفا کند به وقوف مشعر و حججش صحیح است.

ص: ۱۷۶

عرفه را با هم ترک کند ولی وقوف اختیاری مشعر را درک کند حج او صحیح است چنانچه خواهدآمد

«مستحبات وقوف به عرفات»

«مستحبات وقوف به عرفات» (۱)

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱- با طهارت بودن در حال وقوف.

۲- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.

۳- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

۴- نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید، وقوفِ شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

۵- وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن کوه مکروه است. (۲)

۶- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.

۷- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن، صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«أللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّها فُكَّ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ وَأوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ، أللَّهُمَّ لا تَمْكُرْ بِی وَلا تَخْدَعْنی وَلا تَسْتَدْرِجْنی یا أَسْمَعَ السَّامِعينَ وَيا أَبْصَرَ النَّاظِرينَ وَيا أَسْرَعَ الْحاسِبِينَ وَيا أَرْحَمَ الرَّاحِمينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بی كَذا وَكَذا».

۱- ۱. آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبّات را به قصد رجاء انجام می‌دهد.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه سیستانی: وقوف در پایین کوه افضل است.

ص: ۱۷۷

و بجای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«أللَّهُمَّ حاجَتی إلَیْکَ الَّتی انْ أعْطَیْتَنیها لَمْ یَضُرَّنی ما مَنَعْتَنی وَإنْ مَنَعْتَنیها لَمْ یَنْفَعنی ما أعْطَیْتَنی، أسْأَ لُکَ خَلاصَ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ أللَّهُمَّ إنّی عَبْدُکَ وَمِلْکُ ناصِیَتی بِیَدِکَ وَأجَلی بِعِلْمِکَ، أسْأَ لُکَ أنْ تُوَفِّقَنی لِما یُرْضیکَ عَنِّی وَأنْ تُسَلِّمَ مِنِّی مَناسِکِیَ الَّتی أرَیْتَها خَلِیلَکَ ابْراهیمَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَدَلَلْتَ عَلَیْها نَبِیِّکَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله أللَّهُمَّ اجْعَلْنی مِمَّنْ رَضِیتَ عَمَلَهُ وَأطَلْتَ عُمْرَهُ وَأحْیَیْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

۸- این دعا را بخواند:

«لا إلهَ إلّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَالَّذی تَقُولُ وَخَیْراً مِمّا نَقُولُ وَفَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ، أللَّهُمَّ لَکَ صَلاتی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَماتی وَلَکَ تُراثی (بَراءَتی خل) وَبِکَ حَوْلی وَمِنْکَ قُوَّتی، أللَّهُمَّ إنّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَساوِسِ الْصُّدورِ وَمِنْ شَتاتِ الأمْرِ وَمِنْ عَذابِ الْقَبْرِ، أللَّهُمَّ إنّی أسْأَ لُکَ خَیْرَ الرِّیاحِ وَأعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ ما یَجیءُ بِهِ الرِّیاحُ وَأسْأَ لُکَ خَیْرَ اللَّیْلِ وَخَیْرَ النَّهارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فی قَلْبی نُوراً وَفی سَمْعی وَبَصَری نُوراً وَفی لَحْمی وَدَمی وَعِظامی وَعُرُوقِی وَمَقْعَدی وَمَقامی وَمَدْخَلی وَمَخْرَجی نُوراً وَأعْظِمْ لی نُوراً یا رَبِّ یَوْمَ أ لْقاکَ إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ».

و در این روز تا می‌تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹- آنکه رو به کعبه نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحانَ اللَّهِ» صد مرتبه «اللَّهُ أکْبَرُ» صد مرتبه «ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إلّاباللَّهِ» صد مرتبه «أشْهَدُ أنْ لا الهَ الّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَیُمِیتُ وَیُحْیی وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ» صد مرتبه.

پس، از اولِ سوره بقره ده آیه بخواند، پس سوره توحید سه مرتبه و آیهٔ الکرسی را

ص: ۱۷۸

بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

«انَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ فی سِتَّةِ أیّام ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثِیثاً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجومَ مُسَخَّراتٍ بِأمْرِهِ الا لَهُ الْخَلْقُ وَالامْرُ تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ* ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَخُفْیَةً انَّهُ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ* وَلا تُفْسِدُوا فِی الْارْضِ بَعْدَ اصْلاحِها وَادْعُوهُ خَوْفاً وَطَمَعاً انَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمحْسِنینَ».

پس سوره «قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق» و سوره «قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ» را بخواند.

پس آنچه از نعم‌الهی بیاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی نَعْمائِکَ الَّتی لا تُحْصی بِعَدَدٍ وَلا تُکافَأُ بِعَمَلٍ».

و به آیاتی از قرآن، که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاهٔ و السلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء اللَّه که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشّهادَةِ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ الْمَلِکُ الْقُدّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ الخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ».

و این دعا را بخواند:

ص: ۱۷۹

«أسْأَ لُکَ یا اللَّهُ یا رَحْمنُ بِکُلِّ اْسْمٍ هُوَ لَکَ وَأسْأ لُکَ بِقُوَّتِکَ وَقُدْرَتِکَ وَعِزَّتِکَ وَبِجَمیعِ ما أحاطَ بِهِ عِلْمُکَ وَبِجَمْعِکَ وَبِأرْکانِکَ کُلِّها وَبِحَقِّ رَسُو لِکَ صَلواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِکَ الْاکْبَرِ الاکْبَرِ وَبِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذی مَنْ دَعاکَ بِهِ کانَ حَقّاً عَلَیْکَ أنْ لا تُخَیِّبَهُ وَبِاسْمِکَ الْاعْظَمِ الْاعْظَمِ الَّذی مَنْ دَعاکَ بِهِ کانَ حَقّاً عَلَیْکَ أنْ لا تَرُدَّهُ وَأنْ تُعْطِیَهُ ما سَأَلَ أنْ تَغْفِرَ لِی جَمیعَ ذُنُوبی فی جَمیعِ عِلْمِکَ فِیَّ».

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو: «أسْأَ لُکَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَأتُوبُ الَیْهِ».

پس بخوان این دعا را:

«ألَلَّهُمَّ فُکَّنِی مِنَ النَّارِ وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَیِّبِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْانْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۱۰- آنکه نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«أللَّهُمَّ انِّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الفَقْرِ وَمِنْ تَشَتُّتِ الْامُورِ وَمِنْ شَرِّ ما یَحْدُثُ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ أمْسی ظُلْمِی مُسْتَجِیراً بِعَفْوِکَ وَأمْسی خَوْفی مُسْتَجیراً بِأمانِکَ وَأمْسی ذُنُوبی مُسْتَجیرَةً بِمَغْفِرَتِکَ وَأمْسی ذُلِّی مُسْتَجِیراً بِعِزِّکَ وَأمْسی وَجْهِی الْفانِیَ الْبالِی مُسْتَجیراً بِوَجْهِکَ الْباقی یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَیا أجوَدَ مَنْ أعْطی جَلِّلْنِی بِرَحْمَتِکَ وَأَ لْبِسْنی عافِیَتَکَ وَاصْرِفْ عَنِّی شَرَّ جَمِیعِ خَلْقِکَ».

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام و دعای حضرت زین العابدین سلام اللَّه علیه را که در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

ص: ۱۸۰

«أللَّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هذا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِیهِ مِنْ قابِلٍ أبَداً ما أبْقَیْتَنی وَاقْلِبْنِیَ الْیَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُستَجاباً لِی مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِی بأفْضَلِ ما یَنْقَلِبُ بِهِ الْیَوْمَ أحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ وَحُجّاجِ بَیْتِکَ الْحرامِ وَاجْعَلْنِیَ الْیَوْمَ مِنْ أکْرَمِ وَفْدِکَ عَلَیْکَ وَأعْطِنی أفْضَلَ ما أعْطَیْتَ أحَداً مِنْهُمْ مِنَ الْخَیْرِ وَالْبَرَکَةِ وَالرَّحْمَةِ والرِّضْوانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبارِکْ لِی فِیما أرْجِعُ الَیْهِ مِنْ أهْلٍ أوْ مالٍ أوْ قَلِیلٍ أوْ کَثیرٍ وَبارِکْ لَهُمْ فِیَّ».

و بسیار بگوید:

«أللَّهُمَّ أعْتِقْنِی مِنَ النَّارِ».

فصل سوّم: وقوف به مشعرالحرام

اشاره

ص: ۱۸۱

سوم از واجبات حج تمتع وقوف به مشعر الحرام است.

مسأله ۶۸۵- بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد باید کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

مسأله ۶۸۶- پس از حرکت از عرفات واجب است شب عید (۱) را تا صبح در مشعر الحرام با نیت خالص و قصد قربت بماند.

مسأله ۶۸۷- از طلوع فجر روز دهم تـا طلوع آفتـاب وقت وقوف اختیاری (۲) مشـعر الحرام است پس باید در تمام این مدت با قصد قربت و نیت خالص از ریا و خودنمائی وقوف نمایـد بلی کوچ کردن از مشـعر کمی قبل از طلوع آفتاب اگر بنحوی باشـد که قبل از طلوع آفتاب از وادی محسّر نگذرد جایز (۳) بلکه مستحب است و اگر بگذرد گناه کرده ولی کفاره ندارد.

مسأله ۶۸۸- وقوف در مشعر در مدت مذکور در مسأله قبل گر چه واجب است ولی

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه سیستانی: مقداری از شب عید.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: بیتوته در مشعر را در شب عید قبل از طلوع فجر واجب نمی‌دانند.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه سیستانی: وقوف اختیاری مشعر مقداری از شب و بین الطلوعین است.

۳- ۳. آیهٔ اللّٰه خوئی، آیهٔ اللّٰه مکارم: جایز نیست. آیهٔ اللّٰه مکارم اضافه فرمودند: و کفاره آن یک گوسفنداست.

ص: ۱۸۲

تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف مقدار کمی از این زمان است هر چند یک دقیقه باشد.

مسأله ۶۸۹- زنان و بچه‌ها و پیرمردان و اشـخاص ضعیف و بیماران و دیگر معذورین و کسانی که لازم است همراه آنان باشند جایز است قدری از شب عید را در مشعر وقوف کنند و سپس به سوی منی حرکت کنند هر چند قبل از نیمه‌شب باشد. (۱)

مسأله ۶۹۰- صاحب عذری که می‌تواند اکتفا به وقوف شبانه مشعرالحرام نماید کسی است که عذر برای خودش حاصل شده باشد اگر چه بواسطه اطمینان از گفته دیگری مثل مدیر کاروان باشد.

مسأله ۶۹۱- کسـی که وقوف به عرفه را درک کرده و شب دهم یـا مقـداری از آن را در مشـعر بوده اگر قبل از طلوع فجر از مشـعر خارج و تا طلوع آفتاب برنگردد حجش صحیح است. (۲) بلی‌اگر عمداً و بدون عذر چنین کرده معصیت کرده و باید یک گوسفند کفاره بدهد. (۳)*

«وقوف اضطراری مشعرالحرام»

مسأله ۶۹۲- برای مشعر الحرام دو وقوف اضطراری وجود دارد

۱- ۱. آیـهٔ اللَّه خوئی، آیـهٔ اللَّه تبریزی: کسـانی که همراه معـذورین هسـتند بایـد قبل از طلوع آفتاب به مشـعر برگردنـد و اگر اتفاقاً نتوانستند تا قبل از طلوع آفتاب برگردند، قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند و لحظاتی قصد وقوف اضطراری نمایند.

آیـهٔ اللَّه فاضل: بلی لازم است همراهان معـذورین و کسانی که عذر آنها برطرف شده در صورت امکان برای درک وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

۲- ۲. آیـهٔ اللَّه خوئی، آیـهٔ اللَّه تبریزی: حجش باطـل است و مبـدّل به عمره مفرده می‌شود بلی اگر جاهل به‌حکم بوده و پس از علم ممکن نباشد ولو تا قبل از ظهر روز عید به مشعر برگردد حجش صحیح است و باید یک گوسفند کفاره دهد.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه فاضل: باید حج را تمام کند و یک گوسفند کفاره دهد و بنابر اقوی سال دیگر حج را اعاده نماید.

ص: ۱۸۳

۱- وقوف در شب عید (۱) برای معذورین که در مسأله ۶۸۶ گذشت

۲- وقوف در روز عید از طلوع آفتاب تا ظهر

مسأله ۶۹۳- از آنچه گذشت معلوم شد که عرفات و مشعرالحرام دارای وقوف اختیاری و اضطراری است و درک بعض این مواقف برای مکلف صوری دارد که آنچه مورد ابتلاء است از این صور بیان می‌شود:

۱- وقوف اختیاری عرفات و مشعرالحرام هر دو را درک نماید که بدون شک حج او صحیح است.

۲- هیچ‌یک از دو موقف را درک نکند نه اختیاری و نه اضطراری آنها را و در این صورت حج او بدون شک باطل است و باید با همان احرام عمره مفرده انجام دهد و اگر گوسفند همراه داشته باشد آن را ذبح نماید و لازم نیست نیت عدول به عمره مفرده نماید گرچه مطابق احتیاط است و در این احکام فرقی نیست که درک نکردن دو وقوف به واسطه عذر باشد یا بدون عذر. بلی اگر درک نکردن موقف از روی عذر بوده باشد اعاده حج در سال بعد بر او واجب نیست مگر این که شرائط استطاعت او باقی بماند یا حج از قبل بر او مستقر شده باشد و اگر بدون عذر و از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر می‌شود و باید در سال بعد اعاده نماید حتی اگر شرائط استطاعت را نداشته باشد.

۳- وقوف اختیاری عرفه و اضطراری شب مشعر را درک کند که در این صورت حجش صحیح است هرچند وقوف اختیاری مشعر را بدون عذر ترک نموده باشد. بلی در این فرض باید یک گوسفند کفاره بدهد. (۲)*

۴- وقوف اختیاری عرفه و اضطراری روز مشعر را درک کند پس اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده حج او باطل (۳) و الّا صحیح است.

۱- ۱. آیة اللّه سیستانی: این وقوف اختیاری است.

۲- ۲. نظر آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: در ذیل مسأله ۶۸۱ گذشت.

۳- ۳. آیـة اللّه سیستانی: چون اختیاری مشعر بخشی از شب است تا طلوع آفتاب، اگر بین الطلوعین را عمداً هم ترک کند حجش صحیح است ولی در صورت علم یک گوسفند کفّاره است.

ص: ۱۸۴

۵- فقط وقوف اختیاری عرفه را درک کرده باشد که در این صورت حج او باطل و به عمره مفرده مبدّل می‌شود (۱) هرچند که وقوف مشعر را با عذر ترک کرده باشد. (۲)*

۶- وقوف اضطراری عرفه با اختیاری مشعر را درک نماید در این صورت حجش صحیح است مگر این که وقوف اختیاری عرفه را عمداً و بدون عذر ترک کرده باشد.

۷- اضطراری عرفه و اضطراری شب مشعر را درک کند پس چنانچه اختیاری عرفه را عمداً و بدون عذر ترک کرده حج او باطل است و در غیر این صورت حج او صحیح‌است بلی اگر وقوف اختیاری مشعر را بدون عذر ترک کرده باشد باید یک گوسفند کفاره بدهد. (۳)

۸- اضطراری عرفه و اضطراری روز مشعر را درک کرده باشد پس چنانچه وقوف اختیاری عرفه یا مشعر را عمداً و بدون عذر ترک کرده حجش باطل است و گرنه بعید نیست حجش صحیح باشد گرچه احتیاط آن است که اگر شرائط استطاعت باقی باشد آن را در سال بعد اعاده نماید.

۹- فقط اضطراری عرفه را درک کند که در این صورت حجش باطل می‌شود و باید عمره مفرده بجا آورد تا از احرام خارج گردد.

۱۰- فقط اختیاری مشعر را درک نماید که حجش صحیح است مگر این که وقوف به عرفات را عمداً و بدون عذر درک نکرده باشد.

۱۱- فقط اضطراری شب مشعر را درک کند که در این صورت اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده و از کسانی است که وقوف شب مشعر برای آنها کافی است مانند زنان و بیماران، حج او صحیح است (۴)* و گرنه باطل است.

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این که هنگام عبور از عرفات به منی در مشعر در وقت اختیاری از شب تا طلوع آفتاب گذشته باشد و ذکر خدا گفته باشد که در این صورت حجش صحیح است. هرچند به جهت جهل قصد وقوف نکرده باشد.

۲- ۲. آیات عظام: بهجت، گلپایگانی، مکارم: اگر از روی عذر بوده حجش صحیح است.

۳- ۳. نظر آیات عظام تبریزی، خوئی، فاضل در ذیل مسأله ۶۹۱ گذشت.

۴- ۴. آیهٔاللّه سیستانی: بلکه هرچند از صاحبان عذر نباشد.

ص: ۱۸۵

۱۲- فقط اضطراری روز مشعر را درک کند که در این صورت حج او باطل است. (۱)*

مسأله ۶۹۴- اگر کسی به جهت اغماء یکی از وقوفین را ترک کند (۲) پس اگر از مواردی است که ترک آن از روی عذر ضرری به حج نمی‌زند (که در مسائل قبل گذشت) باید پس از به هوش آمدن اعمال حج را تمام کند و اگر از مواردی است که حج او باطل شده باید عمره مفرده انجام دهد و در صورتی که پس از مراجعت به وطن به هوش آمده باید برای انجام عمره بازگردد یا اگر مشقت دارد نائب بگیرد.

مسأله ۶۹۵- اگر در محلّی به تصور این که موقف عرفات یا مشعر است وقوف نمود و پس از گذشت وقت وقوف یقین به خلاف پیدا کرد حکم ترک وقوف از روی عذر را دارد که در مسائل قبل گذشت.

مسأله ۶۹۶- اگر بواسطه ندانستن مسأله وقوف را ترک کند چنانچه در یادگیری مسأله کوتاهی نکرده عذر محسوب می‌شود و حکم ترک وقوف با عذر را دارد که گذشت مثلًا کسی که بواسطه ندانستن مسأله وقوف اختیاری مشعرالحرام را ترک کرده و وقوف اضطراری آن را انجام داده چنانچه جهل او قصوری و عذری بوده حج او صحیح است.

مسأله ۶۹۷- کسی که وقوف به عرفه را درک کرده و در شب دهم قدری در مشعر بوده و سپس برای انجام کاری به منی رفته باید برای درک وقوف اختیاری به مشعر بازگردد و اگر به جهت عذری نتواند به مشعر برگردد چنانچه مقداری که در مشعر بوده قصد وقوف داشته کفایت می‌کند وگرنه باید اضطراری مشعر را درک کند.

مسأله ۶۹۸- کسی که حج او به واسطه ترک وقوفین باطل شده و باقی اعمال را

۱- ۱. آیات عظام: فاضل، خوئی، تبریزی، صافی: حجش صحیح است اگر معذور باشد.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه فاضل: در فرضی که بعد از درک وقوف اختیاری عرفه بیهوش شده و تا بعدازظهر روز عیدبه هوش نیامده فرموده‌اند: رمی روز عید را نیابتاً از طرف او انجام دهند و پس از به هوش آمدن بقیه اعمال را خودش انجام دهد و بنابر احتیاط واجب عمره مفرده‌ای بجاآورد و اگر حج بر او مستقر بوده و یا استطاعتش تا سال بعد باقی مانده حج را اعاده کند.

ص: ۱۸۶

بجاآورده به احرام باقی است و بایـد برای خروج از احرام، عمره مفرده انجام دهـد (۱) و اگر به وطن بازگشـته و نمی‌تواند برگردد نائب بگیرد.

«مستحبات وقوف به مشعرالحرام»

«مستحبات وقوف به مشعرالحرام (۲)»

مسأله ۶۹۹- مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ (۳) تَوَقُّفِی وَزِدْهُ فی عَمَلی وَسَلِّمْ لِی دِینی وَتَقَبَّلْ مَناسِکی».

و در راه رفتن میـانه‌روی نمایـد و کسـی را آزار ندهـد و مسـتحب است نماز مغرب و عشاء را تا مزدلفه به تأخیر انـدازد اگرچه ثلث شب نیز بگـذرد و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کنـد و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و در صورتی که از رسـیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسـید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مسـتحب است که در وسط وادی، از طرف راست راه نزول نماید و اگر حاجی صـروره باشد مستحب است که در مشـعر الحرام قدم بگذارد (۴) و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ هذِهِ جُمَعُ، اللَّهُمَّ انِّی أسْأَ لُکَ أنْ تَجْمَعَ لِی فِیها جَوامِعَ الْخَیْرِ، اللَّهُمَّ لا

۱- ۱ آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: طواف و سـعی حـج، به جای عمره او کافی است پس باید تقصـیر کند و طواف‌نساء انجام دهد و اگر رفتن برای او مشـکل است برای طواف نـائب بگیرد پس از آنکه نـائب طواف نسـاء را بجـا آورد و خود منوب‌عنه هر کجا که هست نماز طواف را بخواند.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبّات را به قصد رجاء بجاء بیاورند.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه بهجت: اللهمّ ارحم موقفی و زد فی عملی.

۴- ۴ آیـهٔ اللَّه مکارم: این حکم در روایات متعـددی آمده است و احتمالًا منظور از آن با پای برهنه قدم‌گذاشـتن در سـرزمین مشـعر است.

ص: ۱۸۷

تُؤْیِسْنی مِنَ الْخَیْرِ الَّذی سَأَلْتُکَ أنْ تَجْمَعَهُ لِی فی قَلْبی وَأطْلُبُ الَیْکَ أنْ تُعَرِّفَنی ما عَرَّفْتَ أوْلِیاءَکَ فی مَنْزِلِی هذا وَأنْ تَقِیَنی جَوامِعَ الشَّرِّ».

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل‌محمد صلوات بفرستد آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«أللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرام فُکَّ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ وادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْانْس، أللَّهُمَّ أ نْتَ خَیْرُ مَطْلُوبٍ الَیْهِ وَخَیْرُ مَدْعُوٍّ وَخَیْرُ مَسْؤُولٍ وَلِکُلِّ وافِدٍ جائِزَةٌ فَاجْعَلْ جائِزَتی فی مَوْطِنی هذا أنْ تُقِیلَنی عَثْرَتی وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتی وَأنْ تُجاوِزَ عَنْ خَطِیئَتی ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوی مِنَ الدُّنیا زادی».

و مستحب است سنگ ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است (۱) و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسّر رسید، به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«أللَّهُمَّ سَلِّمْ لی عَهْدی وَاقْبَلْ تَوْبَتی وَأجِبْ دَعْوَتی وَاخْلُفْنی فِیمَنْ تَرَکْتُ بَعْدی».

فصل چهارم: اعمال منی

«رمی جمره عقبه»

۱- ۱ آیة اللَّه مکارم: ولی از آنجا که در شلوغی جمعیت غالباً بعضی از سنگها اصابت نمی‌کند بهتر است‌بیشتر جمع آوری کند.

ص: ۱۸۸

چهارم از واجبات حج رمی جمره عقبه است.

مسأله ۷۰۰- واجب است پس از وقوف در مشعرالحرام هفت سنگریزه به جمره عقبه که در منی واقع شده است بزنند و غیر سنگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات کافی نیست و امّا اقسام سنگها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

«شرائط سنگ‌ریزه»

مسأله ۷۰۱- در سنگی که می‌خواهد به جمره بزند چهار شرط معتبر است:

۱- به قدری باشد که به آن ریگ گفته شود.

بنابراین سنگ‌ریزه‌های کوچک که به آن شن می‌گویند و سنگهای بزرگ که ریگ به آن صدق نمی‌کند کافی نیست.

۲- از منطقه حرم باشد و سنگ خارج حرم کافی نیست و در حرم از هر موضعی که بردارد کافی است حتی از منی و مکه مگر از مسجدالحرام و مسجد خیف. بلکه سایر مساجد بنابر احتیاط واجب. و مستحب است از مشعرالحرام بردارد.

۳- بکر باشد یعنی خودش یا شخص دیگر هرچند در سالهای قبل، از آنها برای

ص: ۱۸۹

رمی صحیح (۱) استفاده نکرده باشد.

۴- مباح باشد پس با سنگ غصبی یا آنچه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست. (۲)

مسأله ۷۰۲- اگر شک کند که سنگ را دیگری برای رمی استفاده نموده یا نه می‌تواند با آن رمی کند. (۳)

مسأله ۷۰۳- سنگی که در حرم است اگر احتمال بدهد از خارج حرم آورده شده می‌تواند با آن رمی کند.

مسأله ۷۰۴- سنگ‌ریزه‌هایی را که معلوم است از خارج مشعر به آنجا آورده شده است اگر طوری است که عرفاً جزء مشعر محسوب می‌شود می‌توان از آن برای رمی استفاده کرد و در غیر این صورت باید احراز شود که از حرم آورده شده و الّا نمی‌توان با آن رمی نمود.

مسأله ۷۰۵- سنگی که معلوم‌نیست‌به‌آن ریگ گفته‌می‌شود یانه‌برای‌رمی کافی نیست.

مسأله ۷۰۶- سنگی که به جمره می‌زنند لازم نیست پاک باشد.

«زمان رمی»

مسأله ۷۰۷- وقت رمی جمره عقبه از طلوع آفتاب روز عید تا غروب آن است و چنانچه به جهت جهل یا فراموشی یا عذر دیگر در روز عید رمی نکرد باید تا روز

۱- ۱. در عبارت آیات عظام: خوئی، گلپایگانی، مکارم قید «صحیح» موجود نمی‌باشد.

۲- ۲. آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: اگر اعتقاد داشت سنگها غصبی نیست و یا غصبی بودن آنها را فراموش کرد و خودش غاصب نبود رمی صحیح است و در غیر آن باید اعاده شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: مگر آن که نداند غصبی است یا فراموش کرده باشد و خود غاصب نباشد یا حرمت را فراموش کرده باشد یا جاهل قاصر باشد.

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این که در جایی باشد که علم داشته باشد بعضی از سنگهای آنجا استعمال شده است و احتمال بدهد که سنگ مورد نظر هم یکی از آنها باشد که در این صورت باید احتیاط کند.

ص: ۱۹۰

سیزدهم به تفصیلی که در مسائل رمی جمرات سه‌گانه می‌آید جمره را رمی کند و در صورتی که به مکه آمده لازم است برای انجام رمی به منی برگردد و اگر پس از روز سیزدهم عذرش برطرف شد باید در سال بعد اگر می‌تواند خودش و اگر نمی‌تواند نائبش آن را قضا کند. (۱)*

مسأله ۷۰۸- زنها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند شب عید از مشعرالحرام به منی بروند اگر از رمی در روز معذورند می‌توانند همان شب یا شب بعد از آن (۲)* هر وقت که باشد رمی کنند بلکه زنها می‌توانند بدون عذر در شب عید رمی نمایند. (۳)

«واجبات رمی»

مسأله ۷۰۹- در رمی شش امر واجب است:

۱- نیّت: یعنی قصد کند هفت سنگ به جمره بزند برای خداوند تعالی با نیت خالص.

۲- سنگریزه‌ها باید پرتاب شوند و گذاشتن آنها بر جمره کافی نیست.

۳- سنگها را با دست بیاندازد و اگر با پا یا دهان بیاندازد کافی نیست ولی بعید نیست با فلاخن کافی باشد.

۴- با انداختن او، سنگ به جمره برسد (۴) بنابراین اگر سنگ را انداخت و سنگ

۱- ۱. آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر بعد از روز سیزدهم عذرش برطرف شد همین حکم را دارد مگر پس از خروج از مکه مانع برطرف شود که در این صورت لازم نیست برگردد و احتیاط مستحب آن است که در سال بعد خود یا نائبش رمی کند.

۲- ۲ آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: باید در شب عید رمی نمایند و شب بعد کافی نیست.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه مکارم: زنان و پیران می‌توانند در شب رمی کنند و همچنین کسانی که روزها گرفتار کار حجاج هستند و فرقی نمی‌کند در شب قبل یا شب بعد.

۴- ۴ آیهٔ اللَّه مکارم: در مورد رمی جمرات فتوای اخیر ما این است که اصابت به ستون‌ها لازم نیستبلکه کافی است سنگ را به دایره اطراف جمرات پرتاب کنند و در مسائل آینده نیز به همین صورت عمل شود.

ص: ۱۹۱

دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا کمک آن به جمره رسید یا سنگ به جایی خورد و کمانه کرد و به جمره رسید کافی نیست. (۱)

۵- هفت سنگ به جمره بزند

۶- سنگها را به تدریج و یکی پس از دیگری بزند و در این صورت اگر با هم به جمره بخورد مانعی ندارد و اگر همه یا چند سنگ را با هم بیاندازد کافی نیست و یک رمی محسوب می‌شود هرچند با هم به جمره نرسد.

مسأله ۷۱۰- اگر سنگی که انداخت به جمره نرسید باید دوباره بیاندازد (۲) اگرچه در وقت رمی گمانش آن بوده که رسیده است.

مسأله ۷۱۱- رمی را می‌تواند سواره و پیاده انجام دهد. (۳)

مسأله ۷۱۲- رمی در طبقه دوم جمرات نیز کافی است و لازم نیست در طبقه اول رمی کند.

مسأله ۷۱۳- در موقعیت فعلی که جمرات توسعه یافته به هر جای آن رمی شود کفایت می کند. (۴)

مسأله ۷۱۴- در انداختن سنگها طهارت از حدث و خبث شرط نمی‌باشد.

«شک در رمی»

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت: ظاهر این است که اگر سنگریزه در راه به چیزی برخورد نموده و سپس به جمره برسد کافی باشد با بقای صدق رمی در ابتدا و انتهای آن.

امام خمینی، آیهٔ اللّه سیستانی: در صورت اخیر ظاهراً کافی است.

۲- ۲ آیهٔ اللّه مکارم: همان گونه که گفتیم کافی است سنگ به دایره اطراف جمره بیفتد.

۳- ۳. آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه سیستانی: مستحب است در حال رمی پیاده باشد.

۴- ۴. آیات عظام: تبریزی، سیستانی، خویی: اگر دیوار موجود مشتمل بر ستون سابق باشد و تشخیص آن هر چند با کمک اهل خبره قبل از رمی میسور باشد باید همان قسمت را رمی کند و اگر میسور نباشد به احتیاط واجب باید رمی را تکرار کند مگر مقداری که مستلزم عسر و حرج یا ضرر است.

ص: ۱۹۲

مسأله ۷۱۵- اگر وقتی که مشغول رمی است شک کند که چند سنگ زده باید آن‌قدر بزند که مطمئن شود هفت سنگ زده است و همین‌طور اگر شک کند، سنگی که زده به جمره رسیده یا نه باید مجدداً بزند تا مطمئن شود که به جمره رسیده است.

مسأله ۷۱۶- اگر شک کند که هفت سنگ زده یا بیشتر به شک خود اعتنا نکند و رمی او صحیح است.

مسأله ۷۱۷- اگر پس از رمی و انصراف از محل آن و قبل از ذبح و حلق یا تقصیر شک کند که هفت سنگ زده یا کمتر (۱) باید برگردد و مقداری را که احتمال می‌دهد نزده تکمیل نماید.

مسأله ۷۱۸- اگر پس از ذبح و یا حلق و یا تقصیر یا پس از فرارسیدن شب شک کند که رمی کرده یا نه یا این که هفت سنگ زده یا کمتر به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۷۱۹- اگر پس از رسیدن سنگی به جمره شک کند که رمی آن صحیح بوده یا نه مثل این که نداند سنگ مستعمل زده یا غیر آن به شک خود اعتنا نکند و همین‌طور اگر پس از فراغت از رمی شک کند که سنگ‌ریزه‌ها به جمره خورده (۲) یا نه، بلی اگر در رسیدن آخرین سنگ به جمره شک نماید باید آن را اعاده کند. (۳)

مسأله ۷۲۰- ظن به رسیدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.

«مستحبات رمی جمرات»

۱- ۱ آیهٔ اللّه بهجت: به شک خود اعتنا نکند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بعد از صدق عرفی فراغ باشد اعتنا نکند و اگر قبل از آن است باید تدارک نماید.

۲- ۲ آیهٔ اللّه خوئی: اگر شک کند سنگریزه به جمره رسید یا نه بنابر نرسیدن گذاشته و سنگ دیگر بزندمگر آن که شک وی در وقتی باشد که به واجب دیگری مشغول شده یا پس از فرارسیدن شب باشد.

۳- ۳. آیهٔ اللّه بهجت: اگر از محل رمی منصرف شده به شک خود اعتنا نکند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بعد از صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نکند مطلقاً

آیهٔ اللّه فاضل: لازم نیست اعاده نماید.

ص: ۱۹۳

«مستحبات رمی جمرات (۱)»

مسأله ۷۲۱- در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱- با طهارت بودن در حال رمی.

۲- هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است، این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ هذِهِ حصَیاتی فَأحْصِهِنَّ لِی وَارْفَعْهُنَّ فی عَمَلی».

۳- با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.

۴- هر سنگی را که می‌اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أکْبَرُ، أللَّهُمَّ ادْحَرْ عنِّی الشَّیْطانَ أللَّهُمَّ تَصْدِیقاً بِکِتابِکَ وَعَلی سُنَّةِ نَبِیِّکَ أللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی حَجّاً مَبْرُوراً وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْیاً مَشْکُوراً وَذَنْباً مَغْفُوراً».

۵- میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

۷- سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخنِ انگشتِ شهادت بیندازد.

۸- پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ بِکَ وَثِقْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُ وَنِعْمَ الْمَوْلی وَنِعْمَ النَّصِیرُ».

«ذبح (قربانی)»

پنجم از واجبات حج تمتع قربانی است.

مسأله ۷۲۲- کسی که حج تمتع انجام می‌دهد واجب است پس از رمی جمره عقبه یک شتر یا گاو و یا گوسفند قربانی نماید و ذبح شتر افضل و پس از آن ذبح گاو بهتر است

۱- ۱. آیة اللَّه مکارم: این مستحبات را بقصد رجاء بجا آورد.

ص: ۱۹۴

و غیر از این سه نوع حیوان کافی نیست مگر گاومیش که گفته‌اند کراهت دارد.

مسأله ۷۲۳- قربانی کردن از عبادات است و باید با قصد قربت و نیت خالص انجام شود.

مسأله ۷۲۴- کمتر چیزی که برای قربانی کافی است یک گوسفند است و هرچه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله صد شتر همراه آوردند، سی‌وچهار شتر برای حضرت امیر علیه السلام نحر کردند و شصت و شش شتر را برای خودشان نحر کردند.

مسأله ۷۲۵- تأخیر قربانی از روز عید تا آخر روز سیزدهم جایز است و احتیاط مستحب آن است که از روز عید تأخیر نیندازد.

مسأله ۷۲۶- هر حاجی باید مستقلًا یک قربانی ذبح نماید و نمی‌تواند در آن با دیگری شریک گردد مگر در حال ضرورت.

مسأله ۷۲۷- واجب است مقداری از قربانی را به فقیر مؤمن (۱) صدقه دهد (۲) و مستحب است قسمتی از آن را هدیه بدهد و قدری از آن را خودش* بخورد و بهتر است هریک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد. (۳)

مسأله ۷۲۸- اگر سهم فقیر را صدقه ندهد بنابر احتیاط واجب ضامن است. (۴)

مسأله ۷۲۹- فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است بنابراین، عمل بعضی که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر سهم فقیر را از قربانی به خود حاجی می‌فروشند یا هبه می‌کنند صحیح نیست. بلی می‌تواند از فقیر وکالت در قبول و تصرف بگیرد و بعد از قربانی از طرف او قبول و قبض کرده و تصرف نماید هرچند به

۱- ۱ آیهٔ اللّٰه سیستانی: صدقه به فقیر مسلمان کافی است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: قید ایمان را ذکر نکرده‌اند.

۲- ۲. امام خمینی، آیهٔ اللّٰه فاضل: صدقه دادن واجب نیست بلکه مستحب موافق احتیاط است.

۳- ۳. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: هدیه دادن مقداری از قربانی و خوردن مقداری از آن واجب است.

۴- ۴. نظر امام خمینی، آیهٔ اللّٰه فاضل: از مسأله قبل فهمیده می‌شود.

ص: ۱۹۵

اعراض از آن باشد.

مسأله ۷۳۰- قربانی باید در منی انجام شود (۱) ولی اگر نتواند تا آخر ذی‌حجه (۲) در منی قربانی کند یا این که موجب عسر و حرج (۳) یا خوف ضرر باشد قربانی در خارج منی در وادی محسِّر و غیر آن کافی است.

مسأله ۷۳۱- قربانی در شب کفایت نمی‌کند مگر برای خائف. (۴)

مسأله ۷۳۲- مُحرم می‌تواند قبل از حلق یا تقصیر بلکه قبل از قربانی برای خود، قربانی دیگری را ذبح کند.

مسأله ۷۳۳- قیمت قربانی را باید از مال حلال بپردازند و در غیر این صورت قربانی کفایت نمی‌کند مگر این که به ثمن کلی خریده باشد بنابراین اگر با عین مال غیرمخمّس قربانی را خریداری نماید این قربانی کفایت نمی‌کند ولی اگر همان گونه که متعارف است

۱- ۱ امام خمینی، آیهٔ اللّه خامنه‌ای: ولی اگر در مسلخ‌های خارج منی قربانی کند کافی است.

آیهٔ اللّه سیستانی: در صورت زیاد بودن حجاج و گنجایش نداشتن منی برای همه آنها در وقت اراده ذبح، بعید نیست کشتن در وادی محسِّر نیز جایز باشد، اگرچه احوط ترک آن است مگر آنکه بداند که نمی‌تواند در منی تا روز سیزدهم قربانی کند. و چنانچه ذبح در منی یا وادی محسر تا آخر ایام تشریق میسور نبود در هر کجای حرم بخواهد می‌تواند ذبح کند و جواز اکتفاء در حال اختیار به ذبح در مکانی که مشکوک است از منی یا وادی محسر می‌باشد به علت شک در صحت علائم منصوبه در آن مکانها محل اشکال است.

۲- ۲. آیهٔ اللّه مکارم: تا پایان روز سیزدهم.

آیهٔ اللّه سیستانی: رجوع به حاشیه قبل شود.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر در روز عید در منی نتوانست قربانی کند می‌تواند در همان روز در خارج منی در مذابح جدید قربانی کند.

۳- ۳ آیهٔ اللّه بهجت: عسر و حرج نوعی.

۴- ۴. امام خمینی: اگر ذبح را از روز عید عمداً یا جهلًا تأخیر انداخت ذبح در شب کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه بهجت: در صورتی که به دلائلی نتواند تا غروب روز عید قربانی کند بعد از اذان مغرب هم می‌تواند قربانی کند.

ص: ۱۹۶

به ثمن کلی بخرد کفایت می‌کند. اگرچه با مال فوق الذکر قیمت آن را بپردازد لکن ضامن خمس است.

مسأله ۷۳۴- ذبح با کارد استیل صحیح (۱) و کافی است.*

مسأله ۷۳۵- هر گاه در حج تمتع قربانی را فراموش کند یا به دیگری نیابت دهد و او فراموش کند و سپس حلق یا تقصیر و اعمال مترتبه را انجام دهد حج او صحیح است پس اگر در ماه ذی‌حجه فهمید قربانی را انجام دهد و اگر بعد از ذی‌حجه فهمید در سال آینده قربانی کند.

مسأله ۷۳۶- کسی که به جهتی مثل اعتقاد به این که گوشت قربانی تلف می‌شود قربانی را انجام نداده و اعمال مترتبه را با اعتقاد صحت انجام داده است حج او صحیح و از احرام خارج شده است (۲) ولی قربانی بر ذمه‌اش باقی است (۳) که باید در سال آینده در منی انجام دهد و اگر در ماه ذی‌حجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

مسأله ۷۳۷- کسی که به اعتماد نائب خود در رمی، ذبح و سپس تقصیر یا حلق نموده و بعد از آن بفهمد که نائب از جانب او رمی نکرده است، ذبح و حلق یا تقصیر او صحیح و کافی است.

مسأله ۷۳۸- اگر بعد از ذبح شرعی قربانی رگ نخاع او در حالی که هنوز زنده است

۱- ۱. آیات عظام: امام خمینی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: صحیح نیست مگر این که محرز شود که استیل آهن است.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه فاضل، آیهٔ اللّٰه سیستانی: از احرام خارج نشده و لازم است محرمات احرام را ترک کند و اگرتا قبل از پایان ایام تشریق ذبح کند حجش صحیح است و الّا بنابر احتیاط حج او باطل است.

۳- ۳. آیهٔاللّٰه مکارم: اگر قربانی در منی از بین می‌رود وبه هیچ وجه قابل استفاده نیست باید پول آن را کنار گذارده و در شهر خودش قربانی کند در ماه ذی‌حجه آن سال و اگر نتوانست در سال بعد در ایام تشریق.

آیهٔ اللّٰه بهجت: قربانی کند و بعد تقصیر نماید و کفاره ازاله شعر را بدهد.

ص: ۱۹۷

قطع نماید کار حرامی کرده (۱) ولی قربانی حلال و کافی است.

مسأله ۷۳۹- رو به قبله بودن حیوان فقط در حال ذبح (بریدن چهار رگ) لازم است و بعد از آن اگر از قبله برگردد یا برگردانیده شود اشکال ندارد.

مسأله ۷۴۰- قربانی کردن در محله‌های جدیدی از مکه که محرز باشد از منی است کافی است ولی در صورت شک در این که جزء منی می‌باشد یا نه کفایت نمی‌کند. (۲)

«شرائط قربانی»

مسأله ۷۴۱- در قربانی چند امر شرط است و باید مراعات شود.

۱- قربانی‌اگر شتراست باید سن‌آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد واگر گاو یابُز است بنابر احتیاط کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد (۳) و در گوسفند غیر از بُز باید هفت ماهش تمام و داخل در هشت ماه شده باشد و کمتر از آن کافی نیست.

۲- نباید بیمار باشد. (۴)

۳- باید خیلی پیر نباشد. (۵)

۴- ناقص نباشد. بنابر این حیوانی که یک چشم یا دو چشم او کور باشد یا لنگ «۶» یا گوش‌بریده باشد و یا دم‌بریده باشد کافی نیست و همین‌طور حیوانی که شاخ داخل او شکسته باشد و امّا اگر شاخ خارجی اش (که شاخ سخت یا سیاهی است که به منزله غلاف

۱- ۱. آیهٔ اللَّه مکارم، آیهٔ اللَّه بهجت: این کار حرام نیست ولی بهتر است این کار را نکند. آیهٔ اللَّه بهجت اضافه فرمودند: اگر عمداً چنین کرد استفاده از گوشت آن مکروه است.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه تبریزی: با فرض شک نیز قربانی کفایت می‌کند.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه فاضل: اگر داخل در دو سال شده باشند کفایت می‌کند ولی بهتر است کمتر از دو سال‌نداشته باشند.

۴- ۴. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: بنابر احتیاط مستحب.

۵- ۵ آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، خامنه‌ای: احتیاط مستحب نباید پیر باشد.

۶ آیهٔ اللَّه مکارم: لنگی مختصر مانع ندارد.

ص: ۱۹۸

برای شاخ داخل که سفید است)، شکسته باشد اشکال ندارد. و همین‌طور شکاف داشتن گوش و سوراخ بودنش اشکال ندارد.

۵- باید عرفاً لاغر نباشد و اگر در گرده او پیه باشد کافی است. (۱)

۶- باید خصّی نباشد یعنی بیضتین او را بیرون نیاورده باشند و بهتر است بیضه او را نکوبیده و نتابیده باشند.

۷- در اصل خلقت بدون بیضه نباشد ولی اگر در اصل خلقت بدون دم یا بی‌شاخ یا بی گوش باشد مانع ندارد. (۲)*

مسأله ۷۴۲- اگر بعد از ذبح بفهمد سن حیوان کمتر از حد نصاب بوده خواه قبل از انجام اعمال مترتبه یا بعد از آن باید دوباره قربانی نماید.

مسأله ۷۴۳- اگر احتمال دهد که حیوان بیمار یا معیوب است لازم نیست تحقیق نماید و می‌تواند آن را ذبح کند هرچند عیب از عیب‌هایی باشد که محتمل است از حال تولد وجود داشته باشد ولی در شرائط دیگر مثل سن حیوان لازم است یقین یا اطمینان حاصل نماید. (۳)

مسأله ۷۴۴- اگر بعد از ذبح احتمال دهد که قربانی شرائط لازم را نداشته چنانچه آگاه به مسأله بوده و احتمال بدهد که شرائط را احراز کرده باشد به شک خود اعتنا نکند. (۴)

مسأله ۷۴۵- اگر تا آخر روز سیزدهم فقط قربانی ناقص یافت شود بعید نیست که

۱- ۱. آیهٔ اللّه خوئی: پیه داشتن گرده ملاک نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر بر کلیه او مقداری چربی باشد کافی است.

۲- ۲. آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای: فقـدان اعضایی که در همه اصـناف این حیوان وجود دارد و نقص محسوب می‌شود مانع اجزاء است مانند بیضه و گوش و در غیر آنها مانند شاخ و دم اگر در این صـنف از حیوان معمولًا وجود دارد فقدان آن نقص محسوب می‌شود و مانع است و الّا نه.

۳- ۳. آیات عظام: خوئی، تبریزی، مکارم: اگر بایع اهل خبره بوده و از سن هدی خود خبر داد می‌توان به قول او اعتماد نمود.

۴- ۴. آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه بهجت: مطلقاً به شک خود اعتنا نکند.

آیهٔ اللّه خویی: با احتمال احراز شرائط به شک خود اعتنا نمی‌کند هر چند جاهل به مسأله باشد.

ص: ۱۹۹

بتوان به آن اکتفا کرد (۱) چه نقص به جهت خصی بودن باشد یا غیر آن.*

مسأله ۷۴۶- اگر تا آخر روز سیزدهم قربانی یافت نشد (۲) قیمت آن را نزد شخص امینی بگذارد که در بقیه ذی‌حجه برای او در منی قربانی نماید و در این سال اگر ممکن نشد در سال بعد برای او قربانی کند.*

مسأله ۷۴۷- اگر عمداً یا به جهت فراموشی یا عذر دیگر تا پایان روز سیزدهم ذبح نکرد یا آن را باطل انجام داد باید در بقیه ذی‌الحجه قربانی کند (۳) و کافی است و حکم ترتیب بین ذبح و سایر اعمال خواهد آمد.

مسأله ۷۴۸- اگر حیوانی را به گمان آن که صحیح و سالم است ذبح کند بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده کافی نیست و باید دوباره ذبح کند. (۴)

مسأله ۷۴۹- اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد و بعد معلوم شد لاغر است کافی است. (۵)

مسأله ۷۵۰- اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آن که چاق درآید برای اطاعت خداوند و رجاءاً ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است کافی است.

مسأله ۷۵۱- اگر احتمال نمی‌داد که حیوان چاق است یا احتمال می‌داد لکن از روی

۱- ۱. آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: کسی که نتواند قربانی را ولو با صبر کردن تا آخر ذی‌حجه به این شرائط تهیه کند هرچه ممکن باشد کافی است.

۲- ۲ آیهٔ اللّه سیستانی: بعید نیست کفایت روزه.

۳- ۳ آیهٔ اللّه سیستانی: اگر عمداً ذبح را از ایام تشریق تأخیر بیندازد حجش باطل است و اگر معذورباشد باید روزه بگیرد و احتیاط مستحب این است که ذبح در بقیه ذی‌حجه را نیز انجام دهد.

۴- ۴. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: چنانچه قربانی را به عقیده این که سالم است خریداری نمود و قیمتش را پرداخت و بعد معلوم شد که عیبی دارد، ظاهر این است که می‌تواند به آن اکتفا نماید و لازم نیست قربانی دیگری بنماید.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: در صورت تمکّن.

۵- ۵. آیهٔ اللّه سیستانی: اگر حیوانی را به گمان چاقی خرید و سپس معلوم شد لاغر است کافی است هرچند قبل از ذبح معلوم شود.

ص: ۲۰۰

بی‌مبالاتی ذبح کرد نه به امید موافقت امر خداوند، کافی نیست. (۱)

مسأله ۷۵۲- اگر معتقد بود که حیوان لاغر یا ناقص است و لکن به واسطه جهل به مسأله برای اطاعت امر خداوند قربانی کرد و بعد معلوم شد شرائط را داشته کفایت می‌کند.

«نیابت در قربانی»

مسأله ۷۵۳- نائب گرفتن برای قربانی جائز است و در این صورت باید علاوه بر نیت نمودن صاحب قربانی و استمرار آن تا وقت ذبح، ذابح نیز نیت نماید. (۲)

مسأله ۷۵۴- ذابح اگر مسلمان باشد کافی است و لازم نیست شیعه باشد. (۳)

مسأله ۷۵۵- هرگاه برای خریداری و ذبح قربانی نائب گرفت و بعد از ذبح نائب شک کرد که نائب به شرائط لازم عمل کرده یا نه به شکش اعتنا نکند.

مسأله ۷۵۶- هرگاه برای قربانی نائب بگیرد باید اطمینان پیدا کند که نائب عمل کرده است و گمان کافی نیست. (۴)

مسأله ۷۵۷- اگر نائب عمداً یا به جهت جهل یا اشتباه، حیوانی را ذبح کند که شرائط لازم را نداشته باشد یا شرائط ذبح را مراعات نکند باید قربانی دیگری ذبح شود و نائب

۱- ۱. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، مکارم: اگر اجمالًا قصد اطاعت امر الهی داشته است کافی است.

۲- ۲. آیات عظام: خوئی، تبریزی، مکارم: ذابح لازم نیست نیت کند.

۳- ۳. آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه‌ای: اعتبار ایمان در ذابح خالی از قوّت نیست بنابراین اگر قربانی به دست غیر شیعه انجام گیرد باید دو مرتبه قربانی کند هرچند در وقت قربانی متوجه نشود که ذابح شیعه نیست یا جاهل به مسأله باشد آیة اللّه فاضل و آیة اللّه خامنه‌ای اضافه فرمودند که این در صورتی که ذابح را در انجام قربانی نائب کرده باشد و اما اگر از او خصوص ذبح را خواسته باشد لازم نیست مؤمن باشد و خودش باید قصد قربانی و قربت را انجام دهد و اگر بعد از قربانی و اعمال مترتبه بفهمد که ذابح مؤمن نبوده فقط ذبح را اعاده نماید و اعمال مترتبه صحیح است.

۴- ۴. آیة اللّه خوئی، آیة اللّه تبریزی: اگر نائب ثقه باشد و خبر دهد از ذبح کافی است.

ص: ۲۰۱

ضامن است و باید غرامت بدهد. (۱)*

مسأله ۷۵۸- کسی که نائب در حج است می‌تواند برای قربانی شخص دیگری را وکیل نماید و وکیل باید نیت کند آن قربانی را که بر موکّلش واجب است.

مسأله ۷۵۹- کسی که از طرف جمعی نائب شده برای آنها قربانی نماید اگر پول قربانی را از ایشان گرفته و روی هم گذاشته و با آن به تعداد آن جمع قربانی خریده و هر حیوان را از طرف یکی از ایشان ذبح نماید چنانچه صاحبان پول راضی به این کار باشند (۲) اشکال ندارد و کافی است اگرچه همه به یک اندازه پول داده باشند و قربانی‌ها متفاوت باشند.

مسأله ۷۶۰- اگر بدون این که دیگری او را وکیل در قربانی کرده باشد از طرف او قربانی کند کفایت نمی‌کند اگرچه بداند که او راضی به این عمل است. بنابراین قیمت آن بر عهده خود قربانی کننده است مگر این که غروری در بین باشد.

مسأله ۷۶۱- اگر نائب در ذبح شک کند که قربانی کرده یا نه باید قربانی نماید.

مسأله ۷۶۲- اگر حاجی به کسی وکالت در قربانی داد و بعد از آن دیگری را وکیل قرار داد هر کدام از دو وکیل برای او قربانی کنند صحیح و کافی است مگر این که او را قبل از ذبح عزل نموده باشد و مجرد وکیل قرار دادن دومی عزل اولی محسوب نمی‌شود.

مسأله ۷۶۳- اگر کسی را وکیل در قربانی نمود در صورتی که مباشرت را شرط نکرده باشد وکیل می‌تواند به دیگری وکالت دهد که قربانی را انجام دهد.

مسأله ۷۶۴- اگر لباس حاجی در قربانگاه نجس شود باید در صورت امکان آن را تطهیر یا تعویض نماید و اگر تطهیر و تعویض نکرد به احرام و ذبح او ضرر نمی‌زند و در

۱- ۱. آیهٔ اللَّه مکارم: اگر مقصر بوده ضامن است.

آیهٔاللَّه بهجت: اگر خلاف موجب عدم اجزاء شود در هر صورت ضامن است و اعاده لازم است.

امام خمینی: اگر نیابت تبرعی باشد ضمان معلوم نیست.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه گلپایگانی صافی: و ذابح وکالت در افراز هم داشته باشد.

آیهٔاللَّه خوئی، آیهٔاللَّه تبریزی: اگر صاحبان پول اجازه داده باشند مانعی ندارد، ولی رضایت قلبی کافی نیست.

ص: ۲۰۲

هر صورت اگر در حج نائب باشد نیابت او صحیح است هرچند او به این امر آگاه بوده است.

«بدل قربانی»

مسأله ۷۶۵- کسی که نمی‌تواند قربانی کند باید به جای آن ده روز به تفصیلی که بیان می‌شود روزه بگیرد.

مسأله ۷۶۶- مراد از قادر نبودن از قربانی این است که نه قربانی را داشته باشد و نه پولش را و اگر می‌تواند بدون زحمت و مشقت قرض نماید و در مقابل آن مالی دارد که می‌تواند با آن قرضش را ادا کند باید قرض کند و ذبح نماید و همین‌طور اگر زائد بر مخارج سفر مالی دارد که می‌تواند با فروش آن قربانی تهیه کند باید قربانی تهیه و ذبح نماید. (۱)

مسأله ۷۶۷- برای تهیه قربانی لازم نیست کسب کند ولی اگر کسب کرد و تهیه نمود باید آن را ذبح نماید.

مسأله ۷۶۸- سه روز از ده روزی که واجب است به جای قربانی روزه بگیرد باید پی‌درپی و در ماه ذی‌حجه و بعد از احرام عمره تمتع باشد اگر چه مُحل شده باشد و جایز است آن را از ابتداء ذی‌حجه بگیرد ولی بهتر است روز هفتم و هشتم و نهم ذی‌حجه باشد و زودتر از آن نگیرد.

مسأله ۷۶۹- اگر نتوانست روز هفتم روزه بگیرد باید روز هشتم و نهم روزه بگیرد. و یک روز دیگر را پس از بازگشت از منی بگیرد (۲)* و احتیاط مستحب آن است که بعد از روز سیزدهم باشد.

۱- ۱. امام خمینی، آیهٔ اللّه فاضل: لباس را لازم نیست بفروشد هرچه باشد ولی اگر فروخت ظاهراً باید ذبح کند و احتیاط مستحب آن است که روزه هم بگیرد.

۲- ۲ آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: باید این سه روز یا کاملًا قبل از عید قربان قرار گیرد. هفتم، هشتم، نهم و یا پس از بازگشت از منی و تا آخر ذی‌حجهٔ.

ص: ۲۰۳

مسأله ۷۷۰- جایز نیست این سه روز را در ایام تشریق یعنی یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ذی‌حجه در منی روزه بگیرد بلکه در ایام تشریق روزه در منی برای همه حرام است حتی کسی که حج بجا نمی‌آورد.

مسأله ۷۷۱- اگر روز هشتم را روزه نگرفت، روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منی سه روز دنبال هم بگیرد.

مسأله ۷۷۲- جایز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاد تا آخر ذی‌حجه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد، اگرچه احتیاط آن است که بعد از ایّام تشریق فوراً بگیرد.

مسأله ۷۷۳- این سه روز را در سفر می‌تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست بین راه هم جایز است بگیرد.

مسأله ۷۷۴- اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن از هدی شد لازم نیست ذبح کند لیکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند.

مسأله ۷۷۵- اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی‌حجه تمام شد باید قربانی (۱) را در سال آینده خودش یا نائبش در منی ذبح کند (۲)* و روزه فایده ندارد.

مسأله ۷۷۶- اگر در مکه متمکن از سه روز روزه نشد در صورتی که ماه ذی‌حجه باقی است باید سه روز روزه را بگیرد هرچند در وطن خود باشد لیکن با هفت روز روزه فاصله بیندازد (۳) و اگر ماه گذشته باشد به دستور مسأله قبل عمل نماید.

مسأله ۷۷۷- هفت روز باقیمانده را باید بعد از مراجعت از سفر حج روزه بگیرد و احتیاط مستحب آن است که پی‌درپی باشد.

مسأله ۷۷۸- جایز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آن که

۱- ۱ آیهٔ اللّه بهجت: باید یک گوسفند در سال آینده.

۲- ۲. آیهٔ اللّه صافی: در ذی‌حجه سال آینده.

۳- ۳. آیهٔ اللّه بهجت: فاصله لازم نیست.

ص: ۲۰۴

بنای اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می‌توانست به وطن خود مراجعت کند جایز است بجاآورد و همچنین جایز است اگر یک ماه بماند.

مسأله ۷۷۹- در این ایام که با هواپیما سفر می‌کنند بعید نیست برای کسی که در مکه اقامت کرده جایز باشد به مقداری که هواپیما اشخاص را به محل می‌رساند (۱) صبر کند و سپس روزه بگیرد ولی باید بین سه روز و هفت روز روزه فاصله بیندازد (۲) گرچه به یک روز باشد.

مسأله ۷۸۰- اگر قبل از مراجعت به وطن در محل دیگری غیر از مکه چه در بین راه و چه در شهر دیگری اقامت کرد نمی‌تواند هفت روز روزه را بگیرد (۳) گرچه به مقداری صبر کند که اگر راه می‌پیمود به وطن می‌رسید ولی پس از بازگشت به وطن لازم نیست در همان جا روزه بگیرد بلکه اگر در جای دیگر قصد اقامت نمود می‌تواند روزه بگیرد.

مسأله ۷۸۱- اگر از روزه گرفتن متمکن شد و قبل از آن که روزه بگیرد وفات نمود بر ولی واجب است آن سه روز را قضا (۴) نماید ولی قضای هفت روز دیگر واجب نیست. (۵)*

مسأله ۷۸۲- کسی که وظیفه او در قربانی مبدّل به روزه گردیده می‌تواند در روز عید حلق یا تقصیر نماید اگرچه هنوز چیزی از روزه‌ها را نگرفته باشد.

«مستحبات قربانی»

۱- ۱ آیات عظام: خوئی، مکارم، سیستانی: ملاک آن است که هم‌سفران او به وطن برسند.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه بهجت: فاصله لازم نیست.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه بهجت: مانعی ندارد در بلد دیگر روزه بگیرد، البته آن قدر که می‌توانست به وطن برسد صبر کند.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه سیستانی: قضاء هیچ‌کدام واجب نیست.

۵- ۵. آیهٔ اللَّه بهجت: واجب است هفت روز را هم قضا کند.

نظر آیهٔاللَّه خوئی در این مسأله به‌دست نیامد.

ص: ۲۰۵

مسأله ۷۸۳- مستحبات هدی چند چیز است (۱):

۱- در صورت تمکن، قربانی شتر باشد و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد.

۲- قربانی بسیار فربه باشد.

۳- اگر قربانی شتر یا گاو است از جنس ماده انتخاب کند و اگر گوسفند یا بز است از جنس نر انتخاب کند.

۴- شتری که می‌خواهند او را نحر کنند، ایستاده و از سر دستها تا زانوی آن را ببندند و شخص در جانب راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد

۵- در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّماواتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَما أ نَا مِنَ الْمُشْرِکینَ انَّ صَلاتِی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَمَاتِی للَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ لا شَرِیکَ لَهُ وَبِذلِکَ امِرْتُ وَأنا مِنَ الْمُسْلِمِینَ، أللَّهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أکْبَرُ، أللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی».

۶- این که خود قربانی را بکشد و اگر نتواند، دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

«حلق یا تقصیر»

ششم از واجبات حج تقصیر یا حلق است.

مسأله ۷۸۴- هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن یا سر بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند گرچه حلق افضل است مگر چند طائفه که مخیّر نیستند:

۱- زنها که باید از مو یا ناخن خود قدری بچیند و تراشیدن سر برای آنها کفایت نمی‌کند بلکه جایز نیست.

۱- ۱. آیهٔ اللَّه مکارم: به قصد رجاء و امید ثواب بجاآورد.

ص: ۲۰۶

۲- کسی که موی سر خود را به عسل یا صمغ یا مثل آن برای رفع شپش و مانند آن چسبانیده باشد باید سر بتراشد و همچنین است کسی که موی خود را جمع کرده و گره زده و در هم پیچیده و بافته است. (۱)

۳- خنثای مشکل اگر از این دو دسته اخیر نباشد باید تقصیر کند و سر نتراشد و اگر از این دو گروه اخیر است باید هم تقصیر کند و هم سر بتراشد احتیاطاً. (۲)*

مسأله ۷۸۵- کسی که وظیفه او سر تراشیدن است جایز نیست ابتدا موی سر را کوتاه کند و بعد آن را بتراشد و در صورتی که با علم و عمد این کار را انجام دهد کفاره دارد.

مسأله ۷۸۶- کسی که حلق را اختیار نموده نمی‌تواند قبل از تراشیدن تمام سر چیزی از موی خود را بچیند یا کوتاه نماید مگر به قصد تقصیر که در این صورت با تقصیر از احرام خارج شده است.

مسأله ۷۸۷- هرگاه کسی که وظیفه‌اش حلق بوده به جای آن تقصیر نماید یا اگر وظیفه او تقصیر بوده به جای آن حلق نماید کافی نیست و باید آنچه وظیفه او است از حلق یا تقصیر انجام دهد و در صورت عمد کفاره نیز بدهد.

مسأله ۷۸۸- کسی که سال اول حج اوست نیز می‌تواند به جای حلق تقصیر کند ولی احتیاط مستحب آن است که حلق را اختیار کند.

مسأله ۷۸۹- برای حلق باید سر را بتراشد و ماشین کردن آن کافی نیست هرچند از ته بزنند. (۳)

مسأله ۷۹۰- کسی که وظیفه او حلق است اگر از آن معذور باشد باید تقصیر نماید و کافی است.

۱- ۱. آیةاللَّه بهجت: سرتراشیدن برای چنین اشخاصی مستحب مؤکّد است.

۲- ۲. آیةُ اللَّه گلپایگانی، آیةُ اللَّه صافی: خنثی در حکم زن است و تقصیر بر او متعین است.

آیةُ اللَّه سیستانی: باید اول تقصیر نماید و آنگاه بنابر احتیاط حلق نماید.

آیةاللَّه بهجت: سر تراشیدن برای خنثای مشکل جایز نیست.

۳- ۳. آیةُ اللَّه سیستانی: اگر با ماشین ته‌زن بزنند از حلق کفایت می‌کند.

ص: ۲۰۷

مسأله ۷۹۱- کسی که حلق می‌کند باید تمام سر را بتراشد و تا تمام سر را نتراشیده در احرام باقی است.

مسأله ۷۹۲- برای تقصیر کافی است قدری از موی سر یا ریش یا شارب و یا از ناخن خود بگیرد با هر وسیله‌ای که باشد و بهتر است هم مقداری از مو و هم مقداری از ناخن را بگیرد.

مسأله ۷۹۳- سرتراشیدن و تقصیر از عبادات است و باید با قصد قربت و نیت خالص انجام شود و اگر به غیر از این واقع شود باطل است و با آن چیزی بر او حلال نمی‌شود.

مسأله ۷۹۴- حلق یا تقصیر دیگری قبل از این که محرم خودش حلق یا تقصیر نماید جایز نیست و کفایت نمی‌کند (۱) ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد.

مسأله ۷۹۵- حلق یا تقصیر را می‌تواند خودش انجام دهد یا توسط دیگری بجاآورد و در این صورت باید خودش نیت کند و بهتر آن است که آن شخص نیز نیت کند.

مسأله ۷۹۶- کسانی که مخیّر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشت باید تقصیر کنند و اگر هیچ مو نداشت حتی موی ابرو (۲)* باید ناخن بگیرند و اگر آن را هم نداشتند تیغ را به سر بکشند کافی است.

مسأله ۷۹۷- کسی که به جهت جهل (۳) یا غفلت یا فراموشی حلق یا تقصیر را در غیر منی انجام دهد کفایت می‌کند و از احرام خارج می‌شود (۴) ولی اگر از روی علم و عمد باشد از احرام خارج نمی‌شود و اگر اعمال مکه را انجام دهد صحیح نیست همان طور که

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت، امام خمینی: کفایت می‌کند.

۲- ۲. آیهٔ اللّه مکارم: کوتاه کردن موی ابرو دلیلی ندارد.

۳- ۳ آیهٔ اللّه فاضل: قصوری.

۴- ۴ آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، خوئی، تبریزی: کفایت نمی‌کند و از احرام خارج‌نمی‌شود و اگر اعمال مترتبه را انجام داده نیز صحیح نیست و اگر بعد از آن عمره یا حج دیگر بجاآورد صحیح نیست. البته آیهٔ اللّه خامنه‌ای متعرض حکم عمره یا حج دیگر نشده‌اند و آیهٔ اللّه خوئی اعاده اعمال مترتبه را لازم نمی‌دانند.

آیهٔ اللّه مکارم: فقط حلق یا تقصیر را در منی در صورت امکان اعاده نماید.

ص: ۲۰۸

اگر بعد از آن محرم به احرام عمره یا حج دیگر بشود احرامش منعقد نمی گردد.

مسأله ۷۹۸- تراشیدن ریش از تقصیر کفایت نمی کند.

مسأله ۷۹۹- برای تقصیر چیدن موی زیر بغل یا عانه کافی نیست.

مسأله ۸۰۰- محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است مگر برای کسی که متمکن از رفتن به منی برای حلق یا تقصیر نباشد که هر جا هست باید حلق یا تقصیر کند و موی خود را به منی بفرستد. (۱)

مسأله ۸۰۱- زمان حلق یا تقصیر از روز عید تا پایان روز سیزدهم است (۲) اگر چه احتیاط استحبابی آن است که در روز عید باشد.

مسأله ۸۰۲- کسی که بعد از وقوفین مجبور شده برای اعمال منی نایب بگیرد چنانچه بتواند باید برای حلق یا تقصیر به منی برود و اگر نتواند باید حلق یا تقصیر را خارج منی انجام داده و موی خود را به منی بفرستد (۳) و ترتیب بین اعمال بایستی مراعات شود.

مسأله ۸۰۳- حلق یا تقصیر را می‌توان در شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم انجام داد. (۴)

مسأله ۸۰۴- اگر عمداً یا سهواً یا از روی فراموشی یا ندانستن مسأله در منی حلق یا تقصیر نکرد و از آنجا کوچ کرد باید برگردد و در منی حلق یا تقصیر نماید هرچند به وطن خود برگشته باشد و اگر نمی‌تواند برگردد هر جا که هست حلق یا تقصیر نموده و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد. (۵)

«ترتیب دراعمال منی

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه سیستانی: بعید نیست تأخیر آن تا آخرین زمانی که بتواند اعمال حج را در ماه ذی‌حجه‌بجاآورد.

۳- ۳. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

۴- ۴. آیهٔ اللّٰه سیستانی: حلق در شب عید جایز نیست مگر برای خائف و به احتیاط مستحب از روز عید تأخیر نشود ولی بعد از عید در شب هم کافی است.

۵- ۵. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

ص: ۲۰۹

مسأله ۸۰۵- باید در منی اول رمی جمره عقبه و بعد از آن ذبح و پس از آن حلق یا تقصیر نماید (۱) ولی اگر این ترتیب را رعایت نکرد اعاده لازم نیست (۲) هرچند معذور نبوده باشد، بلی در این صورت معصیت کرده است.*

مسأله ۸۰۶- اگر به هر جهت قربانی را از روز عید تأخیر انداخت می‌تواند در روز عید حلق یا تقصیر نماید و با این کار از احرام خارج می‌گردد ولی اعمال مکه را باید پس از قربانی کردن انجام دهد.

مسأله ۸۰۷- اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد تا وکیل او قربانی نکرده، نمی‌تواند حلق کند ولی اگر با اعتقاد به این که وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است (۳) و اگر بعد از حلق اعمال مکه را هم انجام داده باشد کفایت می‌کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

مسأله ۸۰۸- کسی که از رمی در روز عید عاجز است نمی‌تواند قبل از رمی حلق کند و رمی را بعداً انجام دهد. (۴)

«خروج از احرام با حلق یا تقصیر»

مسأله ۸۰۹- بعد از آن که محرم حلق یا تقصیر نمود تمام چیزهایی که بواسطه احرام

۱- ۱ آیهٔ اللّٰه سیستانی: در صورتی که قربانی را در منی تهیه کرده می‌تواند قبل از ذبح حلق یا تقصیر کند ولی تا ذبح نکند مُحل نمی‌شود.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: در صورت علم و عمد و امکان باید اعاده نماید.

ظاهر مناسک آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: این است که اگر ذبح را از روی علم و عمد قبل از رمی انجام دهد باید اعاده کند. و در غیر این مورد اگر از روی علم و عمد بوده درصورت امکان احتیاط را ترک نکند.

۳- ۳ آیهٔ اللّٰه سیستانی: ولی او هنوز محرم است و باید لباس دوخته را بیرون آورد و از سایر محرمات‌احرام اجتناب کند و با ذبح مُحل می‌شود و همچنین در قسمت بعد مسأله.

۴- ۴. آیهٔ اللّٰه مکارم: لازم است بقیه اعمال خود را روز عید انجام دهد.

ص: ۲۱۰

حج بر او حرام شده حلال می‌شود مگر زن و بوی خوش به تفصیلی که خواهد آمد. امّا شکار کردن اگر در خارج حرم باشد بعید نیست جواز آن (۱)* و اما در حرم حرمت آن باقی است و فرقی بین محرم و غیر محرم نیست.

«مستحبات حلق»

مسأله ۸۱۰- در حلق چند چیز مستحب است:

۱- آنکه از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ أعْطِنی بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیامَةِ».

۲- آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نمایـد و اولی این است که بعد از حلق، از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد. (۲)

فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی

اشاره

۱- ۱ آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: حرمت صید خارج حرم نیز باقی است تا بعد از نماز طواف نساء.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه بهجت: و مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند ... و احوط آن است که از اطراف سروریش و شارب مو بگیرد و ناخنهارا بگیرد مناسک شیخ، ص ۷۹.

ص: ۲۱۱

واجب است پس از رمی و قربانی کردن و حلق یا تقصیر در منی به مکه بازگردد و اعمال ذیل را انجام دهد.

۱- طواف حج که به آن طواف زیارت نیز می گویند.

۲- نماز طواف زیارت.

۳- سعی بین صفا و مروه

۴- طواف نساء

۵- نماز طواف نساء.

مسأله ۸۱۱- وقت اعمال مذکور تا آخر ذی حجه ادامه دارد به این معنی که می‌تواند روز آخر ذی حجه به مکه بیاید و این اعمال را انجام دهد ولی بهتر است از روز یازدهم تأخیر نیندازد و مستحب است در روز عید قربان انجام دهد و چنانچه گذشت باید پس از اعمال منی یعنی رمی و قربانی کردن و حلق یا تقصیر باشد.

مسأله ۸۱۲- طواف نساء اختصاص به شخص خاصی ندارد بلکه بر زن و خنثی و کسی که به جهت پیری یا عنین بودن توانایی جنسی ندارد یا قصد ازدواج ندارد و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیلی که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی‌شود و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی‌شود بلکه طفل غیر ممیز، اگر ولیّ او را مُحرم کرد باید او را طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن استمتاع از همسر بر

ص: ۲۱۲

او حلال شود. (۱)

مسأله ۸۱۳- طواف نساء و نماز آن اگرچه واجب است ولی رکن نیست و ترک عمدی آن موجب بطلان حج نمی‌شود.

مسأله ۸۱۴- خروج از مکه برای کسی که از منی برگشته ولی هنوز اعمال مکه را انجام نداده جایز است. (۲)*

مسأله ۸۱۵- قبل از حلق یا تقصیر جایز نیست طواف و سعی را انجام دهد و اگر انجام داد باید پس از حلق یا تقصیر آن را اعاده کند و در این حکم فرقی نیست که تقدیم طواف و سعی با علم و عمد بوده یا به جهت جهل یا فراموشی (۳) بلی در صورتی که با علم و عمد طواف را مقدم کرده باید یک گوسفند کفاره بدهد ولی اگر سعی تنها را مقدم نموده کفاره ندارد.

مسأله ۸۱۶- اگر پس از طواف حج و سعی و طواف نساء متوجه شود که حلق یا تقصیرش باطل بوده باید پس از اعاده حلق یا تقصیر اعمال مذکور را نیز اعاده نماید. (۴)

مسأله ۸۱۷- کسی که حلق یا تقصیر را فراموش کرده و به وطن خود بازگشته باید برگردد و پس از حلق یا تقصیر، اعمال مترتبه را اعاده کند. (۵) و اگر نمی‌تواند خودش به مکه برگردد در وطن خود حلق یا تقصیر کند و موی خود را به منی بفرستد (۶) و برای اعمال

۱- ۱. آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه تبریزی: تا جماع بر او حلال شود.

آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه گلپایگانی: مجنون را نیز اگر محرم کرده‌اند طواف نساء بدهند تا در صورت افاقه، زن یا مرد بر آنها حلال شود. آیهٔ اللّه فاضل اضافه فرمودند و همین‌طور است مغمی‌علیه.

۲- ۲. آیهٔ اللّه خویی: جایز نیست.

۳- ۳ آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: اعاده طواف و سعی در فرض جهل و نسیان و سهواحتیاط استحبابی است.

۴- ۴. آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: در فرض جهل و سهو و نسیان اعاده اعمال مترتبه لازم نیست.

۵- ۵ آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: اعاده اعمال مکه لازم نیست.

۶- ۶ آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

ص: ۲۱۳

مکه نائب بگیرد.

مسأله ۸۱۸- کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت، بدون هیچ تفاوت، مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء بجا آورد.

مسأله ۸۱۹- آنچه با احرام حج بر محرم حرام شده بود به تدریج با سه عمل بر او حلال می گردد.

اول: حلق یا تقصیر در منی که با آن همه چیز برای او غیر از بوی خوش و زن (۱)* حتی عقد کردن و شاهد شدن بر آن حلال می‌شود.

دوّم: طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه که با آن بوی خوش بلکه عقد کردن و شاهد شدن بر آن نیز حلال می‌شود.

سوم: طواف نساء و نماز آن که با آنها استمتاع از همسر نیز حلال می‌شود.

«تقدیم اعمال مکه بر وقوفین»

مسأله ۸۲۰- مقدم داشتن اعمال مکه بر وقوفین و اعمال منی جایز نیست مگر برای چند گروه که می‌توانند بعد از احرام حج و قبل از رفتن به عرفات این اعمال (۲)* را انجام دهند.

اول: زنهایی که می‌ترسند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

۱- ۱ آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و صید.

آیهٔ اللّه سیستانی: عقد و شهادت بر آن با حلق یا تقصیر جایز می‌شود.

۲- ۲ آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه تبریزی: تقدیم طواف نساء و نماز آن برای اشخاصی که ذکر می‌شود جایزنیست و اگر نتوانند پس از اعمال منی آن را انجام دهند باید بنابر احتیاط واجب نائب بگیرند مگر کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می‌ترسد که چنین کسی می‌تواند طواف نساء و نماز را مقدم بدارد. آیهٔ اللّه خویی: و تقدیم سعی نیز جایز نیست.

ص: ۲۱۴

دوم: پیرمردان یا پیرزنانی که نتوانند (۱) به مکه مراجعت نمایند یا به جهت ازدحام جمعیّت نتوانند طواف کنند.

سوم: اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا از آن عاجز باشند. (۲)*

چهارم: کسانی که می‌دانند(۳)

تا آخر ماه ذی‌الحجه، به جهتی برای آنها طواف و سعی ممکن نمی‌شود ولی اگر ترس آن را داشته باشند که پس از مراجعت در اثر ازدحام نتوانند طواف کنند و یا به مشقّت بیفتند نمی‌توانند اعمال مکه را مقدّم نمایند. (۴)

مسأله ۸۲۱- نائب اگر از اشخاصی باشد که در مسأله قبل گذشت می‌تواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد و نیابتش صحیح است.

مسأله ۸۲۲- کسی که طواف حج را به جهت جهل به مسأله انجام نداده و به وطن خود بازگشته باید حج را اعاده و یک شتر قربانی نماید هرچندبا زن نزدیکی نکرده باشد.

مسأله ۸۲۳- کسی که می‌تواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد نمی‌تواند سعی را تأخیر انداخته و بعد از بازگشت از منی انجام دهد. (۵)*

مسأله ۸۲۴- کسی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم می‌کند می‌تواند طواف نساء را

۱- ۱ آیهٔ اللّه فاضل: و نتوانند صبر کنند تا ازدحام تمام شود یا صبر کردن مستلزم عسر و حرج باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: یا برای آنان دشوار باشد.

۲- ۲. آیهٔ اللّه سیستانی: مریض یا معلول و هر کسی که بازگشت به مکه برای او مشکل باشد، یا طواف مشکل باشد در اثر ازدحام و مانند آن.

آیهٔ اللّه فاضل: و نتوانند تا رفع ازدحام در مکه بمانند یا با عسر و حرج مواجه شوند.

۳- ۳ آیهٔ اللّه سیستانی: کسانی که می‌ترسند برای آنها بازگشت به مکه میسّر نشود.

۴- ۴. آیهٔ اللّه بهجت: تقدیم اعمال مکه برای کسی که پس از بازگشت از مِنی از ازدحام جمعیت می‌ترسد جایز است.

۵- ۵. آیهٔاللّه خوئی: در گروه اول و دوم تقدیم سعی جایز نیست و باید آن‌را در محل خود انجام دهد.

ص: ۲۱۵

پس از وقوفین و اعمال دیگر انجام دهد. (۱)*

مسأله ۸۲۵- تقدیم اعمال مکه بر وقوفین در مواردی که گذشت، جایز است و لازم نمی‌باشد. (۲)

مسأله ۸۲۶- کسانی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم می‌دارند لازم نیست در نزدیک‌ترین زمان به وقوفین آن اعمال را انجام دهند.

مسأله ۸۲۷- کسی که پس از بازگشت از منی نمی‌تواند خودش طواف کند و باید او را با تخت روان و مانند آن طواف دهند اگر با مقدم کردن اعمال مکه بر وقوفین بتواند خودش طواف کند می‌تواند اعمال یادشده را مقدم بدارد ولی اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیز ندارد نمی‌تواند مقدم بدارد.

مسأله ۸۲۸- در مواردی که اعمال مکه مقدم می‌شود اگر بدون این که برای حج احرام ببندد اعمال مکه را انجام داد کفایت نمی‌کند و باید پس از احرام قبل از وقوفین یا بعد از آن، آن اعمال را اعاده نماید.

مسأله ۸۲۹- کسی که می‌تواند با تأخیر، اعمال مکه را خودش انجام دهد نمی‌تواند برای آنها نائب بگیرد.

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه مکارم: باید آن را هم مقدم نماید.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: چنانچه گذشت طواف نساء را نمی‌تواند مقدم بدارد مگر کسی که از بازگشت به مکه از جان خود می‌ترسد. آیهٔ اللّٰه خویی: و نیز گذشت که تقدیم سعی مجزی نیست.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه تبریزی: مگر این که بدانند یا اطمینان داشته باشند چنانچه اعمال مکه را بر وقوفین مقدم نکنند بعد امکان انجام آن را ندارند که در این صورت واجب است طواف و نماز آن را مقدم کنند و بنا بر احتیاط مستحب سعی را نیز مقدم و بعد اعاده کنند.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی و آیهٔ اللّٰه صافی: مگر برای کسی که یقین دارد بعد از برگشتن از منی و تا آخر ذی‌الحجه امکان انجام آن را ندارد که در این صورت تقدیم واجب است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر زن می‌داند بعداً حیض می‌شود و نمی‌تواند اعمال را انجام دهد باید قبل از وقوف انجام دهد.

ص: ۲۱۶

مسأله ۸۳۰- کسی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدّم داشته اگر نتوانست طواف نساء (۱) را مقدم بدارد مثل این که زن بعد از طواف و سعی حائض شد نمی‌تواند نائب بگیرد بلکه وظیفه‌اش آن است که طواف نساء را بعد از بازگشت از منی انجام دهد.

مسأله ۸۳۱- معیار در این که شخص از کسانی است که تقدیم اعمال مکه بر آنها جایز است تشخیص خود اوست نه دیگران.

مسأله ۸۳۲- سه طائفه اول اعمالی را که جلو انداخته‌اند کافی است اگرچه بعد خلاف آن ظاهر شود مثلًا زن حایض نشود و مریض خوب شود و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گرچه احوط است.

مسأله ۸۳۳- طائفه چهارم که عقیده داشت نمی‌تواند اعمال بجاآورد اگر از جهت مرض (۲) و پیری و علیلی بود باز مجزی است و امّا اگر از جهت دیگر بود مثل آن که اعتقاد داشت سیل‌مانع می‌شود وبعد خلافش ظاهر شد باید اعاده کند (۳) اعمال را، بعد از رجوع. (۴)

مسأله ۸۳۴- کسانی که به واسطه عذر مثل پیری و خوف حیض طواف زیارت و طواف نساء را مقدم داشتند بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی‌شود و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

«ترتیب اعمال مکه»

مسأله ۸۳۵- ترتیب بین اعمال مکه در حال اختیار معتبر است بنابر این مقدم داشتن

۱- ۱ آیهٔ اللَّه خویی و آیهٔ اللَّه تبریزی: گذشت که غیر از کسی که از بازگشت به مکه بر جان می‌ترسدنمی‌تواند طواف نساء را مقدم کند.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه صافی: اگر بعد از مراجعت خلاف یقینی که داشت ظاهر شد اعاده لازم است بدون تفاوت‌بین صور مذکوره.

آیهٔ اللَّه فاضل: و اگر احتمال حدوث مرض را می‌داد و بعداً مرض حادث نشد مجزی نیست.

۳- ۳ آیات عظام: بهجت، سیستانی، گلپایگانی: اعاده لازم نیست.

۴- ۴. نظر آیهٔاللَّه خوئی در این مسأله به‌دست نیامد.

ص: ۲۱۷

سعی بر طواف زیارت یا مقدم داشتن طواف نساء بر طواف زیارت یا بر سعی جایز نیست و اگر مقدم داشت باید اعاده نماید تا ترتیب حاصل شود مگر این که سهواً یا به جهت ندانستن مسأله، طواف نساء را بر سعی مقدم کند که در این صورت طواف و سعیش صحیح است اگرچه احتیاط مستحب آن است که طواف نساء را اعاده نماید.

مسأله ۸۳۶- در حال ضرورت مقدم نمودن طواف نساء بر سعی جایز است مانند این که زن بترسد حایض شود و نتواند تا زمان پاک شدن در مکه بماند ولی احتیاط مستحب آن است که نائب بگیرد که بعد از آن بجاآورد.

«ترک طواف»

مسأله ۸۳۷- اگر طواف نساء را عمداً یا به جهت عذری مانند فراموشی ترک نماید و به وطن خود مراجعت نماید باید اگر می‌تواند برگردد و خودش انجام دهد و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد، نائب بگیرد و تا طواف و نماز آن را خودش یا نائبش به جا نیاورده استمتاع از همسر بر او حلال نمی‌شود (۱) و در هر صورت حج او باطل نمی‌شود و به جهت ترک طواف نساء کفاره بر او نیست.*

مسأله ۸۳۸- کسی که طواف زیارت را فراموش کرده و به وطن بازگشته و با زن نزدیکی نموده باید یک هدی در مکه قربانی کند (۲) و گوسفند کافی است و اگر می‌تواند خودش بازگردد و طواف و نماز آن را انجام دهد و چنانچه ذی‌حجه نگذشته سعی را نیز اعاده نماید و اگر نمی‌تواند یا مشقّت دارد نائب بگیرد.

«بطلان طواف حج»

مسأله ۸۳۹- کسی که طواف حج را باطل انجام داده مثل این که آن را بدون وضو یا با

۱- ۱ آیات عظام امام، بهجت: اگر پس از بازگشت با زنش نزدیکی کرده یک هدی در مکه قربانی کند.

آیةاللَّه فاضل: اگر با استمرار فراموشی با زن نزدیکی کرده کفاره ندارد والّا کفاره دارد.

۲- ۲ آیة اللَّه فاضل: اگر با استمرار فراموشی با زن نزدیکی کرده کفاره ندارد.

آیة اللَّه مکارم: قربانی کردن گوسفند و اعاده سعی احتیاط مستحب است.

ص: ۲۱۸

وضوء باطل بجاآورده چنانچه این کار سهوی بوده باید طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر نمی‌تواند نائب بگیرد و حج او صحیح است هرچند پس از گذشتن ذی‌حجه متوجه شده باشد و اگر این کار به جهت جهل به مسأله بوده چنانچه ماه ذی‌حجه باقی است باید طواف حج و سعی و طواف نساء و نماز آنها را تدارک کند و حج او صحیح است و اگر ماه ذی‌حجه گذشته حج و احرامش باطل است و چنانچه حج بر او واجب بوده باید در سال بعد اعاده نماید.

«احکام طواف نساء»

مسأله ۸۴۰- کسی که چند عمره مفرده یا حج انجام داده و در هیچ‌کدام طواف نساء مستقل به جا نیاورده باید برای هرکدام یک طواف نساء مستقل انجام دهد. (۱)

مسأله ۸۴۱- نائب باید طواف نساء را نیز به نیّت منوب‌عنه بجاآورد و احتیاط مستحب آن است که به نیّت ما فی الذّمه انجام دهد.

مسأله ۸۴۲- فاصله انداختن بین سعی و طواف نساء جایز است.

مسأله ۸۴۳- اگر قصد کند طوافی را که پس از انجام طواف و سعی بر مکلّف واجب است انجام دهد طواف او صحیح است هرچند نداند که عنوان او طواف نساء است بلکه خیال کند عنوان دیگری دارد مثل این که تصوّر کند طواف واجب بر زن طواف رجال است.

مسأله ۸۴۴- تا طواف نساء و نماز آن انجام نشده حرمت استمتاع از همسر باقی است ولی اگر پس از شوط چهارم (۲)* با همسرش مواقعه کند کفاره ندارد و در این حکم فرقی بین طواف نساء حج و عمره مفرده نیست.

مسأله ۸۴۵- اگر شک کند طواف نساء را در حج یا عمره انجام داده یا نه باید

۱- ۱. آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی: یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: ولی حصول تحلّل با یک طواف نساء بعید نیست.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خوئی: شوط پنجم.

ص: ۲۱۹

طواف نساء را انجام دهد (۱) و اگر به وطن بازگشته و نمی‌تواند برگردد یا مشقّت دارد نائب بگیرد. (۲)

مسأله ۸۴۶- نائب در حج یا عمره مفرده اگر طواف نساء را ترک کند استمتاع از همسر برای او حلال نمی‌شود و بر او واجب است تا زنده است خودش آن را انجام دهد و اگر نمی‌تواند نائب بگیرد.

مسأله ۸۴۷- اگر طواف نساء را در عمره مفرده یا حج ترک کند و برای عمره تمتع یا مفرده یا حج محرم شود احرام جدید او صحیح می‌باشد ولی باید طوافی را که ترک نموده قبل یا بعد از اعمال احرام جدید انجام دهد و اگر تأخیر بیندازد طواف نساء احرام دوم از آن کفایت نمی‌کند. (۳)

«مستحبّات طواف حج و نماز آن و سعی»

«مستحبّات طواف حج و نماز آن و سعی (۴)»

مسأله ۸۴۸- مستحباتی که در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می‌آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ اعِنّی عَلی نُسُکِکَ وَسَلِّمْنی لَهُ وَسَلِّمْهُ لی أسْألُکَ مَسْألَةَ الْعَلیلِ الذَّلیلِ الْمُعْتَرِفِ بذَنْبِهِ أنْ تَغْفِرَ لی ذُنُوبی وَأنْ تُرْجِعَنی بِحاجَتی، أللَّهُمَّ انّی عَبْدُکَ وَالْبَلَدُ بَلَدُکَ وَالبَیْتُ بَیْتُکَ جِئْتُ أطْلُبُ رَحْمَتَکَ وَأؤُمُّ طاعَتَکَ مُتَّبِعاً لِأمْرِکَ راضِیاً بِقَدَرِکَ أسْألُکَ مَسْألَةَ الْمُضْطَرِّ إلَیْکَ الْمُطِیعِ لِأمْرِکَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذابِکَ الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ أنْ

۱- ۱ آیـهٔ اللَّه خویی و آیـهٔ اللَّه تبریزی: اگر شک بعد از عمل مواقعه با زوجه برایش حاصل شده به آن اعتنانموده و بنا بر انجام آن گذارد.

۲- ۲. آیات عظام: مکارم، گلپایگانی، صافی: در فرضـی که التفات به وجوب آن داشته و پس از مراجعت از مکه شک کند طواف نساء را انجام داده یا نه فرمودند انجام طواف نساء لازم نیست.

۳- ۳. آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی: کفایت می‌کند.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه مکارم: این اعمال را به قصد رجا و امید مطلوبیت بجا آورد.

ص: ۲۲۰

تُبَلِّغَنی عَفْوکَ وَتُجِیرَنی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ».

پس به نزد حجر الأسود بیایـد و اسـتلام و بوسه نماید و اگر بوسـیدن ممکن نشد، دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

فصل ششم: بیتوته در منی

ص: ۲۲۱

مسأله ۸۴۹- حاجی باید شب یازدهم و شب دوازدهم ذی‌الحجه را در منی بیتوته نماید یعنی از اول شب تا بعد از نیمه شب یا از قبل از نیمه‌شب تا طلوع فجر در منی بماند. (۱) و این بیتوته از عبادات است و باید با قصد قربت و با نیت خالص انجام شود.

مسأله ۸۵۰- چند گروه باید در شب سیزدهم نیز در منی بیتوته نمایند:

۱- کسی که در احرام عمره تمتع یا حج شکار کرده هرچند او را نکشته باشد ولی اگر غیر از شکار کردن چیزهای دیگری از شکار که بر محرم حرام است مثل خوردن گوشت آن انجام دهد بیتوته شب سیزدهم بر او واجب نیست.

۲- کسی که در احرام عمره تمتع یا حج با زن خود یا اجنبیه در قُبُل یا دُبُر نزدیکی کرده باشد ولی به خاطر غیر جماع و لمس، بیتوته شب سیزدهم واجب نمی‌شود. (۲)

۳- کسی که روز دوازدهم کوچ نکرد و غروب شب سیزدهم را در منی درک کرد. (۳)

مسأله ۸۵۱- چند گروه هستند که واجب نیست در شبهای یازدهم و دوازدهم و

۱- ۱ آیات عظام: بهجت، امام، گلپایگانی، صافی: بیتوته در منی از غروب آفتاب است تا نصف شب. آیـﺔاللّه بهجت فرمودند تا بعد از نیمه شب.

۲- ۲. آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: کسی که از استمتاع از زنها اجتناب نکرده باید شب سیزدهم بیتوته نماید

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی: که در این صورت باید تا طلوع فجر در منی باشد.

ص: ۲۲۲

سیزدهم در منی بمانند:

۱- بیماران و پرستاران آنها و همین طور کسانی که ماندن در منی برایشان مشقت داشته باشد به هر عذری که باشد.

۲- کسانی (۱) که می‌ترسند اگر شب در منی بیتوته نمایند مال قابل توجهی از آنها در مکه از بین برود.

۳- چوپان‌هایی که حیوانات آنان احتیاج به چرا در شب دارند. (۲)

۴- کسانی (۳) که شب را از مغرب تا طلوع فجر در مکه بیدار و مشغول عبادت باشند و کار دیگری انجام ندهند مگر کارهای ضروری از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو (۴).

۵- کسانی که در مکه متکفل آب دادن به حجاج هستند. (۵)

مسأله ۸۵۲- اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند (۶) و رمی روز سیزدهم بر او

۱- ۱ آیهٔ اللَّه سیستانی: کسی که در صورت بیتوته نمودن در منی بر جان یا مال یا آبروی خود بترسد.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه سیستانی: این مورد و مورد بعد مستثنی نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: به طوری که ترک آن موجب ضرر یا زحمت شدید باشد.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه تبریزی: کسی که در مکه تمام شب و یا باقیمانده از شب اگر بعد از دخول درشب از منی خارج شده و مشغول به عبادت بوده، بجز حاجت ضروری، مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر و امثال آنها کار دیگری نداشته.

آیهٔ اللَّه سیستانی: کسی که از منی، اول شب یا پیش از آن بیرون رفته و در مکه در تمام مدت نیمه دوم شب تا طلوع فجر، بجز اندك زمانی که برای حوائج ضروری مانند خوردن و آشامیدن و امثال آن لازم است، مشغول به عبادت شده و اشتغال به آن او را از برگشتن به منی بازداشته است.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه بهجت: و از امور ضروریه نوم غالب است.

۵- ۵. آیهٔ اللَّه مکارم: یا متکفل سایر کارهای لازم برای حجاج هستند.

۶- ۶ آیهٔ اللَّه فاضل: و نیز کسی که بعدازظهر دوازدهم کوچ کند و قبل از غروب برای کاری به منی برگرددوتا غروب بماند واجب نیست شب سیزدهم را بماند و همچنین رمی روز سیزدهم بر او واجب نیست.

ص: ۲۲۳

واجب نمی‌شود.

مسأله ۸۵۳- کسـی که نیمه اول شب یا مقداری از آن را در منی نبود واجب است قبل از نیمه شب به منی برگردد و تا طلوع فجر در منی بماند.

مسأله ۸۵۴- نیمه‌شب در بیتوته منی را باید از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب کنند. (۱)

مسأله ۸۵۵- اشتغال به عبادت لازم نیست در مسجدالحرام یا مساجد دیگر باشد بلکه هر جای شهر مکه باشد کافی است.

مسأله ۸۵۶- اشتغال به عبادت در غیر مکه کافی نیست مگر برای کسی که بعد از طواف خانه خدا در عبادت خود باقیمانده سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدنیین گذشته باشد چنین شخصی می‌تواند در راه بیتوته کند و لازم نیست خود را به منی برساند.

مسأله ۸۵۷- کسـی که بیتوته در منی را در شبی که واجب است بمانـد ترک کند باید برای هر شب آن یک گوسـفند قربانی کند و در این حکم فرقی نیست که ترک بیتوته از روی علم و عمد باشد یا به خاطر فراموشـی یا جهل به حکم یا موضوع، مانند این که در مکانی به اعتقاد این که از منی است بیتوته کند و بعد خلاف آن ثابت شود.

مسأله ۸۵۸- گروه‌هـایی را که گفته شـد که بیتوته در منی بر آنها واجب نیست بایـد برای ترک بیتوته در منی یک گوسـفند قربانی کنند مگر کسانی که در مکه تا صـبح به عبادت مشغول بوده‌اند و در منی بیتوته نکرده‌اند و همچنین کسانی که از مکه بیرون رفته و از عقبه مدنیین گذشته و در راه بیتوته نموده‌اند (۲) که بر آنها نیز قربانی واجب نیست.

مسأله ۸۵۹- کسـی که شب را در مکه به عبادت مشـغول است و خواب بر چشـمان او غالب می‌شود، (۳) چنانچه به قدری کم باشد که با وجود آن صدق کند که تمام شب را به

۱- ۱. آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: از مغرب تا طلوع فجر حساب کنند.

۲- ۲. نظر آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، خامنه‌ای، مکارم، صافی، فاضل در فرض اخیر نسبت به کفاره یافت نشد.

۳- ۳ آیهٔ اللّه بهجت: کفاره ندارد.

ص: ۲۲۴

عبادت مشغول بوده کافی است و کفاره لازم نیست.

مسأله ۸۶۰- اگر مسؤول کاروان برای بیتوته اشتباهاً حجاج را در غیر منی ساکن کند و بعد متوجه شود باید برای ترک بیتوته خودش کفاره بدهد ولی اعلام به دیگران واجب نیست و اگر متوجه شدند کفاره بر عهده خود آنان است ولی چنانچه مسؤول کاروان اجیر آنها شده و اجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده تفاوت دارد در مقدار تفاوت باید رضایت حجاج تحصیل شود.

مسأله ۸۶۱- هرگاه حاجی در محلی که احراز کرده جزء منی است بیتوته نماید و پس از آن شک کند که بیتوته در منی بوده یا نه کفاره‌ای بر او نیست مگر این که یقین کند که بیتوته‌اش خارج منی بوده است.

مسأله ۸۶۲- گوسفندی را که باید برای کفاره قربانی کنند لازم نیست در محل خاصی مثل منی ذبح کنند بلکه می‌توانند پس از مراجعت به محل خود قربانی کنند و همین‌طور لازم نیست شرائط قربانی در حج را داشته باشد.

مسأله ۸۶۳- کسی که فقط قسمتی از نیمه اول شب را یا فقط قسمتی از نیمه دوم را یا فقط قسمتی از نیمه اول و بخشی از نیمه دوم را در منی مانده باید کفاره بدهد (۱) و کفاره در ناسی و جاهل مبنی بر احتیاط است.

مسأله ۸۶۴- حاجی می‌تواند بعدازظهر روز عید برای انجام اعمال مکه از منی خارج شود هرچند بداند به واسطه این کار ساعاتی از اول شب برای بیتوته به منی نمی‌رسد. (۲) ولی در این صورت لازم است نیمه دوم شب را در منی بیتوته کند.

فصل هفتم: رمی جمرات سه‌گانه

اشاره

۱- ۱ آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: کسی که برای انجام اعمال به مکه آمده و نتوانسته خود را تاگذشت قسمتی از شب به منی برساند، بر او کفاره واجب نیست، اگرچه بعد از نیمه شب به منی رسیده باشد. و در مسأله ۹۳۸ آداب حج می‌فرمایند: در صورت عذر کفاره واجب نیست.

۲- ۲ امام خمینی: خارج شدن از منی در فرض مذکور مانع ندارد ولی برای تأخیر باید کفاره بدهد.

ص: ۲۲۵

روزهای یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه حاجی باید جمرات سه گانه (جمره اولی، وسطی، عقبه) را رمی کند و همین‌طور است روز سیزدهم برای کسی که باید شب آن را در منی بیتوته نماید ولی چنانچه رمی را در روزهای مذکور ترک کند حج او صحیح است و در صورتی که بدون عذر ترک کرده معصیت نموده است.

مسأله ۸۶۵- تعداد سنگریزه‌هایی که باید هر روز به هریک از جمرات سه گانه بزند هفت سنگ است و کیفیت رمی و شرائط و واجبات آن همان گونه است که در رمی جمره عقبه گذشت.

مسأله ۸۶۶- وقت رمی از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن را بیتوته نموده است.

مسأله ۸۶۷- حاجی می‌تواند رمی جمرات سه گانه در ایام تشریق را قبل از ذبح و حلق یا تقصیر انجام دهد.

مسأله ۸۶۸- رمی در شب کفایت نمی‌کند مگر برای کسی که از رمی در روز معذور باشد. (۱) مانند بیمار و علیل و شبان و کسی که از چیزی مثل ازدحام جمعیت می‌ترسد و این

۱- ۱ آیهٔ اللّه سیستانی: واجب است رمی جمرات در روز باشد و از این حکم چوپانان و هر کسی که ازماندن روز در منی معذور است به علت ترس یا مرض یا چیز دیگری استثناء می‌شود که برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهند و اگر این را هم نتوانند جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند و امّا زنان، ضعفاء، مریضها و مثل آنان که در روز به خاطر کثرت جمعیت یا چیز دیگر نمی‌توانند رمی کنند، باید برای رمی در روز نائب بگیرند.

ص: ۲۲۶

افراد باید رمی (۱) را در شب آن روز یا شب بعد آن انجام دهند* و نائب گرفتن کافی نیست. (۲)

مسأله ۸۶۹- حاجی باید به ترتیب ابتدا جمره اولی و سپس جمره وسطی و در آخر جمره عقبه را رمی نماید و اگر عمداً یا به جهت فراموشی بر خلاف این عمل نماید باید رمی را به طوری اعاده کند که ترتیب حاصل شود. مثلًا اگر ابتدا جمره وسطی را رمی کرد و بعد اولی را باید دوباره جمره وسطی را رمی نماید و تکرار رمی جمره اولی لازم نیست.

مسأله ۸۷۰- اگر چهار سنگ‌ریزه به یک جمره بزند و به جهت فراموشی (۳) یا ندانستن مسأله* آن را رها کرده و جمره بعد را رمی نماید لازم نیست رمی جمره سابق را اعاده نماید بلکه اگر سه ریگ باقی‌مانده را به آن جمره بزند کافی است.

مسأله ۸۷۱- بعد از رمی هر سه جمره اگر یقین کند که یک یا دو یا سه سنگ به یکی از سه جمره نزده و نداند که کدام جمره را ناقص گذارده باید مقداری را که انجام نداده در هر سه جمره تکرار کند.

مسأله ۸۷۲- کسی که بعد از رمی سه جمره یقین کند به یکی از آنها کمتر از چهار

۱- ۱ آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: باید رمی هر روز را در شب آن روز انجام دهند و اگر این را هم‌نتوانند جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند.

آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه تبریزی: چنین کسانی رمی را شب آن روز انجام دهند.

۲- ۲. امام خمینی: می‌توانند در روز نائب بگیرند.

۳- ۳. در عبارت آیهٔ اللّه بهجت این حکم مقید به جهل و فراموشی نشده است.

آیهٔ اللّه خوئی آیهٔ اللّه تبریزی: این حکم در خصوص کسی است که به جهت فراموشی رمی را ناقص گذارده.

ص: ۲۲۷

سنگ زده چنانچه مقداری را که ناقص گذارده به جمره عقبه بزند اکتفا به آن بعید نیست. (۱)*

مسأله ۸۷۳- جمرات را از هر طرف می‌توان رمی نمود ولی مستحب است در اولی و وسطی رو به قبله بایستد و رمی کند و در جمره عقبه پشت به قبله بایستد و رمی کند.

«نیابت در رمی»

مسأله ۸۷۴- کسی که به واسطه بیماری یا عذر دیگر نتواند رمی نماید چنانچه از برطرف‌شدن عذر مأیوس باشد باید برای رمی نائب بگیرد و اگر از نائب گرفتن نیز معذور است مثل بیهوش و طفل کوچک ولیّ او یا شخص دیگری (۲) برای او رمی می‌کند و اگر پس‌از رمی عذر برطرف شد اعاده رمی لازم نیست و چنانچه امید آن باشد که عذر برطرف شود نیابت جایز است ولی اگر عذر برطرف شد باید رمی توسط خودش اعاده شود.

مسأله ۸۷۵- نیابت از طرف معذور بدون اذن او کافی نیست (۳) مگر این که از نائب گرفتن معذور باشد مثل بیهوش و طفل.

مسأله ۸۷۶- اگر عذر منوب عنه در اثناء رمی نائب برطرف شد باید خودش رمی را از سر بگیرد و اکتفا کردن به مقداری که نائب عمل کرده مشکل است.

مسأله ۸۷۷- بهتر است اگر ممکن است شخص معذور را به محل رمی ببرند و در حضور او رمی کنند و اگر می‌شود سنگ را در دست او قرار دهند و رمی کنند. (۴)*

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بعد از غروب آفتاب شک کند جایز است اکتفا به کسری جمره آخری و اگر قبل از آن باشد باید کسری همه را به ترتیب جبران کند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: در این صورت باید رمی هر سه جمره را به ترتیب از سر بگیرد.

۲- ۲ آیهٔ اللّه مکارم: در سال بعد هم نائب بگیرد.

۳- ۳ امام خمینی، آیهٔ اللّه فاضل: با یأس از برطرف شدن عذر کفایت می‌کند.

۴- ۴. آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: اگر ممکن است مریض سنگها را با دست بگیرد و دیگری برای او رمی کند.

ص: ۲۲۸

مسأله ۸۷۸- کسی که در هنگام صبح از رمی معذور است ولی می‌داند بعدازظهر عذر او برطرف می‌شود نمی‌تواند نائب بگیرد.

مسأله ۸۷۹- کسی که از رمی معذور است نمی‌تواند شخصی را که از رمی در روز عاجز است نائب بگیرد تا در شب برای او رمی کند بلکه در صورت امکان باید کسی را نائب کند که در روز برای او رمی نماید و اگر ممکن نشد بنابر احتیاط واجب خودش رمی را در روز بعد قضا کند و اگر نتوانست (۱)* نائب بگیرد.

مسأله ۸۸۰- کسی که برای رمی جمرات نائب می‌شود لازم نیست اول برای خودش سه جمره را رمی نماید و سپس به نیابت دیگران، بلکه می‌تواند هر جمره را برای خود و به نیابت دیگران رمی نماید.

مسأله ۸۸۱- مردی که برای رمی از طرف زن نائب شده باید رمی را در روز انجام دهد و در شب کافی نیست.

مسأله ۸۸۲- اگر زن احتمال دهد که رمی باعث قاعدگی او می‌شود (۲) نمی‌تواند برای آن نائب بگیرد مگر این که در اثر آن به مشقّت بیفتد. (۳)*

«شک در رمی»

مسأله ۸۸۳- اگر شک کند که رمی روز قبل را انجام داده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۸۸۴- اگر پس از رمی شک کند که آن را صحیح انجام داده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۸۸۵- کسی که مشغول به رمی جمره‌ای از جمرات است و شک کند که جمره

۱- ۱. آیهٔ اللَّه فاضل: نائب گرفتن کسی که از رمی در روز عاجز است صحیح است.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه تبریزی: قاعدگی مجوز استنابه برای رمی نیست و اگر قبل از وقوف به عرفه می‌ترسد که‌رمی باعث قاعدگی شود و نتواند طواف کند باید طواف و نماز آن را مقدم بدارد.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه سیستانی: مجرّد احتمال وقوع در مشقّت مجوّز استنابه نیست.

ص: ۲۲۹

سابق را رمی نموده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۸۸۶- اگر قبل از مشغول شدن به رمی جمره بعد شک کند به جمره‌ای که رمی کرده هفت سنگ زده یا کمتر باید مقداری را که احتمال می‌دهد ناقص گذارده بیاورد تا یقین کند هفت سنگ زده است هرچند این شک پس از انصراف از عمل و مشغول شدن‌به کارهای دیگر باشد. (۱)

مسأله ۸۸۷- اگر بعد از مشغول شدن به جمره بعدی در عدد آن شک نماید به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۸۸۸- کسی که در عدد سنگها شک دارد اگر رمی را از سر بگیرد و هفت سنگ بزند کافی است.

«زیاده در رمی»

مسأله ۸۸۹- کسی که از ابتداء قصدش این باشد که بیش از هفت سنگ به جمره بزند رمی او صحیح نیست (۲) و باید اعاده کند ولی اگر پس از زدن هفت سنگ قصد کند که چند سنگ دیگر اضافه بزند رمی او باطل نمی‌شود.

«قضاء رمی جمرات»

مسأله ۸۹۰- کسی که در یکی از روزها رمی را با علم و عمد یا به جهت جهل یا فراموشی ترک نماید باید در روز بعد آن را قضا کند و همین طور اگر رمی را در دو روز ترک کند باید هر دو روز را قضا نماید.

مسأله ۸۹۱- اگر بعد از گذشتن روزی که باید رمی کند یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رمی نکرده ولی نداند کدامیک است رمی جمره عقبه کافی است.

۱- ۱. آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه بهجت: در فرض اخیر اعتنا نکند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر شک بعد از انصراف و صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نکند.

۲- ۲ آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: در فرض تحقق قصد قربت رمی صحیح است.

ص: ۲۳۰

مسأله ۸۹۲- اگر روز سیزدهم یقین کند رمی را در یکی از سه روز قبل (روز دهم، یازدهم، دوازدهم) ترک کرده و نداند کدام است قضای رمی جمره عقبه کافی است.

مسأله ۸۹۳- قضاء هر روز را باید بر اداء مقدم کند (۱) پس اگر در روز یازدهم بخواهد قضای روز عید را بجاآورد باید ابتدا قضای روز عید را و بعد رمی روز یازدهم را انجام دهد و همچنین باید در قضای دو روز یا بیشتر ترتیب را رعایت کند. پس اگر در روز سیزدهم بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و دوازدهم را بجاآورد باید به ترتیب ابتداء رمی روز عید و سپس رمی روز یازدهم و در آخر رمی روز دوازدهم را قضا کند.

مسأله ۸۹۴- اگر یک یا دو جمره از جمرات را در روزی که باید رمی کند رمی نکرد باید در روز بعد و پیش از ادای وظیفه آن روز قضاء روز قبل را انجام دهد.

مسأله ۸۹۵- کسی که می‌خواهد قضای رمی جمرات دو یا سه روز را انجام دهد نمی‌تواند پیش از اتمام رمی سه جمره برای قضای روز سابق، مشغول قضای رمی روز بعد شود. بنابراین اگر هفت سنگ برای قضای روز اول به جمره اولی زد نمی‌تواند هفت سنگ دیگر برای قضای روز بعد بزند و سپس مشغول جمره وسطی شود. (۲)

مسأله ۸۹۶- اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب رمی نموده باید به طوری قضا کند که ترتیب حاصل شود و بعد وظیفه این روز را به جا آورد.

مسأله ۸۹۷- کسی که به یک یا چند جمره چهار سنگ زده و در روز بعد متوجه شده بنا بر احتیاط واجب باید باقیمانده روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه آن روز را بجاآورد.

مسأله ۸۹۸- اگر رمی جمرات سه‌گانه را فراموش کند و پس از این که از منی خارج شد و به مکه آمد متوجه شود باید برای قضای آن به منی بازگردد هرچند پس از ایام تشریق متوجه شده باشد (۳)* و اگر پس از خروج از مکه متوجه شود باید در سال بعد در

۱- ۱ آیهٔ اللّه مکارم: در غیر فرض عمد تقدیم قضاء واجب نیست بلکه افضل است و از اینجا حکم مسائل‌بعد نیز روشن می‌شود.

۲- ۲. آیهٔ اللّه سیستانی: رمی به این نحو هم صحیح است.

۳- ۳ آیات عظام: مکارم، گلپایگانی، صافی: اگر ایام تشریق بگذرد سال بعد خودش یا نائبش انجام‌دهد.

ص: ۲۳۱

ایام تشریق خودش یا نائبش آن را قضا کند. (۱)

مسأله ۸۹۹- اگر رمی بعضی از جمرات را فراموش کرد یا در رمی همه جمرات یا بعضی از آنها کمتر از هفت سنگ زد حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۹۰۰- شخصی که در روز سیزدهم متوجه شده که رمی جمره عقبه را در روز عید انجام نداده یا باطل انجام داده باید رمی روز عید را قضاء کند ولی اعاده رمی روز یازدهم و دوازدهم واجب نیست.

«کوچ کردن از منی

مسأله ۹۰۱- کسانی که جایز است برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم، باید بعد از ظهر کوچ کنند و جایز نیست قبل از ظهر، ولی کسانی که در روز سیزدهم کوچ می‌کنند مختارند هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

مسأله ۹۰۲- افرادی که حج به‌جا می‌آورند ووظیفه آنان بیتوته در منی می‌باشد نمی‌توانند قبل از ظهر روز دوازدهم‌از منی کوچ کنند مگر ماندن آنها در منی حرجی باشد.

مسأله ۹۰۳- اگر حاجی صبح دوازدهم از منی خارج شد باید قبل از ظهر برگردد (۲) برای تحقق کوچ کردن بعد از ظهر.

مسأله ۹۰۴- پس از انجام مبیت در شب دوازدهم، جایز است که حاجی از منی خارج شود. ولی باید روز دوازدهم برای رمی قبل یا بعد از ظهر به منی برگردد و چنانچه پیش از ظهر به منی آمد نباید قبل از ظهر از منی کوچ کند چنانچه گذشت.

«مستحبات منی»

۱- ۱. آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر پس از خروج از مکه یادش بیاید قضا در سال بعد احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: قبل از گذشت ایام تشریق باید برای رمی به منی برگردد هرچند از مکه خارج شده باشد.

۲- ۲ امام خمینی، آیهٔ اللَّه صافی: اگر در روز دوازدهم پس از رمی جمرات خارج شده واجب نیست‌برگردد.

ص: ۲۳۲

«مستحبات منی» (۱)

مسأله ۹۰۵- برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بمانـد و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود و تکبیر گفتن در منی بعـد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«أللَّهُ أكْبَرُ، اللَّهُ أكْبَرُ، لا ـ إلهَ إلّااللَّهُ وَاللَّهُ أكْبَرُ، اللَّهُ أكْبَرُ وَللَّهِ الْحَمْـدُ، اللَّهُ أكْبَرُ عَلى مـا هَـدانَا، اللَّهُ أكْبَرُ عَلى ما رَزَقَنا مِنْ بَهِيمَـةِ الْأنْعامِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ على ما أبْلانا».

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسـجد خیف بجا آورد و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسـجد خِیف، با عبادت هفتاد سال برابر است و هرکس در آنجا صد مرتبه «سُبْحانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنـده‌آزاد کردن است و هرکس در آنجـا صـد مرتبه «لا ـ إلهَ إلّااللَّهِ» بگویـد ثواب آن برابر است با ثواب کسـی که احیای نفس کرده باشد و هرکس در آنجا صد مرتبه «ألْحَمْدُ للَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدّق نماید.

«مستحبات دیگر مکه معظمه»

مسأله ۹۰۶- آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲- ختم نمودن قرآن.

۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند:

«ألَّلهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ».

و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرُ للَّهِ».

۱- ۱. آیهٔ اللَّه مکارم: مناسب است این مستحبات و مستحبات آینده بقصد رجاء انجام گیرد.

ص: ۲۳۳

۴- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن (۱)؛ در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعدازظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷- به خانه کعبه داخل شود؛ (۲) خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«أللَّهُمَّ إنَّکَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً فَآمِنِّی مِنْ عَذابِ النَّارِ».

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم، سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ أوْ تَعَبَّأَ أوْ أعَدَّ أوِ اسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إلی مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَجائِزَتِهِ وَنَوافِلِهِ وَفَواضِلِهِ فَالَیْکَ یا سَیِّدِی تَهْیِئَتِی وَتَعْبِئَتِی وَإعْدادِی وَاسْتِعْدادِی رَجاءَ رِفْدِکَ وَنَوَافِلِکَ وَجائِزَتِکَ، فَلا تُخَیِّبِ الْیَوْمَ رَجائِی یا مَنْ لا یَخِیبُ عَلَیْهِ سائِلٌ وَلا یَنْقُصُهُ نائِلٌ فَانِّی لَمْ آتِکَ الْیَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلا شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلکِنِّی أتَیْتُکَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ وَالْإساءَةِ عَلی نَفْسِی فَانَّهُ لا حُجَّةَ لِی وَلا عُذْرَ فأسْأَلُکَ یا مَنْ هُوَ کَذلِکَ أنْ تُصَلِّی عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِیَنِی مَسْأَلَتِی وَتَقْلِبَنِیبِرَغْبَتِی وَلا تَرُدَّنِی مَجْبُوهاً مَمْنُوعاً وَلا خائِباً یا عَظِیمُ یا عَظِیمُ یا عَظِیمُ أرْجُوکَ لِلْعَظِیمِ، أسْأَلُکَ یا

۱- ۱- آیهٔ اللَّه مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف‌های‌مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند.

۲- ۲- آیهٔ اللَّه مکارم: اینگونه امور در حال حاضر معمولًا امکان ندارد و هرگاه کسی نیّت آن را داشته باشد، خداوند به لطفش به او ثواب آن را می‌دهد.

ص: ۲۳۴

عَظِيمُ أنْ تَغْفِرَ لِيَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لا إلهَ إلّاأَنْتَ».

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «اللَّهُ أكْبَرُ» بگويد، پس بگويد:

«أللَّهُمَّ لا تَجْهَدْ بَلاءَنَا رَبَّنا وَلا تُشْمِتْ بِنا أعْداءَنا فَانَّکَ أنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ».

بعداً پايين آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نمايد و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

«استحباب عمره مفرده پس از حج»

مسأله ۹۰۷- بعـد از فراغت از حـج، مسـتحب است در صـورتی که ميسور باشـد عمره مفرده بجـاآورد و کيفيت عمره مفرده خواهد آمد.

«طواف وداع»

مسأله ۹۰۸- برای کسـی کـه می‌خواهـد از مکه بيرون رود، مسـتحب است طـواف وداع نمايـد و در هر شـوطی حجرالاـسود و رکن يمـانی را، در صورت امکـان، اسـتلام نمايـد و چون به مسـتجار رسـد مسـتحباتی که قبلًا برای آن مکـان ذکر شـد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نمايد، بعداً حجرالأسود را اسـتلام نموده و شـکم خود را به خانه کعبه بچسباند يک دست را بر حَجَر و دست ديگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نمايد و صلوات بر پيغمبر و آل او بفرستد و اين دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِيِّکَ وَامِينِکَ وَحَبِيبِکَ وَنَجِيِّکَ وَخِيَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، أللَّهُمَّ کَما بَلَّغَ رِسالاتِکَ وَجاهَدَ فی سَبِيلِکَ وَصَدَعَ بِأَمْرِکَ وَاوذِیَ فی جَنْبِکَ وَعَبَدَکَ حَتّی أتاهُ الْيَقِينُ، أللَّهُمَّ أقْلِبْنی مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً بِأفْضَلِ ما يَرْجِعُ بِهِ أحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَکَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ وَالْعافِيَةِ».

و مستحب است وقت بيرون آمدن از باب حناطين، که مقابل رکن شامی است،

ص: ۲۳۵

بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن به مقدار یکدرهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدّق نماید.

«عمره مفرده»

مسأله ۹۰۹- عمرده مفرده بر کسانی که شانزده فرسخ شرعی یا بیشتر از مکه دور هستند مثل ایرانیان واجب نیست مگر در موارد تبدیل حج تمتع به حج افراد که مسائلش گذشت.

مسأله ۹۱۰- بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود (۱) واجب است با احرام وارد شود و برای احرام باید نیّت عمره یا حج داشته باشد و اگر موسم حج نیست و یا نمی‌خواهد حج‌انجام دهد واجب‌است عمره‌مفرده انجام‌دهد واز این‌حکم چند گروه مستثنی هستند:

۱- کسانی که به اقتضای شغلشان زیاد وارد مکه و از آن خارج می‌شوند.

۲- کسانی که پس از اعمال عمره مفرده از مکه خارج شده و در همان ماه (۲) به مکه برگردند. (۳)

۳- کسانی که بعد از اعمال حج تمتع از مکه خارج شوند (۴) و در همان ماهی که به عمره تمتع محرم شده‌اند مراجعت نمایند.

مسأله ۹۱۱- تکرار عمره مفرده مانند تکرار حج مستحب است

مسأله ۹۱۲- کسی که می‌خواهد عمره مفرده انجام دهد در یک ماه قمری نمی‌تواند بیش از یک عمره برای خود یا دیگری انجام دهد (۵) ولی انجام بیش از یک عمره در یک

۱- ۱ آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه در حرم.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه بهجت: در ماه خروج.

۳- ۳. امام خمینی: باید به قصد رجاء محرم شود اگر در بازگشت از میقات بگذرد.

۴- ۴ امام خمینی: و بازگشت آنان قبل از گذشتن یک ماه از احرام عمره تمتع باشد.

آیهٔ اللَّه خوئی: و در همان ماه قمری که عمره تمتع انجام داده‌اند مراجعت نمایند.

۵- ۵ آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه بهجت: فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم نیست بلکه در یک روزمی‌تواند چند عمره مفرده بجاآورد. آیهٔ اللَّه بهجت اضافه فرمودند: اگرچه افضل در عمره ثانیه آن است که در ماه دیگری غیر ماه عمره سابقه باشد یا فاصله ده روز بین دو احرام باشد.

ص: ۲۳۶

ماه به صورتی که هر عمره برای یک نفر باشد جایز است مثل این که یک عمره برای خود و یکی برای دیگری یا دو عمره برای دو نفر متفاوت انجام دهد. و در این فرض اگر از طرف دیگران اجیر بر عمره مفرده شده باشد مستحق اجرت است.

تذکر: انجام بیش از یک عمره در یک ماه برای خود یا دیگری به قصد رجاء و امید مطلوبیت اشکال ندارد.

مسأله ۹۱۳- کسی که می‌خواهد حج تمتع به جا آورد می‌تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از اتمام اعمال حج تمتع عمره مفرده به جا آورد اگرچه این عمره با عمره تمتع از یک نفر بوده و در یک ماه قمری بوده باشد.

مسأله ۹۱۴- کسی که حج بر او واجب نیست یا حج واجب خود را قبلًا انجام داده و در ایّام حج‌می‌خواهد وارد مکه شود مثل کارگزاران و خدمه حج لازم نیست حج تمتع انجام دهد بلکه می‌تواند با احرام عمره مفرده وارد مکه شود یا حج افراد استحبابی به جا آورد.

«کیفیت و احکام عمره مفرده»

مسأله ۹۱۵- صورت عمره مفرده آن است که محرم شود به عمره مفرده و به مکه آمده و طواف و نماز طواف را به نیت عمره مفرده انجام دهد سپس سعی بین صفا و مروه را انجام داده و تقصیر کند و یا سر بتراشد و بعد از آن طواف نساء و نماز آن را بجاآورد.

مسأله ۹۱۶- اعمال عمره مفرده و کیفیت انجام آن مانند عمره تمتع است مگر در چند چیز:

۱- در عمره تمتع باید تقصیر کند یعنی از مو یا ناخن خود بگیرد و سرتراشیدن جایز نیست بلکه مجزی نیز نمی‌باشد ولی در عمره مفرده مخیّر است بین سرتراشیدن و تقصیر.

ص: ۲۳۷

۲- در عمره تمتع طواف نساء ندارد ولی در عمره مفرده دارد.

۳- کسی که در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده بجاآورد می‌تواند از ادنی الحل محرم شود اگرچه جایز است از یکی از مواقیت پنجگانه احرام ببندد ولی میقات عمره تمتع خصوص مواقیت پنجگانه است.

۴- عمره تمتع باید در ماههای حج (شوال- ذی القعده و ذی‌الحجه) واقع شود ولی عمره مفرده را می‌توان در تمام ماه‌ها انجام داد و افضل آنها ماه رجب است.

مسأله ۹۱۷- محل احرام بستن عمره مفرده برای کسی که در مکه است ادنی الحل و افضل مواضع آن جعرانه و حدیبیه و تنعیم می‌باشد و برای کسی که از بیرون می‌آید یکی از مواقیت پنجگانه است با تفاصیلی که در مسائل مواقیت ذکر شده است.

مسأله ۹۱۸- بعد از آن که شخص برای عمره مفرده محرم شد تمام چیزهایی که بر محرم حرام است بر او نیز حرام می‌شود و بعد از تقصیر و سرتراشیدن حلال می‌شود مگر زن که آن هم بعد از طواف نساء و نماز آن حلال می‌گردد.

مسأله ۹۱۹- طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر و یا سرتراشیدن به جا آورد و اگر به جهت فراموشی و یا به هر دلیل دیگری آن را مقدم کرد باید بعد از تقصیر یا سرتراشیدن آن را اعاده کند (۱) و اگر خودش نمی‌تواند آن را انجام دهد مثل این که به وطن برگشته باید برای طواف نائب بگیرد.

مسأله ۹۲۰- کسی که در عمره مفرده تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد باید تقصیر نموده و طواف نساء را اعاده نماید و چنانچه به وطن برگشته می‌تواند در همان جا تقصیر نماید و برای طواف نساء در صورت تمکن نداشتن از مراجعت نائب بگیرد.

مسأله ۹۲۱- کسی که عمره مفرده بجا می‌آورد می‌تواند قبل از انجام طواف نساء به میقات رفته و برای عمره تمتع محرم شود و بعد از انجام عمره تمتع طواف نساء را انجام دهد.

۱- ۱ آیهٔ اللّه بهجت: در صورت ضرورت یا نسیان و یا جهل اعاده طواف لازم نیست.

ص: ۲۳۸

مسأله ۹۲۲- کسی که در اثناء عمره مفرده بیمار شده و نتوانسته عمره را تمام کند و او را به وطن بازگردانیده‌اند و فعلًا بهبود یافته باید به مکه برگردد و اعمال را تمام کند و اگر نمی‌تواند برگردد باید برای انجام اعمال نائب بگیرد ولی خودش تقصیر کند (۱) و ترتیب بین آن و سائر اعمال مراعات شود و تا اعمال انجام نشده آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی‌شود.

تذکر: اتمام اعمال به وسیله خود شخص و یا نائب در بعض فروض مستلزم اعاده اعمال سابق است که تفصیل آنها در احکام عمره تمتع گذشت.

مسأله ۹۲۳- اگر زن بعد از احرام بستن برای عمره مفرده حیض شود و تا وقتی که در مکه است پاک نشود باید برای طواف و نماز آن نائب بگیرد و بقیه اعمال را خودش انجام بدهد و چنانچه بدون آن که اعمال را انجام دهد به وطنش برگشته، حکم آن مانند حکم مسأله قبل است.

مسأله ۹۲۴- طواف در عمره مستحبی حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود.

مسأله ۹۲۵- عمره مفرده را می‌توان در ماه‌های حج قبل از عمره تمتع انجام داد و در این مسأله فرقی بین صرورهٔ و غیر آن نیست.

مسأله ۹۲۶- وجوب عمره مفرده‌ای که بعد از حج در موارد تبدّل به افراد انجام می‌شود فوری است (۲) و بنا بر احتیاط باید مبادرت نماید عرفاً.

مسأله ۹۲۷- کسی که می‌داند بعد از احرام بستن برای عمره مفرده به علت مرض یا حدوث حیض نمی‌تواند اعمال خود را انجام دهد یا تکمیل نماید می‌تواند برای عمره مفرده احرام ببندد و اگر وظیفه او نائب گرفتن شد، نائب بگیرد.

مسأله ۹۲۸- کسی که عمره مفرده انجام داده اگر بخواهد در همان ماه قمری مجدداً از میقات عبور کند و به مکه برود لازم نیست دوباره محرم شود.

«مکان ذبح کفارات عمره و حج»

۱- ۱ آیهٔ اللّٰه سیستانی: و نیز نماز طواف را باید خودش در محل خودش بجاآورد.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه سیستانی: فوریت عمره مانند فوریت حج است.

ص: ۲۳۹

مسأله ۹۲۹- کفاراتی را که در عمره و حج بر محرم واجب می‌شود می‌تواند پس از بازگشت از حج یا عمره در هر جایی که خواست بکشد به جز کفاره صید که اگر در عمره بود، جای کشتن آن مکه و اگر در حج بوده منی است. (۱)*

«معتبر نبودن شرائط قربانی در کفارات»

مسأله ۹۳۰- حیوانی که برای کفاره می‌کشند لازم نیست که شرائط قربانی حج را داشته باشد بنابراین ذبح گوسفند خصیّ و معیوب کافی است.

مسأله ۹۳۱- حیوانی که برای کفاره یا به جهت دیگر واجب می‌شود (غیر از قربانی حج) باید تمام آن به مصرف خود برسد و کفاره‌دهنده نمی‌تواند از آن بخورد (۲) و اما از قربانی مستحبی می‌تواند بخورد.

«مصرف کفارات»

مسأله ۹۳۲- مصرف کفارات فقراء* و مساکین است (۳) و نمی‌توان آن را به کسانی که نفقه آنها بر کفاره‌دهنده واجب است داد.

«محصور و مصدود و احکام آنها»

«محصور و مصدود و احکام آنها» (۴)

مسأله ۹۳۳- به کسی که برای عمره یا حج محرم شود و سپس از انجام اعمال وی

۱- ۱. آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: فرقی بین صید و غیر آن نیست و در صورت تمکن کفارات احرام را باید در مکه بکشد و کفارات احرام حج را در منی و در صورت عدم تمکن مالی یا پیدا نشدن فقیر مؤمن باید در شهر خود یا جای دیگر کفاره را بکشد.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه تبریزی: جایز است مقداری از آن را خودش بخورد و قیمت آن را برای فقراءبه عهده بگیرد.

۳- ۳ آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: باید فقیر شیعه باشد.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه خامنه‌ای متعرض احکام آنها نشده‌اند.

ص: ۲۴۰

جلوگیری شود مصدود می گویند و اگر در اثر بیماری و مانند آن مثل کسـی که دچار شکستگی اعضاء یا ضعف ناشی از خونریزی شده و قادر به انجام اعمال نشود وی را محصور می گویند.

مسأله ۹۳۴- کسـی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند. (۱)

مسأله ۹۳۵- کسـی که برای عمره محرم شـده اگر از رفتن وی به مکه جلوگیری شـد و راه دیگری نـدارد می‌تواند در همان جا یک شتر یـا گاو یا گوسـفند قربانی کنـد و از احرام خارج شود و بنابر احتیاط واجب حلق یا تقصـیر نیز بنمایـد و در این صورت همه چیز حتی زن بر او حلال می‌شود. (۲)

مسأله ۹۳۶- کسـی که بـا احرام عمره وارد مکه شـد و دیگری او را از انجـام عمره یـا خصوص طواف یـا سـعی ممانعت نمود حکم مسأله قبل را دارد. (۳)

مسأله ۹۳۷- کسی که به جهت بدهکاری که قدرت بر پرداخت آن را ندارد یا به ناحق او را حبس کنند حکم سابق را دارد.

مسأله ۹۳۸- اگر پس از احرام، برای رفتن به مکه یـا اجـازه انجـام اعمال از او پولی درخواست کننـد چنانچه بتوانـد آن را بپردازد و برای او حرجی نیست باید پرداخت نماید و در غیر این صورت حکم مصدود را دارد.

مسأله ۹۳۹- اگر از یک راه مصدود شد ولی راه دیگری هست و مخارج رفتن از آن

۱- ۱. آیات عظام تبریزی، خوئی، سیستانی، فاضل: بقاء احرام او در بعضی صور محل منع است.

۲- ۲. آیـهٔ اللّه سیسـتانی: حکم مذکور در مورد عمره مفرده است و همچنین عمره تمتع اگر از اعمال حج نیز منع شود ولی اگر فقط از آمدن به مکه قبل از وقوفین منع شود وظیفه او به حج افراد تبدیل می‌شود.

۳- ۳. آیـهٔ اللّه بهجت: معتمر به عمره تمتّع مصـدود می‌شود به منع از دخول مکّه یـا از انجـام افعـال بعـد از دخول و متحلّل به هـدی می‌شود در صورت عـدم امکـان اسـتنابه در همان سال، اگر چه بعـد از طواف مصـدود از سـعی بشود و همچنین اگر ممنوع شـد در عمره مفرده از خصوص طواف نساء بعد از اتیان به سایر اعمال و تقصیر.

ص: ۲۴۱

راه را دارد در احرام بـاقی است و لازم است از آن راه برود و اگر رفت و حـج از او فوت شـد بایـد عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود و اگر بترسـد با رفتن از راه دیگر حـج از او فوت شود نمی‌توانـد با انجام وظیفه مصدود از احرام خارج شود بلکه باید به راه ادامه دهد و اگر حج از او فوت شد با عمره مفرده از احرام خارج شود.

مسأله ۹۴۰- مصدود شدن در حج به آن است که به هیچیک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر نرسد بلکه اگر به چیزی که با ترک آن بـدون علم و عمـد حـج باطل می‌شود- و تفصیل آن سابقاً گذشت- نرسد مصدود محسوب می‌شود بلکه کسـی که پس از وقوفین از انجام اعمال (۱) مکه ممانعت شود و نتوانـد نائب بگیرد (۲) مصـدود است بلی در صورتی که اعمال مکه را انجام داده و از بازگشت به منی برای بیتوته و انجام اعمال تشـریق ممانعت شـده مصـدود نیست و حـج او صـحیح است و بایـد برای انجام اعمـال ایـام تشـریق در این سال نائب بگیرد و اگر نشـد در سال دیگر، و همچنین کسـی که از خصوص اعمال منی منع (۳) شود که باید برای رمی و قربانی نائب بگیرد و خودش حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شود و سپس بقیه مناسک و اعمال را بجاآورد و چنانچه نتوانـد (۴) نـائب بگیرد پول قربانی را نزد کسـی بگـذارد که برای او قربانی کنـد (۵) و خودش حلق یا تقصـیر کنـد و بقیه اعمال را انجام دهد و بنا بر احتیاط در سال بعد رمی نماید.

۱- ۱ آیـهٔ اللّٰه تبریزی، آیـهٔ اللّٰه خوئی: و اگر از اعمـال مکه ممانعت شود و نتوانـد نائب بگیرد حکم صـد رادارد بلکه اگر از دخول مکه ممانعت شود می‌توانـد به وظیفه مصـدود اکتفا کنـد هرچند بتواند نائب بگیرد. آیهٔ اللّٰه تبریزی اضافه فرمودند: و همینطور اسـت اگر از اعمال قبل از وقوفین منع شود.

۲- ۲. ظـاهر عبـارت مناسـک آیـهٔ اللّٰه گلپایگـانی و آیـهٔ اللّٰه صافی این است که اگر پس از وقوفین هم از اعمال منی و هم از داخل شدن به مکه و اداء مناسک حج تا آخر ذی‌حجه منع شده باشد حکم مصدود را دارد هرچند متمکن از نائب گرفتن باشد.

۳- ۳ امام خمینی، آیهٔ اللّٰه مکارم: حکم مصدود را دارد.

۴- ۴ آیـهٔ اللّٰه بهجت: اگر همـان سـال نتوانست نائب بگیرد سال بعـد نائب بگیرد و بعیـد نیست که به وسـیله‌قربانی در همین سال از احرام خارج شود هرچند باید در سال بعد نائب بگیرد و حج او صحیح است.

۵- ۵ آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر نتواند نائب بگیرد لازم نیست قربانی کند. و به جای آن روزه بگیرد.

ص: ۲۴۲

مسأله ۹۴۱- مصدود در حج با انجام وظیفه‌ای که ذکر شد از احرام خارج می‌شود و چنانچه حج بر او مستقر شده یا در سال دیگر مستطیع است و حج واجب خود را بجانیاورد. پس از رفع منع باید دوباره به حج برود و اعمالی که انجام داده از حجهٔالاسلام کفایت نمی‌کند.

مسأله ۹۴۲- کسی که مصدود است می‌تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود هرچند امید بلکه گمان برطرف شدن مانع را داشته باشد.

مسأله ۹۴۳- اگر پس از محرم شدن به احرام عمره مفرده یا عمره تمتع به واسطه بیماری و مانند آن نتواند به مکه برود (۱) و بخواهد از احرام خارج شود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد. (۲) و قرار بگذارد که در وقت معیّن آن را ذبح کنند و پس از آن که وقت معین رسید با تقصیر (۳) از احرام خارج شود و با این کار تمام محرمات احرام غیر از زن (۴) بر او حلال می‌شود و اگر نتواند قربانی یا قیمت آن را بفرستد، در همان جا قربانی کند و با تقصیر از احرام خارج شود.

مسأله ۹۴۴- کسی که پس از احرام بستن برای حج بواسطه بیماری و مانند آن نتواند به عرفات و مشعر برود (۵) باید یک قربانی یا پول آن را به منی بفرستد و قرار بگذارد که در روز عید (۶) برای او قربانی کنند (۷) و در آن وقت تقصیر نماید و با این کار تمام محرمات

۱- ۱ آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: باید نائب بگیرد.

۲- ۲ آیات عظام: تبریزی، فاضل، خوئی: در عمره‌مفرده مخیر است بین‌آن وقربانی‌کردن درمحل خود.

۳- ۳ آیهٔ اللَّه سیستانی: یا حلق.

۴- ۴ آیات عظام: تبریزی، بهجت، خوئی: در عمره تمتع زن نیز حلال می‌شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: زن هم بر او حلال می‌شود.

۵- ۵ آیـهٔاللَّه گلپایگانی، آیهٔاللَّه‌صافی: اگر در موقع احرام باخداوند قرارگذاشته‌که اگرمحصورشد خداونداو را مُحل گرداند بدون فرستادن قربانی به منی خود به خود مُحِل می‌شود. حتی نسبت به زن.

۶- ۶ آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه تبریزی: مواعده روز عید لازم نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: مواعده تا روز سیزدهم جایز است.

۷- ۷. آیهٔ اللَّه گلپایگانی: پس از ذبح در منی نسبت به همه محرمات احرام بجز زن مُحِل می‌شود.

ص: ۲۴۳

احرام به جز زن بر او حلال می‌شود.

مسأله ۹۴۵- محصوری که با انجام وظیفه خود از احرام خارج شده (۱) چنانچه حج واجب انجام می‌داده و محصور شده برای حلال شدن زن باید در سال بعد خودش اعمال حج و طواف نساء را انجام دهد و اگر نمی‌تواند بیاید بعید نیست نائب گرفتن کافی باشد و پس از این که نائب، حج را انجام داد زن بر او حلال می‌شود و اگر حج او استحبابی بوده بعید نیست که نائب گرفتن برای طواف نساء جهت حلال شدن زن کفایت کند (۲) و احتیاط مستحب آن است که در صورت امکان خودش طواف نساء را انجام دهد.

مسأله ۹۴۶- اگر کسی که با او قرار گذارده که برایش قربانی کند در وقت مقرّر قربانی ننمود و شخص محرم بر اساس قرار از احرام خارج شد و با زن نزدیکی نمود معصیت نکرده و کفاره هم ندارد ولی باید باز قربانی یا پول آن را بفرستد و قرار بگذارد و از وقتی که هدی یا پولش را می‌فرستد از زن (۳) اجتناب کند.

مسأله ۹۴۷- تحقق محصور بودن، مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

مسأله ۹۴۸- اگر بیمار و مانند آن بهبودی یافت به طوری که توانائی رفتن به مکه را داشت (۴) باید به مکه رود هرچند بهبودی او پس از هدی یا پول آن باشد و چنانچه محرم به احرام عمره مفرده شده وقتی به مکه رسید با انجام اعمال آن، از احرام خارج می‌شود

۱- ۱ آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: برای حلال شدن زن اگر طواف و سعی و طواف نساء را درحج یا عمره مفرده‌ای انجام دهد کافی است و فرقی بین حج واجب و استحبابی نیست البته بنا بر نظر آیات عظام خوئی و تبریزی در عمره تمتع با انجام وظیفه محصور زن هم حلال می‌شود.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه فاضل: و همچنین است کسی که حج او نیابتی تبرّعی یا استیجاری بوده یا حج او واجب‌بوده و سال اول استطاعت بوده و استطاعت تا سال بعد استمرار نداشته باشد و کفایت نیابت در صورتی است که رفتن برای خود او حرجی باشد.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه سیستانی: از همه محرمات اجتناب کند.

نظر آیات عظام خوئی و گلپایگانی به‌دست نیامد.

۴- ۴ آیهٔ اللَّه سیستانی: موضوع این حکم کسی است که در احرام عمره پس از فرستادن هدی یاقیمتش یا قبل از آن حالش بهبود یابد به طوری که بتواند قبل از ذبح یا نحر هدی به مکه برسد.

ص: ۲۴۴

و اگر برای عمره تمتع محرم شده و به موقع رسید اعمال عمره و حج را بجا آورد و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره و حج را بجا آورد وقت وقوف به عرفات فوت می‌شود باید به عرفات رود و حج افراد انجام دهد. و اگر حج بر او واجب بوده پس از آن عمره مفرده بجا آورد و از حجهٔ الاسلام کافی است و اگر وقتی برسد که حج از او (به تفصیلی که در مسائل وقوفین گذشت) فوت شده عمره تمتع او به عمره مفرده مبدّل می‌شود (۱) که باید آن را بجاآورد و از احرام خارج شود و اگر حج بر او مستقر شده یا در سال بعد شرائط وجوب حج را پیدا کند حج بجاآورد.

مسأله ۹۴۹- مصدود به دشمن، در حکمی که برای مریض در مسأله پیش ذکر شده مانند اوست.

مسأله ۹۵۰- زمانی که برای قربانی قرار می‌گذارند در احرام حج روز دهم (۲) ذی‌حجه است ولی در احرام عمره تمتع یا عمره مفرده زمان معینی ندارد.

مسأله ۹۵۱- در آن چه گفته شد نسبت به محصور و مصدود فرقی نیست که برای خود محرم شده باشد یا به نیابت از طرف دیگری به نحو اجاره یا تبرّع.

مسأله ۹۵۲- اگر بعد از انجام عمره تمتع به جهت بیماری و مانند آن یا ممانعت شخص دیگری نتواند حج تمتع بجاآورد حکم محصور و مصدود را ندارد و از احرام خارج است ولی از حجهٔالاسلام کفایت نمی‌کند و چنانچه سال اول استطاعت اوست

۱- ۱ آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه تبریزی: در صورتی که قربانی اش ذبح یا نحر نشده باشد وگرنه تمام‌محرمات بجز زن بر او حلال شده است و برای حلال شدن زن بنابر احتیاط واجب باید طواف حج و سعی و طواف نساء و نماز آنها را بجا آورد.

آیهٔ اللَّه بهجت: در صورتی که قبل از فوت حج یا ذبح یا نحر قربانی که فرستاد، از احرام خارج نشده باشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر قبل از رسیدن او قربانی او را کشته باشند حلق یا تقصیر می‌کند و همه چیز جز زن بر او حلال می‌شود و برای حلال شدن زن باید طواف و سعی را در عمره یا حجی انجام دهد.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه مکارم: تا روز سیزدهم جایز است.

آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه تبریزی: در احرام حج نیز وقت معینی ندارد.

ص: ۲۴۵

حج بر او واجب نشده است.

مسأله ۹۵۳- کسی که بعد از بیماری و مانند آن محرم شود احرام او صحیح است و اگر بتواند عمره و حج را انجام دهد اگرچه با استنابه در طواف و سعی حج او صحیح است و اگر نمی‌تواند حکم محصور را دارد.

مسائل متفرقه

«شرکت در نماز جماعت اهل تسنّن»

ص: ۲۴۶

مسأله ۹۵۴- شایسته است زائرین خانه خدا نمازهای واجب یومیّه خود را با جماعت اهل تسنّن بخوانند و پس از برپاشدن جماعت آنها از جماعت تخلّف نکنند و خارج نشوند (۱) بلکه اگر این کار موجب وهن مذهب تشیّع و بدبینی به آن باشد جایز نیست.

مسأله ۹۵۵- نمازی که با جماعت اهل تسنّن خوانده می‌شود صحیح است و نیاز به اعاده ندارد. (۲)

مسأله ۹۵۶- اقامه نماز جماعت در هتل‌های مکه و مدینه اگر مفسده‌ای داشته باشد

۱- ۱ آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم فرموده‌اند: وقتی که نماز جماعت درمسجدالحرام یا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله تشکیل شد مؤمنین نباید از آنجا خارج شده و نباید از جماعت تخلّف کنند.

۲- ۲. آیات عظام خوئی، بهجت، تبریزی، سیستانی: در صورتی که حمد و سوره را برای خود آهسته قرائت کند و اگر نمی‌شود به نحو حدیث نفس بخواند و در نماز جمعه بعد از فراغ باید آن را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: اگر ضرورت باشد آیهٔ اللَّه صافی اضافه فرمودند: و همچنین اگر موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتهام به شیعه باشد.

ص: ۲۴۷

مثل این که موجب بدبینی به مذهب شود جایز نیست. (۱)

مسأله ۹۵۷- نمازی که با اهل تسنن خوانده شده اگر معلوم نیست با نظر اهل تسنن هم موافق باشد مثل این که در آن به پشت نمازگزاران صف جلو سجده شود و یا اتصال صفوف به نحوی که آنان لازم می‌دانند مراعات نشود باید نماز را اعاده کند.

مسأله ۹۵۸- در نماز جماعت اهل تسنن در مسجدالحرام که صفهای آن دائره‌ای شکل است زائرین در جائی بایستند که روبروی امام جماعت یا جلوتر از سمت راست یا چپ او نباشد. (۲)

مسأله ۹۵۹- مواردی که نماز در جماعت اهل تسنن صحیح است (۳) لازم نیست اتصال صفوف به نحوی که شیعه آن را معتبر می‌داند مراعات شود (۴) بلکه اگر جماعت بنظر اهل تسنن صحیح باشد کافی است.

«مالی که در حرم پیدا شده»

مسأله ۹۶۰- برداشتن چیزی که در حرم پیدا می‌کند کراهت شدید دارد بلکه احتیاط

۱- ۱. امام خمینی، آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: به طور مطلق فرموده‌اند جایز نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیه مداراتی باشد نماز را به جماعت نخوانند.

آیهٔ اللَّه مکارم: نماز جماعت‌های کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

۲- ۲. امام خمینی: با وضع فعلی هر جای صفوف بایستند اشکالی ندارد.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: چون اقتدا صوری است با رعایت وظیفه منفرد به نحوی که در پاورقی مسائل قبل گذشت نماز در صفوف مقابل امام نیز کافی است.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر به جهت تقیه در صفهای مقابل امام ایستاده اعاده لازم نیست و در غیر تقیه استداره جایز نیست.

۳- ۳. نظر آیات عظام در تعیین این موارد در مسائل قبل گذشت.

۴- ۴ آیهٔ اللَّه مکارم: در صورت امکان باید مراعات شود.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر هنگام اقامه جماعت اتفاقاً در جایی بود که اتصال برقرار نیست همان‌جا اقتدا کند و صحیح است ولی اختیاراً و با وسعت وقت به آنجا نرود و نماند و در این مسأله فرقی بین مردان و بانوان نیست.

ص: ۲۴۸

مستحب آن است که آن را برندارد.

مسأله ۹۶۱- چیزی را که در حرم پیدا کرده اگر ارزش آن از یک درهم کمتر باشد می‌توان آن را به قصد تملک برای خودش برداشته و مصرف نماید و ضامن صاحبش نیست و اگر قبل از مصرف و تلف شدن مالکش پیدا شد باید بنابر احتیاط آن را به صاحبش بازگرداند و اگر قصد تملک نکرده و در دست او تلف شد ضامن نیست مگر این که در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد.

مسأله ۹۶۲- چیزی که در حرم پیدا کرده اگرارزش آن یک درهم یا بیشتر باشد چنانچه آن را بردارد باید یک سال اعلام کند و از صاحب آن جستجو کند. پس اگر بعد از یک سال صاحب آن یافت نشد (۱) می‌تواند آن را برای صاحبش نگهداری نماید و در این صورت اگر بدون کوتاهی کردن تلف شد ضامن نیست و می‌تواند آن را برای صاحبش صدقه بدهد ولی اگر صاحب‌آن پیدا شد و به صدقه‌دادن راضی نشد باید عوض آن را به او بدهد (۲) و جایز نیست آن را تملک نماید و اگر تملک کند مالک نمی‌شود و ضامن هم می‌شود.

«سجده بر فرش و مانند آن»

مسأله ۹۶۳- در مسجدالحرام و مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله و سایر مساجد اگر زائرین بتوانند بر روی سنگ یا حصیر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است و از طرف مخالفین ممانعتی از سجود بر آن نیست و موجب وهن و انگشت‌نماشدن نمی‌باشد سجده نمایند جایز نیست بر فرشها سجده کنند (۳) ولی اگر ضرورت (۴) باشد سجده بر فرشها جایز است و

۱- ۱ آیهٔ اللّٰه مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش نمی‌دهد صدقه بدهد.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: و همچنین می‌تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد.

۳- ۳ امام خمینی: سجده روی فرشها مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست در جایی که‌سنگ است نماز بخواند یا با خود حصیر و مانند آن ببرد.

۴- ۴ آیهٔ اللّٰه خوئی: اگر در آن مکان امکان سجود بر آنچه سجده بر آن صحیح است را ندارد سجده بر فرش صحیح است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر تقیه اقتضاء کند و در همان جا چیزی که سجده بر آن صحیح است نباشد سجده بر فرش صحیح است و لازم نیست به جای دیگر منتقل شود.

ص: ۲۴۹

کفایت می کند.

مسأله ۹۶۴- در حکمی که در مسأله قبل ذکر شد فرقی نیست که نمازش را همراه با جماعت اهل تسنن بخواند یا فردای و پس از اتمام نماز آنان.

مسأله ۹۶۵- سجده کردن بر تمام اقسام سنگها حتی سنگهای مرمر یا سیاه معدنی صحیح است.

مسأله ۹۶۶- سجده کردن بر پشت دست صحیح نیست بنابراین کسی که در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سایر مساجد به تصور این که سجده بر پشت دست صحیح است بر آن سجده نمود باید نمازهای خود را اعاده کند (۱) و اگر نماز طواف را نیز به این کیفیت خوانده حکم کسی را دارد که نماز طواف را ترک کرده که در مسائل نماز طواف گذشت.

«احکام مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله»

مسأله ۹۶۷- در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله حایض و جنب نمی‌توانند از قسمت‌های توسعه‌یافته (۲) نیز عبور نمایند.

مسأله ۹۶۸- کسی که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله جنب شده اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می گیرد باید برای خروج تیمم بدل از غسل جنابت کند و سپس خارج شود، و اگر بیشتر وقت می گیرد باید فوراً از مسجد خارج شود.

مسأله ۹۶۹- برداشتن قرآنهای مسجدالحرام بدون این که آنها را از متصدی مربوطه

۱- ۱ آیات عظام: امام خمینی، فاضل، سیستانی، مکارم: مگر این که جاهل قاصر باشد که در این صورت‌نمازهای او و نمازهای طوافش صحیح است.

۲- ۲ آیةُ اللّٰه بهجت: این قسمتها حکم سایر مساجد را دارند و احکام خاصی ندارند.

ص: ۲۵۰

بگیرند جایز نیست هرچند بر روی آن علامت وقف نباشد و چنانچه برداشتند باید برگردانده شود.

مسأله ۹۷۰- در مسجدالحرام در وضع فعلی که برای تطهیر به ریختن مقداری آب قلیل اکتفا می‌کنند علم به نجاست همه مسجد حاصل نمی‌شود و با فرض شک محکوم به طهارت است.

مسأله ۹۷۱- در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله، و سایر مساجد اگر نماز مغرب را با جماعت اهل تسنن بخواند کافی است (۱) هرچند حمره مشرقیه زائل نشده باشد (۲)* و می‌تواند بلافاصله بعد از آن نماز عشاء را بخواند ولی اگر وقت عشاء داخل نشده (۳) باید صبر کند.

«سایر مسائل متفرقه»

مسأله ۹۷۲- در وقت نماز صبح فرقی بین شبهای مهتابی و غیر آن نیست.

مسأله ۹۷۳- برداشتن سنگهای صفا و مروه جایز نیست (۴) ولی اگر برداشت لازم نیست آن را بازگرداند و امّا برداشتن سنگ و خاک از سایر مشاعر مثل مشعرالحرام و منی و عرفات مانعی ندارد.

مسأله ۹۷۴- اگر هزینه سفر حج یا عمره شخصی را کسی بدهد که اهل پرداخت خمس نیست چنانچه آن شخص بداند که در همان مال خمس وجود دارد نمی‌تواند بدون پرداخت خمس، در آن مال تصرف کند. (۵)

۱- ۱. نظر آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، بهجت، گلپایگانی، صافی در رابطه با کفایت نمازجماعت با اهل تسنن در مسائل قبل گذشت.

۲- ۲ آیهٔاللّٰه سیستانی: اگر قبل از دخول وقت نماز با آنها بخواند کافی است.

۳- ۳ آیهٔ اللّٰه بهجت، آیهٔ اللّٰه مکارم: وقت داخل شده چون استتار قرص کافی است.

۴- ۴ آیهٔ اللّٰه سیستانی: شکستن سنگهای صفا و مروه جایز نیست ولی برداشتن آنچه از آنجا جدا شده‌مانعی ندارد.

۵- ۵ آیات عظام: خویی، تبریزی، سیستانی: تصرف در مال مزبور مانعی ندارد.

ص: ۲۵۱

مسأله ۹۷۵- اگر قاضـى اهل تسـنن در مكه حكم كنـد كه فلان روز عيـد است بايـد در وقوف به عرفات و مشـعر و اعمال منى از او متابعت نمود هرچند علم به خلاف آن باشد (۱) و در اين حكم فرقى بين يك روز يا دو روز اختلاف نيست.

«تخيير بين قصر و تمام در مكه و مدينه»

مسأله ۹۷۶- مسافر مى‌تواند نمازهاى چهار ركعتى را در تمامى دو شـهر مكه و مدينه حتى در محله‌هاى جديد آن تمام و يا شكسـته بخواند. (۲)

مسأله ۹۷۷- نماز در عرفات و مشـعر و منى شكسـته است مگر اين كه شخصى قبلًا در مكه قصد اقامت ده روز را داشته و در سفر به اين اماكن مسافت شرعى را طى نكرده باشد يا طى مسافت شرعيه مشكوك باشد كه در اين صورت بايد نماز را در اماكن مذكور و شهر مكه تمام بخوانـد بلى اگر پس از مراجعت از عرفات قصد رفتن به وطن را دارد و آمدنش به مكه از اين جهت است كه در راه او واقع شـده در مسـير بـازگشت در مشـعر و منى و مكـه حكـم مسـافر را دارد و وظيفه او نسـبت به تخيير بين قصـر و تمـام در مكه گذشت.

«مقصود از حرج»

مسأله ۹۷۸- مقصود از حرج و مشقت كه در بعض مسائل اين كتاب آمده است حرج و مشقت شخصى است مگر تصريح به خلاف آن شده باشد.

«ديوانه شدن محرم»

۱- ۱ آيـهٔ اللَّه خوئى، آيـهٔ اللَّه تبريزى: بـا علم به خلاف وقوف با آنها كافى نخواهـد بود و در اين حال اگرمكلف تمكن از عمل به وظيفه را داشته باشد ولو به وقوف اضـطرارى در مزدلفه بدون محذور حتى محذور مخالف تقيه، بايد عمل به وظيفه نمايد و در غير اين صورت حجش بدل به عمره مفرده شده و حجى نخواهد داشت و چنانچه استطاعتش از همين سال بوده و براى سالهاى بعد باقى نماند وجوب حج از او ساقط خواهد بود مگر اين كه استطاعت تازه‌اى پيدا كند كه در اين صورت دوباره حج مى‌نمايد.

۲- ۲ آيهٔ اللَّه خوئى، آيهٔ اللَّه تبريزى: اين حكم مختص به مكه و مدينه قديم است.

امام خمينى، آيهٔ اللَّه بهجت: در خارج از مسجدالحرام و مسجدالنبى صلى الله عليه و آله بايد شكسته بخواند.

ص: ۲۵۲

مسأله ۹۷۹- کسی که بعد از احرام عمره تمتع دیوانه شده است همچنان در احرام باقی (۱) می‌ماند. و نیابت کردن دیگران برای او در اعمال کافی نیست و اگر در این رابطه مالی را مصرف کنند نمی‌توانند از کسی بگیرند مگر از کسی که موجب غرور آنان شده است.

احتیاطات

۱- ۱ آیات عظام تبریزی، خوئی، فاضل: احرام او باطل می‌شود.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر احتمال بهبودی در او نیست نیازی به نیابت نیست و حج و احرام او باطل است.

ص: ۲۵۳

* م ۵- آیهٔاللَّه مکارم: در هردو صورت بنابر احتیاط از حجهٔالاسلام کفایت نمی‌کند.

* م ۹- آیهٔاللَّه بهجت: در صورتی که مستلزم تصرف در مال باشد، بنابر احتیاط اذن ولیّ در صحت حج او معتبر است.

* م ۱۳- آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، صافی، فاضل: و همچنین در غیر صید بنابر احتیاط واجب.

* م ۳۲- آیهٔاللَّه بهجت: بنابر احتیاط واجب داشتن مخارج عائله غیر واجب‌النفقهٔ شرعی شرط نیست، مگر این‌که با ترک انفاق بر آنها خودش به حرج بیفتد.

* م ۵۲- آیات عظام گلپایگانی، صافی، مکارم: بعد از احرام احوط ترک رجوع است و آیات عظام گلپایگانی و صافی نسبت به رجوع به عین مبذوله تفصیلی در مناسک عربی دارند.

* م ۵۴- آیهٔاللَّه مکارم: احتیاط در غیر عمد آن است که باذل بپردازد.

* م ۷۹- آیات عظام گلپایگانی، صافی: در صحت آن اشکال است و احتیاط ترک نشود، عالم باشد یا جاهل.

ص: ۲۵۴

* م ۸۹- آیهٔاللّه بهجت: در غیر صبی ممیّز مشکل است.

* م ۸۹- آیات عظام گلپایگانی، صافی: در نیابت از مجنون اشکال است مگر آن‌که به‌قصد رجاء آورده شود.

* م ۸۹- آیهٔاللّه مکارم: نیابت از بچه و دیوانه‌ای که حج بر او مستقر نشده خالی از اشکال نیست.

* م ۱۰۲- امام خمینی: بنا بر احتیاط منوب‌عنه نباید به آن اکتفا کند.

* م ۱۰۳- آیات عظام خامنه‌ای، مکارم، سیستانی: اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد محل اشکال است.

* م ۱۰۹- آیهٔاللّه بهجت: در نیابت از میّت به وظیفه خودش عمل می‌کند و در نیابت صحیح از زنده فی‌الجملهٔ احتیاط می‌کند.

* م ۱۰۹- آیهٔاللّه تبریزی: و بنابر احتیاط مراعات تقلید منوب‌عنه را بنماید و بنابر احتیاط لازم است آن عمل بنا به تقلید وصیّ و ورثه هم صحیح باشد.

* م ۱۲۲- آیهٔاللّه بهجت: در نیابت از میت به وظیفه خودش عمل می‌کند و در نیابت صحیح از زنده فی‌الجمله احتیاط می‌کند.

* م ۱۲۲- آیهٔاللّه تبریزی: بنابر احتیاط مراعات تقلید منوب‌عنه را بنماید.

* م ۱۳۵- آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد در استحقاق تمام اجرت اشکال است.

* م ۱۴۸- آیات عظام امام خمینی، سیستانی، فاضل: احتیاط واجب آن است که از درون مسجد شجره محرم شوند.

* م ۱۴۸- آیهٔاللّه تبریزی: جایز است در طرف راست یا چپ مسجد قدیم محرم شود، ولی احتیاط واجب این است که از قبل از آن محرم نشود.

ص: ۲۵۵

* م ۱۵۴- آیات عظام بهجت، تبریزی: احوط این است که هر مقدار ممکن است به‌طرف میقات برود و محرم شود.

* م ۱۷۴- آیهٔاللَّه خامنه‌ای: اگر شوهر حضور دارد باید بنابر احتیاط نذر زن با اجازه او باشد.

* م ۲۱۵- آیات عظام بهجت، خوئی، تبریزی، سیستانی: احوط این است که ازار (لنگ) خویش را به گردن خود بلکه مطلقاً گره نزند، ولو بعضی از آن را به بعض دیگر، و با چیزی مانند سنجاق آن را به هم وصل نکند. و احوط این است که رداء نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد.

* م ۲۲۴- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: صحت عمره او محل اشکال است و احتیاط ترک نشود.

* م ۲۲۷- آیات عظام: امام خمینی، فاضل: بنابر احتیاط برای غیر زینت نیز نگاه نکند.

* م ۲۲۸- آیهٔاللَّه مکارم: هرگاه برای تزیین و اصلاح خود باشد اشکال دارد.

* م ۲۴۹- آیهٔاللَّه مکارم: بنابر احوط کفاره دارد.

* م ۲۵۵- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم: بنابر احتیاط کفاره متعدد می‌شود.

* م ۲۶۲- امام خمینی: احتیاط مراعات شود.

* م ۲۶۲- آیهٔاللَّه سیستانی: بنابر احتیاط خشک کردن صورت با حوله یا دستمال جایز نیست، هرچند همه صورت را نپوشاند ولی تمیز کردن بینی و مانند آن اشکال ندارد.

* م ۲۶۵- آیهٔاللَّه تبریزی و آیهٔاللَّه خوئی: احوط آن است که از صورت دور نگاه دارد.

* م ۲۶۶- آیات عظام: تبریزی، خوئی، بهجت: بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره بدهد.

* م ۲۸۴- آیهٔاللَّه خامنه‌ای: اگر زینت محسوب شود، بنابر احتیاط جایز نیست، اگرچه

ص: ۲۵۶

قصد زینت نکند.

* م ۳۱۳- آیات عظام بهجت، تبریزی: حرمت و ثبوت کفاره مبنی بر احتیاط است.

* م ۳۱۳- آیةاللّه سیستانی: برای سواره احوط ترک آن است مگر این‌که سایه کوتاه باشد که سر و سینه را فرانگیرد.

* م ۳۱۶- آیةاللّه گلپایگانی: احتیاط آن است که به اختیار خود، روز از آن تونل‌هایی که صدق رفت و آمد در منزل نمی‌کند نرود.

* م ۳۱۶- آیةاللّه تبریزی: بنابر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.

* م ۳۱۶- آیةاللّه خامنه‌ای: احتیاط به ترک تظلیل در شب‌های بارانی و سرد ترک نشود مگر این‌که این احتیاط موجب حرج شود.

* م ۳۲۸- آیات عظام: تبریزی، بهجت، مکارم، خوئی: بنابر احتیاط گواهی بر عقدی که قبلًا واقع شده نیز بر محرم حرام است.

* م ۳۳۵- آیةاللّه فاضل و آیةاللّه مکارم: اگر انزال شود بنابر احتیاط یک شتر کفاره بدهد.

* م ۳۳۹- آیةاللّه سیستانی: اگر قبل از سعی باشد احتیاط واجب این است که عمره را تمام کند و پس از آن حج به‌جا آورد و در سال آینده هردو را دوباره به‌جا آورد.

* م ۳۳۹- آیةاللّه سیستانی: کفاره‌اش بنابر احتیاط یک شتر و یا یک گاو است.

* م ۳۴۶- آیات عظام امام و فاضل: کندن دندان جایز نیست، هرچند خون نیاید علی‌الأحوط.

* م ۳۶۶- آیةاللّه مکارم: احتیاط این است که از محل محفوظتر نقل نشود.

* م ۳۸۹- آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود.

* م ۴۰۷- آیةاللّه سیستانی: بنابر مشهور شرط نیست.

ص: ۲۵۷

* م ۴۱۱- آیات عظام امام خمینی، تبریزی، صافی، فاضل، مکارم: بنابر احتیاط باید صبر کند.

* م ۴۱۲- آیهٔاللَّه بهجت: احوط جمع بین وضو یا تیمم بدل از آن و تیمم بدل از حدث اکبر است.

* م ۴۱۲- آیهٔاللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط باید بار دیگر تیمم بدل از غسل کند.

* م ۴۱۳- اگر حدث بعد از سه شوط و نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، صافی فرموده‌اند: بنا بر احتیاط طواف را بعد از تحصیل طهارت تمام کند و نماز بخواند و سپس آن دو را اعاده کند.

* م ۴۱۳- آیات عظام خوئی، تبریزی: احتیاط این است که پس از تحصیل طهارت یک طواف کامل به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

* م ۴۲۰- آیهٔاللَّه مکارم: احتیاط واجب آن است که اگر بعد از شوط چهارم باشد بعد از تحصیل طهارت طواف را تکمیل و سپس اعاده نماید.

* م ۴۲۱- آیهٔاللَّه مکارم: بنابر احتیاط در صورتی که بعد از شوط چهارم باشد، پس از تحصیل طهارت طواف را تکمیل و سپس اعاده نماید.

* م ۴۲۶- آیات عظام امام خمینی، صافی، خامنه‌ای: در فرض فراموشی نجاست احتیاط واجب اعاده است.

* م ۴۲۸- آیات عظام خوئی، تبریزی: اگر قبل از شوط چهارم باشد احوط این است که بعد از تطهیر یک طواف به‌قصد اعم از اتمام و تمام انجام دهد.

* م ۴۲۹- آیات عظام امام خمینی، خوئی، تبریزی و صافی: در فرضی که علم پیدا کند که لباس یا بدنش نجس بوده یا نجاست را فراموش کند و در اثناء طواف یادش بیاید احتیاط آن است که طواف را رها کند و پس از تطهیر آن‌را تکمیل نماید و بعد از

ص: ۲۵۸

خوانـدن نماز طواف، طواف و نماز آن را اعاده نمایـد. (بنابر نظر آقایان خوئی و تبریزی می‌توانـد به این نحو احتیاط کند که پس از تطهیر یک طواف به‌قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد).

* م ۴۵۶- آیـهٔاللّه تبریزی: در صورت امکان بنابر احتیاط طواف بایـد در محدوده فاصـله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السـلام باشد، ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

* م ۴۵۶- آیـهٔاللّه بهجت: ظـاهر این است که طواف در دورتر از مسافت ۵/ ۲۶ ذراع نیز کافی است برای کسانی که نتواننـد در این محـدوده طواف کننـد یـا طواف در آن برای آنـان مشـقت داشـته باشـد و مراعات احتیاط با قـدرت و تمکن، متعین است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع.

* م ۴۶۶- آیـات عظـام خوئی، تبریزی: هرگـاه طواف‌کننـده پیش از تجـاوز از نصف طواف بـدون عـذر از مطاف خارج شود، اگر موالاـت عرفیه از او فوت شود، طوافش باطـل و اعـاده‌اش لازم است و چنان‌چه موالات فوت نشود یا خروجش بعـد از تجاوز نصـف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده، سپس اعاده کند.

* م ۴۶۷- آیـات عظام امام خمینی، خوئی، تبریزی، صافی: در فرضـی که چهار دور به‌جا آورده احتیاط آن است که طواف را تمام کند و بعد اعاده نماید. (در این مسأله فتوای آیهٔاللّه خامنه‌ای در دست نیست).

* م ۴۷۸- آیات عظام گلپایگانی، صافی: بنابر احتیاط طواف باطل است.

* م ۴۸۱- آیات عظام بهجت، مکارم: بنابر احتیاط واجب طواف واجب را قطع نکند.

* م ۴۹۳- آیات عظام گلپایگانی، صافی: احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز آن‌است.

ص: ۲۵۹

* م ۴۹۳- آیهْاللَّه بهجت: احوط بطلان طواف است.

* م ۵۰۰- فتوای آیات عظام مکارم و بهجت در فرض جهل به‌دست نیامد.

* م ۵۰۲- آیهْاللَّه مکارم: صحت حج او محل اشکال است.

* م ۵۰۲- آیهْاللَّه بهجت: اگر بعد از اعمال حج فهمید، غیر از تدارک، در صورت امکان عمره مفرده هم به‌جا آورد علی الأحوط.

* م ۵۰۴- آیهْاللَّه سیستانی: اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است سپس از سر گرفته باشد، طواف صحیح است، و اگر بعد از شوط چهارم باشد، در صورتی که استیناف پس از فوت موالاهْ عرفیه بوده صحیح است وگرنه مشکل است مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

* م ۵۰۵- فتوای آیهْاللَّه خامنه‌ای در این مسأله در دست نیست.

* م ۵۱۱- آیات عظام گلپایگانی، صافی، فاضل: اگر حدوث حیض بعد از سه شوط و نیم و قبل از شوط چهارم بود و وقت ندارد طواف را رها نموده سعی و تقصیر را احتیاطاً انجام دهد و تروک احرام را ترک نماید و رجاءً محرم به احرام حج تمتع شود و اعمال آن‌را به قصد مافی‌الذمهٔ از تمتع و افراد انجام دهد و پس از پاک شدن ابتدا طواف ناقص عمره را تکمیل نموده، نماز بخواند و بعد بقیه طواف‌ها را به‌جا آورد (آیهْاللَّه فاضل: و احتیاطاً سعی و تقصیر عمره را نیز اعاده کند) و احتیاطاً عمره مفرده نیز انجام دهد.

* م ۵۱۸- آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، خوئی، فاضل، صافی: احوط آن است که طواف را تمام کند و پس از تحصیل طهارت اعاده نماید.

* م ۵۱۸- فتوای آیهْاللَّه خامنه‌ای در دست نیست.

ص: ۲۶۰

* م ۵۱۹- آیات عظام خوئی، تبریزی: چنان‌چه بین پنجاه سال و شصت سال خون به صفات حیض باشد، بنابر احتیاط قرشیه و غیر قرشیه بین احکام حائض و مستحاضه جمع کند.

* م ۵۲۱- آیات عظام بهجت، گلپایگانی: بنابر احتیاط غسل مستحبی کفایت از غسل واجب نمی‌کند.

* م ۵۲۲- آیهٔالله فاضل: (در مبتلای به حدث غائط یا بول یا ریح فرموده‌اند) اگر مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او سر می‌زند خود را تطهیر کند و وضو بگیرد و برای نماز هم وضو بگیرد و بنابر احتیاط واجب برای طوافش نایب هم بگیرد.

* م ۵۲۲- آیات عظام خوئی، تبریزی: (در مبطلای به حدث غائط فرموده‌اند) مبطون احوط این است که در صورت ممکن هم خود طواف نموده و هم نایب بگیرد. (و آیهٔالله تبریزی همین احتیاط را در مبتلای به حدث ریح نیز فرموده‌اند)

* م ۵۳۵- آیات عظام سیستانی، مکارم: بنابر احتیاط کافی نیست. (فتوای آیهٔالله خامنه‌ای در دست نیست).

* م ۵۵۲- نظر آیهٔالله خامنه‌ای در دست نیست.

* م ۵۵۲- آیات عظام امام خمینی، صافی، مکارم: در ظن در افعال احتیاط کند.

* م ۵۵۳- آیات عظام سیستانی، تبریزی: اگر عمداً موالات را به‌هم زد، احتیاط آن است که نماز را بخواند و سپس طواف و نماز را اعاده کند.

* م ۵۵۷- آیهٔالله سیستانی: اگر نتواند نماز را پشت مقام در نزد آن بخواند احوط آن است‌که هم‌نزد مقام‌بخواند در طرف‌راست یاچپ وهم دور ازآن، ولی‌در پشت مقام.

* م ۵۶۴- آیات عظام گلپایگانی، صافی: به‌جماعت بخواند ولی اکتفاء به آن اشکال دارد و واجب است به‌طور فرادی نیز بخواند. (و در عمره مفرده استحبابی اگر وقت

ص: ۲۶۱

برای تصحیح قرائت نباشد می‌فرمایند احتیاطاً نایب هم بگیرد)

* م ۵۶۵- آیات عظام گلپایگانی و صافی: به‌احتیاط ثبت‌شده در مسأله قبل رجوع شود.

* م ۵۶۵- آیات عظام خوئی، تبریزی: بنابر احتیاط به جماعت هم بخواند و نایب هم بگیرد.

* م ۵۷۱- آیـةاللَّه گلپایگـانی: بنـابر احتیاط به‌قصـد منوب‌عنه اعمال را به‌جا آورد ولکن صـحت عمره مـذکور برای منوب‌عنه محل اشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نماید.

* م ۵۷۱- آیات عظام خوئی، تبریزی: احتیاط این است که حج را به نیت نیابی تمام کند.

* م ۵۹۳- آیةاللَّه سیستانی: اگر عمداً بدون هیچ عذری تأخیر انداخته احتیاط واجب اعاده طواف و نماز آن است.

* م ۵۹۳- نظر آیةاللَّه خامنه‌ای در مورد حکم صحت نماز و طواف در این مسأله در دست نیست.

* م ۶۰۰- آیـةاللَّه سیسـتانی: احتیـاط واجب اتیان به سـعی است، ولی اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، مگر احتمال بدهـد عمـداً سعی را تأخیر انداخته که در این‌صورت احتیاط واجب اعاده طواف و نماز هم هست.

* م ۶۰۰- آیةاللَّه تبریزی: احوط اعاده طواف و نماز و اتیان به سعی است.

* م ۶۰۰- نظر آیات عظام خوئی و خامنه‌ای در دست نیست.

* م ۶۰۰- آیةاللَّه مکارم: احتیاطاً سعی را انجام دهد.

* م ۶۰۷- آیات عظام سیستانی و فاضل: بنابر احتیاط اگر موی خود را چیده، کفاره مذکور را بدهد.

* م ۶۳۵- آیات عظام خوئی، گلپایگانی: فقط فرموده‌اند: به‌جا آوردن عمره مفرده بین

ص: ۲۶۲

عمره تمتع و حج تمتع جایز نیست.

* م ۶۳۶- آیات عظام امام خمینی، صافی به‌طور مطلق فرموده‌اند: بنابر احتیاط خروج جایز نیست.

* م ۶۳۷- آیهٔاللّٰه سیستانی: بنابر احتیاط واجب نباید از مکه خارج شود و این احتیاط شامل غار حراء می‌شود.

* م ۶۳۷- آیات عظام امام خمینی، صافی: بنابر احتیاط خروج از مکه جایز نیست و تشخیص موضوع با مکلف است.

* م ۶۴۹- آیات عظام امام، صافی، فاضل، مکارم، خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که حج افراد به‌جا آورد و پس از آن عمره مفرده و در سال دیگر حج را اعاده کند.

* م ۶۵۱- فتوای آیهٔاللّٰه خامنه‌ای در دست نیست.

* م ۶۵۱- آیهٔاللّٰه بهجت: جواز عدول به عمره تمتع محل تأمل و احتیاط است، مگر این‌که متمکن از انجام عمره تمتع نباشد.

* م ۶۵۱- امام خمینی: این حکم در حج واجب محل اشکال است.

* م ۶۶۹- آیهٔاللّٰه مکارم: حج او خالی از اشکال نیست.

* م ۶۷۴- آیهٔاللّٰه سیستانی: اما اگر قبل از وقت قصد وقوف کرده، ولی در تمام وقت خواب یا بیهوش باشد کفایت این وقوف محل اشکال است.

* م ۶۹۱- امام: احتیاط آن است که حج را تمام و سال دیگر اعاده کند.

* م ۶۹۱- نظر آیهٔاللّٰه خامنه‌ای در این مسأله در دست نیست.

* م ۶۹۳- فرع ۳ امام: احتیاط آن است که حج را تمام و سال دیگر اعاده کند.

* م ۶۹۳- فرع ۵ آیات عظام امام، فاضل: احتیاط واجب در این‌صورت اتمام و اعاده است اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک نکرده باشد والّا حج او باطل است.

ص: ۲۶۳

* م ۶۹۳- فرع ۵ آیـﺔاللَّه صافی: احتیاط در آن ترک نشود به این‌که اعمال را به‌قصد مافی‌الذمهٔ از عمره و حج به‌جا آورد و در سال بعد نیز در صورتی که حج بر او مستقر بوده یا استطاعتش باقی باشد حج به‌جا آورد.

* م ۶۹۳- فرع ۵ نظر آیهٔاللَّه خامنه‌ای در دست نیست.

* م ۶۹۳- فرع ۱۱ آیات عظام فاضل، مکارم، بهجت: بنابر احتیاط حج باطل است.

* م ۶۹۳- فرع ۱۱ نظر آیهٔاللَّه خامنه‌ای در این مسأله به‌دست نیامد

* م ۶۹۳- فرع ۱۱ آیهٔاللَّه بهجت: مورد تأمل است.

* م ۶۹۳- فرع ۱۲: نظر آیهٔاللَّه خامنه‌ای در مورد این مسأله در دست نیست.

* م ۷۰۷- آیات عظام خوئی، تبریزی، خامنه‌ای: احتیاط این است که به منی رفته و رمی نموده و در سال بعد رمی را شخصاً خودش و یـا نـائبش به‌جـا آورد و اگر بعـد از خروج از مکه یادش آمـد واجب نیست برگردد، بلکه سال دیگر خودش یا نائبش بنابر احتیاط رمی می‌کند.

* م ۷۰۸- آیـﺔاللَّه بهجت: کسانی که عـذر دارنـد از این‌که روز رمی کنند می‌توانند شب عمل کنند، یعنی شب مقدم با علم به عدم تمکن از رمی در روز، و اما شب مؤخر با علم به‌تمکن از رمی‌قضائی در روزمؤخر پس‌احوط تأخیر قضاءاست تا طلوع آفتاب.

* م ۷۲۷- آیات عظام خوئی، تبریزی، بهجت: احوط آن است که قدری از ذبیحه بخورند و قدری هدیه دهند و قدری صدقه دهند.

* م ۷۳۴- آیهٔاللَّه سیستانی: خالی از اشکال نیست.

* م ۷۴۱- آیات عظام گلپایگانی، صافی: احتیاط واجب آن است که حیوانی را که شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکنند.

* م ۷۴۵- آیهٔاللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط ناقص را ذبح کند و در سال بعد نیز خودش و یا

ص: ۲۶۴

نائبش باید حیوان دیگری را که واجد شرائط است قربانی کند.

* م ۷۴۵- امام خمینی: اگر هدی ناقص یافت شود (از غیر جهت خصی بودن) احتیاط واجب آن است که آن را ذبح کند و یک هدی تام هم در بقیه ذی‌الحجهٔ و اگر نشد در سال آینده ذبح کند.

* م ۷۴۵- آیهٔ‌اللّٰه سیستانی: در هدی ناقص از غیر جهت خصی احتیاط این است که بین ذبح ناقص و روزه اگر در ایام تشریق یافت نشد جمع نماید و اگر در بقیه ذی‌الحجهٔ هدی تام یافت شود به احتیاط واجب آن را نیز اضافه کند.

* م ۷۴۶- آیهٔ‌اللّٰه بهجت: و احوط آن است که در صورت تأخیر از ذی‌حجه همان سال، جمع کند بین آن و صوم ده روز

* م ۷۵۷- آیهٔ‌اللّٰه فاضل: و نیز اگر تلف مستند به ذابح باشد بنابر احتیاط ضامن است اگرچه عمل را تبرعاً انجام داده باشد.

* م ۷۶۹- آیهٔ‌اللّٰه سیستانی: اگر موفق نشود همه سه روز را پیش از روز عید به‌جا آورد بنابر احتیاط کفایت نمی‌کند آنها را روز هشتم و نهم و یک روز دیگر پس از برگشت از منی بگیرد.

* م ۷۷۵- آیهٔ‌اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب در ذی‌حجه سال آینده.

* م ۷۷۵- آیهٔ‌اللّٰه گلپایگانی: در ذبح نیت مافی‌الذمهٔ از هدی یا کفاره بکند و سپس بنابر احتیاط هفت روز پی‌درپی نزد اهلش روزه بگیرد.

* م ۷۸۱- آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، تبریزی، مکارم، گلپایگانی، صافی: هفت روز دیگر را بنابر احتیاط واجب قضا کند.

* م ۷۸۴- آیات‌عظام‌خوئی، تبریزی: بنابر احتیاط واجب اول تقصیر و سپس حلق نماید.

* م ۷۹۶- آیات عظام خوئی، بهجت، تبریزی: احتیاط این است که به کوتاه کردن موی

ص: ۲۶۵

ابرو اکتفا نکند.

* م ۸۰۵- آیات عظام امام، صافی، فاضل و سیستانی: اگر ترتیب را از روی علم و عمد رعایت نکرد در صورت امکان احوط اعاده است.

* م ۸۰۹- آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب صید تا ظهر روز سیزدهم بر او حرام است.

* م ۸۰۹- آیةاللّه مکارم: احتیاط این است که در این حال صید را ترک کند.

* م ۸۱۴- آیات عظام بهجت، تبریزی، فاضل: بنابر احتیاط جایز نیست.

* م ۸۱۹- آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: و بنابر احتیاط واجب صید تا ظهر روز سیزدهم.

* م ۸۱۹- آیةاللّه مکارم: احتیاط در ترک صید است هرچند خارج حرم باشد.

* م ۸۲۰- آیةاللّه گلپایگانی: و احوط برای این چند طائفه تقدیم طواف نساء و نماز آن است رجاءً سپس اعاده بعد از مناسک منی درصورت تمکن والّا باید نائب بگیرد.

* م ۸۲۰- آیةاللّه تبریزی: چنان‌چه سعی را مقدم کرد احتیاط واجب آن است که در وقتش اعاده نماید.

* م ۸۲۰- فرع سوم، آیات عظام تبریزی، مکارم: احتیاط آن است که مقدم دارد و بعداً اگر نتوانست، برای طواف نائب بگیرد.

* م ۸۲۳- آیةاللّه تبریزی: چنان‌چه سعی را مقدم کردند احتیاط واجب آن است که در وقتش اعاده کنند.

* م ۸۲۴- آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، خامنه‌ای، صافی، فاضل: بنابر احتیاط در موردی تقدیم بدارند که هر سه عمل را مقدم انجام دهند.

* م ۸۳۷- آیات عظام گلپایگانی، صافی: اگر برای او مشکل است که به مکه مراجعت

ص: ۲۶۶

نماید واجب است نایب بگیرد که برای او طواف کند و در این صورت بنابر احتیاط واجب هدی بفرستد، و احوط آن است که شتر باشد.

* م ۸۴۴- آیهٔ‌اللَّه بهجت: بنابر احتیاط واجب قبل از اتمام شوط پنجم کفاره دارد.

* م ۸۶۸- آیـهٔ‌اللَّه بهجت: صاحب عـذر در شب رمی می‌کند، یعنی شب مقدم با علم به عدم تمکن از رمی در روز و اما شب مؤخر با علم به تمکن از رمی قضائی در روز مؤخر پس احوط تأخیر قضا است تا طلوع آفتاب.

* م ۸۷۰- آیات عظام گلپایگانی، صافی: در عالم و جاهل احتیاط لازم آن است که طوری اعاده کند که ترتیب حاصل شود.

* م ۸۷۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، مکارم: احتیاط آن است که رمی هر سه جمره را به‌ترتیب از سر بگیرد.

* م ۸۷۷- آیـهٔ‌اللَّه بهجـت: و اگر ممکن است مریض سـنگ را بـدعت گیرد که دیگری بیانـدازد او را و جمـع کنـد بین این کـار و استنابه علی‌الاحوط.

* م ۸۷۹- آیهٔ‌اللَّه مکارم: احتیاط آن است که هم نایب بگیرد و هم قضای آن را روز بعد به‌جا آورد.

* م ۸۸۲- نظر آیهٔ‌اللَّه گلپایگانی و آیهٔ‌اللَّه خامنه‌ای در این مسألهٔ در دست نیست.

* م ۸۹۸- آیـات عظـام امـام، فاضـل، خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که خودش یا نائبش از مکه برگردد و به‌جا آورد و در سال دیگر هم در ایامی که فوت شده است خودش یا نائبش قضا کند.

* م ۹۲۹- آیـات عظـام امام، خامنه‌ای، فاضل: احتیاط این است که کفاره محرمات احرام عمره در مکه ذبـح شود و کفاره محرمات احرام حج در منی (آیهٔ‌اللَّه فاضل اضافه فرموده‌اند: ولی فعلًا که گوشت آن در آن دو مکان مصرف فقرای مؤمن نمی‌شود

ص: ۲۶۷

ذبح در وطن جایز بلکه مطابق احتیاط است تا به مصرف فقرای مؤمن برسد).

* م ۹۲۹- آیـةاللّه سیسـتانی: کفاره‌ای که در عمره مفرده واجب شده بنابر احتیاط واجب در مکه مکرمه و اگر در عمره یا حج تمتع واجب شده بنابر احتیاط واجب در منی ذبح شود.

* م ۹۳۲- آیةاللّه سیسـتانی: به احتیاط واجب باید مؤمن باشد مگر این‌که مؤمن مستحق پیدا نشود که می‌توان به ضعفای غیر ناصبی داد.

* م ۹۷۱- آیةاللّه خوئی: اگر نماز قبل از زوال حمره مشرقیه باشد احتیاط رعایت شود.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹